پیش کسوتان فرهنگی ایران

(پس از اسلام)

تحقیق از مهدی صفی نژاد

با همکاری بهمن صفی نژاد

تیرماه ۱۳۹۰شمسی

ژوئیه ۲۰۱۱میلادی

با تاکید بر اهمیت تاریخی-فرهنگی شهرستان ری

عنوان : پیش کسوتان فرهنگی ایران (پس از اسلام)
نام پدید آورنده : مهدی صفی نژاد - بهمن صفی نژاد
مشخصات ظاهری : قطع وزیری - ۲۳۴ صفحه
وضعیت فهرست نویسی : فیپا

پیش کسوتان فرهنگی ایران

(پس از اسلام)

تحقیق از مهدی صفی نژاد

با همکاری بهمن صفی نژاد

نوبت چاپ اول/ سال انتشار ۱۳۹۵/ شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

مقدمه

مولف این تحقیق تاریخی در سالهای ۱۳۴۲تا ۱۳۶۰ در اداره کل مطالعات و برنامه های وزارت آموزش و پرورش و دفتر کل تربیت معلم مسئولیت مستقیم در زمینه برنامه ریزی آموزشی داشته و با توجه به استاندارد های آموزشی یونسکو و با در نظر گرفتن نیازهای آموزشی و امکانات جذب و توسعه در هر منطقه ، نسبت به تخصیص نیروی انسانی جهت استخدام و تاسیس مراکز تربیت معلم و تامین بودجه مورد نیاز برای سالهای مورد نظر برنامه عمرانی مشخص میگردید.نتیجه این بررسی ها این بود که برنامه های تنظیم شده بر اساس نیازهای واقعی مناطق تدوین وپیاده نمودن این برنامه ها بدون اشکال بود.

نتیجه گیری بنده از ۱۸ سال برنامه ریزی آموزشی این است که مسئولین مربوطه برای تهیه برنامه های عمرانی-فرهنگی ، رسالت تاریخی و وظایف انسانی خویش را فراموش نکرده و با توجه به واقعیت های عینی و تبادل نظر با صاحب نظران در هر رشته اقدام نمایند.

بدیهی است در طول ۱۴ قرن گذشته،نیاکان وظیفه شناس ما (فرخ خان و ذکریا رازی ، یعقوب لیث صفاری ، ابن سینا ، فردوسی ...) برای حفظ و نگهداری این مرز و بوم و تقویت زبان فارسی فداکاریهای بسیار زیادی نموده و آثار عظیم آنان برای چند قرن در دانشگاهای اروپا و آسیا مرجع مطالعات دانش پژوهان بوده است و در بسیاری از موارد مهاجمین تدریجا فرهنگ و اندیشه ایرانی را بطور کامل پذیرفتند.در این مورد به عنوان نمونه میتوان از خواجه نصیرالدین طوسی وزیر با تدبیر هلاکوخان مغول نام برد که با اقدامات و روشهای سنجیده خویش ، موجبات مرگ المعتصم آخرین خلیفه عباسی را فراهم و به حکومت آنان پایان داد.

در این بررسی بطور خلاصه زندگی حدود یکصد نفر از پیش کسوتان فرهنگی در دوران سیاسی و نظامی ایران در طول ۱۴ قرن گذشته مورد بررسی قرار گرفته و به

فعالیت های خستگی ناپذیر آنان برای حفظ و نگهداری این مرز و بوم و کسب موفقیت های علمی بی نظیر با توجه به محدودیت آنان در شرایط سخت گذشته مورد بررسی قرار گرفته است.

تجربه عملی مولف درتهیه و تنظیم برنامه های آموزشی و تربیت معلم ، در نظر گرفتن شرایط زمان ومکان و تربیت معلم بومی برای هر منطقه بوده است.

در این زمینه ملاحظه گردید که استان سیستان و بلوچستان قادر به جذب سهمیه خویش در مراکز تربیت معلم نبوده و علت آن معتقدات محلی در جایز نبودن تحصیل دختران است.مولف شخصا به زاهدان رفته و با آقای مولوی عبدالعزیز رهبر مذهبی بلوچستان ملاقات و به ایشان عرض کردم: اگر خانم یا دختر شما احتیاج به معاینات پزشکی داشته باشد، ترجیح میدهید که معاینه توسط خانم یا آقای دکتر باشد. ایشان با قدری تامل به آهستگی جواب دادند اگر خانم دکتر باشد بهتر است.بنده عرض کردم اگر خانم دکتر از منسوبین محلی شما باشد چطور؟

ایشان با خوشحالی کامل جواب دادند ، دیگر نور علی نور است.

بنده اظهار داشتم که برای نیل بدین هدف میخواهم مراکز تربیت معلم دخترانه تاسیس نمایم به امید اینکه در این مرکز صدها دختر بومی تربیت و فارغ التحصیل گردیده و تدریجا در زیر دست آنان هزاران نفر در سطوح مختلف فارغ التحصیل و منطقه از این عقب ماندگی نجات یابد.ایشان با خوشرویی کامل جواب دادند ، همین امشب به تمام مولوی ها با تلفن میگویم که با شما کاملا همکاری نمایند.و روز بعد برای اولین بار به سراوان رفته و اولین مرکز تربیت معلم را در آن منطقه مرزی دایر نمودم.

بیوگرافی مؤلف کتاب

مؤلف این تحقیقات تاریخی مهدی صفی نژاد در سال ۱۳۱۰ شمسی در شهرری متولد و پس از پایان تحصیلات ابتدائی خویش در دبستان عظیمیه شهر ری، تحصیلات متوسطه خویش را در شهرری و دبیرستان پهلوی تهران به پایان رسانده و در رشتهٔ زیست شناسی و علوم تربیتی در خرداد ماه سال ۱۳۳۵ فارغ التحصیل و بعنوان دبیر علوم طبیعی در تهران وارد خدمت فرهنگی خویش گردیدم.

در خرداد ماه سال ۱۳۳۹ تحصیلات خویش را در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران به پایان رسانیده و بعنوان محقق با مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی همکاری خویش را آغاز نمودم.

اولین تحقیقات آماری- اجتماعی مربوط به سرشماری سال ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ را زیر نظر استاد دکتر عباسعلی خواجه نوری تحت عنوان «نظری به وضع سواد و فرهنگ در کشور ایران» برای مرکز آمار ایران در اسفند ماه سال ۱۳۴۱ شمسی چاپ و منتشر گردید.

در سال ۱۳۴۴ شمسی برای ادامه تحصیل در رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی به هندوستان اعزام و در انستیتوی آسیائی مدیریت و برنامه ریزی و مرکز جمعیت شناسی بمبئی TATA INSTITU تحصیل وپس از بازگشت در اسفند ۱۳۴۴ بعنوان کارشناس مسئول برنامه ریزی در اداره تحقیق و برنامه ریزی مسئولیت بیشتری را عهده دار گردیده و برمبنای هرم سنی جمعیت و آمار فرهنگی کشور، سهمیه تربیت معلم و ردیف های استخدامی مناطق مختلف آموزشی کشور در هر سال تعیین و بصورت یک نشریه مستقل منتشر میگردید.

در سال ۱۳۴۹ شمسی پس از قبولی در امتحانات مربوط برای ادامه تحصیل در رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی عازم انگلستان گردیده و در دانشگاه Reading به مدت یکسال تمام تحصیلات تئوریک و عملی (Case study) را به پایان رسانیده و پایان نامه تحصیلی خویش را با عنوان «مقایساتی چند در مورد مسائل و خط مشی های آموزشی ایران و انگلستان» انجام داده، و در اسفند ماه سال ۱۳۵۷، این جزوه تحقیقی به زبان فارسی منتشر و در اختیار همکاران فرهنگی خویش قرار گرفت.

فهرست تحقیقات فرهنگی- اجتماعی منتشر شده این جانب بشرح زیر خلاصه میگردد:

۱- Educational planning in IRAN (mehdi-sefinejad)

University of Reading (۱۹۷۰- ۷۱)

۲- some comparison of Educational planning and educational problems Between IRAN and England (Lancashire county)
University of Reading, school of Education (۱۹۷۰- ۷۱)

۳- میدان های تهران- تغییرات قیمت محصولات کشاورزی و ... از تولید تا مصرف در ۴۵ صفحه از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران- اسفند ماه ۱۳۴۰. این تحقیق برای سالهای ۷۸ و ۱۳۸۹ بصورت مقایسه ای تکمیل گردید.

۴- بررسی گروه واجب التعلیم و اطفال ۱۰-۶ ساله خارج از مدرسه به تفکیک مناطق مختلف شهری و روستائی در سال ۱۳۴۳ شمسی این نشریه از طرف اداره کل مطالعات و برنامه ها چاپ و در اختیار کلیه نشریات ادارات آموزش و پرورش کشور قرار گرفت.

۵- روش برآورد هزینه در برنامه ریزی آموزشی از انتشارات یونسکو ترجمه مهدی صفی نژاد The Casting of Educational plans فروردین ماه ۱۳۵۱

۶- بررسی اعتبارات آموزشی و هزینهٔ سرانهٔ آموزشهای قبل و ضمن خدمت در سازمانهای دولتی، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، قسمت برنامه ریزی آموزشی از مهدی صفی نژاد تیرماه ۱۳۵۱.

۷- خصوصیات برنامه ریزی آموزش و پرورش تألیف مهدی صفی نژاد شهریور، ۱۳۵۱.

۸- بررسی نیروی انسانی در برنامه ریزی آموزش و پرورش ترجمه مهدی صفی نژاد، آذر ماه ۱۳۵۱، G.P.Khare- دهلی نو ۱۹۶۵ June

۹- تکنیک برنامه ریزی آموزشی برای دانشجویان دوره لیسانس خرداد ماه ۱۳۵۲.

۱۰- مفهوم واقعی روابط عمومی (رابطه شغلی و اجتماعی) و نقش آن در سازمانهای آموزشی. ترجمه مهدی صفی نژاد بهمن؛ ۱۳۵۳ وزارت آموزش و پرورش- دفتر کل تربیت معلم

public Relation-Philip.Lesly که در سال ۵۵-۵۴ از طرف دانشکده علوم تربیتی دانشگاه سپاهیان انقلاب در مامازن منتشر گردید.

۱۱- تأسیس و توسعهٔ دانشسراها و مراکز تربیت معلم، اسفندماه ۱۳۵۳.

۱۲- آموزش و پرورش تطبیقی جلد اول- نظام و برنامه ریزی آموزشی در ژاپن، دی ماه ۱۳۵۶، ترجمه مهدی صفی نژاد- دفتر تربیت معلم.

۱۳- آموزش و پرورش تطبیقی جلد دوم، نظام و برنامه ریزی آموزشی در انگلستان اسفند ماه ۱۳۵۷.

۱۴- اصول و سیستم های مختلف برنامه ریزی آموزشی از مهدی صفی نژاد- دفتر آموزش ضمن خدمت وزارت آموزشی و پرورش شهریور ماه ۱۳۵۵.

۱۵- ارزشیابی برنامه پنجم و برنامه های تفصیلی مراکز تربیت معلم در سالهای برنامهٔ ششم عمرانی مرداد ماه ۱۳۵۶.

۱۶- New policy of educational planning for rural development in IRAN (۱۳۵۶)

این طرح توسط یونسکو از طریق گوگل در اینترنت ثبت و قابل ملاحظه است.

۱۷- تحقیقات تاریخی «پیش کسوتان فرهنگی ما» از مهدی صفی نژاد تیرماه ۱۳۹۰ شمسی

پیش کسوتان فرهنگی ما از زمان ذکریای رازی (متولد ۲۴۰ هجری = ۲۳۴ شمسی) تا سال ۱۳۸۸ شمسی

فصل اول- اهمیت تاریخی- فرهنگی شهرستان ری، اشاره ای به زندگی محمد بن ذکریای رازی در قرن دوم هجری،توسعه مدارس ری در زمان سلجوقیان و آل بویه، شیخ صدوق، حضرت عبدالعظیم حسنی و خواجه نصیرالدین طوسی پیش کسوتان فرهنگی ما پس از خرابی ری تا اواسط دوره صفوی (شاه عباس کبیر).

فصل دوم- فعالیت های بی نظیر میرزا تقی خان امیرکبیر برای تأسیس و توسعهٔ مدرسه دارالفنون از سال ۱۲۶۶ هجری قمری، استادان، دانشجویان و فارغ التحصیلان مدرسه دارالفنون.

فصل سوم- تأسیس وزارت معارف و اوقاف در سال ۱۲۷۵ هجری، فهرست وزرای معارف در دوره قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۰ شمسی، نیروی انسانی و بودجه مدارس کشور در سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ شمسی.

فصل چهارم- پیش گامان فرهنگی، از سال ۱۲۷۵ هجری ۱۲۲۸ شمسی در تهران و ری، نقش مطبوعات در اشاعه فرهنگ نوین

فصل پنجم- تاریخچه مختصر اعزام محصل به خارج از کشور و مشاغل مورد تصدی آنان پس از بازگشت در سال های ۱۲۶۶- ۱۲۲۶ هجری و بعد از تأسیس دارالفنون.

فصل ششم- بررسی مشاغل عمده تعدادی از فارغ التحصیلان اعزامی پس از بازگشت به ایران به تفکیک برای ۳۵ نفر، ۵۷ نفر از نخستین ها در رشته تخصصی خویش و ۶۰۰ نفر بصورت گروهی.

فصل هفتم- نظر اجمالی به اوضاع فرهنگی شهرستان ری در سال تحصیلی ۲۹- ۱۳۲۸ شمسی و مقایسه آن با سال تحصیلی ۸۸- ۱۳۸۷ .

متمم فصل اول- از جنگ قادسیه تا انقراض بنی امیه ص ۱۷۸

فصل اول- اهمیت تاریخی- فرهنگی شهرستان ری تا اواسط دوره صفوی در قرن یازدهم هجری قمری . در صفحات۱۴تا۴۱

۱ -اشاره مختصری به تاریخ ری باستان ص ۱۴

۲ -تصرف ری توسط اعراب در سال ۱۹ و ۲۰ هجری ص ۱۵

۳ -قیام فرخ خان رازی در سال ۶۴ هجری، قیام ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۰ هجری، خونخواهی و قیام سندباد- نیشابوری در سال ۱۳۶ هجری و اعلام استقلال عبدالجبارین عبدالرحمن فرماندار خراسان در سال ۱۴۲ هجری ص ۱۶

۴ -دانشمندان بزرگ ری، اشاره مختصری به زندگی ابوبکر محمد بن ذکریای رازی حکیم و شیمی دان ایرانی ص ۱۷ تا ۲۰

۵ -یعقوب لیث صفاری، بنیان گذار زبان فارسی پس از تسلط اعراب در سال ۲۴۷ هجری ص ۲۱

۶ -توسعه مدارس ری در زمان سلجوقیان- اشاره مختصری به زندگی صاحب بن عباد ص۲۳ و ۲۴

۷ -آثار قدیمی شهر ری از نظر باستان شناسی ص ۲۷

۸ -بقاء و اماکن مُتبرکه شهرستان ری حضرت عبدالعظیم حسنی، شیخ صدوق و ... ص ۲۸ تا ۳۰

۹ -علت و عوامل وجود امامزاده‌ها و رهبران مذهبی در ری، ص ۳۰.

۱۰ -سرانجام اختلافات مذهبی در ری، تسلط مغولان بر ری و مرگ چنگیزخان مغول در ۶۲۴ هجری

۱۱ -پیش کسوتان فرهنگی ما پس از خرابی ری تا اوایل صفویه:

اتابکان فارس ص۳۱، خواجه نصیرالدین طوسی ص ۳۲، سعدی ص ۳۴، عبید زاکانی و حافظ ص ۳۵، حمداله مستوفی ص ۳۶، شمس الدین قیس رازی ص ۳۷

۱۲ -علمای نامی ری پس از مغول تا زمان شاه عباس کبیر در قرن یازدهم، محمد سلیم، امین احمد، قاضی احمد محمد غفاری ص۳۷

۱۳ -پیش کسوتان صنعت فرش، خوش نویسی و مهندسی شهرسازی ایران، استاد غیاث الدین جامی ص ۳۹.

استاد بهزاد ص ۳۹، شیخ بهائی و خدمات بزرگ او ص۴۰و۴۱.

فصل دوم- امیرکبیر و برنامه‌هایش برای تأسیس دارالفنون، روسا ، اساتید و فارغ التحصیلان دارالفنون . در صفحات ۴۲تا۵۲

۱ -امیرکبیر و برنامه‌هایش برای تأسیس دارالفنون

۲ -استادان خارجی و ایرانی مدرسه دارالفنون در ابتدا- افتتاح دارالفنون در ۱۲۶۸ قمری

۳ -نظم دارالفنون و توزیع دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی (۷ رشته در ابتدای تأسیس، ۱۱۴ دانشجو)

۴ -بودجه درالفنون به تفکیک سالهای مورد بررسی

۵ -رؤسا و مدیران مدرسه دارالفنون از زمان افتتاح در ۱۲۷۵ قمری تا احمدشاه قاجار:

۵ -الف- علی قلی خان اعتضام السلطنه از سال ۱۲۷۵ قمری = ۱۲۳۷ شمسی بمدت ۲۲ سال

۵ -ب- جعفر قلی خان هدایت (نیرالملک اول) و رضا قلی خان (نیرالملک دوم) (۵- ج)

۵- د- محمد حسین خان ادیب الدوله اول و محمد حسن خان ادیب الدوله دوم (۵- هـ)

۶- توزیع سنواتی فارغ التحصیلان دیپلمه دبیرستان دارالفنون از ۹۳- ۱۲۹۲ قمری تا سال ۱۳۰۵- ۱۳۰۴ قمری

۷- سرنوشت دارالفنون پس از مرگ ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۳ هجری قمری

۸- تأسیس اولین مدرسه دخترانه عفتیه در تهران در سال ۱۳۱۵ قمری

فصل سوم- تأسیس وزارت معارف و اوقاف در ۱۲۷۵ هجری- ۱۲۳۸ شمسی . در صفحات ۵۳تا۷۹

۱ -اولین وزیر معارف مرحوم علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه در ۱۲۷۵ هجری ص ۵۴

۲ -تأسیس دبستان عظیمیه شهرری به مدیریت حسن رازی در ۱۲۸۲ شمسی هم زمان با وزارت علاء الملک. ص ۵۴

۳ -اسامی ۵ نفر از مهم ترین وزرای معارف در سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۳۴۴ هجری قمری ص ۵۴تا۵۶

علی قلی میرزا- علی قلی خان هدایت- جعفرقلی خان نیرالملک، میرزا محمودخان علاء الملک، میرزا احمد خان نصیرالدوله بدر.

۴ -توزیع دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و فارغ التحصیلان کشور در ۳ سال تحصیلی ۰۲- ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴- ۱۳۰۳. شمسی

توزیع کارکنان شاغل وزارت معارف در سال ۱۳۰۵ شمسی ص ۵۸

۵ -بودجه وزارت معارف به تفکیک فصول مختلف در ۳ سال مورد بررسی فوق (۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ شمسی)

عایدات سالیانه مدارس کشور در ۳ سال تحصیلی مورد بررسی ص ۶۰

۶- وزرای آموزش و پرورش در سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۳ شمسی، وزارت یحیی خان قراگوزلو (۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲) و فعالیت های مثبت او در مدت ۵ سال و قانون اعزام محصل ص۶۱و۶۲

۷- ادامه فهرست وزرای آموزش و پرورش و بیوگرافی تعدادی از آنان تا سال ۱۳۹۰ شمسی.

عیسی صدیق، علی اصغر حکمت و اقدامات قابل توجه او ص ۶۴، میرزا اسماعیل مرآت ص ۶۵، دکتر محمود حسابی ص ۶۶.

دکتر مهدی آذر و محمد درخشش ص ۶۷، ناتل خانلری ص۶۸ هادی هدایتی ص ۶۹، فرخ روپارسای و هوشنگ شریفی ص ۷۰،

دکتر غلامحسین شکوهی ص ۷۰، محمد علی رجائی ص ۷۱ دانشسرا محمد جواد باهنر ص ۷۲، محمد علی نجفی ص ۷۳.

۸- فهرست اسامی وزرای معارف از بدو تأسیس تا پایان دوره قاجار و ادامه فهرست در دوره جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۰ شمسی در صفحات ۷۵تا۷۹

فصل چهارم- پیش گامان فرهنگ جدید، در تهران و ری از سال ۱۲۷۵ هجری قمری – ۱۲۳۸ شمسی . در صفحات ۸۰تا۸۷

۱ -علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه، اولین وزیر معارف ایران، میرزا محمد علی خان شیرازی مدیر مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ هجری قمری (با تأئید امیر کبیر)

۲ -تأسیس دبستان عظیمیه شهرری توسط آقای حسن رازی هم زمان با وزارت میرزا محمود خان علاء الملک در سال ۱۲۸۲ شمسی= ۱۳۲۴ هجری قمری

۳ -تأسیس اولین مدرسه طب در سال ۱۳۰۱ و اولین مدرسه حقوق در سال ۱۳۰۳ شمسی

۴ -فهرست اسامی ۷۰ نفر از پیش کسوتان و مسئولین مدارس جدید (استادان خارجی و ایرانی دارالفنون ۱۲ نفر بودند که در فصل دوم به فعالیت آموزشی آنها اشاره شده است) تهران و ری در سال ۱۳۰۴ شمسی. ص ۸۲ تا ۸۵

۵ -نقش روزنامه ها در اشاعه فرهنگ نوین در دوره ناصری و مظفری. ص ۸۶ و ۸۷ روزنامه دولت علیه ایران، شرف، شرافت، عروه الوثقی، قانون، صوراسرافیل و ندای وطن.

۶ -فهرست پیش کسوتان فرهنگی و اشاعه دهندگان زبان فارسی از زمان امویان تا امیرکبیر بشرح مندرج در فصل اول این بررسی و ذکر نام ۳ نفر از آنان در این فصل (فرخ خان رازی، سندباد نیشابوری و یعقوب لیث صفاری)

فصل پنجم- تاریخچه مختصر اعزام محصل به خارج از کشور . در صفحات۸۸تا۱۱۸

الف- دانشجویان اعزامی در سالهای ۱۲۲۷ و ۱۲۳۰ هجری قمری

ب- دانشجویان اعزامی در سالهای ۱۲۵۴، ۱۲۶۰ و ۱۲۶۳ قمری قبل از سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در ۳ نوبت، گروه سوم، چهارم و پنجم در زمان محمد شاه قاجار.

ج- اعزام اولین گروه از دانش آموزان ایرانی در زمان ناصراالدین شاه (۹۲ نفر در ۳ نوبت)

نوبت اول ۳ نفر به سرپرستی فرخ خان امین الدوله

نوبت دوم ۴۷ نفر به سرپرستی فرخ خان

نوبت سوم ۴۲ نفر به سرپرستی امیرنظام گروسی

د- اعزام دانشجویان جدید در زمان سلطنت احمد شاه قاجار :

۳۰ نفر در رشته های مورد نظر

هـ - بررسی رشته تحصیلی دانشجویان اعزامی از زمان محمد شاه تا احمد شاه قاجار (۱۲۲۷ تا ۱۳۳۹هجری قمری) ۱۱۲ سال به تفکیک رشته تحصیلی و کشور محل تحصیل دانشجویان و اعزام محصل از طرف وزارت فواید عامه در سالهای ۱۳۰۵- ۱۳۰۲ شمسی

ر- توزیع سنواتی دانشجویان اعزامی در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۶ شمسی.

فصل ششم- بررسی مشاغل عمده تعدادی از فارغ التحصیلان اعزامی و موقعیت اجتماعی پدران آنها . در صفحات ۱۱۹ تا۱۵۳

الف-.پست های موردتصدی و فعالیت های فرهنگی – سیاسی ۳۵ نفر از دانشجویان اعزامی پس از بازگشت ص۱۱۹تا۱۴۷

ب- فهرست اسامی ۵۶ نفر از دانشجویان اعزامی که پس از بازگشت در رشته تخصصی خویش نخستین بوده اند مثل نخستین پروفسور علوم جدید پزشکی، دکترای علوم اجتماعی، رادیولوژیست و غیره. ص ۱۴۷تا۱۵۱

ج- موقعیت اجتماعی پدران دانشجویان اعزامی. ص ۱۵۱

د- مشاغل عمده ۶۰۰ ششصد نفر از فارغ التحصیلان اعزامی به خارج از کشور پس از بازگشت ص ۱۵۲و۱۵۳

هـ - میزان اطلاع فارغ التحصیلان از زبانهای خارجی برای یکصدنفر از آنان ص ۱۵۳

فصل هفتم- نظر اجمالی به تحول فرهنگ نوین شهری از سال ۱۲۸۲ تا سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی و ۵۸ سال بعد . در صفحات ۱۵۴ تا۱۶۷

۱ -حسن رازی بنیان گذار فرهنگ نوین شهرری در سال ۱۳۲۳ هجری قمری = ۱۲۸۲ شمسی و تأسیس دبستان عظیمیه در شهر ری

۲ -فهرست دبستانهای ۴، ۵ و ۶ کلاسه شهرری در سال تحصیلی ۳۰- ۱۳۲۹ شمسی.

۳ -تأسیس دبیرستان عظیمیه شهرری در سال تحصیلی ۱۳۲۶ شمسی، کادر آموزشی و دانش آموزان

۴ -دبستان دخترانه عفت در سال تحصیلی ۲۸-۱۳۲۷ شمسی

۵ -دبستانهای ۶ کلاسه رضائیه فیروزآباد (مختلط) و شادی یافت آباد (مختلط)

۶ -دبستانهای دخترانه فخر رازی و ملی طاهریه.

۷ -دبستان ۶ کلاسه پسرانه فیض شهرری و مختلط شهاب

۸ -دبستان ۶ کلاسه مختلط کهریزک

۹ -دبستان پسرانه و دخترانه سیمان

۱۰ -دبستان ۶ کلاسه مختلط زیوان

۱۱ -دبستانهای ۵ کلاسه و ۴ کلاسه حومه شهرری

۱۲ -توسعه فرهنگی شهرری در ۵۸ سال گذشته (۳۰- ۱۳۲۹ تا سال تحصیلی ۸۸- ۱۳۸۷ شمسی)، به تفکیک تعداد مدارس، دانش آموزان دختر و پسر، کارکنان آموزشی و اداری.

* منبع- سالنامه فرهنگ شهرری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ و آمار اجمالی آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۸- ۱۳۸۷

فصل اول- اهمیت تاریخی- فرهنگی شهرستان ری تا اواسط دوره صفوی در قرن یازدهم هجری قمری

۱-اشاره مختصری به تاریخ ری باستان:

اهمیت ارتباطی وموقعیت اجتماعی-جغرافیائی وحاصل خیزی زمین های کشاورزی در ری موجب گردیده بود که در ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در زمان داریوش هخامنشی، ری دارای بهترین موقعیت سیاسی ونظامی بود ودر کتیبه بیستون آن جا که داریوش شرح فتوحات وهنر نمائی های خود رابرای عبرت آیندگان بر سینه سخت کوه کنده است از شهرستان ری بنام راگا ذکر شده است و داریوش از این شهر پر جمعیت قشونی به یاری پدر خود ویشتاسب حکمران ایران شرقی که دچار طغیان سر کشان ویاغیان منطقه ورکان (جرجان وگرگان)و پرتو (پارت) شده بود فرستاد.
در کتاب مذهبی یهود بنام تورات هم از این شهر بنام راگس ذکر شده که اروپائیان بصورت لاتین آن راژس میخوانند.به گفته امین احمد رازی نویسنده تذکره هفت اقلیم، ری ولایتی بنام است وبجز بغداد هیچ شهری بزرگ تروآباداان تر از ری نبوده است .بعضی از مورخان میگویند ری از اقلیم چهارم است واز نظر قدمت آن را شیخ البلاد میخوانند و به گفته دانشمند بزرگ حمداله مستوفی بنای آن را به شیث پیغمبر نسبت می دهند.[1]
این شهر بزرگ بر سایر شهرهای ایران امتیاز دیگری هم داشته وآن اینکه هم چون واتیکان در شهر رم که مرکز سلطنتی روحانی پاپ است.مرکز سلطنتی روحانیون زرتشتی بود.که با قدرت ونفوذ فراوان خویش سُنن ایرانی را در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان حفظ میکرده اند.

۲-تصرف ری توسط اعراب وشورش فرخ خان رازی پس از مرگ یزیدبن معاویه

[1] ماخذ.مقاله دکتر عبدالحسین نوائی که در نشریه سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی سالانه فرهنگ شهرری ص۲۰۱۸ مندرج است

در سال ۱۹و۲۰ هجری قمری در زمان خلافت عمربن خطاب،عمار یاسر بفرمان عمر،عمربن زیدالخیل طائی فرمانده سپاه اعراب پس از فتح نهاوند به ری لشکر کشید وآن را تصرف نمود سران سپاه عمربن زید در این حمله ۸ نفر بودند که شهادت را سعادت میدانستند.[1]

در زمان حکومت معاویه بن سفیان، عبیدالله زیاد، سعد بن وقاص (ابن سعد) را با فریب حکومت ری وادار به قتل حسین بن علی نمود.

در سال ۶۴ هجری پس از مرگ یزیدبن معاویه، مردم ری خروج کرده و سردار شان فرخ خان رازی آغاز خلافت نمود. عامر والی کوفه ابتدا محمد تمیمی را با لشگری به ری فرستاد و در این جنگ فرخ خان رازی شکست خورد. در سال ۶۸ هجری والی کوفه، عتاب بن ورقای ریاحی والی اصفهان را برای سرکوبی مجدد فرخ خان به ری فرستاد. در این جنگ فرخ خان رازی کشته و یارانش گریختند[2]

در زمان خلافت منصور عباسی، مهدی بعنوان حاکم به ری آمد، ری تازه را بنا نمود و بر گرد آن خندقی کند و باروی محکمی از آجر و ساروج در اطراف آن بنا نمود و آن را محمدیه نامید. مردم ری شهر درون را بنام ری خوانده و قسمت بیرونی شهر را فصیل گفتند.

قلعه معروف زیبندی بنام محمدیه در درون شهرری قرار داشته و بفرمان والی جدید، قلعه محمدیه تعمیر و ترمیم گردید. پس از مدتی قلعه محمدیه تبدیل به زندان و سپس ویران و تخریب گردید.

سپاهیان عرب پس از ۴۸ سال مبارزه (سال ۲۰ تا ۶۸ هجری) و کشتار وسیع بر مدائن و ری دست یافته، آثار گرانبهای تاریخی، اموال و جواهرات سلطنتی ساسانیان را تصرف نموده ولیکن هنوز قادر به تصرف مرکز روحانیون زرتشتی در قلعه اسی ناوند از قراء دماوند نبودند. این قلعه که در دهکده مرتفع و کوهستانی رینه در کنار رودخانه هراز قرار داشت در برابر سران عرب مقاومت میکرد.[3]

---

[1] جغرافیای تاریخی ری–تهران.تالیف سرتیپ حسین یکرنگیان چاپ دانشکده افسری سال۱۳۳۲ ص۷وص۱۳

[2] منبع ص ۸ کتاب تاریخ ری و طهران باستان تألیف سرتیپ میرحسین یکرنگیان، چاپ دانشکده افسری سال ۱۳۳۲ شمسی

[3]. مقاله دکتر عبدالحسین نوائی، ص ۲۰ و ۲۱ سالنامه ۳۰- ۱۳۲۹ فرهنگ شهر ری

پس از قتل فرخ خان رازی در سال ۶۸ قمری،ری به پناهگاهی برای سران و فرماندهان بنی امیه تبدیل گردید. به نحوی که در سال ۱۳۰ هجری، ابومسلم خراسانی سردار ایرانی دعوت خویش را برای قیام علیه بنی امیه برای ابراهیم امام در شهرهای سمرقند و طخارستان فرستاد و به سایر شهرهای شرقی و مرکزی ایران نیز نمایندگانی فرستاد.

در سال ۱۳۶ هجری قمری، منصور خلیفه عباسی به مرکز و شرق ایران که منطقه اقتدار ابومسلم بود حمله نموده و پس از شکست قحطبه الشیب سردار ابومسلم برری تسلط یافته و ابومسلم را با خدعه و تزویر به دربار خویش فرا خوانده به قتل رساند.[1] در همین سال سندباد گبر نیشابوری بنام فیروز اصبهپد که از دوستان ابومسلم بود به خونخواهی وی قیام و دوباره بر نیشابور ری و قزوین تسلط یافت ولیکن در جنگ با جمهور بن مروان، سردار اعزامی منصور خلیفه عباسی شکست خورد و در ناحیه‌ای بین طبرستان و قومس به قتل رسید.

در سال ۱۴۲ هجری قمری، موبد بزرگ زرتشتیان بنام مُصمغان و برادرش پرویز و ۲ دخترش پس از مقاومتی سرسخت بدست تازیان اسیر و فروغ آتشکده آنان خاموش گردید.[2]

ایرانیان ناراضی از سلطه اعراب و خلفای بنی امیه، از خاندان بنی عباس حمایت کامل نمودند ولیکن خلفای بنی عباس نیز پس از استیلای کامل همان خط مشی بنی امیه را ادامه دادند. این خط مشی موجب گردید که نهضتهای استقلال طلبانه ایرانی در مناطق مختلف کشور قوت گرفت به نحوی که صفاریان در منطقه فارس و جنوب، طاهریان در خراسان و علویان در گیلان و مازندران اعلام استقلال نمودند. در سال ۱۴۲ هجری، عبدالجبارین عبدالرحمن فرماندار خراسان از فرمان منصور خلیفه عباسی سرپیچی نمود و خلیفه سردار بزرگ خویش المهدی بالله را به ری فرستاد، نامبرده سپس به نیشابور حمله نمود، و عبدالجبار را اسیر نموده و به ری بازگشت.

المهدی بالله در مدت ۲ سال حکومت بر ری (۱۴۴- ۱۴۲ هجری) برای آبادانی شهر ری همت گماشت و در داخل شهر مسجد جامع بزرگی برپا نمود و اطراف شهر نیز خندق ایجاد نمود.

---

[1] . تاریخ مدارس ایران. از عهد ایران باستان تا امیرکبیر تألیف حسین سلطانزاده، چاپ ۱۳۶۴، انتشارات آگاه ص ۶۴ .

[2] .تاریخ مدارس ایران. از عهد باستان تا امیر کبیر تألیف حسین سلطانژاد چاپ ۱۳۶۴، انتشارات آگاه ص ۶۶.

در سال ۱۸۹ هجری هارون الرشید به اتفاق ۲ فرزندش مأمون و امین به ری آمد و پس از ۴ ماه اقامت به بغداد بازگشت و دستور داد جعفربرمکی وزیر با لیاقت ایرانی اش را مقتول و جسدش را بسوزانند. در سال ۱۹۵ هجری سپاهیان امین و مأمون در ۵ فرسخی ری با هم بجنگ پرداخته و فرمانده سپاه امین بنام علی بن عیسی در این جنگ به قتل رسید. آبادانی و مرکزیت شهرستان ری در زمان هارون الرشید و مأمون خلیفه عباسی روز بروز بیشتر گردید و پس از آنها نیز تجمل و شکوه ری در زمان سلاطین دیلمی و سلجوقیان بسیار افزایش یافت و ری مرکز حکومت بسیاری از آنان از جمله عضد الدوله و فخر الدوله دیلمی بود و شهرستان ری مرکز علم و هنر آن زمان گردید. به دستور فخر الدوله یکی از مُنجمین در ری رصدخانه‌ای ساخت و تجهیزات فنی نجومی اختراع کرد بنام سدس فخری.

سالهای سلطنت فخرالدوله دیلمی فقط ۱۴ سال بود (از ۳۷۳ تا ۳۸۷ هجری)

سلاطین دیلمی و سلجوقیان توجه خاصی به علما و دانشمندان زمان خویش داشته و صاحب ۷ اقلیم تعداد این بزرگان را قریب ۵۰ نفردانسته که مهمترین آنها عبارتند از:

۱ -از اساتید علم طب و شیمی دان بزرگ، محمدبن ذکریای رازی.

۲ -از مُتبحرین علوم، امام المتکلمین، فخر رازی

۳ -از عرفا، ابوذکریا، یحیی بن مُعاذ

۴ -از علماء، امیرتاج الدین حسن

۵ -از قضات، قاضی مسعود

از بزرگان علم و دانش فوق الذکر، در این جا اشاره‌ای به زندگی ذکریای رازی بشرح زیر می-نمائیم.

۴- ابوبکر محمدبن ذکریای رازی (۳۲۰- ۲۴۰ هجری قمری)

محمد بن ذکریای رازی در سال ۲۴۰ هجری قمری برابر ۱۹۸ هجری شمسی در شهرری متولد گردید. وی نه تنها افتخار مردم ری و قوم ایرانی است بلکه از کسانی است که بشریت به وجود او مفتخر است. پدرش فردی تاجر پیشه و خیلی مایل بود که او را به شغل تجارت وارد نماید ولیکن

وی برخلاف میل پدرش ابتدا شوق و علاقه زیادی به موسیقی داشت و سپس با ایجاد یک انقلاب فکری از این کار منصرف و به آموختن علم فلسفه و نجوم، پزشکی و شیمی پرداخت.
ذکریای رازی علم طب را در مدت کمتر از ۵ سال از ۳۵ سالگی در بغداد شروع نموده و در اندک مدتی سرآمد علمای طب زمان خویش گردید. وی برای اولین بار اسید سولفوریک و الکل را کشف و در رشته شیمی بقدری مسلط بود که اغلب دانشمندان اروپائی او را یک شیمیست بزرگ می‌دانند.
ذکریای رازی پس از تکمیل معلومات خویش در رشته طب، از بغداد به محل تولدش شهرستان ری مراجعت و برای انجام خدمات پزشکی بیشتر، برای اولین بار بیمارستان ری را تأسیس نمود. بیمارستان ری علاوه بر اینکه محلی برای معالجه بیماران بود مرکزی بزرگ جهت نشر دانش در علم طب محسوب می‌گشت. روش تدریس طب توسط رازی با دیگر پزشکان فرق اساسی داشت زیرا نامبرده برای اولین بار دروس تئوری و عملی را تلفیق و بیماران را در حضور شاگردانش معاینه نموده، علائم و مشخصات بیماری و هم چنین طرز معالجه بیماران را نکته به نکته بیان می-نمود، این روش معالجه موجب گردید که بیمارستان ری از هرجهت با بیمارستان بزرگ بغداد رقابت و برابری نماید.
ذکریای رازی بعلت کوری چشم که در چند سال آخر عمرش اتفاق افتاد، گوشه انزوا و عزلت گزید و پس از ۸۰ سال زندگی مفید و ثمر بخش برای جامعه ایرانی در سال ۳۲۰ هجری قمری در شهرری دار فانی را وداع گفت.
تعداد تألیفات وی در رشته های فلسفه، شیمی، حکمت، نجوم و هیئت و علوم طبیعی بیش از دویست جلد می‌باشد.

* سالنامه فرهنگ شهرری در سال تحصیلی ۳۰- ۱۳۲۹ ص ۳۴ تا ص ۳۹

** در کتاب فیلسوف ری که از طرف بخش آثار ملی در سال ۱۳۴۹ چاپ گردیده است (تألیف دکتر رضا محقق) تولد رازی شعبان ۲۵۱ هجری و فوتش در شعبان ۳۳۳ هجری قمری ذکر شده است.

تألیفات ذکریای رازی در رشته علم طب بیشتر شهرت جهانی دارد. در این بررسی به چند جلد از تألیفات وی بشرح زیر اشاره میشود:

۱- دائره المعارف طبی او بنام الحاوی، این کتاب اولین دائره المعارف طبی است که در ایران و شاید در جهان تألیف شده باشد. در این کتاب وی مشاهدات خود را بر بالین بیماران مختلف به رشته تحریر درآورده و بیش از ۱۵ سال برای تألیف آن زحمت کشیده است، سرانجام مرگ او را از اتمام و تقسیم بندی کتاب بازداشته و پس از وی خواهر و شاگردانش از میان اوراق بی شمار یادداشتهایش این کتاب را تهیه نموده‌اند.

۲- کتاب الطب منصوری که محتوی ۱۰ مقاله پزشکی بوده و نسخه‌های متعددی از آن کتاب موجود است.

۳- کتاب الطب الملوکی که بنام علی بن وهسودان حاکم طبرستان تألیف نموده است.

۴- کتاب فی التقسیم و التشجیر، ذکریای رازی در این کتاب تقسیمات امراض و علل ابتلا به امراض مختلف را با شرح و بیان و طبقه بندی امراض مختلف تألیف نموده است. برای درک مقام بزرگ و ارزش معنوی این دانشمند بزرگ ایرانی و باعث افتخار شهرری کافی است که به کتب وی رجوع شود.

ذکریای رازی مردی مهربان و صمیمی و از زمره دانشمندانی است که همیشه با عالم نمایان ظاهرساز و ریاکار مبارزه نموده و در نتیجه دشمنان زیادی داشته است، او همه کس را لایق طبابت نمی‌دانست و ویژگیهای خاصی برای یک طبیب قائل بود بیشتر عقاید وی در علم طب هنوز هم مورد قبول جامعه پزشکی است. بر اثر همین سرسختی و مبارزه با جهالت بود که مخالفینی چون کعبی بلخی پیدا کرد و کُتبی بر رد عقاید ذکریای رازی نوشتند و او را مورد اهانت و آزار قرار دادند.

رازی پس از مدتی قامت در ری به دعوت خلفای عباسی مجدداً به بغداد عزیمت نموده و در زمان دو خلیفه عباسی بنام المکتفی و المقتدر ریاست بیمارستان بغداد را بعهده داشت و با توجه به نیاز پزشکی بین بغداد و ری رفت و آمد می‌نموده است.

فهرست ۱۵ جلد از سایر کتب ذکریای رازی بشرح مندرج در صفحات ۳۸۱ تا ۳۸۷ زندگی نامه وی که توسط آقای دکتر مهدی محقق در سال ۱۳۴۹ شمسی از طرف انجمن آثار ملی منتشر گردیده است بشرح زیر میباشد:*

	شماره ردیف کتاب	عنوان کتاب
۱-	۱۶	نبض شناسی
۲-	۲۱-	در درمان تشریح
۳-	۲۵-	در تشریح حیوان مرده
۴-	۲۶-	در تشریح حیوان زنده
۵-	۳۱-	در تشریح زهدان
۶-	۳۵-	در تشریح چشم
۷-	۳۶-	در حرکت سینه و ریه
۸-	۳۹-	در حرکت عضلات
۹-	۵۴-	در دلایل دردهای چشم
۱۰-	۶۳-	در تولد جنین ۷ ماهه
۱۱-	۸۰-	داروهائی که وجود آنها سهل است
۱۲-	۸۱-	داروهای مقابل دردها
۱۳-	۹۴-	تفسیر کتاب زخم های سر او
۱۴-	۱۰۱-	در تجربه پزشکی
۱۵-	۱۰۲-	در ترغیب آموختن پزشکی

آرامگاه رازی بدون شک در ری قرار داشته ولی متأسفانه مکان معین آن معلوم نیست و بر اثر سوانح ایام از بین رفته است.

* . فیلسوف ری، محمد بن ذکریای رازی، تألیف دکتر مهدی محقق چاپ ۱۳۴۹ شمسی، ص ۳۸۱ تا ۳۸۷ از انتشارات انجمن آثار ملی ۷۳

۵-یعقوب لیث صفاری* (۲۴۵ تا ۲۶۵ هجری)

یعقوب لیث صفاری پس از حمله اعراب به ایران، اولین کسی است که برای بسط و توسعه زبان پارسی در قلمرو خویش همت گماشت، در سال ۲۴۷ هجری سپاهیان یعقوب آخرین امیر طاهری را شکست داده و در سال ۲۵۹ هجری قمری نیشابور را تصرف کردند. یعقوب نویسندگان و شعرا را به سرودن اشعار پارسی بجای اشعار عربی تشویق نموده و بدین طریق زمینه‌ای مساعد برای رشد زبان فارسی فراهم گردید.

قبل از یعقوب لیث، امرا و فرمانروایان ایرانی، طاهریان و پس از آن هم بخصوص سامانیان و غزنویان بنام خلفای عباسی خطبه خوانده و سکه ضرب مینمودند ولیکن یعقوب تصمیم گرفت به این وضع خاتمه داده و برای نیل بدین هدف، برنامه‌اش حذف حکومت خلفای عباسی و تصرف بغداد بود. یعقوب لیث از راه فارس و خوزستان به طرف بغداد لشگر کشید، در آن زمان معتمد خلیفه عباسی حاکم بغداد بود و به کمک برادرش موفق، مسیر رودخانه دجله را تغییر داد و سپاهیان یعقوب دچار سیل زدگی شدید گردیده و ناگزیر عقب نشینی کردند.

امرای صفاری تا سال ۲۸۷ هجری بر قسمت جنوبی و مرکزی ایران حاکم بودند و در این سال پس از شکست از اسمعیل بن احمد سامانی حکومت آنان منحصر به سیستان و بلوچستان گردیده و در سال ۲۹۵ هجری آخرین امیر صفاری بنام خَلَف بن احمد در جنگ با محمود غزنوی شکست خورده و تسلیم گردید.

در سال ۳۱۴ هجری (سالهای اواخر زندگی ذکریای رازی) ری زیر نظر آل سامان بود و در سال ۳۳۰ هجری رکن الدوله دیلمی شهرستان ری را تصرف نمود. خانواده دیلمیان مدت ۹۰ سال با اقتدار حکومت و برای آبادانی بیشتر ری کوشش زیادی نمودند. بخاطر اهمیت استراتژیک، چشم داشت اصلی شاهان سامانی، دیلمیان و آل بویه منطقه ری بود.

پس از رکن الدوله، عضد الدوله و پس از وی در سال ۳۷۳ هجری قمری فخرالدوله به سلطنت رسید که با کمال اقتدار کشور را اداره و پایتخت او ری بود. در سال ۳۸۷ هجری فخر الدوله وفات نمود، پس از فوت فخرالدوله همسرش که زنی کاردان و سیاستمدار بود، بخاطر خردسال بودن

---

* تاریخ مدارس ایران (ایران باستان تا تأسیس دارالفنون) تالیف حسین سلطانزاده چاپ ۱۳۶۴ چاپ آذر ص ۷۵

فرزندش مجدالدوله، زمام حکومت را بدست گرفت. این زن بنام سیده خاتون با نهایت اقتدار کشور را اداره مینمود. در این موقع سلطان محمود غزنوی ایلچی نزد وی فرستاد و از او خواست که خطبه بنام محمود خوانده و سکه بنام او ضرب زده و خزائن سلطنتی را بوی تقدیم نمایند. پاسخ سیده خاتون بشرح زیر برای محمود ارسال گردید: اگر فخر الدوله فوت نموده، بازماندگانش هستند و مایملک او متعلق به اطفال صغیر اوست و البته شهریاری چون شما در مال یتیم تصرف نخواهید کرد. مادام که شوهر من زنده بود از سطوت شما اندیشه داشتم ولی امروز اندیشه ندارم زیرا اگر خدای نخواسته هوای تصرف در مال صغار کنید، من برحسب ادای تکلیف مقاومت خواهم کرد. اگر مغلوب شدم ننگ شماست و فخر من و اگر هم غالب شدم باز هم فخر من و ننگ شما، چه در صورت اول همه گویند سلطان محمود با زنی پنجه زده و او را مغلوب کرده و در صورت ثانی گویند از زنی شکست خورده و گرد این ننگ تا ابد بر دامن شما خواهند ماند والسلام ،خواهی بِسَرم بتاز و خواهی بنواز.

چون نامه ملک خاتون به سلطان محمود رسید از قرائت متن نامه بی اندازه در شگفت شد و به دانش و کیاست و حسن سیاست آن زن آفرین گفت و تا سیده خاتون زنده بود فکر حمله به ری را از سر بیرون کرد.

پس از آنکه مجد الدوله به سن رشد رسید، مادرش برای او تاجگذاری نمود ولی توقع داشت که در امور سلطنتی با او مشورت کند، متأسفانه مجدالدوله از نصایح مادر بهره‌ای نبرد و پس از فوت مادرش در سال ۴۱۸ هجری قمری، محمود غزنوی به ری حمله کرده مجد الدوله و همراهان او را که جهت استقبال وی آمده بودند از کار برکنار و محمود که سنی بسیار متعصبی بود، بسیاری از مردم شیعه ری را بکشت و کتب فلسفه و نجوم مذهب اعتزال را بسوزاند و خزانه و جواهرات سلطنتی را که حدود یک میلیون و پانصد هزار دینار بود تصرف نمود.

سیده خاتون پس از فوت در محل مناسبی بین تهران و ری بخاک سپرده شد که اکنون بنام سیده ملک خاتون (جنوب شرقی تهران) زیارتگاه شیعیان می‌باشد.

منبع : ۱- کتاب تاریخ آل بویه ص ۸۱ تاریخ مدارس ایران تألیف حسین سلطان زاده

۲- جغرافیای تاریخی ری- تهران، تألیف سرتیپ میرحسین یکرنگیان چاپ دانشکده افسری سال ۱۳۳۲ شمسی صاحب بن عباد (تولد ۳۲۴ هجری- تاریخ وفات ۳۸۵ هجری قمری)

۶-صاحب بن عماد (متولد ۳۲۴ هجری ، وفات ۳۸۵ هجری)

صاحب بن عباد متولد سال ۳۲۴ هجری ، که پدرش از شهرستان اصفهان بود و در سال ۳۸۵ هجری فوت میکند. در سال ۳۵۵ هجری هنگامیکه رکن الدوله دیلمی ری را پایتخت خود می‌نماید، صاحب بن عباد از اصفهان به ری مهاجرت مینماید و از طرف عضد الدوله دیلمی به وزارت ری و اصفهان منسوب میشود. در زمان سلطنت فخرالدوله نیز صاحب رسماً به وزارت منصوب و در سال ۳۸۰ هجری قمری صاحب بنام فخرالدوله سکه ضرب مینماید. صاحب تا هنگام وفات در پست وزارت با سلاطین آل بویه همکاری مینمود. سلسله آل بویه اولین حکومت شیعه مذهب بودند و در مدت ۱۲۶ سال بر بخش عمده ایران و عراق حکومت میکردند.

صاحب بن عباد کتابخانه بزرگی را در ری بنیاد نهاد که از عظمت بی نظیری برخوردار بود. این کتابخانه تدریجاً به مرکز مطالعات بزرگان زمان خویش تبدیل و افراد صاحب نظر تألیفات خود را به کتابخانه شهرستان ری تقدیم می‌نمودند.

صاحب بن عباد در رشته های مختلف (علم تفسیر و قرآن، حدیث، نحو، لغت، کلام تاریخ و در اواخر در رشته طب) کتب زیادی تألیف و در رشته تاریخ ۲ کتاب وی بنام عنوان المعارف فی ذکر الخلائف و کتاب اخبار عبدالعظیم حسنی، قبل از سال ۳۶۰ هجری قمری در زمان حیات بن عمید منتشر گردید.

استاد ممتاز صاحب بن عباد، ابن عمید وزیر مشهور آل بویه بوده است.

کتابخانه صاحب بن عباد در شهرری در کنار مسیر آب چشمه علی نرسیده به سه راه ورامین قرار داشته است. این کتابخانه با ذخیره دهها هزار جلد کتاب در رشته‌های مختلف، پس از حمله محمود غزنوی و تصرف ری با خاک یکسان و بسیاری از کتب مربوط به رشته کلام مثل زمان تصرف مداین توسط اعراب (در زمان خلافت عمربن خطاب) در آتش سوخت علت اصلی بروز

این فاجعه بزرگ این بود که محمود غزنوی سنی بسیار متعصّب بود و دشمنی خاصی نسبت به شیعیان ایرانی و کتب مذهبی آنان داشت.
صاحب بن عباد پس از یک عمر مفید و با عزت در ۲۴ ماه صفر سال ۳۸۵ هجری قمری در سن ۵۹ سالگی فوت و جسد او به زادگاهش منتقل و در میدان کهنه اصفهان بخاک سپرده شد.

۷- توسعه مدارس ری در زمان سلجوقیان

بنیان گزار حکومت سلجوقیان طغرل بن میکائیل است که در سال ۴۲۹ نیشابور را تصرف و در سال ۴۳۱ هجری قمری مسعود غزنوی را در محل دندانقاه شکست سختی داد و در سال ۴۴۷ هجری وارد بغداد شده آل بویه را برانداخت و شهرری را برای مدتی به پایتختی برگزید.*[1] پس از فوت طغرل در سال ۴۵۵ هجری آلب ارسلان به یاری خواجه نظام الملک زمام امور را بدست گرفت. خواجه نظام الملک در مدت ۳۰ سال صدارت خویش خدمات زیادی به کشور بخصوص شهرری نموده است.*[2] اوج قدرت سیاسی سلجوقیان در دوره حکومت ۲۰ ساله ملکشاه بود و پس از وی بترتیب برکیارق، محمد و سنجر به حکومت رسیده و پس از سنجر قلمرو سلجوقیان تجزیه گردید. مدارس تأسیس شده در شهرستان ری در عصر سلجوقیان بشرح زیر خلاصه میشود:

۱ -در زمان ملکشاه سلجوقی، سید زاهد ابوالفتوح مدرسه‌ای در دروازه آهنین ری بنا نمود.

۲ -مدرسه فقیه علی جالشی بوسیله خواجه برک در کوی اصفهانیان بنا گردید.

۳ -مدرسه خواجه عبدالجبار، این مدرسه در عهد ملکشاه و برکیارق بنا گردید و ۴۰۰ طلبه در این مدرسه تحصیل میکردند.

۴ -مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه، این مدرسه در عهد ملکشاه و سلطان محمد در نزدیکی سرای ایالت بنا گردید.

۵ -مدرسه خواجه رشید رازی، این مدرسه در زمان سلطان محمد پسر ملکشاه در محل جاروب بندان ری تأسیس و ۲۰۰ طلبه در این مدرسه درس میخواندند.

---

*[1] تاریخ مدارس ایران (ایران باستان تا عهد امیرکبیر) تألیف حسین سلطانزاده چاپ ۱۳۶۴ انتشارات آگاه، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

*[2] . تاریخ مدارس ایران (ایران باستان تا عهد امیرکبیر) تألیف حسین سلطانزاده چاپ ۱۳۶۴ انتشارات آگاه، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

۶ -مدرسه سلطان محمد، این مدرسه منسوب به سلطان محمد سلجوقی است که در ری تأسیس و گویا متعلق به اهل سنت بوده است.

۷ -مدرسه زادمهران، این مدرسه در زمان خواجه نجم الدین حسن عمیدی با هزینه ۱۲۰ هزار دینار در ری ساخته شده است.

۸ -مدرسه کوی فیروزه، این مدرسه در زمان سلجوقیان در کوی فیروزه تأسیس گردیده است.

۹ -مدرسه شیخ حیدر مکی این مدرسه در محل مُصلی شهرری در زمان سلطان محمد بنا گردیده است.

۱۰ -مدرسه مشاط رازی. بانی این مدرسه ابوالفضایل سعدبن محمد بن محمود معروف به مشاط رازی بوده است.

۱۱ -مدرسه ابی الوفای رازی. این مدرسه قبل از سال ۵۰۳ هجری قمری در شهر ری بنا گردیده است.

۱۲ -مدرسه عبدالجلیل رازی. بانی این مدرسه در سال ۵۵۰ هجری قمری عبدالجلیل رازی مولف کتاب النقض بوده است.

۱۳ -خواجه شرف مرادی. شرح مندرج در تاریخ طبرستان، شرف مرادی خواجه‌ای داشت که در ری مدرسه، خانقاه و دخمه‌ای بنا نمود.

۱۴ -مدرسه خانقاه ریان. این مدرسه در عصر سلطان محمد ساخته شده و متعلق به سادات کیکی بوده است.

۱۵ -مدرسه تاج الدین محمد کیکی. این مدرسه در محل کلاه دوزان شهرری در عصر طغرل بزرگ دایر گردیده است.[۱]

[۱]. تاریخ مدارس ایران (ایران باستان تا عهد امیرکبیر) تألیف حسین سلطانزاده، چاپ ۱۳۶۴، انتشارات آگاه، ص ۱۳۴ و ص ۱۳۵

۸- سرانجام اختلافات مذهبی در ری و تسلط مغولان[1]

پس از سقوط سلسله بنی امیه در سال ۱۳۰ هجری تدریجاً اهالی ری به مذاهب حنفی، شافعی و تشیع پیوستند، شافعیان تعداد شان کم بود و حنفی‌ها تعدادشان بیشتر از شافعیان بود ولیکن قسمت اعظم ساکنین ری و دهات اطراف مذهب تشیع داشتند، ساکنین شهرری در ۱۲ محله زندگی می-کردند ولیکن بواسطه داشتن مذاهب مختلف همیشه با هم نزاع و برخورد داشتند. ابتدا تعصب و نزاع بین سُنیان (حنیفه و شافعیه) و شیعیان بالا گرفت و شیعه را برانداختند، سپس جنگ بین پیروان مذهب حنفی و شافعی شروع شد و حنیفه نیز از میان رفت و محلات آنان سوخته شد. ویرانه‌های شهر مرکز حنفیان و شیعیان بود و آنچه باقیمانده محله شافعیان است که از تخریب دور مانده و پس از این برادرکشی‌ها از شیعه وسنی حنفی کسی نیست مگر مذهب خود را پنهان دارد.

این وضع چندان طول نکشید و دو سردار مغول بنام جَبَه نویان و سوبوتای بهادر در حین تعقیب سلطان ضعیف النفس خوارزمشاهی در سال ۶۱۷ هجری بقایای جمعیت ری را از دم تیغ گذرانده و آثار چندین هزارساله ری را لگد کوپ سُم سُتوران نمودند. تعداد کشته شدگان و اسیران شهرستان ری را حدود ۷۰۰ هزار نفر ذکر نموده‌اند.[2]

با این هجوم آخرین رشته حیات انسانی درشهر ری از میان رفت، کاخ سلاطین و کاشانه بینوایان درهم فرو ریخت، چه بسیار خوبرویان، پری مهرگان، معصومان و نونهالان، که اسیر پنجه مغولان گشته و هم چون نوگلی که در معرض تندباد قرار گیرد برخاک افتاده و پایمال سم ستوران مغولان وحشی گشتند تا آنجا که به گفته حافظ شیرین سخن:

زتندباد حوادث نمی‌توان دیدن — درین چمن گلی بوده است یا سمنی

با آنکه شهر باستانی ری بکلی با خاک یکسان و آثار باستانی آن بصورت قلعه‌هائی پراکنده که فقط دیواره و یا حصار آنها باقیمانده است (مثل قلعه گبری، تپه فیروزآباد، تپه سیف و ...) ولی

---

[1]. سالنامه فرهنگ شهرری ۳۰-۱۳۲۹ ، ص ۲۳ و ص ۲۴

[2]. سالنامه فرهنگ شهرری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹، مقاله تاریخی دکتر عبدالحسین نوائی، ص ۲۴

اهمیت ارتباطی و حُسن موقعیت جغرافیائی و وجود دشت های حاصلخیز اطراف آن موجب گردید که شهر از میان نرود و با اسم دیگر بنام زاویه حضرت عبدالعظیم باقیمانده و مورد توجه قرار گیرد. شهر ری تدریجاً به پناهگاهی برای شیعیان تبدیل گردیده و در عصر سلاطین قاجار بخصوص ناصرالدین شاه، اماکن مذهبی ری مرمت و بازسازی گردید. آثار قدیمی شهرری و اماکن مذهبی شهرستان ری که زیارتگاه مردم مسلمان سراسر کشور ایران وسایر ملیت هاست بشرح زیر میباشد.

۹- آثار قدیمی شهرستان ری از نظر باستان شناسی:

۱- بُرج طغرل، طغرل سلجوقی در وسط باغی در ابن باویه بنام برج طغرل بخاک سپرده شده است، گویا فخرالدوله را هم در کنار قبر طغرل دفن کرده‌اند. تاریخ بنای برج و درب آهنی وچوبی آن سال ۵۳۴ هجری قمری است. ارتفاع این برج ۷۰ متر و به نقاره خانه یا برج یزید شهرت دارد. در بالای برج کتیبه‌هائی بخط کوفی نوشته شده که خوانا نیست.

۲- مزار بی بی شهربانو در کوه بی بی شهربانو که در شمال امین آباد شهرری قرار دارد.

۳- مقابری از زمان سلجوقیان در روی کوه نقاره خانه (در شمال شرقی برج طغرل) که در کاوشها بدست آمده است.

۴- تپه چشمه علی و کوه سرسره، در نزدیکی چشمه علی مجاور خرابه‌های ری روی کوه به شکل یک اسب سواری را با نیزه حجاری کرده‌اند که ممکن است مربوط به دوره ساسانیان باشد ولی متأسفانه در زمان فتحعلیشاه قاجار آن تصویر را محو کرده و صورت فتحعلیشاه را نقش کرده‌اند.

خرابی عمده شهرری در سال ۶۱۷ هجری قمری نتیجه حملات وحشیانه مغولان بوده و امیر تیمور هم بازمانده‌های شهرری را از دم تیغ گذراند.

۱۰- بقاء و اماکن متبرکه شهرستان ری

۱- حضرت عبدالعظیم حسنی که با ۴ واسطه اولاد امام حسن (ع) مد فون در شهرری

۲- امامزاده حمزه، اولاد امام موسی کاظم (ع) مد فون در کنار حضرت عبدالعظیم (ع)

۳- امامزاده طاهر، نواده حضرت سجاد (ع) مد فون در کنار حضرت عبدالعظیم (ع)

۴- امامزاده عبدالله، با ۴ واسطه اولاد حضرت سجاد (ع) در شمال شهرری نرسیده به سه راه ورامین

۵- ابن باویه، ابوجعفرمحمد بن حسین بن موسی بن باویه که آرامگاه او در شمال غربی برج طغرل قرار دارد.

۶- بی بی زبیده، اولاد امام حسین (ع) در یک کیلومتری شمال جاده ری به تهران.

۷- امامزاده هادی مسجد ماشاء الله، با چند واسطه اولاد امام موسی کاظم (ع) شمال ابن باویه.

۸- سه دختران خیابان حرم، جنوب شرقی باغ سراج الملک (مغرب قلعه گبری)

۹- امامزاده ابوالحسن فرزند امام جعفر صادق (ع)، آب اندرمان شمال باختری شهرری

۱۰- جوان مرد قصاب، مغرب منصور آباد شهرری

۱۱- بی بی شهربانو، دختر یزدگرد سوم، مدفن کوه بی بی شهربانو، شمال امین آباد شهرری

۱۲- سید ملک خاتون، مادر مجدالدوله دیلمی، مدفن در محلی بین شهرری و تهران (جنوب شرقی تهران)

حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

در آغاز قرن دوم هجری شهرستان ری نظر سیاستمداران دولت عباسی را بخود جلب کرد و بهمین مناسبت مرکز توجه و تمرکز رجال بزرگ و دانشمندان نامی قرار گرفته بود.

در آغاز قرن سوم هجری نهضت ملی مؤثری در طبرستان بر ضد خلافت بغداد بوجود آمد که ری وظیفه جلوگیری و سرکوبی آن را بعهده داشت و از طرف دیگر شیعه‌های دانشمند و زاهد خطه قم و کاشان از نظر علمی کمک قابل توجهی به نهضت شیعه مآب طبرستان میکردند. عبدالعظیم حسنی بعنوان یک نفر مجاهد و مبارز مذهبی در زمان متوکل خلیفه عباسی که نسبت به شیعیان بُغض زیادی داشت برای حمایت و طرفداری از اصول کلی مذهب شیعه و نشر حقایق آن به شهرری آمد، وی مورد اعتماد کامل علماء و دانشمندان مذهب شیعه زمان خویش بوده و یکی از مردان مجاهد و شهدای بزرگ مذهب شیعه محسوب میشود و پس از فوت در۱۵ شوال سال ۲۳۹ هجری قمری در محل کنونی که زیارتگاه شیعیان است دفن گردیده است. پس از فوت حضرت

عبدالعظیم شیخ بزرگوار زمان محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق از قم به ری آمده و به تبلیغ اصول مذهب شیعه پرداخت.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین معروف به ابن باویه

شیخ صدوق فرزند علی بن الحسین تحصیلات خود را در قم و بیشتر در خدمت پدرش به پایان رسانده و از همان سنین جوانی به مَسند تدریس و نشر حدیث نشسته و بطور کلی متعلق به خانواده ایست که قبل و بعد از او از علمای بزرگ شیعه بوده و مقام علمی شیخ صدوق از همه بالاتر بوده است و بعبارت دیگر وی، اولین عالم دینی و محدث این خانواده است که در شهر قم می‌زیسته است.

رکن الدوله دیلمی پس از آشنائی با فضائل و کمالات شیخ صدوق اورا به ری دعوت کرد و با حضور وی مجالس متعددی برای بحث های مذهبی و مباحثات طولانی با پیروان ادیان و مذاهب مختلف تشکیل داد. شیخ در سالهای ۳۵۰ تا ۳۵۲ در ری اقامت نموده و سپس به نیشابور رفت و در سال ۳۵۵ هجری قمری به بغداد و کوفه رفت و در مباحثات علمی و دینی شرکت مینمود. شیخ صدوق پس از مدتی اقامت در عراق، عازم خراسان و بخارا شد و تا سال ۳۶۸ هجری در شهرستان مشهد و اطراف آن می‌زیسته است. اساس این مسافرت های طولانی در اطراف کشورهای اسلامی، روی یک نقشه اساسی صورت گرفته که به نفع مذهب شیعه و دولت اسلامی آل بویه بوده است.

علمای سنی مذهب آن عصر که مهمترین آنها، خطیب بغدادی است از شیخ صدوق بعنوان رافضی معروف نام برده است. شیخ صدوق در طول زندگی ثمربخش خویش در حدود ۳۰۰ کتاب تألیف نموده و مهمترین آنها که از حوادث محفوظ مانده بشرح زیر است:

کتب اربعه عالم تشیع

جوابات المسائل الوارده از شهرهای واسطه (شهر مهمی بین کوفه و بصره آن زمان)، کوفه، بصره، قزوین، نیشابور و مصر و مدائن. شیخ صدوق در سال ۳۸۱ هجری قمری در شهرری فوت نموده و در محلی که اکنون زیارتگاه او میباشد بخاک سپرده شد.

منبع: کتاب تاریخ آل بویه

مقدمه کتاب خصال شیخ صدوق
سالنامه فرهنگ شهرری در سال ۳۰- ۱۳۲۹ شمسی

۱۱- عوامل وجود امامزاده‌ها و رهبران مذهبی در شهرستان ری

خلفای بنی امیه و بنی عباس که غاصب خلافت بودند، اولاد علی علیه السلام و پیروان مذهب تشیع را مورد تحقیر و اهانت قرار میدادند لذا عده‌ای از سادات عظام در ایام ولایت عهدی حضرت امام رضا علیه السلام از حجاز و یمن و عراق به عزم خراسان و مشهد حرکت نمودند و هنگامیکه هنوز اغلب آنها به مقصد نرسیده بودند، واقعه شهادت حضرت رضا (ع) رویداد. و سپس با اشاره خلیفه، حکام و امرای وی کلیه سادات را دستگیر و بعضی از آنها را به قتل رساندند.

در دوره سلاطین آل بویه که شیعه مذهب بودند، رهبران مذهبی در تصدی امور عمومی و دولتی هم شرکت داشته‌اند، اسامی این رهبران و نسبت آنان در کتاب منقلة الطالبیه و جِنَته النعیم به تفصیل درج شده است.

مهمترین کاروانی که بطور دسته جمعی از عراق و حجاز بطرف ایران و خراسان حرکت مینمودند عبارتند از:

۱ -جماعتی که با حضرت فاطمه ملقب به معصومه بنت موسی بن جعفر (ع) همراه بودند و در حدود شهر ساوه مورد تعرض سنگر مامون قرار گرفته، مقتول و پراکنده شدند و ساداتی که در اثر فشار حجاج بن یوسف ثقفی از عراق به ایران پناه آوردند.

۲ -سادات عظام که با میمنه خاصی از حجاز وارد ایران شدند. این گروه همراهان امامزاده احمد بن الموسی الکاظم (ع) معروف به شاه چراغ هستند که در شهرستان شیراز مدفون است.

۱۲-پیش کسوتان فرهنگی، پس از خرابی ری تا اواسط دوره صفوی (شاه عباس کبیر)

پیش کسوتان فرهنگی، که در حفظ و نگهداری میراث فرهنگی، و بسط و توسعه زبان فارسی حداکثر زحمت کشیده‌اند بشرح زیر میباشند:

۱ -اتابکان فارس و درست اندیشی آنان.

۲ -خواجه نصیرالدین طوسی (رصدخانه مراغه)

۳ -شمس الدین قیس رازی.

۴ -سعدی

۵ -حافظ

۶ -عبید زاکانی

۷ -حمداله مستوفی

۸ -علمای نامی ری در قرن دهم و یازدهم هجری، محمد سلیم رازی، امین احمد رازی، احمدبن محمد غفاری رازی و نظام الدین محمد بن الحسین قرشی ساوجی ساکن ری

۹ -علمای نامی در عهد صفویه، استاد غیاث الدین جامی بنیان گذار صنعت فرش ایران.

۱۰ -استاد بهزاد، بنیان گزار هنر خوش نویسی و نقاشی ایران

۱۱ -شیخ بهائی، نابغه بزرگ و بنیان گذار شهرسازی در عصر صفویه

درست اندیشی اتابکان فارس و مرگ چنگیز در سال ۶۲۴ هجری قمری

سپاهیان مغول پس از تصرف و با خاک یکسان نمودن و کشتار کامل ساکنین ری، نیشابور، سبزوار، هرات و سایر بلاد شرقی و مرکزی ری، وخیم تر از قتل و غارت، صدمه زیادی به تمدن اسلامی، زبان و ادبیات فارسی وارد نمودند و فقط منطقه فارس و جنوب ایران، بخاطر درایت و درست اندیشی اُمرای واقع بین و فضل دوست سلغوری یعنی اتابکان فارس با دادن خراج و پذیرفتن اطاعت مغولان، مانع قتل و غارت همگانی گردید و بدین ترتیب خدمات شایانی به زبان فارسی نمودند.

شاعر شیرین زبان فارسی سعدی علیه الرحمه که در آن زمان در شیراز میزیسته است با اشاره به نکات مذکور در مدح اتابک، ابوبکر بن سعد میگوید:

سکندر به دیوار روئین و سنگ — بکر د از جهان راه یاجوج تنگ

تو را سد یا جوج کفر از زر است — نه روئین چو دیوار اسکندر است

منبع- یاقوت حموی- کتاب مُعجم البلدان (شهرهای عجم)

در سال ۶۲۴ هجری قمری، ابتدا جوجی پسر چنگیز و ۶ ماه بعد خود او که عامل اصلی تمام کشتارها و نابودیهای زمان بود در سن ۷۲ سالگی مُرد.

اتابکان فارس از طوایف ترکمان و از نسل شخصی بودند بنام سُلغور و بدین ترتیب آنها را اتابکان سلغوری میگویند که از سال ۵۴۳ تا ۶۶۳ هجری بر مناطق فارس حکومت نموده و همیشه از فرماندهان و سلاطین مقتدر خوارزمشاهیان و سپس از حکام مغول و ایلخانیان اطاعت مینمودند و بدین علت منطقه فارس را از خرابی و قتل و غارت حفظ نموده و از نظر تاریخی همیشه نام آنها به نیکی یاد شده است. اتابکان فارس جمعاً ۱۱ نفر و مؤسس این سلسله سنقر بن مودود است که در سالهای ۵۴۳ تا ۵۵۸ هجری قمری اتابک اعظم فارس بوده است.

پس از سنقر مهم ترین اتابکان فارس عبارتند از:

۱ -اتابک زنگی بن مودود در سالهای ۵۵۸ تا ۵۷۱ هجری قمری

۲ -اتابک تکله بن زنگی در سالهای ۵۷۱ تا ۵۹۰ هجری قمری

۳ -اتابک سعدبن زنگی در سالهای ۵۹۹ تا ۶۲۳ هجری قمری

۴ -اتابک ابوبکر بن سعد در سالهای ۶۲۳ تا ۶۵۸ هجری قمری

خواجه نصیرالدین طوسی (متولد سال ۵۹۷ فوت ۶۷۲ هجری) و هولاکوخان مغول

خواجه نصیرالدین طوسی بزرگترین مرد دانشمندی است که پس از گذشتن دوره درخشان تمدن اسلامی و فرهنگ ایرانی در زمان آل بویه و سلجوقیان، در هنگام استیلای مغولان شمع فروزان علم و ادب را در دست داشته و به استادالبشر معروف گردیده است، خواجه در سال ۵۹۷ هجری در جهرود قم متولد و در جهت کسب علم و کمال به شهرهای مختلف رفته و در طوس مقیم و به همین جهت به طوسی اشتهار پیدا کرده است. بالا رفتن آوازه علم و فضایل او موجب گردید که ناصرالدین رئیس اسماعیلیه قهستان (منطقه گناباد) خواجه را با احترام کامل به نزد خود فراخوانده و خواجه پس از تائید آئین اسماعیلیه به تألیف چند کتب در زمینه‌های مختلف اقدام نمود که از بین آنان کتب اخلاق ناصری از همه مشهورتر است.

پس از مرگ چنگیز، نواحی مرکزی، شرق و غرب ایران زیر سلطه هولاکوخان مغول قرار گرفت که از نظر نحوه تفکر و اندیشه با چنگیز فرق اساسی داشت و برای صاحبان قلم، علم و دانش بخصوص در زمینه ستاره شناسی، رصد خانه و نجوم احترام خاصی قائل بود.

پس از قلع و قمع فرقه اسماعیلیه در قهستان و تسلیم شدن ناصرالدین رئیس آنان، هولاکوخان مغول با احترام کامل خواجه نصیرالدین طوسی را بحضور خود پذیرفت و با توجه به مهارت کامل خواجه در علم نجوم، و رصدخانه وی را به وزارت خویش منصوب نمود.

هولاکوخان پس از فراغ از تصرف شهرهای مورد نظر در منطقه مرکزی و غرب ایران و ری، مراغه را به پایتختی خویش برگزید و از خواجه خواست که در محل مناسبی رصدخانه بنا نماید و برای تأمین هزینه این برنامه، کل اوقاف املاک ایلخانی را تحت اختیار وی قرار داد تا پس از رسیدگی به درآمد و هزینه‌های لازم، درآمد اضافی مناطق تحت امر را به مصرف تأسیس و تکمیل رصدخانه قرار دهد. خواجه اظهار داشت که بنای رصدخانه جدید و داشتن زیجی تازه قریب ۳۰ سال طول میکشد و هولاکوخان از او خواست که با اهتمام کامل بنای رصدخانه را در مدت ۱۲ سال به انجام رساند. در بنای این رصدخانه علاوه بر منجمین و علمای بزرگ اسلامی، یک نفر از علمای نجوم چینی نیز بخواجه کمک نمودند.

بنای رصد خانه در سال ۶۵۷ هجری قمری شروع و تکمیل آن قریب ۱۵ سال طول کشید و هزینه بنای آن قریب ۲۰ هزار دینار خرج برداشت. متأسفانه پس از فوت خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۶۷۲ هجری، مراقبت کامل از رصد خانه بعمل نیامد و امروز جز خرابه‌ای از آن برجای نمانده است.

هولاکوخان با تائید خواجه نصیرالدین طوسی بغداد پایتخت خلفای عباسی را هم تصرف و برای آبادی آذربایجان زحمت زیادی کشید و در ۱۹ ربیع الاول ۶۶۳ هجری در منطقه ارومیه فوت و جسدش در روستای دهخوارقان بخاک سپرده شد.

منبع- کتاب تاریخ مغول تألیف عباس اقبال اشتیانی .

سعدی- ابوعبدالله مشرف بن مصلح شیرازی (وفاتش ۶۹۴ هجری)

سعدی شیرین سخن در دهه اول یا دوم قرن هفتم هجری در شیراز متولد و قبل از استیلای مغول در مدرسه نظامیه آن شهر به تحصیل اشتغال داشته است. سعدی پس از مراجعت به شیراز در سلک خواص ولیعهد سعدبن ابی بکر بن سعدبن رنگی قرار گرفته و تخلص خود را از نام او گرفته است. در این دوره که قبل از سال ۶۵۵ هجری شروع شده است در خانقاهی که در شیراز داشته به موعظه رجال عصر خویش و عامه مردم و اطعام فقرا پرداخته و در سال ۶۹۴ هجری که در حدود ۸۰ سال داشته فوت کرده و در کنار رکن آباد دفن گردیده است. آرامگاه سعدی، زیارتگاه اهل ذوق و ادب بوده و خواهد بود.

آثار جاویدان او عبارتست از:

۱ -دیوان غزلیات سعدی که به تصدیق بزرگان کلام، بسیار ظریف میباشد و در بیان نظریات خویش چنان هنر استادی به خرج داده که شعرای پس از وی نیز مقلد سبک وی میباشند. غزلیات سعدی بیشتر معرف شور جوانی و لطایف عوالم عشق سرشار و نشاط طبع است.

۲ -بوستان سعدی که در ۱۰ باب بنام اتابک ابوبکر بن سعد در سال ۶۵۵ هجری به نظم آورده است، این کتاب سراسر موعظه و پند و نصیحت و مُبین حکایات زیادی از شاهکارهای عالی زبان فارسی است که فارسی زبانان در ایران و سایر کشورها آنها را حفظ و در صحبت های روزمره خویش به آنها استناد می‌نمایند.

۳ -گلستان سعدی. این کتاب را سعدی در سال ۶۵۶ هجری بنام اتابک ابوبکر نوشته و دیباچه آن را بنام سعدبن ابوبکر مربی خود برشته تحریر درآورده است. گلستان مجموعه‌ایست از اشعار و حکایات که سعدی بدین طریق داد سخن گستری داده و بهترین نمونه نثر ظریف و روان زبان فارسی را ایجاد نموده است. بخاطر ارزش جاودانی گلستان سعدی یک بیت از آن را نقل می‌کنیم:

گل همین پنج روز و شش باشد   این گلستان همیشه خوش باشد

بچه کار آیدت زگل طبقی   از گلستان من به بر ورقی

آثار سعدی مثل شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام نیشابوری، نهضت جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد نموده که همیشه مورد تقلید صاحب نظران زبان فارسی است.

عُبید زاکانی- وفاتش در ۷۷۲ هجری قمری

خواجه نظام الدین عبیدالله قزوینی از علمای مشهور عهد خود بوده و به وزارت هم رسیده است، هم شهری معاصر او، حمدالله مستوفی در سال ۷۳۰ هجری، ۴۲ سال قبل از فوت عُبید در مورد وی میگوید:

خواجه اشعار خوبی دارد و رساله های بی نظیر، خط مشی او ادامه نثر گلستان سعدی است و غالباً عین جملات و عبارات سعدی را بکار برده است. کلیات عبید زاکانی و غزلیات او خالی از لطف و ملاحت نیست، مشهورترین رساله او، اخلاق الاشراف است که در بیان مذاهب منسوخ و فریبنده در سال ۷۴۰ هجری قمری تألیف شده است.

رساله دلگشای عبید، مُتضمن حکایات خوش مزه‌ایست که در سال ۷۵۰ هجری تألیف نموده است. منظومه مثنوی او بنام عُشاق نامه و قصه کوچک موش و گربه وی مشهور عوام و خواص زبان فارسی است.

حافظ شیرازی

در عصر خواجه حافظ شیرازی، هم زمان با عبید زاکانی، مردم با توجه به اوضاع اجتماعی آن روز، تزویر پیشه بودند ولیکن خواجه حافظ و عبید زاکانی دشمن تزویر و ریاکاری بودند، این ریاکاری به حدی رسیده بود که می‌گفتند، خواجه عمادالدین شیخ خانقاه کر مان گربه خود را چنان تعلیم داده بود که در هنگام نماز، گربه او به تابعیت از وی به رکود و سجود می‌رفت و شاه شجاع این عمل را حمل بر کرامت شیخ عمل کرده و بیش از پیش در اظهار اخلاص به شیخ می‌کوشید، حافظ با توجه بدین ساده لوحی‌ها عقده دل خود را با سرودن غزلی می‌گشاید و میگوید:

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید   شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
ای کبک خوش خرام کجا میروی به ایست   غره مشو که گربه عابد نماز کرد
حافظ مکن ملامت رندان که از ازل   ما را خدا ززهد و ریا بی نیاز کرد

درمورد وقایع خونین زمان خویش گفته است:

این چه شوریست که در دور قمر میبینم　　همه آفاق پر از فتنه و شر میبینم

حافظ از ستیزگی های قشری و اختلافات ظاهری در عذاب و از تذویر زاهدان در رنج و اندوه بود و در این مورد میگوید:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را غدرنبه　　چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

آتش زرق و ریا خرمن دین خواهد سوخت　　حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو

سال فوت حافظ ۷۹۱ هجری[۱]

حمدالله مستوفی (تولد ۶۸۰ و فوت ۷۵۰ هجری قمری)

حمدالله مستوفی در سال ۶۸۰ هجری در شهرستان قزوین متولد و در سال ۷۱۱ هجری از طرف خواجه رشیدالدین فضل الله، حاکم زنجان، ابهر و طارم گردید. نامبرده از شعرا و منشیان مطلع زبان فارسی، بسیار وطن دوست بود و علاقه زیادی به کسب اطلاعات تاریخی در مورد کشور ایران و سایر مناطق جهان داشت.

نتایج کوشش و زحمات وی در طول عمرش، تدوین و تنظیم ۳ کتاب معتبر فارسی در تاریخ و جغرافیا بشرح زیر میباشد:

۱ -تاریخ گزیده که خلاصه تاریخ عمومی جهان از بدو خلقت تا ایام وزارت خواجه غیاث الدین محمد رشیدی است.

۲ -ظفرنامه که منظومه بزرگی است در ۷۵۰۰۰ بیت، درین منظومه تاریخ ایران در مدت ۷۵۰ سال از ابتدای اسلام تا عهد مولف بیان گردیده است، تألیف و تکمیل این منظومه تاریخی ۱۵ سال طول کشید (۷۲۰ تا ۷۳۵ هجری) در این منظومه تحولات تاریخی- سیاسی کشور ایران برای هر قرن (۱۰۰ سال) در ۱۰ هزار بیت شعر بیان گردیده است.

[۱] ماخذ:تاریخ ادبیات ایران،تالیف عباس اقبال آشتیانی، ص ۳۲۳و۳۳۵، چاپخانه دانش تهران ۱۳۲۴

۳ -نزهت القلوب، کتابی است که حمدالله مستوفی در مورد جغرافیای ایران و احوال کشورهای مجاور در نیمه اول قرن هشتم هجری تألیف نموده و مبین اطلاعات نفیسی میباشد. در مورد ری مینویسد که ولایات ری شامل ۳۶۰ پارچه آبادی است و طهران از معظم ناحیه غار است و آب و هوایش خوش تر از ری میباشد.

شمس الدین محمد بن قیس رازی (نیمه اول قرن هفتم هجری)

شمس الدین محمد از علمای بزرگ ادبیات زبان فارسی، اصلاً از مردم ری بوده ولی غالب ایام جوانی را در ماوراء النهر خوارزم و خراسان گذرانده و پس از استیلای تاتارهای مغول در سال ۶۱۴ هجری، بر حوزه اقتدار سلطان محمد خوارزمشاه به مدت ۷-۶ سال در شهرهای مختلف عراق بوده و در این ایام یکی دوبار اسیر سپاهیان تاتار گردیده و بسیاری از کتب او توسط مغولان به غارت رفته است.

شمس الدین در سال ۶۲۰ هجری به فارس رفته و در پناه اتابک سعدبن زنگی قرار گرفت. پس از فوت سعد در سال ۶۲۳ هجری در خدمت پسرش اتابک ابوبکر بن سعد میزیسته است و کتاب مشهور وی بنام اَلمعجم فی معابیر اشعار العجم را در حدود سال ۶۳۰ هجری بنام ابوبکر بن سعد در فارسی تألیف کرده است، تهیه و تنظیم این کتاب در سال ۶۱۴ هجری در مرو شروع در سال ۶۳۰ هجری به اتمام رسیده است. این کتاب یکی از مهم ترین کتب ادبی زبان فارسی است که ابتدا به زبان عربی بوده و در تجدید نظر به صواب دید فضلای فارس، متن کتاب را به زبان فارسی بر گردانده است.

۱۲-علمای نامی ری پس از مغول تا زمان شاه عباس صفوی در قرن یازدهم

پادشاهان مغول که بر شهرستان ری و سایر مناطق ایران فرمانروائی میکردند (از سال ۵۹۹ تا ۷۳۰ هجری قمری) جمعاً ۱۳ نفر بودند (بشرح مندرج در صفحه ۶۳ کتاب تاریخ تهران و ری) و زمان فرمانروائی آنان بر ایران ۱۳۱ سال طول کشید. پس از خرابی کامل ری برای اولین بار در عهد

غازان خان مغول، ملک فخر الدین رئی (رازی) اندک اماراتی در شهر ری بنا نموده و جمعی از اهالی اطراف را ساکن این ساختمانها نمود.

بطور کلی فرمانروایان مغول به فکر تجدید آبادانی ری نبودند و حمدالله مستوفی نیز بر این نکته تأکید نموده است، با این وجود نام تاریخی ری تا زمان شاه عباس صفوی و پایان قرن یازدهم هجری برپا بوده و باز هم گروهی از علمای نامی ایران بشرح زیر متعلق به ری بوده اند:

۱ محمد سلیم رازی شاگرد سلطان العلماء مولف کتاب الملتقطات و کتاب شرح صحیفه کامله سجادیه.

۲ امین احمد رازی، نویسنده تذکره هفت اقلیم که در سال ۱۰۱۰ هجری تألیف نموده است و نسخه نفیس این کتاب تاریخی در کتابخانه سلطنتی و کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران موجود است.

۳ قاضی احمدبن محمد غفاری رازی که در سال ۹۷۲ هجری کتاب نُسخ جهان آرا را در ۳ جلد تألیف نموده و در جلد سوم این کتاب به تجزیه و تحلیل تاریخ صفویه پرداخته است.

۴ نظام الدین محمد بن الحسین قرشی ساوجی ساکن شهر عبدالعظیم، شاگرد شیخ بهائی و مدرس مدرسه عبدالعظیم بوده که از طرف شاه عباس صفوی تدریس در مدرسه مذکور به وی واگذار شده بود. نامبرده در فقه و علوم ریاضی مهارت داشته و در سن ۴۰ سالگی در سال ۱۰۲۲ هجری فوت نموده است.

در دوران سلاطین صفویه، تدریجاً توجه بیشتری به آبادانی شهرری مینمودند و شاه طهماسب اول (متولد ۹۰۶ و متوفی ۹۸۴ هجری قمری) پس از رسیدن به سلطنت چون علاقه زیادی به زیارت جدش عبدالعظیم حسنی داشت مرتب به ری رفت و آمد مینمود. شاه طهماسب تعصب مذهبی زیادی داشت چنانکه وقتی نماینده ملکه اسکاتلند برای انعقاد پیمان دوستی به دربار او آمده بود و عیسوی مذهب بود، فرمان داد که برجای پای او خاک پاشیده شود تا اینکه مردم بدانند که ایشان نجس هستند و از آنها پرهیز نمایند. در سال ۹۶۸ هجری قمری بدستور شاه طهماسب برای تهران ۴ دروازه بنا نمودند که مهمترین آنها دروازه حضرت عبدالعظیم بود.

۱۳- پیش کسوتان صنعت فرش،خوشنویسی و مهندسی شهرسازی ایران

استاد غیاث الدین جامی، بنیان گزار صنعت فرش ایران

هنر قالیبافی در ایران ریشه قدیمی داشته و منشاء آن قالی‌های عشایری است. در زمان صفویه، صنعت فرش ایران از یک صنعت روستائی به فعالیت هنری در سطح کل کشور ارتقاء یافت، نخستین کارگاه قالیبافی در زمان شاه عباس اول در اصفهان شروع بکار نمود.

۱- قدیمی ترین فرش ایران، فرش میلان با نقش شکارگاه است که در اواخر سلطنت شاه طهماسب در سال ۹۲۹ هجری قمری بافته شده است. این فرش زیر نظر استاد بزرگ غیاث الدین جامی بافته شده است، دیدار این فرش احساس عظمت و زیبائی را در بیننده القاء میکند. تُرنج وسط فرش سرخ رنگ است و با طرحهای تودر توی غنچه و گل برگهای نیلوفر و ابرهای آبی پوشیده شده است و شکارچیان سوار بر اسبهای سُرخ و سپید شتابان به اطراف می‌تازند.

۲- فرش بسیار معروف اردبیل، که به سفارش شاه طهماسب برای مقبره جدش شیخ صفی الدین اردبیلی در کاشان بافته شده است. این فرش شاهکاری از هُنر قالیبافی است که بافت آن ده سال طول کشیده و در سال ۹۴۲ هجری قمری بافته شده است. در ترنج وسط فرش حوض کوچکی قرار دارد که با گل احاطه شده است و بر روی آن شکوفه‌های نیلوفر شناورند.

هم اکنون از فرش بی‌نظیر اردبیل بعنوان بزرگترین گنجینه هنری در موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن حفاظت و نگهداری میشود.

پیشرفت هنر در زمان صفویه- استاد بهزاد

شاه اسماعیل صفوی برای اولین بار استاد بهزاد، خوش نویس، نقاش و هنرمند زمان را از شهر هرات به تبریز آورد و در سال ۹۲۸ هجری قمری وی را به مدیریت کتابخانه سلطنتی خویش منصوب کرد. پس از اسماعیل، شاه طهماسب نیز علاقه زیادی به شعر و نقاشی داشت و با تشویق او بهترین اثر زمان بنام شاهنامه شاه طهماسب که تدوین آن از زمان شاه اسماعیل شروع شده بود

در زمان طهماسب کامل شد. این شاهنامه حاوی ۲۵۰ نقاشی میناتور است و بعبارت دیگر یک نگارخانه قابل حمل است و مُبین یادگاری از خوش نویسی هم میباشد.

در زمان شاه عباس اول ۲ سبک مختلف در نقاشی پدید آمد:

۱- سبک رضا عباسی که دستاوردهای پیشنیان را در هنر تصویرنگاری و نقاشی به اوج رساند و بعبارت دیگر، رضا عباسی، استاد مسلم رشته میناتور بود.

۲- سبک صادق بیگ افشار که مدیر کتابخانه سلطنتی بود و واقع گرائی شگفت آوری را در نقاشی های خویش نشان داده است.

«نابغه بزرگ شیخ بهائی، بنیان گزار مهندسی شهرسازی در زمان شاه عباس کبیر»

عظمت شهر اصفهان در قرن یازدهم هجری از سال ۱۰۰۶ آغاز میشود که شاه عباس پایتخت کشور را از قزوین به اصفهان انتقال داد. معمار بنای پایتختی بزرگ چون اصفهان، شیخ بهاء الدین محمد عاملی معروف به شیخ بهائی است که دانشمندی بزرگ، فیلسوف، مفسر قرآن، فقیه، منجم، معلم، شاعر و مهندس چکیده جامعه صفوی عصر شاه عباس کبیر بود.

شیخ بهائی به تنهائی بجای یک گروه مهندس شهرسازی، طراح اصلی خیابانهای جدید اصفهان (شمالی، جنوبی و شرقی، غربی) میدان های مختلف، قصرهای چهل ستون، عالی قاپو- مساجد، بازار، حمام شیخ بهائی، قلعه و باغهای زیبای اصفهان بود. این نابغه بزرگ در سال سی و پنجم سلطنت شاه عباس کبیر در شوال ۱۰۳۰ هجری قمری درگذشت.

شاه عباس بمنظور کاهش قدرت سران قزلباش در نیروهای مسلح کشور در سال ۱۰۰۶ هجری قمری، یک غلام گرجی را که بسیار کاردان و فرمانده یک هنگ در گرجستان بود به فرماندهی نیروهای مسلح انتخاب کرد. این غلام گرجی بنام الله وردیخان تا هنگام مرگش در سال ۱۰۲۲ هجری قمری این سمت را حفظ نمود و قدرت رزمی نیروهای مسلح کشور را به نحو شایسته‌ای افزایش داد.

پس از فوت الله وردیخان، این سمت به فرزندش امام قلیخان که حاکم فارس و جنوب ایران بود، داده شد. در سال ۱۰۲۹ هجری ساختمان سی و سه پل اصفهان به پایان رسید، اهمیت این پل بر

روی رودخانه زاینده رود در آن زمان بقدری زیاد بود که لُرد کرزن انگلیسی آن را باشکوه ترین پُل دنیا نامیده است.

شاه عباس بمنظور حفظ موازنه قوا در بین اقلیت های مذهبی، هزاران خانوار ارمنی و گرجی را از ارمنستان و گرجستان به اصفهان کوچ داده و منطقه بزرگی را برای سکونت آنان در جلفای اصفهان بنا و تخصیص داد. علاوه بر منزل به ارامنه اجازه داده شد که برای خود یک کلانتر و شهر دار ارمنی انتخاب کرده و صاحب یک جامعه خودگردان باشند و برای آنان امکانات زیادی فراهم نمود تا بتوانند موجبات توسعه تجارت در جنوب ایران را از طریق بوشهر و بندرعباس فراهم نمایند.

منبع تحقیق: کتاب ایران در عهد صفوی تألیف راجر سیوری (R.M.Savory) ترجمه کامبیز عزیزی سال چاپ ۱۳۷۰.

فصل دوم: امیرکبیر و برنامه‌هایش، برای تأسیس دارالفنون، روساء و فارغ التحصیلان دارالفنون

امیرکبیر در هنگام سفرهای ناصرالدین شاه به کشورهای روسیه، عثمانی و اروپائی، با توجه به بازدیدهایش از مدارس مختلف روسیه، بازدید از مدارس طبیبه (پزشکی) و عسگریه (مدرسه نظام) در عثمانی و مطالعهٔ شرح مدارس علوم کشورهای غربی در رشته‌های مختلف، بمنظور تربیت نیروهای انسانی متخصص مورد نیاز کشور، تصمیم به تأسیس مدرسه دارالفنون یا مکتب خانه سلطنتی گرفت. امیرکبیر برای اجرای برنامه‌های فرهنگی مورد نظر خویش، احتیاج مبرمی به تدریس علوم مختلف توسط استادان خارجی داشت، رشته های اصلی مورد نظر امیرکبیر، پیاده نظام، فرماندهی، توپخانه، سواره نظام، مهندسی، ریاضیات، معدن شناسی، طب و داروسازی بود و در تمام رشته‌های درسی، زبان فرانسه، علوم طبیعی، تاریخ و جغرافیا نیز تدریس می‌شد.

سنگ بنای دارالفنون در اوایل سال ۱۲۶۶ هجری قمری در زمینی واقع در شمال شرقی ارگ سلطنتی که قبلاً سربازخانه بود نهاده شد، نقشه بنای دارالفنون را میرزا رضای مهندس که درزمان عباس میرزا برای تحصیل به انگلستان رفته بود کشید و این نقشه را محمد تقی خان معمارباشی پیاده نمود.

بنای قسمت شرقی مدرسه دارالفنون در اواخر سال ۱۲۶۷ هجری قمری کامل گردید و تکمیل بقیه ساختمان دارالفنون تا اوایل سال ۱۲۶۹ هجری پایان یافت و درب کنونی مدرسه دارالفنون در خیابان ناصرخسرو در سال ۱۲۹۲ هجری ساخته شد.

۲- استادان خارجی و ایرانی مدرسه دارالفنون در ابتدای گشایش

در سال ۱۲۶۶ هجری قمری، هنگامیکه مدرسه دارالفنون در دست ساختمان بود، امیرکبیر ژان جان داودخان را برای استخدام استادان مورد نظر به اطریش و پروس فرستاد و به وی اختیار داد که برای استخدام ۶ نفر استاد مورد نظر واجد حداکثر تخصص در رشته‌های زیر برای مدت ۶ سال اقدام نماید:

بودجه مورد نیاز برای آمد و رفت هریک از استادان خارجی ۴۰۰ تومان و حقوق مقرری آنها برای هرسال ۴۰۰۰ چهار هزار تومان بود، سپس ۳ نفر دیگر به لیست مورد نظر اضافه شد (یک نفر داروساز و ۲ نفر سرکارگر خبره با یکهزارتومان حقوق سالیانه برای هریک از آنها). اسامی ۷ نفر استاد مورد نظر بشرح زیر میباشد که برای ۶ سال ترتیب استخدام آنان داده شد:

اسامی استادان خارجی[۱]	رشته تدریس
۱- کاپیتان گومِنز مشاور امیر در اصلاح نظام	پیاده نظام و فن رزم آزمائی (مدت استخدام ۲ سال)
۲- کاپیتان زاتی	معلم هندسه
۳- نایب اول کرِزیز	معلم توپخانه
۴- نایب اول نمیرو Nemiro	معلم سواره نظام
۵- کارنوتا Carnotta	معلم معدن شناسی
۶- دکتر پلاک Polak	معلم طب، جراحی و تشریح
۷- فِکتی ایتالیائی	معلم علوم طبیعی و دواسازی

از معلمان ایرانی دارالفنون بشرح زیر نامبرده میشود: [۲*]

۱- میرزا ملکم خان	معلم حساب و هندسه، لگاریتم و جغرافیا
۲- میرزا سید علی	معلم طب قدیم
۳- میرزا احمد	طبیب کاشانی

۴- عبدالغفار خان نجم الملک، این استاد عالیقدر در رشته‌های ریاضی، مثلثات، هیئت، پُل سازی، راهسازی و نقشه کشی تخصص داشت، وی از سال ۱۲۷۸ هجری قمری در دارالفنون تدریس و به کمک ۲۰ نفر از شاگردانش نقشه شهر تهران را در مدت ۸ ماه تهیه و پس از بررسی کامل در ۱۳۰۵ هجری قمری منتشر گردید.

عبدالغفار خان در سال ۱۲۹۸ هجری قمری برای اولین بار کتاب اصول علم جغرافیا را تألیف نمود.

[۱] و۲- تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون ص ۱۲۰ و ص ۱۲۱ و ص ۱۱۸

۲ نفر از استادان خارجی دارالفنون (گومِنز و نمیرو)، قبل از ۱۲۶۸ به ایران آمده و ۵ نفر بقیه ۲۴ نوامبر ۱۸۵۱ میلادی برابر ۲۷ محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری دو روز قبل از عزل امیرکبیر به تهران وارد شدند.
امیرکبیر پس از عزل از مقام صدارت با ترفند ملکه مادر به کاشان منتقل و در حمام فین کاشان با بریدن رگهایش بدست میرغضب های اعزامی از طرف دربار به قتل رسید. (سال ۱۲۶۸)

افتتاح مدرسه دارالفنون[۱]

مدرسه دارالفنون روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ هجری (سیزده روز پیش از کشتن امیرکبیر) با حضور ۱۱۴ دانش آموزش گشایش یافت، در این مراسم ناصرالدین شاه، میرزا آقا خان نوری صدراعظم، وزیران، فضلای وقت و معلمان ایرانی و استادان خارجی حضور داشتند.
شعبه فنون نظامی دارالفنون ۸ ماه قبل از افتتاح رسمی (۶ ماه پیش از عزل امیر کبیر) آغاز بکار نمود. برای ریاست دارالفنون امیر میزا محمد علی خان شیرازی وزیر امور خارجه را که به وضع فرهنگی – اجتماعی اروپا آشنا بود در نظر گرفته و به این سمت برگزید.
میرزا محمد علی خان ۱/۵ ماه پس از ریاست مدرسه دارالفنون به علت بیماری فوت کرد و پس از او عزیزاله خان آجودان باشی به ریاست دالفنون برگزیده شد و رضا قلی خان هدایت به سمت ناظم مدرسه منصوب گردید . ۲۶ سال پس از تاسیس دارالفنون در تهران در سال ۱۲۹۳ هجری دارالفنون تبریز با ۴۵ دانش آموز تاسیس گردید .

۳-نظم دارالفنون و توزیع دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی[۲]

شاگردان هر رشته لباس مخصوص به تن داشتند (سالی ۲دست لباس زمستانی و تابستانی) . علاوه بر صرف نهار مجانی به دانشجویان انعام نیز داده میشد. امتحانات سالی ۳ بار بود و شاگردان ممتاز در هر رشته تحصیلی جایزه دریافت می‌نمودند. دوره تحصیلی در ابتدای تأسیس مشخص نبود

[۱]. تحولات فرهنگی ایران در زمان قاجاریه ص ۱۲۲
[۲]. تحولات فرهنگی ایران ص ۱۲۲.

ولیکن برای دوره‌های بعد ۷-۶ سال تعیین گردید. (بیشتر دانشجویان از خانواده اعیان و اشراف و درباریان بودند).

اولین اساتید مدرسه طب دارالفنون:

اولین اساتید ایرانی مدرسه طب دارالفنون که با همت خویش به آموزش دانشجویان ایرانی در رشته طب اشتغال داشته‌اند بشرح زیر ۱۱ نفر بوده‌اند:

۱- میرزا حسین خان لقمان ادهم	رئیس مدرسه طب
۲- دکتر امیرخان امیراعلم	معلم تراپتیک و امراض اطفال
۳- دکترعلی خان حکیم اعظم	معلم فیزیولوژی و طب قانونی
۴- دکتر سعید خان لقمان الملک	معلم امراض مجاری ادرار و امراض نسوان
۵- نواب والا یحیی میراز لسان الحکماء	معلم چشم پزشکی
۶- دکتر یونس خان	معلم قابلگی و میکروب شناسی
۷- دکتر یونس خان ملک زاده	معلم تشریح
۸- دکتر شیخ محمد خان احیاء الملک	معلم تشریح
۹- دکتر غلامحسین خان	معلم جراحی صغیر
۱۰- دکتر عبداله خان	معلم طب
۱۱- دکتر حسین خان معتمد	معلم فیزیک و شیمی طبی

۴-بودجه مصوب مدرسه دارالفنون به تفکیک سالهای مورد بررسی

بودجه مدرسه دارالفنون در سال تأسیس ۱۲۶۸ هجری قمری ۷۷۵۰ تومان بود. در این تاریخ یک لیره انگلیسی دو تومان ارزش داشت و پس از ۳۱ سال بودجه سالیانه دارالفنون به ۳۲۳۳۵ تومان در سال ۱۲۹۹ هجری قمری افزایش یافت.

چنانکه قبلاً بدان اشاره شد مدرسه طب دارالفنون در ابتدا هفت استاد خارجی و چهار معلم ایرانی داشت. با توسعه مدرسه طب دارالفنون در محرم سال ۱۳۳۷ هجری قمری (آبان ماه ۱۲۷۹ هجری

شمسی) رشته طب از مدرسه دارالفنون جدا و مستقل گردید. (تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۱۳۷).

در مراسم جشن سالیانه مدرسه دارالفنون در سال ۱۳۳۶ هجری قمری قبل از تفکیک رشته طب از دارالفنون بشرح مندرج در ص ۱۳۵ تحولات فرهنگی تهران در دوره قاجاریه ۱۷ نفر تصدیق نامه طبی (پزشکی) گرفتند مدرسه طب مستقل از دارالفنون در سال تحصیلی ۱۳۰۲- ۱۳۰۱ شمسی برابر احصائیه سال ۱۳۰۴ هجری شمسی وازرت معارف و اوقاف تألیف میرزا علی اصغر خان حکمت ص ۲۰، ۱۵ نفر فارغ التحصیل پزشکی داشته است. پس از جدا شدن رشته طب و حقوق از مدرسه دارالفنون برابر اطلاعات آماری مندرج درسالنامه احصائیه سال ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۳۶، بودجه مدرسه دارالفنون در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ شمسی به تفکیک برای هرسال بشرح زیر میباشد:[1]

بودجه مدرسه دارالفنون در سالهای ۱۳۰۷ – ۱۳۰۲ شمسی

سال شمسی	۱۳۰۲	۱۳۰۳	۱۳۰۴	۱۳۰۷
بودجه به تومان	۲۶۹۲۱	۲۷۱۷۹	۲۷۸۳۱	۳۰۰۰۰

نرخ برابری لیره انگلیسی در سال ۱۳۰۷ شمسی ۳ تومان بوده است.

توزیع ۱۱۴ نفر دانشجویان مدرسه دارالفنون در سال تأسیس به تفکیک رشته بشرح زیر بوده است: رشته طب و جراحی ۲۰ نفر، مهندسی ۱۲ نفر، توپخانه ۲۶ نفر، پیاده نظام ۳۹ نفر . سواره نظام ۵ نفر معدن شناسی ۵ نفر و رشته داروسازی ۷ نفر. در سال ۱۳۰۷ شمسی که لردکرزن انگلیسی به ایران آمد، تعداد دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی بشرح زیر بوده است. رشته‌های ۳ گانه نظام ۷۵ نفر، شعبه‌های مختلف علمی و فنی ۱۴۰ نفر، نقشه کشی ۸۰ نفر، زبان فرانسه ۴۵ نفر. زبان انگلیسی ۳۷ نفر، زبان روسی ۱۰ نفر و جمع کل دانشجویان ۳۸۷ نفر.[2]

---

[1]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه، تألیف دکتر احمد (ایرج هاشمیان) از ص ۱۱۸ و بعد از آن

[2]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه، تألیف دکتر احمد(ایرج هاشمیان)ص۱۱۸تا۱۲۷

رؤسا:مدیران مدرسه دارالفنون از زمان ناصرالدین شاه تا زمان احمد شاه قاجار

برای ریاست دارالفنون امیرکبیر برای اولین بار میرزا محمدعلی خان شیرازی وزیر امور خارجه را به این سمت برگزید، متأسفانه وی ۱/۵ ماه پس از ریاست دارالفنون به علت بیماری درگذشت، پس از او عزیزالله خان آجودان باشی در سال ۱۲۶۸ هجری قمری که داماد امیرکبیر بود ریاست مدرسه را برعهده گرفت.

فهرست رؤسای بعدی مدرسه دارالفنون تا زمان محمد علی شاه قاجار در سال ۱۳۲۶ هجری قمری بشرح زیر میباشد:

۳- عبدالحسین خان فرزند علی نقی خان آجودان

۴- میرزا محمد خان امیرتومان

۵- علی قلی خان اعتضاد السلطنه از سال ۱۲۷۴ هجری قمری

۶- جعفر قلی خان هدایت (نیرالملک اول)

۷- رضا قلی خان هدایت (نیرالملک دوم)

۸- محمد حسین خان ادیب الدوله اول

۹- محمد حسن خان ادیب الدوله دوم

۱۰- دکتر مسیح الله امیر خیزی

۱۱- حداد

۱۲- پروفسور فاطمی

۱۳- کلانتری

۱۴- حاج عظیمی

۱۵- پایور

۱۶- دکتر کسائی

۱۷- مُقبلی

۱۸- تقوی

۱۹- فرهادی در سال ۱۳۲۶ هجری قمری

بیوگرافی چند تن از رؤسای مشهور مدرسه دارالفنون به شرح زیر می‌باشد:

۵-الف- علی قلی خان اعتضاد السلطنه، علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه پسر پنجاه چهارم از پنجاهمین زن فتحعلی شاه قاجار می‌باشد. نامبرده پس از مرگ محمد شاه در سال ۱۲۶۴ در تهران مورد اعتماد کامل مهد علیا مادر ناصرالدین شاه بود مدت ۴۵ روز زمام کارهای کشور را عهده دار بود و در سال ۱۲۷۲ هجری لقب اعتضاد السلطنه به وی اعطاء گردید. در سال ۱۲۷۴ هجری بموجب فرمان ناصرالدین شاه به ریاست مدرسه دارالفنون منصوب میشود و در سال ۱۲۷۵ به لقب وزیر علوم مفتخر گردید. در همین سال ۴۲ نفر از دانش آموزان دارالفنون زیر نظر وی انتخاب و جهت ادامه تحصیل به فرانسه اعزام میشوند. در سالهای ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۸ هجری قمری چندین روزنامه زیر نظر او و یا توسط خود او بشرح زیر منتشر شده است:

روزنامه ملت علیه ایران ۲ شماره، روزنامه ملت سنیه ایران ۲ شماره، روزنامه ملّی ۳۴ شماره، اعتضاد السلطنه در سال ۱۲۹۸ هـ ق درگذشت.

ب- جعفر قلی خان هدایت (نیرالملک اول)

جعفر قلی خان در سال ۱۲۴۷ هجری قمری متولد و در سال ۱۲۶۸ هجری جهت تحصیل وارد مدرسه دارالفنون شد، وی از دانش آموزان دوره اول رشته مهندسی دارالفنون بود، و پس از پایان تحصیلات خویش در سال ۱۲۷۸ هجری به سمت کتابدار مدرسه انتخاب گردید. جعفرقلی خان پس از ریاست کتابخانه به ریاست مدرسه دارالفنون برگزیده شد و تا سال ۱۳۱۲ هجری قمری این سمت را عهده دار بود. در سال ۱۳۱۳ هجری به سمت وزیر علوم منصوب و با حفظ سمت وزارت تا سال ۱۳۱۵ هجری، ریاست مدرسه دارالفنون را هم برعهده داشت. جعفر قلی خان در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

ج- رضاقلی خان هدایت (نیرالملک دوم)

رضا قلی خان هدایت متولد سال ۱۲۸۸ هجری قمری و در سال ۱۳۰۵ هجری در رشته علوم ریاضی و فلسفه از مدرسه دارالفنون فارغ التحصیل گردید و در سال ۱۳۱۵ هجری قمری پس از

پدرش جعفر قلی خان به ریاست مدرسه دارالفنون برگزیده شد. هم زمان با ریاست وی، محمد حسن خان ادیب الدوله دوم به عنوان ناظم مدرسه دارالفنون انتخاب گردید.
رضا قلی خان در سال ۱۳۱۳ هجری قمری مدت زمانی معاون کل وزارت معارف و بواسطه خدمات فرهنگی قابل ملاحظه‌اش در سال ۱۹۰۲ میلادی (۱۲۸۱ هجری شمسی) از طرف دولت فرانسه مفتخر به دریافت نشان لژیون دونور گردید.

د- محمد حسین خان ادیب الدوله اول

محمد حسین خان در سال ۱۲۵۱ هجری قمری متولد و از شاگردان دوره اول مدرسه دارالفنون در رشته توپخانه بود. محمد حسین خان پس از پایان تحصیلات خویش در سال ۱۲۷۸ هجری ابتدا به سمت آجودانی مدرسه منصوب و در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به لقب ادیب الدوله نائل گردید. نامبرده از سال ۱۲۸۲ تا سال ۱۳۱۵ هجری به مدت ۳۴ سال ناظم مدرسه دارالفنون بود و کلیه کارهای مدرسه زیر نظر وی انجام میگرفت. محمد حسین خان در سال ۱۳۱۵ هجری قمری در سن ۶۴ سالگی در تهران درگذشت.

هـ- محمد حسن خان ادیب الدوله دوم

محمد حسن خان پسر محمد حسین خان ادیب الدوله میباشد. نامبرده ابتدا در مدرسه دارالفنون در رشته توپخانه تحصیل و پس از مدتی بعنوان دستیار معلم ریاضی و سپس با سمت معلم ریاضی در دارالفنون تدریس مینمود و در سال ۱۳۱۵ هجری پس از مرگ پدر به لقب ادیب الدوله مفتخر گردید. نامبرده پس از رضا قلی خان نیرالملک دوم ریاست مدرسه دارالفنون را عهده دار شد. محمد حسن خان در سن ۶۳ سالگی درگذشت.

توزیع سنواتی فارغ التحصیلان دارالفنون

از سال تحصیلی ۹۳- ۱۲۹۲ تا سال تحصیلی ۱۳۰۵- ۱۳۰۴، تعداد فارغ التحصیلان دیپلمه دبیرستان دارالفنون بشرح زیر بوده است.

سال تحصیلی	تعداد فارغ التحصیلان
۹۳ -۱۲۹۲	۱۸ نفر
۹۴ -۱۲۹۳	۲ نفر
۹۵ -۱۲۹۴	۲۲ نفر
۹۶ -۱۲۹۵	۲۶ نفر
۹۷ -۱۲۹۶	۲۶ نفر
۹۸ -۱۲۹۷	۲۴ نفر
۹۹ -۱۲۹۸	۱۶ نفر
۱۳۰۰ -۱۲۹۹	۱۸ نفر
۱۳۰۱ -۱۳۰۰	۲۴ نفر
۱۳۰۲ -۱۳۰۱	۲۸ نفر
۱۳۰۳-۱۳۰۲	۵۲ نفر
۱۳۰۴ -۱۳۰۳	۹۰ نفر
۱۳۰۵ -۱۳۰۴	۱۱۴ نفر

ماخذ- سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی وزارت معارف و اوقاف ص ۶، تألیف میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس تفتیش

۷- سرنوشت دارالفنون پس از مرگ ناصرالدین شاه و تأسیس اولین مدرسه دخترانه در سال ۱۳۱۵ هجری قمری ناصرالدین شاه قاجار، در روز جمعه ۱۷ ذی القعده سال ۱۳۱۳ هجری قمری چهار روز قبل از برگزاری پنجاهمین سال سلطنت خویش بدست میرزا رضای کرمانی در حرم حضرت عبدالعظیم شهرری کشته شد. پس از این واقعه، مدرسه دارالفنون بعلت اجتماعی- سیاسی حاکم بر جامعه از اهمیت افتاد. بتدریج؛ جدا شدن رشته‌های طب و علوم نظامی و تبدیل شدن آن رشته‌ها به دانشکده‌های مستقل، درالفنون منحصر به تحصیل دانش آموزان در دوره متوسطه گردید و مدتی نیز به دبیرستان امیرکبیر تغییر نام داد ولی دوباره به همان اسم قدیمی اش دارالفنون نامیده شد.

تأسیس اولین مدرسه دخترانه عفتیه در تهران

۲ سال پس از به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۵ هجری قمری، اولین مدرسه دخترانه بنام عفتیه در خیابان سیروس تهران تأسیس گردید. مؤسس این مدرسه خانم صفیه یزدی همسر شیخ محمد یزدی از مجتهدین طراز اول تهران بود. به دعوت خانم صفیه یزدی، خانم‌ها، محترم لطفی، بدرالملوک وثیقی و نصرت تقوا که پیش کسوت تعلیم و تربیت دختران بودند، بتدریس در این مدرسه اشتغال ورزیدند. در مخالفت با تأسیس این مدرسه، سید علی شوشتری که یک روحانی بود در حرم حضرت عبدالعظیم به بست نشست و در تکفیر نامه خود نوشت «وای به حال مملکتی که در آن مدرسه دخترانه تأسیس شود»

۳ سال پس از تأسیس مدرسه عفتیه، تعداد دختران دانش آموز این مدرسه به ۶۶ نفر رسید و خانم صفیه یزدی علاوه بر اداره مدرسه دخترانه در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی برای اولین بار انجمن آزادی زنان را تأسیس نمود (۱۳۲۴ هجری قمری) سالهای سلطنت سلاطین قاجار بشرح زیر خلاصه میشود:»

۱- آقا محمد خان	۱۲۱۲- ۱۱۹۳ هجری قمری
۲- فتحعلی شاه	۱۲۵۰- ۱۲۱۲ هجری قمری
۳- محمد شاه	۱۲۶۴- ۱۲۵۰ هجری قمری
۴- ناصرالدین شاه	۱۳۱۳- ۱۲۶۴ هجری قمری
۵- مظفرالدین شاه	۱۳۲۴- ۱۳۱۳ هجری قمری
۶- محمدعلیشاه	۱۳۲۷- ۱۳۲۴ هجری قمری
۷- احمد شاه	۱۳۴۴- ۱۳۲۷ هجری قمری

افزایش جمعیت تهران و ری در مدت ۱۵۰ سال سلطنت قاجاریه ۱۳۴۴- ۱۱۹۳ هجری قمری:

جمعیت شهر تهران هنگام مرگ آغا محمد خان قاجار در سال ۱۲۱۲ هجری قمری حدود ۱۵ هزار نفر و در سال ۱۲۲۲ هجری در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار حدود ۵۰ هزار نفر بوده است.

در سال ۱۳۰۹ هجری که بنای خندق ها و دروازه های تهران به پایان رسید تهران دارای ۱۲ دروازه بنام‌های دروازه دولت، شمیران – دوشان تپه، دولاب، خراسان، حضرت عبدالعظیم، غار، خانی آباد، گمرک، قزوین، باغشاه، یوسف آباد بود و کل جمعیت شهر تهران در سال ۱۳۱۳ هنگام قتل ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم ۱۶۰ هزار نفر بوده است.

در سال ۱۳۰۱ شمسی/ ۱۳۴۳ قمری، سرشماری کل جمعیت تهران از طرف بلدیه (شهرداری) ۲۱۰ هزار نفر بود که در ۱۸ هزار خانه سکونت داشته اند.

جمعیت شهرری در سال ۱۳۰۱ شمسی بدون حومه و بخش های تابعه ۱۲۲۱۹ نفر بوده است.

مأخذ. جغرافیای تاریخی ری- تهران تألیف سرتیپ حسین یکرنگیان، دانشکده افسری چاپ سال ۱۳۳۲ شمسی.

فصل سوم- تأسیس وزارت معارف و اوقاف در سال ۱۲۷۵ هجری (۱۲۳۸ شمسی) در صفحات(۵۳تا۷۹)

۱- در سال ۱۲۷۵ هجری قمری (۱۲۳۸ هجری شمسی)، ناصرالدین شاه قاجار مسئولیت تأسیس وزارت معارف را بعهده مرحوم علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه واگذار نمود. نامبرده تا سال ۱۲۹۴ هجری قمری برابر ۱۲۵۶ هجری شمسی، عهده دار این مسئولیت و تأسیس و توسعه مدارس جدید بوده است.[۱]

پس از علی قلی میرزا، علی قلی خان مخبرالدوله در سالهای ۱۳۱۴- ۱۲۹۴ هجری قمری و جعفرقلی خان نیرالملک در سالهای ۱۳۲۳- ۱۳۱۴ هجری قمری و میرزا محمود خان علاء الملک در سالهای ۱۳۲۵- ۱۳۲۳ هجری قمری وزیرمعارف بوده اند.[۲]

۲- هم زمان با وزارت علاء الملک در رجب سال ۱۳۲۴ هجری قمری، هنگامیکه هنوز جهل و نادانی سراسر کشور را فراگرفته بود و اگر کسی از مدرسه و علوم جدید صحبت مینمود به کفر و الحاد محکوم میگردید به همت مردی فاضل و فرهنگدوست، پایه و اساس فرهنگ جدید با تأسیس یک باب مدرسه در شهرری بنام دبستان عظیمیه گذاشته شد.

این مرد دانشمند مرحوم حسن رازی بود که در سال ۱۲۵۲ هجری شمسی درشهرری متولد و در سن ۳۰ سالگی با تحمل تمام فشارها و با یک اراده محکم در ۱۰۷ سال قبل (در مقایسه با سال ۱۳۸۹ شمسی)، مدرسه عظیمیه را تأسیس و کلیه مخارج مدرسه را بدون اخذ هیچ کمکی از دیگران پرداخت می نمود.[۳]

- هم زمان با فعالیت های فرهنگی- آموزشی حسن رازی در شهر ری، وزرای معارف کشور بواسطه مشکلات و محدودیتهای مربوط پس از میرزا محمود خان علاء الملک (وزیر معارف در سالهای ۲۵-۱۳۲۳ هجری قمری)، وزرای معارف خیلی زود درحال تغییر بودند. به نحویکه در طول سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۴ هجری قمری (۱۳۰۴ هجری شمسی)، ۳۶ وزیر معارف داشتیم و

---

[۱] . سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی. ص ۷۸، صورت اسامی وزراء معارف ایران از بدو تأسیس، تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت

[۲] - سالنامه فوق الذکر ص ۷۸

[۳] سالنامه فوق الذکر ص ۶۵ و سالنامه فرهنگ شهر ری در سال تحصیلی ۳۰- ۱۳۲۹، ص ۲۵

آخرین وزیر آموزش و پرورش در سالهای سلطنت احمد شاه قاجار، میرزا احمدخان بدر نصیرالدوله است که در سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۵ هجری قمری برابر با ۱۳۰۵ – ۱۳۰۴ هجری شمسی مسئولیت وزارت فرهنگ و معارف را بعهده داشته است.[۱]

خلاصه بیوگرافی تعدادی از وزرای آموزش و پرورش ایران بشرح زیر میباشد:

۱- اولین وزیر معارف ایران، علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه است که در سن ۴۴ سالگی از طرف ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۳۸ هجری شمسی (۱۲۷۵ هجری قمری) به وزارت معارف منصوب و ۲۲ سال در این سمت انجام وظیفه نموده است.[۲]

علی قلی میرزا علاوه بر پست وزارت پس از رضا قلی خان هدایت، ریاست دارالفنون را نیز عهده‌دار بوده است. از جمله اقدامات وی، انتشارات روزنامه دولت علیه ایران به مدیریت ابوالحسن غفاری، دایر نمودن آزمایشگاه برای مدرسه دارالفنون، تأسیس هسته مرکزی کتابخانه، مسجد سپهسالار تهران و کشیدن خط تلگراف بین تهران و سلطانیه تبریز بوده است.

علی قلی میرزا، متولد سال ۱۱۹۳ هجری شمسی، پنجاه و چهارمین پسر فتحعلی شاه و از پنجاه و دومین زن گرجی او بوده که در سال ۱۲۶۰ شمسی فوت و در جنب مزار حضرت عبدالعظیم دفن شده است.[۳]

۲- علی قلی خان هدایت (مخبرالدوله) تولد ۱۲۴۵ هجری قمری= ۱۲۰۷ شمسی

علی قلی خان دومین وزیر معارف عصر ناصرالدین شاه قاجار میباشد که با توجه به تحقیقات تاریخی علی اصغر حکمت، در دوره وزارت خویش در سالهای ۱۲۹۴ تا ۱۳۱۴ هجری قمری خدمات زیادی به توسعه فرهنگ نوین کشور نموده است.[۴]

از اقدامات وی، تأسیس مدارس رشدیه و لقمانیه در تبریز، افتتاح مدارس علمیه، شرف و مظفری در تهران، مدرسه موزیک ایران به سرپرستی لومر فرانسوی در دارالفنون و تشکیل مجلس حافظ الصحه وابسته به دارالفنون است.[۱]

---

[۱]. ماخذ سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۷۸ و ۷۹، تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت رئیس تفتیش

[۲]. ماخذ سالنامه مذکور است که اولین سالنامه رسمی وزارت فرهنگ و معارف میباشد.

[۳]. تاریخ آموزش و پرورش ایران، تألیف امان الله صفوی ص ۲۱۵

[۴]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۷۸

علی قلی خان هدایت پس از علی قلی میرزا ریاست مدرسه دارالفنون را نیز عهده دار بوده و در سن ۷۰ سالگی در ۱۳۱۵ هجری قمری فوت نموده است.[1]

۳- جعفر قلی خان نیرالملک

نامبرده برادر علی قلی خان هدایت و فرزند رضا قلی خان هدایت بوده و در سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۳ هجری قمری (۱۲۷۶ تا ۱۲۸۵) هجری شمسی بمدت ۸ سال در زمان مظفرالدین شاه وزیر معارف بوده است. وی دارایی نشان علمی از فرهنگستان فرانسه، عثمانی، روس و ایتالیا بوده و رساله مفتاح العلوم را در رشته فیزیک، شیمی و طبیعی تألیف نموده است.[2]

جعفرقلی خان علاوه بر پست وزارت به مدت ۴۰ سال ریاست مدرسه دارالفنون را نیز بعهده داشته و از اقدامات وی تشکیل انجمن و شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۹ هجری قمری، تعیین دوره های تحصیلی ۴ ساله برای دانش آموزان دوره ابتدائی و پنج ساله متوسطه برای دانش آموزان دبیرستان (شامل ۲ دوره سه ساله و دو ساله) بوده است. در مورد سال تولد و فوت نامبرده بین نظر آقای یغمائی(۱۲۱۰-۱۲۹۴) و آقای عبدالله پور (۱۲۰۶ تا ۱۲۸۴) ، دهسال اختلاف وجود دارد و در تحقیقات میرزا علی اصغرخان حکمت به تاریخ تولد و فوت او اشاره‌ای نشده است.[3]

۴- میرزا احمد خان نصیرالدوله بدر

میرزا احمدخان در سال ۱۲۴۹ شمسی در رشت متولد و پس از تحصیلات متداول زبان فرانسه را آموخت. از تألیفات وی، کتاب معرفت الارض، تاریخ نادرشاه افشار، حساب و خواص اعداد میباشد. احمدخان بدر برای اولین بار در کابینه های دوم و سوم وثوق الدوله (خرداد ماه سال ۱۳۰۵ شمسی) و کابینه میرزا حسن خان مستوفی الممالک در شهریور ماه سال ۱۳۰۵ شمسی، وزیر معارف و اوقاف بوده است و قبل از تصدی پست وزارت، ریاست دیوان عالی تمیز و کفالت وزارت خارجه را بعهده داشته است.[4]ازاهم اقدامات فرهنگی میرزا احمد خان بدر ایجاد ۴۶ باب مدارس جدید،تاسیس دارالمعلمات تهران بمنظور تربیت معلم زن برای مدارس دخترانه کشور

---

[1]. تاریخ آموزش و پرورش ایران، تألیف امان الله صفوی ص ۲۱۵

[2]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۷۸ و تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان الله صفوی چاپ ۱۳۸۳ رشد ص ۲۱۶

[3]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۷۸ و تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان الله صفوی چاپ ۱۳۸۳ رشد ص ۲۱۶

[4]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۷۸ و تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان الله صفوی چاپ ۱۳۸۳ رشد ص ۲۲۲

تاسیس دانشسراهای مقدماتی پسرانه ودخترانه ،استخدام استادان اروپائی در رشته های مختلف برای تدریس در مدرسه دارالفنون، تأسیس مدرسه موزیک و تألیف اولین سالنامه احصائیه آمار فرهنگی کشور در سال ۱۳۰۴ شمسی با زحمات فراوان میرزا علی اصغرخان حکمت رئیس تفتیش وزاری معارف بوده است.

میرزا احمدخان بدر در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی (یغمائی) سال ۱۳۰۷ (عبدالله پور) فوت نموده و در حرم حضرت عبدالعظیم مدفون است. براساس اطلاعات آماری مندرج در اولین سالنامه احصائیه فرهنگی کشور در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی، خلاصه اطلاعات آماری مربوط به توزیع دانش آموزان، کارکنان و بودجه وزارت معارف بشرح زیر بوده است.

جدول شماره ۱- توزیع دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و فارغ التحصیلان کشور در سه سال تحصیلی مورد بررسی: [1]

شرح	سال تحصیلی مورد بررسی		
	۱۳۰۱ -۱۳۰۲	۱۳۰۲ -۱۳۰۳	-۱۳۰۴ ۱۳۰۳
مدارس عالیه کشور	۹۱ نفر	۲۲۷	۲۷۳
متوسطه ۶ کلاسه	۱۷۹۴	۲۷۹۹	۳۳۰۵
متوسطه ۳ کلاسه	۷۵۱۴	۹۷۴۱	۱۴۴۸۸
مدارس ابتدائی	۴۳۰۲۵	۵۵۶۹۷	۵۵۹۶۰
شاگردان مکاتب	۲۰۸۱	۲۲۹۲۴	۲۸۹۴۹
شاگردان مدارس قدیمیه	۶۲۶	۴۹۷۹	۵۹۸۴
جمع کل معلمین مدارس کشور	۳۰۳۳	۵۴۶۹	۶۰۸۶
تعداد فارغ التحصیلان مدارس عالی	۱۵	۲۸	۶۱
تعداد فارغ التحصیلان متوسطه ۶ کلاسه	۱۱۲	۸۸	۸۸ [2]
تعداد فارغ التحصیلان متوسطه ۳ کلاسه	۱۰۸	۳۰۱	۴۸۵
تعداد فارغ التحصیلان مدارس ابتدائی	۵۹۵	۲۰۵۸	۱۸۹۶

[1]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ شمسی. ص ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳، ص ۲۰، ص ۲۱ و ۲۲

[2]. بعضی از مدارس خارجی آمار نداده اند.

جدول شماره ۲- توزیع کارکنان شاغل وزارت معارف و اوقاف در مرکز، خردادماه سال ۱۳۰۵ شمسی*

ردیف	شرح	تعداد کارکنان به تفکیک محل اشتغال
۱	کابینه وزارتی و ضبط کل	۱۵ نفر
۲	پرسنل کارگزینی	۷ نفر
۳	اداره معارف و تعلیمات عمومی	۱۹ نفر
۴	دارالانشاء و شورای عالی معارف	۴ نفر
۵	اداره کل اوقاف و تحقیق	۱۳ نفر
۶	اداره بودجه (حسابداری) و محاسبات	۹ نفر
۷	اداره تفتیش (بازرسی)	۲۳ نفر
۸	فراش، پیش خدمت، سرایدار و مأمور انطباعات مدارس	۳۶ نفر
۹	مدارس ابتدائی ذکور (۳۰ باب)	۳۷۴ نفر
۱۰	مدارس ابتدائی اناث (۹ باب)	۱۲۱ نفر
۱۱	مدارس متوسطه و دارالمعلمات (۹ باب)	۱۸۲ نفر
۱۲	مدارس عالیه کشور (۶ باب)	۸۲ نفر
۱۳	مدارس حومه تهران (۱۶ باب)	۴۰ نفر
جمع کل کارکنان		۹۲۵ نفر*

* . علاوه بر ۹۲۵ نفر مذکور، ۱۴۱ نفر از کارکنان رسمی سایر وزارتخانه های کشور، در غیر ساعات اداری در مدارس تهران مشغول به تدریس بوده‌اند که با احتساب آنها، مجموع کارکنان وزارت معارف و مدارس تهران به ۹۶۶ نفر افزایش می‌یابد.

* کارکنان شاغل در مدارس تهران و حومه نیز در جدول فوق منظور گردیده است.

*** ماخذ آمار مندرج در جدول فوق ص ۹۱ کتاب سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی میباشد.

بودجه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به تفکیک نوع فصول مختلف بشرح جدول زیر خلاصه میشود.

جدول شماره ۳- بودجه وزارت معارف و اوقاف در سالهای ۱۳۰۴- ۱۳۰۲ (ارقام به تومان)*[1]

بودجه سال به تومان / شرح فصول	۱۳۰۲ شمسی	۱۳۰۳ شمسی	۱۳۰۴ شمسی
فصل اول- وزارتخانه	۸۳۲۴۷	۹۱۸۷۲	۱۰۸۸۰۰
فصل دوم- مدارس مرکز و حومه*[2]	۳۳۰۲۶۴	۳۲۶۶۴۷	۳۷۰۴۱۹
فصل سوم- ایالات و ولایات*[3]	۱۷۰۲۲۰	۱۷۷۴۸۲	۱۹۶۲۳۰
فصل چهارم اعانه و کمک خرج*[4]	۲۸۸۳۹	۳۱۷۶۶	۳۲۱۶۶
فصل پنجم- وظایف و مستمریات	۵۸۹۸	۳۳۵۴	۲۰۳۴
فصل ششم- اعتبارات	۳۰۷۶۰	۱۸۱۰۸	۴۸۴۸۸
فصل هفتم. صنایع مستظرفه	۱۴۴۰۰	۱۴۴۰۰	۱۵۰۰۰
جمع کل فصول بودجه	۶۶۳۶۳۰	۶۶۳۶۳۰	۷۷۳۱۳۸

*[1] سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۳۵ لغایت ص ۴۰

*[2] هزینه های فصل دوم مربوط به هزینه های کل ۳۹ ؛ ب دبستان، ۱۰ باب دبیرستان، دو مرکز تربیت معلم، مدارس طب، حقوق، صنعتی، ژیمناستیک. کمک هزینه محصلین داخله و هزینه های مدارس حومه تهران میباشد که در صفحات ص ۳۵ و ص ۳۶ سالنامه مذکور مندرج است.

*[3] . هزینه های فصل سوم به تفکیک برای استانها (ایالات) و شهرهای مستقل (ولایات) و اوقاف حومه تهران در ص ۳۷ و ص ۳۸ مندرج است.

*[4] هزینه های فصل چهارم اعانه مدارس ملی، اعانه مدارس ملل متنوعه، مدارس ایرانیان در خارجه و کمک خرج محصلین ایرانی در خارجه است ص ۳۸ و ص ۳۹ سالنامه مذکور

توزیع عایدات سالیانه مدارس کشور به تفکیک منابع*

در ۳ سال تحصیلی مورد بررسی، عایدات سالیانه مدارس کشور به تفکیک منابع درآمد بشرح زیر خلاصه میشود:

جدول شماره ۴- عایدات سالیانه مدارس کشور در ۳ سه سال تحصیلی مورد بررسی

سال تحصیلی / شرح	۱۳۰۲ -۱۳۰۱ ارقام هزار قران	۱۳۰۳ -۱۳۰۲ ارقام هزار قران	۱۳۰۴ – ۱۳۰۳ ارقام هزار قران
عایدات دولتی	۴۴۸۶	۴۶۷۳	۴۶۸۸
شهریه شاگردان	۱۵۶۰	۱۷۴۹	۲۰۰۹
متفرقه	۱۲۸۸	۲۱۰۴	۲۸۱۰
موقوفات	۱۸۴	۱۲۴۷	۱۳۸۰
جمع کل	۷۵۱۸ و ۶۰۰۰۰ فرانک	۹۷۷۳ و ۷۵۰۰۰	۱۰۸۸۷

توضیح- این عایدات عبارت از عایدات مدارس، مکاتب و غیره است و مصارف اداری معارف بودجه علیحده دارد.

* – ماخذ ص ۲۶ و ص ۲۷ سالنامه احصائیه سال ۱۳۰۴ شمسی وزارت معارف

** ریز ارقام عایدات به تفکیک ایالات و ولایات مختلف کشور موجودات و برای جلوگیری از اطاله متن گزارش به ذکر ارقام در سطح کل کشور اکتفا نشده است.

۵- پنجمین وزیر مورد بررسی- یحیی خان قراگوزلو (اعتماد الدوله)

یحیی خان قراگوزلو در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی متولد و از تاریخ ۱۳۰۷/۸/۲۹ تا ۱۳۱۲/۳/۱۶ شمسی بدون دریافت حقوق در ۳ کابینه مخبرالسلطنه در سمت وزیر معارف انجام وظیفه نموده است.[۱]

از اهم اقدامات یحیی خان قراگوزلو اعزام پنج گروه محصل به اروپا براساس قانون مصوب مجلس شورای ملی در خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی،[۲] استخدام استادان اروپائی برای مدرسه دارالفنون، تقسیم سازمان وزارت معارف ولایات به ۷ ناحیه، یکسان نمودن متن کتابهای درسی کلاسهای اول تا چهارم ابتدائی در سراسر کشور، کاهش ساعات تدریس دبیران (برای دوره اول ۲۴ ساعت و برای دوره دوم دبیرستانها ۱۸ ساعت). تأسیس دانشرای عالی، اختصاص کار عملی در بیمارستانها برای دانشجویان رشته طب، اقدام در تصویب حفظ آثار ملی در مجلس و تأسیس اولین کودکستانها به روش جدید. یحیی خان قراگوزلو یکی از وزرای فعال آموزش و پرورش بوده و در مدت پنج سال خدمت با ارزش خویش، فعالیت های مؤثری در جهت توسعه کمی و کیفی فرهنگ کشور نموده و در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی فوت نموده است[۳]

قانون اعزام محصل بخارجه مورخه ۵ خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده اول- دولت مکلف است اعتبارات زیر را برای اعزام شاگرد بخارجه اعم از مرکز و ولایات جهت تکمیل تحصیلات در علوم و فنونیکه از طرف دولت معین خواهد شد در بودجه سنوات ذیل منظور دارد.

از عده محصلین اعزامی بایستی همه ساله حداقل صد و سی و پنج درصد برای تحصیل فن تعلیم و تربیت اعزام شوند. بودجه مصوب برای سالهای ۱۳۰۷ و سنوات بعد بشرح زیر تعیین گردید: سال ۱۳۰۷ یکصدهزار تومان سال ۱۳۰۸ دویست هزار تومان ۱۳۰۹ سیصد هزار تومان سال ۱۳۱۰ چهارصد هزار تومان، سال ۱۳۱۱ پانصدهزار تومان وسال ۱۳۱۲ و سنوات بعد ۶۰۰ هزار تومان.

---

[۱] تاریخ آموزش و پرورش ایران، تألیف امان الله صفوی ص ۲۲۹، تهران رشد ۱۳۸۳ شمسی

[۲] . قانون اعزام محصل بخارجه مورخه ۵ خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

[۳] . مجلس شورای ملی شماره ۱۷۸۴۷

تبصره- اعتباراتی که بموجب قوانین مخصوص اختصاص به اعزام محصلین بخارجه دارد و هم چنین اعتباراتی که در بودجه ۱۳۰۷ وزارت خانه ها تخصیص به این نوع خرج داده شده باید در آتیه محفوظ بماند و اعتبارات مذکور در این ماده، علاوه بر اعتبارات سنواتی فوق الذکر خواهد بود.[۱]

ماده دوم- محصلین اعزامی باید تابعیت ایران و ایرانی باشند. رشته تحصیلی و محل آن از طرف دولت ایران تعیین خواهد شد. محصلین اعزامی پس از فراغت از تحصیل و اخذ دیپلم موظف هستند نصف مدتی را که در خارجه بخرج دولت ایران تحصیل کرده اند در همان رشته تحصیلی به دولت خدمت نمایند.[۲]

ماده سوم- درصورتیکه دولت تا مدت ۶ ماه دانشجویان فارغ التحصیل را درهمان رشته بخدمت دعوت ننماید، میتوانند برای خود شغل دیگری تدارک نمایند ودرصورتیکه تا مدت ۴ سال بعد مجدداً خدمت آنها مورد نیاز دولت باشد موظف هستند پس از ۳ ماه از تاریخ اخطار برای خدمت مجدد حاضر شوند ودرصورت استنکاف دولت از اشتغال آنها، باید حقوق آنان براساس رتبه مربوطه پرداخت گردد. از درج مواد ۴ و ۵ و ۶ قانون بعلت مهم نبودن خودداری میشود.

رئیس مجلس شورای ملی- حسین پیرنیا

[سند شماره ۱۱۳۰۰۸- ۷۸۹۱]

توزیع سنواتی دانشجویان اعزامی به تفکیک بورسیه و رشته تحصیلی مورد نظر برای سالهای ۱۳۱۰- ۱۳۰۷ شمسی در فصل پنجم (تاریخچه مختصر اعزام محصل به خارج از کشور) این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

(سند شماره ۷۹۹۵- ۱۱۳۰۰۸)

---

[۱]. اسناد مربوط به قانون اعزام محصل از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ تألیف دکتر عبدالحسین نوائی و الهام ملک زاده، سازمان اسناد و کتابخانه ملی تهران ۱۳۸۲ ص ۲۸ و ۲۹.

[۲]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف میرزاعلی اصغرخان حکمت ص ۱ و ۲

۶- دکتر عیسی صدیق (تولد ۱۲۷۳/۳/۲۸ هجری شمسی فوت ۱۳۵۷/۹/۱۵)

دکتر عیسی صدیق تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش را در مدرسه ادب، کمالیه و دارالفنون به پایان رسانده و بعنوان شاگرد ممتاز جهت ادامه تحصیل در سال ۱۳۲۹ هجری قمری از طرف دولت به دانشگاه پاریس اعزام گردید. پس از اخذ لیسانس در رشته ریاضی و بازگشت به تهران از طرف احمد شاه قاجار به دریافت نشان صدیق اعلم مفتخر گردید و سپس موفق به اخذ درجه دکترای فلسفه از آمریکا گردید.

نامبرده از طرف جامعه فرهنگیان به پدر معارف جدید نسبت گرفته است. از مشهورترین تألیفات وی تاریخ فرهنگ ایران و روش نوین تعلیم و تربیت است که مورد استفاده دانش پژوهان و فرهنگیان کشور میباشد.

دکتر صدیق اعلم برای اولین بار در تاریخ ۱۳۲۰/۶/۳۰ به مدت ۲ ماه و یک هفته در کابینه محمد علی فروغی و سپس در کابینه مرتضی قلی خان بیات و احمد قوام از خرداد ماه تا اواخر آذر ماه ۱۳۲۶ وزیر فرهنگ بوده است. نامبرده قبل از تصدی پست وزارت، ریاست تعلیمات عمومی ۱۳۰۷/۴/۱، نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی تعلیم و تربیت ژنو در سال ۱۳۰۸ شمسی، ریاست دارالمعلمین عالی، ریاست دانشکده ادبیات علوم و دانشرای عالی، عضویت و نیابت رئیس فرهنگستان ایران را از سال ۱۳۱۴ عهده دار بوده است.[۱]

اهم فعالیت های آموزشی صدیق اعلم. پیشنهاد تقسیم دوره آموزش متوسط به ۳ سال در دوره اول و تقسیم دوره دوم به شعبه علمی و ادبی که از آغاز مهرماه ۱۳۰۲ شمسی عملی شد. شبانه روزی کردن دانشسراهای مقدماتی، شرایط تأسیس مدارس متوسطه، دایر نمودن ۱۳ مدرسه فنی (۶ باب در تهران، ۷ باب در شهرستانهای واجد شرایط) اتمام ساختمان دانشکده فنی تالار فرهنگ و فرهنگستان ایران.

سایر تصدی‌ها

دکتر صدیق اعلم قبل از تصدی پست وزارت فرهنگ ، نماینده مجلس موسسان از طرف مردم سقز و منشیگری آن و ریاست کابینه وزارت فواید عامه را عهده دار بوده است و برای اولین بار از

[۱]. اسناد مربوط به قانون اعزام محصل از سال ۱۳۰۲ شمسی تألیف دکتر عبدالحسین نوائی چاپ ۱۳۸۲ ص ۴

طرف وزارت فواید عامه ۲۰ نفر برای تحصیل در رشته های مورد نظر به اروپا اعزام گردیدند.[1] در سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۶ به عنوان سناتور انتخابی از تهران وارد سیاست شد.

۷- علی اضغر حکمت (تولد ۱۲۷۲ هجری شمسی و فوت ۱۳۵۹ شمسی)

علی اصغر حکمت یکی از فعال ترین وزرای آموزش و پرورش ایران بوده و قبل از وزارت نیز در پست رئیس تفتیش وزارت اقدام به تألیف سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی نموده است.این سالنامه برای اولین بار محتوی کلیه اطلاعات آماری وزارت معارف به تفکیک برنامه در سطوح مختلف آموزشی برای سالهای ۱۳۰۱ تا۱۳۰۴ شمسی و اطلاعات آماری دیگر ،فهرست وزرای معارف و سایر رؤساء و مسئولین مربوطه میباشد که در ۹۲ صفحه بزرگ پس از بررسی کامل چاپ و منتشر گردیده و مورد استفاده کامل فرهنگ دوستان قرار گرفته است.دکتر علی اصغر حکمت در مدت ۵ سال وزارت خویش (۱۳۱۷-۱۳۱۲ شمسی) اقدامات قابل توجه فرهنگی زیادی بشرح زیر نموده است.

۱- انتشار سالنامه احصائیه وزارت معارف و اوقاف در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی[2]

۲- انتشار نخستین شماره مجله تعلیم و تربیت در فروردین ماه ۱۳۰۴ شمسی

۳- تأسیس کتابخانه فنی معارف در تالار آئینه و تقدیم قانون تأسیس دانشسراهای مقدماتی پسران و دختران به مجلس

۴- افتتاح دانشکده فنی و بنای دانشگاه تهران.تأسیس دانشکده معقول و منقول تأسیس موزهٔ آستانه حضرت معصومه قم.

۵- به تصویب رساندن اساسنامه فرهنگستان ایران.

۶- تأسیس مدارس صحیه و دبیرستان های ملی شبانه، تدوین اساسنامه پیشاهنگی و تربیت بدنی در سال ۱۳۱۵ شمسی.

---

[1]. تاریخ تحولات فرهنگی ایران در عهد قاجاریه تألیف دکتر ایرج هاشمیان، چاپ موسسه سحاب سال ۱۳۷۹ ص ۴۷۲

[2] - سالنامه احصائیه وزارت معارف در ۱۳۰۴ هجری شمسی

۷- احداث ساختمان و تأسیس ورزشگاه امجدیه ،تأسیس موزه مردم شناسی در مهرماه ۱۳۱۶ واحداث بنای کتابخانه ملی.

آقای علی اصغر حکمت در طول زندگی ثمر بخش خویش دارای ۹ تألیف ،۶ ترجمه و ۴ رساله در زمینه های مختلف فرهنگی و تاریخی بوده است.[۱]

۸- میرزا اسماعیل خان مرآت فرزند میرزا موسی خان مرآت الممالک متولد ۱۲۷۱ شمسی در تهران

میرزا اسماعیل خان متولد سال ۱۳۱۰ هجری قمری (۱۲۷۱ هجری شمسی) محل تحصیلات متوسطه تهران و قبل از ۱۳۲۹ ه.ق با هزینهٔ شخصی به پاریس رفت و سپس در سوئیس و فرانسه در فهرست دانشجویان اعزامی منظور گردید.تحصیلات وی در رشته علوم طبیعی تعلیم و تربیت و روانشناسی بود و در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی [۲] مقارن جنگ اول جهانی به ایران بازگشت و از سال ۱۲۹۴ شمسی معلم فیزیک مدرسه دارالفنون بود.در سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۷ شمسی علاوه بر تدریس در دارالفنون ،معاونت دارالمعلمین عالی تهران را عهده دار گردید.از سال ۱۳۰۵ شمسی به مدت ۸ سال سرپرست ۱۱۰ نفر از محصلین ایرانی در کشورهای اروپایی بود.در سال ۱۳۱۳ رئیس تعلیمات عالیه وزارت فرهنگ و در سالهای ۲۰-۱۳۱۷ بمدت سه سال در کابینهٔ محمود جَم وزیر فرهنگ بود.[۳]

اسماعیل مرآت در سمت وزیر فرهنگ همیشه ۴ اصل را (تربیت و رفاه معلمان ،تهیه کتب درسی مناسب ،تدوین و تدریس برنامه های درسی و ایجاد ساختمان های مناسب برای مدارس)وجهه همت خود قرار داد. در سال ۱۳۲۸ شمسی سرپرست محصلین ایرانی در امریکا بود و از تجارب مفید آموزشی کشورهای اروپائی و آمریکائی استفاده می‌نمود. ودر حین انجام وظیفه در سال ۱۳۲۸ در آمریکا فوت نمود.

[۱] -تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا ۱۳۸۰ شمسی تألیف امان الله صفوی تهران رشد ۱۳۸۳ ص ۲۳۰

[۲] - تاریخ آموزش و پرورش ایران ،تألیف امان اله صفوی ص ۲۳۱

[۳] - تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف احمد (ایرج) هاشمیان ،چاپ مؤسسه سحاب سال ۱۳۷۹ ص۲۶۹

اسماعیل مرآت طرفدار تعلیم وتربیت اجباری و ترویج زبان فارسی به عنوان اساس ملیت ایرانی بود وبه کوششهای مفید خویش در مدت ۳ سال ،۱۲ مدرسه خوب در تهران ساخت و در مدت وزارت وی ۸۰ جلد کتاب درسی مناسب توسط استادان رشته های مختلف برای مدارس کشور تدوین وتوزیع گردید.

۹- دکتر محمود حسابی (متولد ۱۲۸۱شمسی ، فوت ۱۳۷۱ شمسی)

دکتر محمود حسابی فرزند حاج عباس معزالسلطنه پس از پایان تحصیلات متوسطه خویش از مدرسه آمریکائی بیروت در رشته مهندسی راه و ساختمان فارغ التحصیل و در دانشگاه آمریکائی بیروت در رشته ریاضی و تاریخ ادامه تحصیل داد، وپس از اعزام به پاریس در سال ۱۳۰۴ شمسی در رشته مهندسی برق از دانشکده برق پاریس و ادامه تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ درجه دکترای برق گردید.

آثار وتا لیفات:

رساله حساسیت سلول های فتو الکتریک ،رساله دکتری در زمینه استنتاج ساختمان اصلی هسته اتم با راهنمائی پروفسور اینشتین ،تحقیق درباره انحراف شعاع نورانی در مجاورت ماده ،تحقیق نظری درباره نظریه ذرات اصلی هسته اتم درباره ذرات پیوسته و آثار متعدد دیگر.

دوره وزارت دکتر محمود حسابی از تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۵ تا ۱۳۳۱/۴/۲۸ در کابینه دکتر محمد مصدق وزیر آموزش و پرورش بوده است.

اهم اقدامات دکتر حسابی ،تأسیس مدرسه مهندسی وزارت راه ،تأسیس دارالمعلمین عالی ،تأسیس دانشکده فنی در سال ۱۳۱۲ (با تأسیس این دانشکده دکتر صدیق اعلم مدیر کل تعلیمات عالیه

مأخذ:

۱- سند شماره ۱۸۴۵-۵۳۰۰۱ و ۵۷۳-۵۱۰۰۶ ص ۸۱ و۸۲ و ص ۷۵ وص ۷۲ دانشجویان ایرانی در اروپا ،اسناد مربوط به قانون اعزام محصل به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی تهران رشد ۱۳۸۲،سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۱- تاریخ آموزش و پرورش ایران ،تألیف امان اله صفوی چاپ ۱۳۸۳ تهران رشد ص ۲۴۰

۲- زندگی نامه دکتر حسابی کتاب شماره ۱۰۵. مدیریت امور کتاب و کتابخانه چاپ ۱۳۸۹

مخالف ولی حکمت وزیر فرهنگ وقت با این طرح موافق و سرانجام پس از توضیحات کافی رضا شاه با تأسیس دانشکده فنی در دانشگاه تهران موافقت و برای انجام این برنامه یک حواله صد هزار تومانی ار دربار برای حکمت وزیر فرهنگ فرستاده شد و در سال ۱۳۱۲ شمسی این طرح عملی گردید.

پایه گذاری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه شیراز ،تأمین نخستین رصدخانه تعقیب، ماهواره ها در شیراز، راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ۱۳۱۰ ،ریاست دانشکده فنی از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷ ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت در دولت دکتر مصدق.

۱۰- دکتر محمد مهدی آذر.(متولد ۱۲۸۱ شمسی و فوت ۷۳/۳/۹ در خارج از کشور)

دکتر مهدی آذر پس از پایان تحصیلات متوسطه در مدرسه عالی طب در تهران در سال ۱۳۰۷ شمسی با توجه به قانون اعزام محصل به خارج از کشور برای ادامه تحصیل در رشته طب عازم پاریس گردید (در این سال ۹۷ نفر دانشجو برای ادامه تحصیل پذیرفته شدند) و دوره تخصصی خویش را در زمینه بیماریهای پوستی به پایان رساند.

دکتر مهدی آذر از تاریخ ۱۳۳۱/۴/۳۱ تا ۱۳۳۲/۵/۲۸ در دومین کابینه دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر آموزش و پرورش انتخاب و انجام وظیفه نموده است.

از اهم اقدامات وی انتشار ماهنامه آموزش و پرورش و تعیین روز ۳۱ شهریور هر سال به عنوان روز معلم میباشد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ ،نامبرده از سیاست کناره گیری نموده در دانشکده طب دانشگاه تهران تدریس و در رشته تخصصی خویش طبابت مینمود.

- مأخد ص ۱۴۱ و ص۱۴۴ از کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و الهام ملک زاده سند ۵۳۰۰۱-۱۸۳۸ و سند شماره ۵۳۰۰۱-۱۹۴۰.سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران چاپ ۱۳۸۲.

تاریخ آموزش و پرورش ایران[1] از ایران باستان تا ۱۳۸۰ هجری شمسی تألیف امان اله صفوی تهران رشد سال انتشار ۱۳۸۳.

۱۱- محمد درخشش.

محمد درخشش در سال ۱۲۹۴ شمسی در تهران متولد ودر رشته تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی موفق به اخذ درجه لیسانس گردید.پس از استخدام در وزارت فرهنگ از اهم اقدامات وی تشکیل جامعهٔ فارغ التحصیلان دانشسرای عالی و دعوت معلمان به اعتصاب در اسفندماه ۱۳۳۹ و اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ (روز معلم) در باشگاه مهرگان برای افزایش سطح حقوق فرهنگیان بود که در نتیجه این اعتصاب و تظاهرات درخشش زندانی و دکتر خانعلی کشته شد و کابینه جعفر شریف امامی سقوط کرد.

در کابینه جدید به نخست وزیری علی امینی از تاریخ ۱۳۴۰/۲/۱۶ محمد درخشش به وزارت فرهنگ منصوب و لایحه ترمیم حقوق فرهنگیان در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. مدت زمان تصدی پست وزارت محمد درخشش یکسال و ۲ ماه و ۱۲ روز بوده است.[2]

۱۲- دکتر پرویز ناتل خانلری

دکتر خانلری در سال ۱۲۹۲ شمسی در تهران متولد و پس از پایان تحصیلات متوسطه خویش در مدرسه دارالفنون در رشته ادبیات و زبان فارسی از دانشسرای عالی تهران موفق به اخذ درجه لیسانس گردید نامبرده با ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته ادبیات فارسی گردیده و با یک عمر تلاش و کوشش برای گسترش زبان فارسی خدمت نموده است. آثار و تألیفات وی حدود ۱۱۹ جلد بود وپس از محمد درخشش در ۳ کابینه اسد اله

---

[1] تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان اله صفوی چاپ ۱۳۸۳ (سمتش ص ۲۴۳)

[2] - تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان اله صفوی ص ۲۴۳ از تاریخ ۴۰/۲/۱۶ تا ۴۱/۴/۲۸

علم در تاریخ ۴۱/۴/۲۸، ۱۳۴۱/۱۱/۲۹، ۱۳۴۲/۷/۱۴ تا ۴۲/۱۲/۷ وزیر آموزش و پرورش بوده است.[۱]

سایر تصدی ها ، خدمات آموزشی در وزارت فرهنگ ،تدریس در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی ،معاون وزارت کشور، سناتوری مجلس سنا ،مدیریت پیکار با بیسوادی،مدیریت بنیاد فرهنگ ایران، عضویت در فرهنگستان زبان فارسی از اهم اقدامات وی، انتشار مجله ادبی سخن با همکاری صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک و سعید نفیسی بوده است.

۱۳- دکتر هادی هدایتی

در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران متولد و پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه خویش در دبیرستان دارالفنون موفق به اخذ درجه دکترای حقوق از فرانسه گردید.

دکتر هدایتی در تاریخ ۱۳۴۳/۹/۱۸ در کابینه حسنعلی منصور به وزارت آموزش و پرورش منصوب و با همین سمت در کابینه دوم امیر عباس هویدا جمعاً به مدت ۴ سال وزیر آموزش و پرورش بوده است. قبل از تصدی پست وزارت در دانشگاه تهران تدریس و مدتی نیز در کابینه منصور وزیر مشاور بوده است.[۲]

از اهم اقدامات وی تصویب شدن قانون تفکیک وزارت فرهنگ به دو وزارت فرهنگ و هنر و وزارت آموزش و پرورش در مجلس شورای ملی بوده است.

۱۴- دکتر اسفند فرخ رو پارسای

خانم پارسای در سال ۱۳۰۱ در شهرستان قم متولد گردید.تحصیلات وی در رشته علوم طبیعی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران و دکترای پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۹ شمسی بوده است.

از تألیفات وی روش های جدید بهداشت، بهداشت پرستاری و بچه داری بوده است.

---

[۱] - تاریخ وزرای آموزش و پرورش ایران تألیف امان اله صفوی چاپ ۱۳۸۳ ص ۲۴۳

[۲] - تاریخ وزاری آموزش و پرورش ایران تألیف امان اله صفوی ص ۲۴۴ و ص ۲۵۵

دوره وزارت

خانم پارسای از تاریخ ۱۳۴۷/۹/۳ پس از هادی هدایتی در ترمیم کابینه امیر عباس هویدا به وزارت آموزش و پرورش منصوب گردید. از اهم اقدامات وی به تصویب رساندن لایحه تشکیل وزارت علوم و آموزش عالی و تفکیک آن از وزارت آموزش و پرورش، ریاست زنان دانشگاه های ایران و ریاست کمیسیون فرهنگی شورای عالی جمعیت زنان بوده است.[۱]

خانم پارسای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی محکوم به اعدام گردید.

۱۵- دکتر هوشنگ شریفی

دکتر احمد هوشنگ شریفی در سال ۱۳۰۵ شمسی در تهران متولد و تحصیلات عالی وی در رشته دکتری در خارج از کشور بوده است.

دوره وزارت

دکتر شریفی پس از خانم پارسای در سال ۱۳۵۳ شمسی در کابینه امیر عباس هویدا به مدت ۲ سال وزیر آموزش و پرورش بوده است.

سایر تصدی ها و فعالیت ها

اشتغال در وازت فرهنگ تدریس در دانشگاه تهران، معاونت وزارت آموزش و پرورش ریاست دانشسرای عالی و ریاست دانشگاه ملی بوده است.

۱۶- دکتر غلامحسین شکوهی متولد ۱۳۰۵ در بیرجند

پس از اخذ لیسانس از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بعنوان دانشجوی ممتاز و رتبه اول به کشور سوئیس اعزام واز دانشگاه ژنو موفق به اخذ دکترای علوم تربیتی گردید.

دکتر شکوهی در سال ۱۳۲۳ شمسی در وازت آموزش و پرورش استخدام گردید در سال ۱۳۴۲ شمسی با تأسیس اداره کل مطالعات و برنامه ها توسط دکتر محمدعلی طوسی، دکتر شکوهی به

---

[۱] - تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان اله صفوی چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۲۴۵ وص ۲۵۵

[۲] - تاریخ آموزش و پرورش ایران تألیف امان اله صفوی چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۲۴۵ وص۲۵۶

این اداره کل منتقل و به ریاست اداره تحقیق منسوب گردید. با ادامه خدمات آموزشی خویش در دانشسرای عالی تهران و دانشسرای عالی سپاه دانش به دانشگاه تهران منتقل و به دانشیاری ،استادی و معاونت دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران منصوب گردید.
دکتر شکوهی در کابینه آقای مهندس بازرگان از تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۳ شمسی به عنوان وزیر آموزش و پرورش منصوب و تا پایان دوره نخست وزیری مهندس بازرگان خدمت و مدتی نیز دبیر شورای عالی آموزش و پرورش بود.
دکتر شکوهی تألیفات متعددی در زمینه مراحل تربیت (چاپ ۱۳۴۱) ،مربیان بزرگ (چاپ ۱۳۵۵ شمسی) تعلیم و تربیت امانوئل کانت در سال ۱۳۶۳ شمسی و کتب آموزشی دیگر داشته و از اهم اقدامات وی در دوره تصدی وزارت آموزش و پرورش بازسازی ادارات و مدارس پس از انقلاب اسلامی وصدور ۴۰ چهل هزار حکم هم ترازی حقوقی برای فرهنگیان کشور در سال ۱۳۵۸ شمسی میباشد.
دکتر غلامحسین شکوهی هم اکنون نیز به حیات ثمر بخش فرهنگی خویش در شهرستان بیرجند و تهران ادامه میدهد.

۱۷- محمد علی رجایی

محمد علی رجائی در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهرستان قزوین متولد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه خویش از دانشسرای عالی تهران و سپس با ادامه تحصیل در رشته آمار موفق به اخذ درجه فوق لیسانس گردید.
پس از انقلاب اسلامی در زمان وزارت آقای دکتر شکوهی بعنوان نماینده شورای انقلاب در کمیسیون ها و جلسات ستادی برنامه ریزی های آموزشی و برنامه ریزی های درسی شرکت مینمود تا با خط مشی های آموزشی و اجرائی و نظرات کارشناسان رشته های مختلف بیشتر آشنا شود. پس از استعفای دولت موقت آقای مهندس بازرگان در سال ۱۳۵۸ شمسی آقای رجائی بعنوان وزیر آموزش و پرورش انتخاب گردید.

---

[۱] - کتاب تاریخ وزرای آموزش و پرورش تألیف امان اله صفوی چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۲۴۸ و ص ۲۵۶

آقای رجائی پس از ۹ ماه تصدی پست وزارت آموزش و پرورش از تیرماه سال ۱۳۶۰ شمسی به عنوان نخست وزیر و رئیس جمهور انجام وظیفه نمود و در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۸ شمسی در انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.[۱]

از اهم اقدامات وی تأسیس مدرسه دخترانه رفاه با همکاری دکتر محمد جواد باهنر و جلال الدین فارسی بوده است.

آقای رجائی در دوره وزارت خویش در تأمین نیازهای مراکز تربیت معلم کشور بمنظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز مدارس در سطوح مختلف تحصیلی با دفتر کل تربیت معلم همکاری نزدیکی داشت.[۲]

۱۸- دکتر محمد جواد باهنر

محمد جواد باهنر در سال ۱۳۱۲ شمسی در کرمان متولد و دوره تحصیلات ابتدائی و علوم دینی را در مراکز آموزشی کرمان به پایان رساند. با ادامه تحصیلات خویش در رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران موفق به اخذ لیسانس و سپس موفق به اخذ دکترای الهیات گردید.

پس از استخدام در وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲، بعنوان کارشناس علوم دینی در اداره کل مطالعات و برنامه ها انجام وظیفه و سپس در دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی با همکاری دکتر بهشتی و برقعی قمی مسئولیت تألیف حدود ۳۰ جلد کتاب در زمینه علوم دینی برای پایه های مختلف تحصیلی را بعهده داشته است.

پس از انتصاب آقای محمد علی رجائی به سمت رئیس جمهوری در تیرماه ۱۳۶۰ شمسی، آقای دکتر باهنر با سمت وزیر آموزش و پرورش با آقای رجائی همکاری نزدیک داشته و در تاریخ ۱۳۶۰ /۶/۸ در مقر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. آقای دکتر باهنر عضو شورای

---

[۱] – کتاب تاریخ وزاری آموزش و پرورش تألیف امان اله صفوی چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۲۴۸ ص۲۵۶

[۲] – اطلاعات شخصی مؤلف (مهدی صفی نژاد) بعنوان کارشناس مسئول برنامه ریزی دفتر تربیت معلم در جلسات مربوط به برنامه ریزی های لازم.

انقلاب اسلامی و نماینده این شورا در وزارت آموزش و پرورش بود و برای تأسیس مدرسه دخترانه رفاه همکاری نزدیکی با آقای محمد علی رجائی داشت. [۱]

۱۹- محمد علی نجفی- متولد ۱۳۳۰ شمسی

در سال ۱۳۵۳ شمسی در دانشگاه صنعتی شریف، لیسانس در رشته ریاضی دریافت نموده و سپس موفق به اخذ درجه فوق لیسانس ریاضی از دانشگاه ام. آی. تی (M.I.T) گردید.

آقای محمد علی نجفی در مهرماه سال ۱۳۶۷ شمسی، تصدی پست وزارت آموزش و پرورش را در کابینه آقای مهندس موسوی عهده دار گردید و تا تابستان سال ۱۳۷۶ شمسی در کابینه آقای هاشمی رفسنجانی در همین سمت انجام وظیفه نموده است.

از اهم اقدامات وی، اجرا کردن طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش کشور میباشد. اهم این تغییرات بشرح زیر خلاصه میشود:

۱- سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

۲- دبیرخانه شورایعالی آموزش و پرورش

۳- دفتر تحقیقات و برنامه ریزی فنی و حرفه ای

۴- اداره کل تغذیه و هماهنگی بهداشت مدارس

۵- دفتر خدمات ماشینی

۶- اداره کل آموزش و پرورش مدارس خارج از کشور [۲]

سایر تصدی‌ها و فعالیت‌های آموزشی

ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۶۰ ، معاونت آموزشی صدا و سیما در سال ۱۳۶۳، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف، ریاست شورایعالی آموزش و پرورش در چهار نوبت در دوران وزارت معاونت رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور پس از وزارت [۱]

---

[۱]. ماخذ: کتاب تاریخ وزرای آموزش و پرورش تألیف امان الله صفوی چاپ رشد سال ۱۳۸۳ ص ۲۴۹ و ص ۲۵۶

* . اطلاعات شخصی مؤلف (مهدی صفی نژاد) بعنوان کارشناس مسئول برنامه ریزی آموزشی در سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۲ در اداره کل مطالعات و برنامه ها و کارشناس مسئول برنامه ریزی تربیت معلم کشور در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۰ شمسی

[۲]. کتاب تاریخ وزرای آموزش و پرورش تألیف امان الله صفوی چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۲۵۰ و ص ۲۵۶

۸- فهرست اسامی وزرای معارف ایران از بدو تأسیس تا پایان دوره قاجار (۱۳۴۴- ۱۲۷۵ هجری قمری)[2]

شماره	نام وزرای معارف	تاریخ اشتغال بخدمت (هجری قمری)	مدت وزارت	درزمان
۱	علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه	۱۲۹۴-۱۲۷۵	۲۰ سال	ناصرالدین شاه
۲	علی قلی خان مخبرالدوله	۱۳۱۴-۱۲۹۴	۲۰ سال	ناصرالدین شاه
۳	جعفر قلی خان نیرالملک	۱۳۲۳-۱۳۱۴	۸ سال	مظفرالدین شاه
۴	میرزا محمود خان علاء الملک	۱۳۲۵-۱۳۲۳	۲ سال	مظفرالدین شاه
۵	مهدی قلی خان مخبرالسلطنه	۱۳۲۵	یکسال	مظفرالدین شاه
۶	میراز محمود خان علاء الملک	۱۳۲۶	یکسال	محمد علی شاه
۷	مرتضی قلی خان صنیع الدوله	۱۳۲۷	<۱	محمد علی شاه
۸	مهدی قلی خان هدایت مخبرالسلطنه	۱۳۲۷	یکسال	محمد علی شاه
۹	میرزا حسن خان مشیرالدوله	۱۳۲۸	<۱	محمد علی شاه
۱۰	نظام الدین خان غفاری مهندس	۱۳۲۸	<۱	محمد علی شاه
۱۱	میرزا حسین خان موتمن الملک	۱۳۲۹-۱۳۲۸	<۱	محمد علی شاه
۱۲	مرتضی قلی خان صنیع الدوله	۱۳۲۹	<۱	احمد شاه
۱۳	میرزا محمد علیخان علاء السلطنه	۱۳۲۹	<۱	احمد شاه
۱۴	میرزا ابراهیم خان حکیم الملک	۱۳۲۹	<۱	احمد شاه
۱۵	میرزا محمد علیخان علاء السلطنه	۱۳۲۹	<۱	احمد شاه
۱۶	میرزا حسن خان مشیرالدوله	۱۳۳۰	۲ سال	احمد شاه
۱۷	میرزا ابراهیم خان حکیم الملک	۱۳۳۱-۱۳۳۲	یکسال	احمد شاه
۱۸	میرزا نظام الدین خان مهندس	۱۳۳۳	<۱	احمد شاه

[1]. کتاب تاریخ وزرای آموزش و پرورش چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۳۱۹ تا ص ۳۲۵

[2] ماخذ- سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت رئیس تفتیش (مطبعه مجلس ۱۹۲۵ میلادی)

* سال هجری قمری ۳۹ تا ۴۱ سال جلوتر از هجری شمسی است (سال ۱۳۴۴ هجری قمری= ۱۳۰۵ شمسی)

۱۹	میرزا ابراهیم خان حکیم الملک	۱۳۳۳-۱۳۳۴	<۱	احمد شاه
۲۰	شاهزاده اسدالله میرزا شهاب الدوله	۱۳۳۴	یکسال	احمد شاه

ادامه فهرست وزرای معارف ایران از بدو تأسیس تا پایان دوره قاجار (۱۳۴۴- ۱۲۷۵ هجری قمری)[1]

شماره	نام وزرای معارف	تاریخ اشتغال بخدمت (هجری قمری)	مدت وزارت	درزمان
۲۱	مرتضی خان ممتاز الملک	۱۳۳۵-۱۳۳۴	یکسال	احمد شاه
۲۲	میرزا حسین خان موتمن الملک	۱۳۳۵	<۱	احمد شاه
۲۳	میرزا ابراهیم خان حکیم الملک	۱۳۳۵	<۱	احمد شاه
۲۴	میرزا حسن خان وثوق الدوله	۱۳۳۵	<۱	احمد شاه
۲۵	مرتضی قلی خان ممتازالملک	۱۳۳۶	یکسال	احمد شاه
۲۶	میرزا احمد خان بدر نصیرالدوله	۱۳۳۸ -۱۳۳۶	<۱	احمد شاه
۲۷	میرزا ابراهیم خان حکیم الملک	۱۳۳۸	<۱	احمد شاه
۲۸	عبدالحسین خان شیبانی	۱۳۳۸	<۱	احمد شاه
۲۹	دکتر اسماعیل مرزبان	۱۳۳۸	<۱	احمد شاه
۳۰	رضا قلی خان نیرالملک	۱۳۳۹ -۱۳۳۸	<۱	احمد شاه
۳۱	اسماعیل خان ممتازالدوله	۱۳۳۹	<۱	احمد شاه
۳۲	دکتر امیرخان امیراعلم	۱۳۳۹	<۱	احمد شاه
۳۳	رضا قلی خان نیرالملک	۱۳۴۰ -۱۳۳۹	<۱	احمد شاه
۳۴	میرزا حسن خان اسفندیاری	۱۳۴۱ -۱۳۴۰	<۱	احمد شاه
۳۵	میرزا حسن خان حکیم الدوله	۱۳۴۱	یکسال	احمد شاه
۳۶	شاهزاده سلیمان میرزا محسن	۱۳۴۲	<۱	احمد شاه
۳۷	میرزا صادق خان مستشار الدوله	۱۳۴۲	<۱	احمد شاه
۳۸	میرزا نظام الدین خان مستشار الدوله	۱۳۴۳ -۱۳۴۲	<۱	احمد شاه

[1] ماخذ- سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت رئیس تفتیش (مطبعه مجلس ۱۹۲۵ میلادی)

* سال هجری قمری ۳۹ تا ۴۱ سال جلوتر از هجری شمسی است (سال ۱۳۴۴ هجری قمری= ۱۳۰۵ شمسی)

۳۹	میرزا مهدیخان فاطمی علاء السلطنه	۱۳۴۳	یکسال	احمد شاه
۴۰	میرزا یوسف خان مُشار (کفیل)	۱۳۴۴–۱۳۴۳	یکسال	احمد شاه

ادامه فهرست وزرای معارف ایران پس از دوره قاجار در عصر پهلوی[1]

شماره	نام وزرای معارف	تاریخ اشتغال بخدمت (هجری شمسی)	مدت وزارت	درزمان
۴۱	میرزا احمد خان بدر نصیرالدوله	۱۳۰۵ -۱۳۰۴	یکسال	رضاشاه
۴۲	سید محمد تدین	۱۳۰۵	<۱	رضاشاه
۴۳	یحیی قراگوزلو	۱۳۰۷	۶ سال	رضاشاه
۴۴	دکتر احمد محسنی	۱۳۱۲	<۱	رضاشاه
۴۵	علی اصغر حکمت	۱۳۱۲	۵ سال	رضاشاه
۴۶	اسماعیل مرآت	۱۳۱۷	۳سال	رضاشاه
۴۷	دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم)	۱۳۲۰	<۱	محمد رضا شاه
۴۸	سید محمد تدین	۱۳۲۰	<۱	محمد رضا شاه
۴۹	مصطفی عدل، منصورالسلطنه	۱۳۲۰	<۱	محمد رضا شاه
۵۰	علی اکبر سیاسی	۱۳۲۱	۲ سال	محمد رضا شاه
۵۱	علی ریاضی	۱۳۲۳	<۱	محمد رضا شاه
۵۲	دکتر قاسم غنی	۱۳۲۳	<۱	محمد رضا شاه
۵۳	باقر کاظمی	۱۳۲۳	<۱	محمد رضا شاه
۵۴	عیسی صدیق	۱۳۲۳	<۱	محمد رضا شاه
۵۵	غلامحسین رهنما	۱۳۲۴	<۱	محمد رضا شاه
۵۶	محمد تقی بهار (ملک الشعراء)	۱۳۲۴	یکسال	محمد رضا شاه
۵۷	فریدون کشاورز	۱۳۲۵	<۱	محمد رضا شاه
۵۸	سید علی شایگان	۲۶-۱۳۲۵	<۱	محمد رضا شاه
۵۹	منوچهر اقبال	۱۳۲۶	<۱	محمد رضا شاه

[1] – ماخذ– اسناد مربوط به قانون اعزام محصل در سالهای ۱۳۰۷ و بعد از آن، تألیف دکتر عبدالحسین نوائی ص ۲۰۳، ص ۲۲۲ ، ۲۲۶ و ۲۳۸ و ...

* – تاریخ وزرای آموزش و پرورش ایران تألیف امان الله صفوی چاپ شد ۱۳۸۳ ص ۲۵۵ و ص ۲۵۶

۶۰	عیسی صدیق	۱۳۲۶	<۱	محمد رضا شاه

ادامه‌ی فهرست وزرای معارف پس از دوره قاجار در عصر پهلوی[1]

شماره	نام وزرای معارف	تاریخ اشتغال بخدمت (هجری شمسی)	مدت وزارت	درزمان
۶۱	علی اکبر سیاسی	۱۳۲۶ شمسی	<۱	محمد رضا شاه
۶۲	منوچهر اقبال	۲۷ -۱۳۲۶	<۱	محمد رضا شاه
۶۳	دکتر سید محمد سجادی	۱۳۲۷	<۱	محمد رضا شاه
۶۴	دکترعبدالحمید زنگنه	۱۳۲۷-۲۸	۲ سال	محمد رضا شاه
۶۵	مسعود کیهان	۱۳۲۹	۳ ماه	محمد رضا شاه
۶۶	دکتر شمس الدین جزایری	۱۳۲۹	۸ ماه	محمد رضا شاه
۶۷	دکتر حبیب الله آموزگار	۱۳۲۹	۴۵روز	محمد رضا شاه
۶۸	دکتر کریم سنجابی	۱۳۳۰	<۱	کابینه دکتر
۶۹	دکتر محمود حسابی	۱۳۳۰	<۱	کابینه دکتر
۷۰	دکتر مهدی آذر	۱۳۳۱	یکسال	کابینه دکتر
۷۱	رضا جعفری	۱۳۳۲	۲ سال	محمد رضا
۷۲	دکتر محمود مهران	۱۳۳۴	۵ سال	محمد رضا
۷۳	دکتر جهانشاه صالح	۱۳۳۹	یکسال	محمد رضا
۷۴	محمد درخشش	۱۳۴۰	یکسال و دو	محمد رضا
۷۵	دکتر پرویز ناتل خانلری	۱۳۴۱	یکسال و نه ماه	محمد رضا
۷۶	عبدالعلی جهانشاهی	۱۳۴۲	<۱	محمد رضا
۷۷	دکتر هادی هدایتی	۱۳۴۳	چهار سال	محمد رضا
۷۸	دکتر اسفند فرخ رو پارسای	۱۳۴۷	۶ سال	محمد رضا
۷۹	دکتر احمد هوشنگ شریفی	۱۳۵۳	۲سال	محمد رضا
۸۰	دکتر منوچهر گنجی	۱۳۵۵	۲ سال	محمد رضا

[1] تاریخ وزرای آموزش و پرورش ایران تألیف امان الله صفوی چاپ رشد ۱۳۸۳ ص ۲۵۵ و ص ۲۵۶

ادامه فهرست وزرای معارف و فرهنگ در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی ایران

شماره	نام وزرای معارف	تاریخ اشتغال بخدمت (هجری شمسی)	مدت وزارت	درزمان
۸۱	دریا سالار کمال حبیب اللهی	۱۳۵۷	<۱	محمد رضا پهلوی
۸۲	دکتر محمد رضا عاملی تهرانی	۱۳۵۷	<۱	محمد رضا پهلوی
۸۳	امین الله ریاحی	۱۳۵۷	<۱	محمد رضا پهلوی
۸۴	دکتر غلامحسین شکوهی	۱۳۵۷	<۱	مهندس مهدی
۸۵	محمد علی رجائی	۱۳۵۸	۲ سال	جمهوری اسلامی
۸۶	دکتر محمد جواد باهنر	۱۳۶۰	<۱	جمهوری اسلامی
۸۷	اکبر پرورش	۱۳۶۰	۳ سال	جمهوری اسلامی
۸۸	سید کاظم اکرمی	۱۳۶۳	۴سال	جمهوری اسلامی
۸۹	محمد علی نجفی	۱۳۶۷	۹ سال	جمهوری اسلامی
۹۰	حسین مظفر	۱۳۷۶	۴ سال	جمهوری اسلامی
۹۱	مرتضی حاجی	۱۳۸۰	۴سال	جمهوری اسلامی
۹۲	محمود فرشیدی	۱۳۸۴	۲ سال	جمهوری اسلامی
۹۳	علی رضا احمدی	۱۳۸۶	۲ سال	جمهوری اسلامی
۹۴	حمید زاده حاج بابائی	۱۳۸۸		جمهوری اسلامی

فصل چهارم – پیش گامان فرهنگ جدید، در تهران و ری (سال ۱۲۷۵ هجری قمری= ۱۲۳۸ هجری شمسی)در صفحات۸۰تا۸۷

اساس فرهنگ جدید در کشور ایران از زمان صدارت مرحوم امیرکبیر شروع گردیده است. قبل از ری آموزش منحصر به مکتب خانه های قدیمی و مذهبی بود، در مورد دختران آموزش منحصر به خواندن کتب مذهبی بوده و نوشتن کاملاً ممنوع بود. زیرا معتقد بودند که اگر دختری نوشتن را بیاموزد ممکن است برای پسران جوان نامه عاشقانه بنویسند[۱] در چنین شرایطی تأسیس مدارس جدید بسیار مشکل و بنیان گزاران مدارس جدید متهم به کفر و الحاد و اتهامات مختلف دیگر میگردیدند.

برای اولین بار در سال ۱۲۷۵ هجری قمری = ۱۲۳۸ هجری شمسی مرحوم علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه از طرف ناصرالدین شاه قاجار به سمت وزرات معارف و ا وقاف منصوب گردید.

با در نظر گرفتن شرایط سخت اجتماعی آن زمان درشهر مذهبی ر ی، برای اولین بار در رجب سال ۱۳۲۴ هجری قمری= ۱۲۸۲ هجری شمسی، ۱۰۷ سال قبل (در مقایسه با سال ۱۳۸۹ شمسی) دانشمندی نمونه و فرهنگ دوست ایرانی بنام مرحوم حسن رازی با هزینه شخصی و با داشتن پشتکاری عجیب، اولین دبستان شهری بنام دبستان عظیمیه را تأسیس نمود. در چنین تاریخی مسئولیت وزارت معارف و اوقاف، میرزا محمود خان علاء الملک (چهارمین وزیر معارف در سالهای ۲۵- ۱۳۲۳ هجری قمری) بود.

دهسال پس از تأسیس دبستان عظیمیه در شهر ری، برای اولین بار در سال تحصیلی ۹۳- ۱۲۹۲ هجری شمسی برای اولین بار ۱۸ نفر از دبیرستان دارالفنون موفق به اخذ دیپلم متوسطه گردیدند.

---

[۱] . مادر بزرگ مؤلف (أم لیلا) که در محله هاشم آباد شهری حکیم محل بود ودر ضمن تدریس قرآن مینمود و تسلط کافی در کار خویش داشت، سواد نوشتن نداشت و می گفت برای دختران خواندن کافی است (سال ۱۳۱۶ هجری شمسی) و زیرا اگر نوشتن بدانند ممکن است نامه های عاشقانه برای پسران جوان بنویسند.

مدرسه دارالفنون برای اولین بار در سال ۱۲۶۸ هجری= ۱۲۲۶ شمسی با ریاست محمد علی خان شیرازی که مورد تائید امیرکبیر بود افتتاح و شروع بکار نمود که در فصل دوم این بررسی؛ جزئیات کامل ذکر شده است.

پس از سال ۱۲۹۲ شمسی هم زمان با تأسیس و توسعه مدارس دخترانه و پسرانه در تهران و شهرستانهای مختلف، بواسطه محدودیت کادر در آموزش عالی در سال ۱۳۰۱ شمسی فقط مدرسه طب با ۹۱ دانشجو فعالیت آموزشی داشته است. در سال تحصیلی ۱۳۰۳-۱۳۰۲ مدرسه حقوق نیز بصورت مستقل شروع به فعالیت نموده و تعداد کل دانشجویان رشته حقوق و طب به ۲۲۷ نفر افزایش یافت. در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۱۳۰۳ شمسی، تعداد کل دانشجویان رشته طب و حقوق به۲۷۳ نفر افزایش یافت ولیکن در سایر شهرستانها هنوز مدارس عالی وجود نداشته است.

اسامی اولین استادان ایرانی و خارجی، که در مدرسه دارالفنون در رشته های مختلف تدریس مینمودند به تفصیل در فصل دوم این تحقیق مذکور است (۷ استاد خارجی و ۱۵ استاد ایرانی) سایر پیش کسوتان فرهنگی، که در بقیه مراکز آموزشی کشور (مراکز تربیت معلم، دبیرستانها و دبستانهای تهران و ری و شهرستانهای دیگر)، فعالیت آموزشی داشته اند با ذ کر سمت و رتبه استخدامی آنان بشرح زیر خلاصه میشود:

فهرست اسامی پیش کسوتان فرهنگی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی[1]

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت مورد تصدی	رتبه استخدامی
۱	مادام آندره هس	مدیر دارالمعلمات تهران	کنتراتی
۲	بدرالملوک صبا	ناظمه دارلمعلمات تهران	کنتراتی
۳	میرزا ابوالحسن خان فروغی	رئیس دارالمعلمین تهران	۸ هشت
۴	ابوالحسن خان فرزان	ناظم دارالمعلمین تهران	۴ چهار
۵	میرزا محمد علی خان فروغی	رئیس مدرسه حقوق	افتخاری
۶	محمد حسین خان لقمان ادهم	رئیس مدرسه طب و دواسازی	۶ شش
۷	محمد حسن خان ادیب	رئیس مدرسه دارالفنون	رتبه ۸
۸	محمد رحیم خان ادیب	ناظم مدرسه دارالفنون	۵ پنج
۹	غلامرضا مین باشبان	رئیس مدرسه موزیک	افتخاری
۱۰	دکتر هانری اشترونگ	مدیر مدرسه صنعتی دولتی	کنتراتی
۱۱	حسن رازی	مدیر مدرسه عظیمیه شهری	۲

[1] . سالنامه احصائلیه ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت مطبعه مجلس ص ۶۵، ص ۸۴، ص ۸۵ و ص ۸۶

ادامه فهرست پیش کسوتان فرهنگی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی[1]

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت مورد تصدی	رتبه استخدامی
۱۲	حسن ناظمی	ناظم مدرسه عظیمیه شهری	–
۱۳	دکتر احمد خان شبان	مدیر مدرسه علمیه	۵
۱۴	دکتر ابوالقاسم خان حکیمی	مدیر مدرسه پهلوی	۴ چهار
۱۵	میرزا ابراهیم خان شمسی آوری	مدیر مدرسه ثروت	۶ شش
۱۶	میرزا ابراهیم خان شمس	مدیر مدرسه سیروس	کنتراتی
۱۷	میرزا علی اکبرخان رضی	مدیر مدرسه امیر اتابک	۳ سه
۱۸	سید عبداله میرخان	مدیر مدرسه حکیم نظامی	۳ سه
۱۹	سید محمد نور بخش	مدیر مدرسه مولوی	۳سه
۲۰	میرزا علی محمد خان پرتوی	مدیر مدرسه ادب	۶ شش
۲۱	میرزا حسین خان دانشوری	مدیر مدرسه رودکی	۳ سه
۲۲	شیخ محمد حسین عقیلی	مدیر مدرسه منوچهری	۳ سه
۲۳	دکتر محمد موتمن	مدیر مدرسه ثروت	۶ شش
۲۴	علی محمد خان شریف کاشانی	ناظم مدرسه موزیک	۲ دو
۲۵	ابوالحسن خان میکده	مترجم مدرسه صنعتی دولتی	کنتراتی
۲۶	میرزا محمد خان شمس آدری	ناظم مدرسه ثروت	۳ سه
۲۷	میرزا حسن خان دولتی	ناظم مدرسه ثروت	۴ چهار
۲۸	میرزا حسین خان جودت	ناظم مدرسه ادب	۳ سه
۲۹	میرزا مرتضی خان کمالیه	مدیر مدرسه کمالیه	۴چهار
۳۰	حبیب الله خان کمالیه	ناظم مدرسه کمالیه	کنتراتی
۳۱	شیخ محمد حسین انتصار	مدیر مدرسه سلطانی	۴ چهار
۳۲	میرزا عبدالله خان معقول	ناظم مدرسه سلطانی	کنتراتی

[1] سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی ص ۸۴ و ۸۵

۳۳	میرزا علی اصغرخان رضی	ناظم مدرسه پهلوی	۳ سه

ادامه فهرست پیش کسوتان فرهنگی ، در سال ۱۳۰۴ شمسی [1]

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت مورد تصدی	رتبه استخدامی
۳۴	میرزا اسمعیل خان اضحی	ناظم مدرسه سیروس	کنتراتی
۳۵	میرزا حسینعلی وصالی	مدیر مدرسه اشراف	۳ سه
۳۶	شیخ ابوطالب شمس لاریجانی	مدیر مدرسه ترغیب	۳ سه
۳۷	میرزا احمد آقا بازرگان	مدیر مدرسه فاریابی	۳ سه
۳۸	میرزا محسن خان زمانی	مدیر مدرسه ابن سینا	۳ سه
۳۹	میرزا ا حمد خان	مدیر مدرسه خاقانی	۳ سه
۴۰	میرزا زین العابدین ادیب سلطان	مدیر مدرسه بصیرت	۳ سه
۴۱	آقا ضیاء الدین کریمی	مدیر مدرسه هدایت	۳ سه
۴۲	میرزا محمد ادیب تبریزی	مدیر مدرسه عنصری	۳ سه
۴۳	شیخ محمد فاضل	مدیر مدرسه عسجدی	۳ سه
۴۴	میرزا ابوالقاسم خان آموزگار	مدیر مدرسه ایمان	۳ سه
۴۵	میرزا محمد خان پورسینا	مدیر مدرسه سعادت	۳ سه
۴۶	میرزا ابوالحسن خان قزل ایاغ	مدیر مدرسه سنائی	۳ سه
۴۷	میرزا اسمعیل خان کاظمی	مدیر مدرسه صفوی	۳ سه
۴۸	میرزا محمد علی	مدیر مدرسه ناصر خسرو	۳ سه
۴۹	میرزا ابراهیم خان سرحددار	مدیر مدرسه دانش	۳ سه
۵۰	شیخ محمد علی دزفولی	مدیر مدرسه ثریا	۲ دو
۵۱	شیخ احمد اشتهاردی روستائی	مدیر مدرسه حسینیه	۳ سه
۵۲	شیخ میرزا محمود رازی	مدیر مدرسه فرخی	۳ سه

[1] سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت مطبعه مجلس ص ۸۵

ادامه فهرست پیش کسوتان فرهنگی ، در سال ۱۳۰۴ شمسی [1]

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت مورد تصدی	رتبه استخدامی
۵۳	شیخ محمد رضا ادیب	مدیر مدرسه اقبال	۳
۵۴	نجف آقا عطائی	مدیر مدرسه دقیقی	۳
۵۵	میرزا مهدی خان بامدار	مدیر مدرسه انتصاریه	کنتراتی
۵۶	شیخ محمد رضا توفیق	مدیر مدرسه توفیق	۳
۵۷	میرزا ضیاءالدین آل آقا	مدیر مدرسه فرهنگ	۳
۵۸	شیخ محمد علی اعتصام	مدیر مدرسه ترقی	۳
۵۹	شیخ محمد تقی گرمان	مدیر مدرسه علامه	۳
۶۰	میرزا علی اصغرخان رضی	ناظم مدرسه پهلوی	۳
۶۱	میرزا محمد خان غفاری	معاون صنایع مستظرفه	–
۶۲	فخر الملوک بردبار	مدیره مدرسه ارک نمره ۳۱	۱ یک
۶۳	افسرالملوک آریانی	مدیر مدرسه دولت نمره ۳۲	۱ یک
۶۴	بتول خانم شیوائی	مدیر مدرسه حسن آباد نمره	۱ یک
۶۵	اجمل الدوله ثقفی	مدیر مدرسه سنگلج نمره ۳۴	۱ یک
۶۶	مهرانور خانم سمیعی	مدیر مدرسه قناب آباد	۱ یک
۶۷	فاطمه خانم خوش نویسان	مدیر مدرسه محمدیه نمره ۳۶	۱ یک
۶۸	حکمت السلطنه حکمت بقائی	مدیر مدرسه قاجاریه نمره۳۷	۱ یک
۶۹	حاجیه خانم شهیدی	مدیر مدرسه بازار نمره ۳۸	۱ یک
۷۰	مرصع خانم جلالی	مدیر مدرسه عودلاجان	۱ یک
۷۱	علی خان کیکاوس	ناظم مدرسه علمیه	۳

[1] سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت مطبعه مجلس ص ۸۵

نقش روزنامه ها در اشاعه و توسعه فرهنگ نوین دوره ناصری و مظفری

بدون شک روزنامه‌ها نقش مهمی در توسعه کمی و کیفی فرهنگ نوین مردمی داشته و سطح اطلاعات اجتماعی مردم را بالا برده و حتی المقدور حقایق را به گوش همگان میرسانند.
اولین روزنامه بنام وقایع اتفاقیه در ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری قمری با حمایت و تشویق مرحوم امیرکبیر در تهران منتشر گردید.
در سال ۱۲۷۷ قمری ناصرادلین شاه اداره طبع روزنامه های دولتی را بعهده میرزا ابوالحسن خان غفاری ملقب به صنیع الملک واگذار نمود و براین اساس نامبرده دست به انتشار روزنامه دولت علیه ایران زد. این روزنامه وقایع اتفاقیه است که تغییر شکل داد و از شماره ۴۷۲ در سال ۱۲۷۷ بدین نام منتشر و تا شماره ۵۵۴ در سال ۱۲۸۳ بمدت ۷ سال انتشار و با فوت میرزا ابوالحسن خان در سال ۱۲۸۳ قمری انتشار آن متوقف گردید.[۱] در سال ۱۳۰۰ قمری، اداره کل مطبوعات ممالک محروسه ایران به محمد حسن خان صنیع الملک تفویض گردید که مؤسس و مدیر روزنامه شرف میباشد. محمد حسن خان که تحصیل کرده در رشته زبان فرانسه و دوره های تاریخ و جغرافیای متداول آن زمان بود در سال ۱۲۸۸ ملقب به صنیع الدوله و پس از از ۴ سال فعالیت مطبوعاتی در پست وزیر مطبوعات ملقب به اعتماد السلطنه گردید. روزنامه شرف جمعاً در مدت دهسال در۸۷ شماره منتشر گردید.
مطالب روزنامه بیشتر شرح حال رجال، سیاستمداران و هنرمندان ایرانی و غیرایرانی بود که توسط محمد حسن خان تهیه میگردید و اگر دیگران هم مطالب را تهیه میکردند باید به تصحیح و تائید ایشان می‌رسید.
پس از دوره ناصری در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه بر قدرت و نفوذ مطبوعات فارسی افزوده شده روزنامه شرف با همان سبک و روش بنام روزنامه شرافت از سال ۱۳۱۴ قمری منتشر گردید. در طول سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ قمری روزنامه شرافت جمعاً ۶۶ شماره منتشر گردید. قیمت هر نسخه روزنامه یک قران و قرار بود که ماهی یک بار به طبع برسد.

---

[۱] . مقدمه سالنامه روزنامه شرف و شرافت ، چاپخانه خبر، انتشارات سیاولی، اردیبهشت ۶۳

هم زمان با انتشار روزنامه دولتی شرافت در تهران (یک شماره در هر ماه)، مرحوم سید جمال الدین اسد آبادی روزنامه عروة الوثقی و پرنس ملکم خان روزنامه قانون و موید الاسلام روزنامه حبل المتین را در خارج از کشور منتشر نمودند ولیکن مشتاقان خرید این روزنامه ها بیشتر تهرانی‌ها بودند.

پس از اعلام مشروطیت و دایر شدن مجلس شورای ملی، روزنامه های زیادی منتشر و زمینه مساعدی برای اشتغال به تحصیل دختران فراهم گردید. دو سال پس از اعلام مشروطیت برای اولین بار مدرسه دخترانه عفتیه در سال تحصیلی ۱۳۱۵/۱۶ هجری قمری افتتاح و پس از ۳ سال تعداد دختران دانش آموز این مدرسه به ۶۶ نفر رسید.

از مهم ترین روزنامه های آن زمان علاوه بر روزنامه های مذکور میتوان روزنامه صوراسرافیل و ندای وطن را نام برد.

متأسفانه با کودتای محمد علیشاه و بمباران مجلس شورای ملی انتشار روزنامه های فوق الذکر در داخل کشور متوقف گردید.

پس از کودتای نظامی سال ۱۲۹۹ شمسی توسط رضاخان، مدیر روزنامه قرن بیستم بنام میرزاده عشقی که در حقیقت ارگان اقلیت مجلس چهارم بود ترور و قاتل او شناخته نشد.

* مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری به سلطنت رسید و با اعلام مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی موافقت نمود.

فهرست پیش کسوتان فرهنگی و اشاعه دهندگان زبان فارسی از زمان امویان تا امیرکبیر:

پیش کسوتان فرهنگی، که برای ترویج زبان فارسی در مناطق مختلف کشور و آداب و رسوم ایرانی زحمات زیادی کشیده اند اسامی آنان در فصل اول این تحقیق بیان شده و دراین قسمت به ذکر نام ۳ نفر از آنان اشاره میشود:

۱-فرخ خان رازی در سالهای ۶۴ تا ۶۸ هجری قمری، ۲- سندباد نیشابوری در سال ۱۳۶ هجری

۳-یعقوب لیث صفاری، بنیان گذار زبان فارسی پس از تسلط اعراب در سال ۲۴۷ هجری

فصل پنجم- تاریخچه مختصر اعزام محصل به خارج از کشور و مشاغل مورد تصدی آنان پس از بازگشت در سالهای ۱۲۶۲- ۱۲۶۶ هجری قمری ص۸۸تا۱۱۸

سرآغاز آموزش و پرورش نوین ایران سال ۱۲۲۶ هجری قمری (۲ سال قبل از تأسیس دارالفنون) است، در این سال برای اولین بار در زمان ولایت عهدی عباس میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار و صدارت قائم مقام فراهانی، اعزام محصل به خارج از کشور برای تحصیل در رشته های مورد نظر مورد توجه دولت قرار گرفت و دولت با تأمین هزینه های مورد نیاز ۷ هفت دانشجوی اعزامی (۲ نفر در سال ۱۲۲۷ و ۵ نفر د ر سال ۱۲۳۰ قمری) برای تحصیل علوم و فنون مختلف در رشته های پزشکی،فنی، مهندسی، فنون نظامی، علوم و ادبیات ونقاشی به انگلستان موافقت نمود.*
توضیحات بیشتر در مورد د انشجویان اعزامی بشرح زیر خلاصه میشود:

الف- دانش جویان اعزامی در سالهای ۱۲۲۷ و ۱۲۳۰ هجری قمری

در سال ۱۲۲۶ قمری= ۱۸۱ میلادی سفیر انگلیس در ایران (سرهارفورد جونز) بخاطر دوستی با عباس میرزا با تحصیل ۲ دو دانش آموز بنام محمد کاظم پسر نقاش باشی عباس میرزا و میرزا حاج بابا افشار پسر یکی از افسران عباس میرزا در انگلستان برای آموزش در رشته های نقاشی و طب موافقت و آنها را در سال ۱۲۲۷ قمری با خود به انگلستان برد. سرپرستی این دو دانشجوی اعزامی بعهده سرگرد ساترلند southerland گذاشته شد و هزینه تحصیل آنها را دولت انگلستان می- پرداخت. میرزا کاظم پس از ۱۸ ماه اقامت و تحصیل در رشته نقاشی بعلت ابتلا به بیماری سل در ربیع الثانی ۱۲۲۸ قمری= مارس ۱۸۱۳ در لندن فوت و بخا ک سپرده شد.*۲
حاج بابا افشار پس از ۸ سال کار ورزی در طب بدون اتمام تحصیلات خویش در رشته پزشکی در سال ۱۲۳۴ قمری به تهران بازگشت و در د ستگاه عباس میرزا با سمت حکیم باشی از سال ۱۲۳۵ قمری مشغول خدمت گردید. بدون شک میرزا بابا افشار از بنیان گزاران علم پزشکی با شیوه جدید

---

*۱و۲ تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ت ألیف احمد (ایرج) هاشمیان ص ۱۳ تا ص ۱۸

و اولین حکیم باشی ایران است. نامبرده پس از ۱۷ سال خدمت پزشکی در سال ۱۲۵۲ هجری قمری در تهران فوت نمود.

پنج نفر دانشجوی اعزامی سال ۱۲۳۰ قمری برای رفت و آمد و اقامت در انگلستان مشکلات زیادی را تحمل نموده و پس از بازگشت از انگلستان در دستگاه ولیعهد در تبریز هرکدام به شغل مناسبی منصوب و بتدریج مدارج ترقی را پیمودند. انتخاب این ۵ نفر بعهده میرزا صالح شیرازی قرار میگیرد که شخصی با تجربه و آشنا با فرهنگ اروپائی بود. اسامی ۵ نفر دانشجوی اعزامی و رشته تحصیلی آنان بشرح زیر مشخص میگردد:

۱ -میرزا رضا برای تحصیل در رشته توپخانه و مهندسی

۲ -میرزا جعفرخان مشیرالدوله جهت آموزش رشته مهندسی

۳ -میرزا محمد جعفر برای فراگیری طب و شیمی

۴ -میرزا محمد علی چخماق ساز بمنظور یادگیری قفل و کلیدسازی

۵ -میرزا صالح برای تحصیل زبان و مترجمی زبان انگلیسی

از طرف دولت ایران سرپرستی گروه با میرزا صالح شیرازی بود ولیکن از نظر فنی سرپرستی، و نظارت و اداره امور با کلنل قولونل خان بود. هزینه مسافرت و اقامت این پنج نفر برای مدت یکسال تأمین و توسط عباس میرزا به کلنل دارسی پرداخت گردید.[۱]

دوره کارآموزی این گروه نزدیک به ۴ سال و توام با مشکلات زیادی بود و در محرم سال ۱۲۳۵ قمری اعضای گروه از راه ترکیه به ایران بازگشتند .

ب- دانشجویان اعزامی در سالهای ۱۲۵۴ ، ۱۲۶۰ و ۱۲۶۳ (قبل از سلطنت ناصرالدین شاه)

پس از فتحعلیشاه در سال ۱۲۵۰ قمری، محمد شاه به سلطنت رسید. وی در مورد اعزام دانشجویان به خارج از کشور تمایل بیشتری از خود نشان داد و بشرح زیر در ۳ نوبت ۱۴ دانشجو را برای تحصیل در رشته های مورد نظر بخارج از کشور اعزام نمود:

---

[۱] . تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف احمد ایرج هاشمیان چاپ سحاب، سال ۱۳۷۹ ص ۲۴، ص ۲۵ تا ص ۳۸ و ص ۳۹

نوبت اول- ۳ نفر در سال ۱۲۵۴ هجری قمری

نوبت دوم – ۵ نفر در سال ۱۲۶۰ هجری قمری

نوبت سوم- ۶ شش نفر در سال ۱۲۶۳ هجری قمری، در سالهای پایانی سلطنت محمد شاه

جمع دانشجویان اعزامی قبل از ناصرالدین شاه قاجار ۲۱ نفر بوده است.

از بین پنج دانشجوی اعزامی در سال ۱۲۳۰ قمری، خدمات میرزا رضای مهندس باشی قابل توجه بود. وی در مدت ۳/5 سال اقامت در انگلستان تجربه های فراوانی در رشته مهندسی ساختمان و فنون نظامی بدست آورد و در سال ۱۲۳۴ قمری پس از بازگشت به ایران از طرف محمد شاه قاجار به لقب مهندس باشی افتخار یافت.[۱]

میرزا رضای مهندس باشی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه بدستور میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم، طرح بنای ساختمان مدرسه دارالفنون را تهیه نمود و مهندس تقی خان معمارباشی نیز مامور بنای ساختمان دارالفنون گردید.

میرزا رضای مهندس باشی در سال ۱۲۵۳ هـ ق در لشگر کشی به هرات همراه محمد شاه بود و در ساختن قلعه ها و سنگرهای نظامی دخالت داشت و پس از طرح بنای ساختمان دارالفنون بسیار معروف گشته و از مهندسین درجه یک آن زمان بوده است.

میرزا صالح شیرازی

میرزا صالح شیرزای قبل از اعزام به انگلستان منشی کلنل دارسی **Darcy** بوده و بعلت هوش و توانائی ذاتی خود توانست ضمن جلب نظر آنها برای فرستادن وی به انگلستان زمینه های نفوذ خود را در دستگاه سیاسی عباس میرزای ولیعهد فراهم نماید. نامبرده پس از فراگیری زبان انگلیسی بیشتر کوشش خود را صرف فرا گرفتن صنعت چاپ و شیوه های کار در صنعت چاپ نمود و پس از بازگشت به ایران یکی از بنیان گزاران صنعت چاپ و انتشار روزنامه در سال ۱۲۳۵ هجری قمری گردید و بصورت ماهیانه اولین روزنامه به قطع یک ورق بزرگ با چاپ سنگی در روز ۲

---

[۱]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۳۶۵

شنبه ۲۵ محرم ۱۲۵۳ قمری = اول مهرماه منتشر نمود. اسم این روزنامه News paper [۱] و یا کاغذ اخبار بود که در عهد محمد شاه منتشر و پس از چندسال کار چاپ آن با وقفه روبرو گشت و پس از ۱۴ سال فترت در زمان ناصرالدین شاه قاجار نخستین شماره روزنامه وقایع اتفاقیه در روز جمعه ۵ پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری قمری منتشر گردید.

میرزا صالح و فراموش خانه[۲]

میرزا صالح پس از مراجعیت به ایران در ۲۰ رجب ۱۲۳۳ هـ ق به همراه مستر پارسی و کلنل دارسی وارد فراموشخانه گردید و به اتفاق برادران فراماسونرش (میرزا جعفر مهندس (مشیرالدوله) میرزا ابوالحسن خان شیرازی و سرگور اوزلی Sir.Gore ouseley اقدام به تشکیل لژ فراماسونری نمودند. ناصرالدین شاه با تشکیلات فراماسونری کاملاً مخالف بود و برای قلع و قمع فراماسونرها دستورات زیر را مبنی بر ممنوعیت فعالیت فراموش خانه ها در روزنامه دولت علیه ایران شماره ۵۵ صفحه ۸ بشرح زیر صادر نمود:

هو

«اعلان نامه دولتی»

*

در این روزها بعرض رسید که بعضی از اجامر اوباش گفتگو و
صحبت از وضع و ترتیب فراموش خانه‌های یوروپ می‌کنند و به
ترتیب آن اظهار میل می‌نمایند، لهذا صریح حکم همایون شد که
اگر کسی بعد از این عبارت لفظ فراموش خانه از دهن کسی بیرون
بیاید تاچه رسد بترتیب آن، مورد کمال سیاست و غضب دولت

---

[۱] یک نسخه از اولین شماره این روزنامه د ر موزه لندن موجود میباشد. ص ۴۲ کتاب تحولات فرهنگی ایران تألیف احمد (ایرج) هاشمیان.

[۲] تاریخ تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۴۳

[*] ماخذ روزنامه دولت علیه ایران شماره ۵۵ ص ۸

* سال هجری قمری در آن زمان ۳۷ سال جلوتر از سال هجری شمسی می‌باشد

خواهد شد. البته این لفظ را ترک کرده و پیرامن این مزخرفات
نروند که یقیناً مورد مواخذه کلی قرار خواهند گرفت.

اعزام سومین گروه از دانش آموزان ایرانی به اروپا در زمان سلطنت محمد شاه

در سال ۱۲۵۴ هجری قمری (۱۸۳۸ میلادی) برابر ۱۲۱۷ شمسی، برای سومین بار د ر دوره قاجاریه هنگام سلطنت محمد شاه ۱۲۶۴- ۱۲۲۲ قمری ۳ دانش آموز ایرانی به سرپرستی حسین خان نظام الدوله (آجودان باشی) از طرف دولت ایران همراه با یک هیئت سیاسی جمعاً ۱۷ نفر به فرانسه اعزام شدند. این ۳ نفر که برای فراگیری علوم نظامی انتخاب شده بودند عبارتند از:

۱ -محمد حسن خان برادر زاده آجودان باشی

۲ -میرزا عبدالرحیم بیک یاور و برادر زاده میرزا فتاح

۳ -عزیز خان (میرزا عزیز) برادر زاده دیگر میرزا فتاح

۴ -سه نفر مذکور پس از یکسال فراگیری علوم نظامی در دهم رجب ۱۲۵۵ هـ ق از طریق بندر مارسی و استانبول به تهران بازگشته و نفر اول و دوم به دریافت نشان یاوری مفتخر میگردیدند.

اعزام چهارمین گروه از دانش آموزان ایرانی به اروپا در زمان محمد شاه قاجار[1]

چهارمین گروه از دانش آموزان ایرانی در سال ۱۲۶۰ قمری = ۱۲۲۳ شمسی بفرانسه اعزام شدند اسامی این گروه پنج نفر بشرح زیر میباشد:

۱ -حسینقلی خان برای تحصیل در رشته فرماندهی و توپخانه

۲ -میرزا زکی پسر حاجی میرزا آقای مازندرانی برای فراگیری مهندسی.

۳ -میرزا رضا برای آموختن چیت سازی و صنعت قند و شکر.

۴ -میرزا یحیی برای فراگیری پزشکی و جراحی.

۵ -محمد علی برای تحصیل در رشته معدن، دوربین و ساعت سازی.

[1]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف دکتر احمد (ایرج) هاشمیان ص ۵۱ تا ص ۵۴

محمد شاه در سال ۱۲۶۰ قمری با دست خط خویش رشته تحصیلی هریک از دانشجویان فوق را مشخص و اضافه می‌نماید که انشاء الله در بازگشت لامذهب نشوند که لعنت خدا به لامذهبان، آراسته برگردند و بکارهای مابرخورند. انشاء الله مبارک است.

حسینقلی خان اولین ایرانی است که در مدرسه نظامی سن سیر درس خوانده و در جریان انقلاب ۱۸۴۸ (هشتم مهرماه ۱۲۶۰ قمری) از پارلمان و حکومت قانون در فرانسه دفاع نموده است. (۱۲۲۳ هجری شمسی).

میرزا محمد علی پس از بازگشت از فرانسه در تهران به خدمت نظمیه وارد و در سال ۱۲۷۳ هـ ق = ۱۲۳۶ شمسی مترجم فرخ خان امین الداوله در سفر به فرانسه بوده است و به محمد علی خان نظمیه معروف شد.

اعزام پنجمین گروه دانشجویان اعزامی در زمان محمد شاه (۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ هجری قمری)

اسامی پنجمین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا در زمان محمد شاه قاجار(آخرین گروه اعزامی از طرف محمد شاه) بشرح زیر میباشد:

که در اواخر سالهای سلطنت محمد شاه ۱۲۶۳ قمری به اروپا اعزام شدند.

۱ -میرزا یحیی خان مشیرالدوله

۲ -میرزا حسین خان مشیرالدوله، سپهسالار اعظم

۳ -حاج عباس شیرازی

۴ -میرزا ابراهیم شیرازی

۵ -میرزا صادق خان طبیب

۶ -عبدالحسین میرزا فرمانفرما

۱ -**میرزا یحیی خان** و میرزا حسین خان فرزندان نبی خان امیر دیوان بودند که جهت تحصیل به فرانسه اعزام و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۶۶ قمری میرزا یحیی به سمت مترجم وزارت خارجه و اندکی بعد جانشین سفارت ایران در بطرزبورگ گردید.[۱]

۲ -**میرزا حسین خان** مشیرالدوله سپهسالار اعظم (متولد ۱۲۴۳ و فوت در ۱۲۹۸ قمری) پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۶۶ قمری از طرف امیرکبیر به کنسول گری ایران در بمبئی انتخاب و پس از ۳ سال کنسول ایران در تفلیس گردید.*۲

۳ -**حاج عباس شیرازی** برای فراگیری فن ساخت گل مصنوعی به پاریس رفت و با یک دختر فرانسوی که بسیار زیرک و گلساز بود ازدواج نمود این د ختر تازه مسلمان بعنوان آرایشگر اهل حرم در اندرون محمد میرزا (محمد شاه آینده) مشغول بکار شد، رابطه دوستی زن فرانسوی حاج عباس با همسر محمد شاه و پدر ناصرالدین شاه، خواهرش عزه الدوله پیش از پیش نفوذ او را در دربار زیادتر نمود.*۳

۴ -**میرزا ابراهیم شیرازی**، در سال ۱۲۴۱ قمری= ۱۲۰۴ شمسی به انگلستان اعزام و در مدت ۱۲ سال در کالج Haileybury هایلربری به آموزش زبان فارسی و عربی پرداخت و در جلسات فراماسونری لندن شرکت می‌نمود. سرانجام میرزا ابراهیم در سالهای پایانی سلطنت محمد شاه به ایران مراجعت و در دربار محمد شاه به سمت مترجم وشخص مورد اعتماد شاه به خدمت مشغول شد.آنچه مسلم است پیشرفت اصلی میرزا ابراهیم در دربار محمد شاه و انتصاب وی به عنوان معلم ناصرالدین شاه ولیعهد (ناصرالدین شاه بعدی) همکاری و رابطه وی با گروه فراماسونری انگلستان بوده است.*۴

۵ -**میرزا صادق خان طبیب** در سال ۱۲۶۳ قمری از طرف محمد شاه برای فراگیری علم طب به انگلستان اعزام و در سال ۱۲۶۶ قمری پس از پایان تحصیلاتش در انگلستان به ایران بازگشت و بدستور امیرکبیر به تبریز فرستاده میشود تا در آن شهرستان به طبابت و تعلیم علوم طبیعی (پزشکی- درمانی) مشغول گردد.

---

[۱] تا ۴ تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف دکتر احمد (ایرج) هاشمیان ص ۵۹ تا ص ۶۷

۶ **-عبدالحسین میرزا فرمانفرما** : وی در سالهای پایانی سلطنت محمد شاه (۱۲۶۳ قمری) برای فراگیری علوم نظامی به اطریش رفت و پس از بازگشت به ایران از طرف پدرش (فیروز میرزا نصرت الدوله پسرشانزدهم عباس میرزا) به آذربایجان فرستاده شد. نامبرده پدر مریم فیروز بود و در مدت ۶۰ سال از زندگی ۸۲ ساله خود (۱۲۳۶- ۱۳۱۸ شمسی) عهده دار مشاغل مهم حکومتی و در زمان صدارت علی قلی خان مخبرالدوله عهده دار وزارت جنگ گردید. عبدالحسین میرزا مالکی بزرگ و ثروتمند بود و وسعت املاک او دو برابر کشور بلژیک بود و در طی حیات سیاسی خویش با ۴ پادشاه قاجار (ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمد علیشاه و احمد شاه) و رضا شاه هم زمان بوده است. عبدالحسین میرزا علاقه زیادی به تعداد زوجات خویش داشت و دخترش مریم فیروز در این باره نوشته است که پدرم در سن ۷۵ سالگی هرچند یک دختر و گاهی دو دختر را به زنی میگرفت و بطور متوسط هرسه ماه یکمرتبه یک دختر جوان که زن جدید پدرم بود وارد اندرون می‌شد. دخترها معمولاً بیش از ۱۴ و ۱۵ سال نداشتند.[۱]
از فرمانفرما بیش از ۳۰ دختروپسر باقی مانده که اغلب آنها از ثروتمندان و افراد با نفوذ مملکت گردیدند،وی سر انجام در سال ۱۳۱۸ شمسی در سن ۸۲ سالگی درگذشت و در باغ طوطی شهر ری بخاک سپرده شد.

ج- اعزام اولین گروه از دانش آموزان ایرانی به اروپا در زمان ناصرالدین شاه به سرپرستی فرخ خان امین الدوله کاشانی پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ = ۱۲۲۷ شمسی و صدارت امیرکبیر اعزام دانشجوی بیشتری به خارج از کشور در رشته های مختلف مورد موافقت و تأئید دولت ایران قرار گرفته و جمعاً ۹۲ نفر دانشجو در ۳ نوبت بخارج از کشور به شرح زیر اعزام گردیدند.
- نوبت اول در سال ۱۲۷۲ قمری = ۱۲۳۵ شمسی جمعاً ۳ نفر به سرپرستی فرخ خان امین الدوله.
- نوبت دوم در سال ۱۲۷۵ قمری – ۱۲۳۸ شمسی جمعاً ۴۷ نفر به سرپرستی فرخ خان امین الدوله.
- نوبت سوم د ر سال ۷۶- ۱۲۷۵ قمری جمعاً ۴۲ نفر به سرپرستی امیر نظام گروسی.

---
[۱]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف احمد (ایرج) هاشمیان ص ۶۷، ص ۶۸ و ۶۹

با احتساب ۲۱ دانشجوی اعزامی قبل از زمان ناصرالدین شاه جمعاً ۱۱۳ نفر دانشجو در سالهای ۱۲۷۶-۱۲۲۶ قمری = ۱۲۳۹- ۱۲۹۶ شمسی بخارج از کشور اعزام گردیدند.
با ادامه خط مشی اعزام تعداد بیشتری دانشجو برای تحصیل در رشته های مختلف جمعاً حدود یکهزار نفر دانشجو از زمان محمد شاه تا ا حمد شاه قاجار به خارج از کشور اعزام گردیدند.
محصلین اعزامی پس از بازگشت به ایران در رشته تخصصی خویش کارهای مهمی انجام داده و ترقی و پیشرفت فرهنگ نوین ایران مرهون فعالیت های ثمربخش آموزشی آنان بوده است.
توضیحات در مورد دانشجویان اعزامی زمان ناصرالدین شاه (در ۳ نوبت) بشرح زیر میباشد:

دانشجویان اعزامی اولین گروه (نوبت اول)

۱- میرزا علی نقی فرزانه:

در سال ۱۲۷۲ = ۱۲۳۵ شمسی فرخ خان امین الدوله را در سفرش به اروپا همراهی و خود را برای ادامه تحصیل در رشته طب آماده ساخت. میرزا علی نقی اولین کسی بود که دوره های مختلف پزشکی را در دانشکده طب پاریس در سالهای ۸۴- ۱۲۷۷ قمری به پایان رساند و دکترای پزشکی دریافت نمود و در سال ۱۲۸۴ قمری از طرف ناصرالدین شاه به لقب حکیم الملک افتخار یافت. (حکیم الممالک).
حکیم الممالک دارای ۱۴ فرزند بود و پسرش حسن فرزانه به وزارت امور خارجه راه یافت و مدتی هم استاندار گیلان بود و در سال ۱۳۲۱ قمری درگذشت.

۲- میرزا رضا خان (دکتر میرزای علی آبادی)

میرزا رضا در سال ۱۲۷۳ قمری به همراه گروه فرخ خان برای ادامه تحصیل بفرانسه رفت و به میرزا رضای دکتر معروف بود نامبرده پس از دریافت دانشنامه دکترای پزشکی خویش از دانشکده پزشکی پاریس در سال ۱۲۷۷ = ۱۲۳۹ شمسی به ایران بازگشت و بعنوان پزشک مخصوص ظل السلطان برگزیده شد. میرزا رضای دکتر از سال ۱۲۸۳ قمری به آموزش طب در مدرسه دارالفنون مشغول گردید و سرانجام پس از ۱۱ سال تدریس طب در سال ۱۲۹۴ هجری قمری برابر ۱۲۵۶ شمسی درگذشت.

۳- **میرزا محمد حسین ۱۳۴۵- ۱۲۶۳ هجری**، میرزا محمد حسین در سال ۱۲۶۳ هـ ق در کاشان متولد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی خویش در کاشان برای فراگیری رشته طب به دارالفنون رفت. پس از اتمام تحصیلات پزشکی خویش در دارالفنون بعنوان پزشک سفارت ایران در فرانسه بخدمت درآمد و در سال ۱۲۷۲ هـ ق ۱۲۳۵ شمسی برای تکمیل تحصیلات پزشکی خویش به همراه هیئت ا عزامی زیر نظر فرخ خان امین الدوله به پاریس رفت و پس از ۵ سال تکمیل دانش پزشکی موفق به دریافت دانشنامه پزشکی گردیده و در سال ۱۲۷۷ هـ ق به تهران بازگشت و رساله خود را با عنوان معالجه تب نو به کمک اسید آرسنیک بر مبنای تجربه های خویش در بیمارستان تهران (و برروی خودش) به استادش دکتر پولاک تقدیم نمود.

میرزا محمد حسین استاد طب در مدرسه دارالفنون و سپس طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و از خدمات پزشکی او در روزنامه دولت علیه ایران در شماره ۴۸۲ در سال ۱۲۷۷ قمری به نیکی یاد شده است و در سن ۸۲ سالگی وفات نمود.*

دکتر میرزا محمد حسین در سال ۱۲۷۸ هـ ق مأمور درمان حاج علی خان ضیاء الملک (قاتل میرزا تقی خان امیر کبیر) گردید و برای انجام این مأموریت عازم خوزستان گردید. بدیهی است مداوای قاتل بهترین شخصیت ایرانی لکه ننگی برای دکتر میرزا محمد حسین بوده است.

---

* تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۸۸ تا ص ۹۰

* تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه به تألیف دکتر احمد ایرج هاشمیان ص ۳۴۹

اعزام دانشجویان در نوبت دوم به فرانسه در سال ۱۲۷۵ (۱۲۳۸ شمسی) به سرپرستی فرخ خان امین الدوله:

در سال ۱۲۷۵ قمری (۱۲۳۸ شمسی) = ۱۸۵۸ میلادی، فرخ خان امین الدوله پس از بازگشت از اروپا و بازگو نمودن پیشرفت علم و دانش در کشورهای اروپائی برای ناصرالدین شاه مأمور گردید که یکصد نفر از فرزندان وزراء ، اعیان و اشراف را انتخاب و برای تحصیل به فرانسه اعزام نماید.

پس از مطالعات زیاد در مدت ۶ شش ماه فرخ خان موفق گردید ۴۷ نفر را که بیشتر آنها از فارغ التحصیلان دوره اول مدرسه دارالفنون بودند انتخاب و به فرانسه اعزام نماید.

رشته تحصیلی ۴۷ نفر دانش آموز اعزامی به فرانسه به شرح زیر خلاصه میگردد:

علوم نظامی	۱۳ نفر
طب و علوم طبیعی	۴ نفر
ریاضیات	۵ نفر
حقوق سیاسی	۳ نفر
زبان فرانسه	۳ نفر
حریر و پارچه بافی	۳ نفر
چینی و بلورسازی	۳ نفر
معدن شناسی	۳ نفر
سایر رشته ها	۱۰ نفر (زرگری، عینک سازی، تجارت، دباغی،صحافی و ستاره شناسی)
جمع کل	۴۷ نفر

اسامی رشته تحصیلی تعدادی از ۴۷ نفر بشرح زیر میباشد: نتیجه کار پس از پایان تحصیلات

۱- آقای علی اصغر	حریربافی	حریرباف در کاشان
۲- آقا محمد صحافباشی	صحافی	صحافی و پاکت سازی
۳- اسدالله کاشانی	پارچه بافی و ماهوت	پارچه بافی در کاشان
۴-جهان کاشانی آشتیانی	معدن و معدن شناسی	مأمور دولت برای بازدید معادن
۵- حیدرعلی نجار(استاد)	تکمیل رشته و صنعت	رئیس کارگاه نجاری و معلم کاردستی
۶- رضاخان گرانمایه	حقوق سیاسی و ادبی	وزیر عدلیه و سفیر ایران در آلمان در زمان
۷- عباس خان پسرمیرزا	ریاضیت و مهندسی	وزارت جنگ و شهرداری
۸- عباس قلی خان	ریاضیات و فنون	در خدمات نظام درآمد
۹- میرزا عبدالوهاب خان	پزشکی	حکیم باشی دربار
۱۰- عبدالله خان میرزا	علوم سیاسی و حقوق	مستشار وزارت خارجه
۱۱- علی قلی کاشی	قالب گیری	قالب گیری در توپخانه
۱۲- کاظم میرزا	علوم طبیعی و فیزیک	تدریس در دارالفنون
۱۳- محمد آقا حاجب	نساجی	پارچه و ماهوت بافی در کاشان
۱۴- محمد تقی خان مقدم	علوم و فنون نظامی	تدریس در دارالفنون و کارمند قورخانه
۱۵- محمد خان والی	علوم و فنون نظامی	حاکم یزد
۱۶- محمد علی خان	علوم و فنون نظامی	بکار نظمیه درآمد
۱۷- مهدی خانشقاقی	بلور و شیشه سازی	مستشار وزارت خارجه
۱۸- محمود آقا دنیلی	فنون و علوم نظامی	معلم پیاده نظام مدرسه دارالفنون

۱۹- محمود میرزا	ستاره شناسی (نجوم)	در تلگرافخانه وزارت خارجه
۲۰- میرزا نظام الدین	ریاضیات و معدن	معاونت وزارت راه – وزیر علوم

اعزام دانشجویان در نوبت سوم به فرانسه در سال ۱۲۷۶- ۱۲۷۵ (۱۲۳۹- ۱۲۳۸ شمسی)

دانشجویان اعزامی در نوبت سوم جمعاً ۴۲ نفر بودند که پس از معرفی به ناصرالدین شاه در ۲۷ شعبان ۱۲۷۵ قمری در تاریخ ششم رمضان همان سال به سرپرستی امیر نظام گروسی به اروپا اعزام و در ۶ ششم محرم ۱۲۷۶ هـ ق وارد پاریس شده و پس از معرفی به ناپلئون سوم در چهاردهم محرم همان سال به شهرهای محل تحصیل خود روانه گشتند. سرپرستی اعضای گروه وا نتخاب مدارس مورد نظر برای تحصیل آنان درشهرهای مختلف بعهده الکساندر شدسکو SHODZOK لهستانی بود که ایران شناس و آشنا به زبان و ادبیات فارسی بود. پس از اعزام گروه فوق تمایل دولت برای اعزام دانشجویان جدید به شدت کاهش یافت و ناصرالدین شاه که از رواج فرهنگ فرماسونری (از زمان برگشت میرزا صالح در ۲۰ رجب ۱۲۳۳ هجری قمری) و آزادیخواهی هراس داشت از سال ۱۲۹۰ هجری رسماً اعزام دانشجو به خارج از کشور برای ادامه تحصیل را منع کرد و تعداد کمی دانشجو با کمک خانواده های خویش یا کمک دولت های خارجی به تحصیلات خویش ادامه دادند.*

عبدالله مستوفی به ۴ دانش آموز این گروه در کتاب شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه) جلد دوم، انتشارات زوار ص ۶۶ و ۷۶ اشاره میکند که از محرم سال ۱۳۲۲ هجری قمری برابر ۱۲۸۱ شمسی در پطرزبورگ روسیه به تحصیل در رشته علوم و فنون نظامی مشغول بودند. این دانش آموزان عبارت بودند از:

۱ -مهدی خان شقاقی

۲ -عبدالحسین خان معززالملک (تیمور تاش بعدی)

۳ -نصرت الله میرزا (امان الله جهانبانی بعدی)

* تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ، تألیف دکتر احمد (ایرج) هاشمیان ص ۴۲۹ و ص ۴۳۰.

۴ -محمد علی خان (محمد علی مافی آینده)
مهدی خان و عبدالحسین خان به علت نزدیکی پدرشان با میرزا رضا خان که سفارت ایران را در روسیه به عهده داشت مشغول به تحصیل در بطرزبورگ گردید، و نصرت الله میرزا هم برای ادامه تحصیل به برلین رفت و محمد علی مافی نیز با کمک سفارت ایران و همراهی روسها به تحصیل حقوق پرداخت.[1]

مهدی خان شقاقی

در سال ۱۲۸۰ شمسی پس از پایان تحصیلاتش در سن بطرزبورگ رهسپار آلمان شد و به تکمیل دروس خود در مدرسه پیاده نظام آن کشور پرداخت و از سال ۱۲۸۷ شمسی به سمت وابسته نظامی ایران در آلمان متصوب گشت و در سال ۱۲۹۸ شمسی پس از بازگشت به ایران مأمور سازماندهی ژاندرمری گردید و درسال۱۲۹۹شمسی هنگام سرکوبی یاغیان بین راه قم و اراک به قتل رسید.

هادی خان شقاقی

در سال ۱۲۸۳ شمسی برای ادامه تحصیل به تفلیس رفت و در سال۱۲۸۵ شمسی وارد مدرسه نظام سن بطرزبورگ گردید و ۳ سال بعد در سال ۱۹۰۹ میلادی/ ۱۲۸۸ شمسی رهسپار پاریس گردید و دولت ایران نیز با پرداخت هزینه تحصیل او موافقت کرد.[2]
هادی خان در سال ۱۹۱۲ میلادی تحصیلات خود را به پایان رساند و یکسال بعد به تهران بازگشت. آخرین پست وی رئیس بازرسی تسلیحات ارتش بود و در سال ۱۳۳۸ شمسی درگذشت.
هادی خان شقاقی فرزند ششم میرزا مهدی خان شقاقی میباشد که پس از تحصیل در دارالفنون در سال ۱۲۸۳ شمسی به تفلیس رفت.

د- اعزام دانشجویان جدید به اروپا در زمان سلطنت احمد شاه

[1]. عبدالله مستوفی، تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه ص ۸۶ و ص ۸۹
[2]. هم زمان با به سلطنت رسیدن احمد شاه قاجار در سال ۱۹۰۹ میلادی برابر با ۱۳۲۷ هـ ق = ۱۲۸۸ شمسی

دو سال پس از به سلطنت رسیدن احمد شاه قاجار (۱۳۲۷ هجری قمری = ۱۹۰۹ میلادی= ۱۲۸۸ شمسی) ۳۰ نفر دانش آموز برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام گردیدند. سرپرستی این گروه با یوسف خان مودب الممالک بود، گروه اعزامی ابتدا زبان فرانسه را در پاریس فراگرفته و سپس برای ادامه تحصیل در رشته های مورد نظر در دانشگاه های مختلف مشغول به تحصیل گردیدند. رشته‌های تحصیلی دانشجویان بشرح زیر بوده است.

تعلیم و تربیت ۹ نفر ، فنون نظامی ۷ نفر، کشاورزی ۳ نفر، زبان فرانسه ۱ نفر و سایر رشته ها جمعاً ۱۰ نفر، سی نفر دانشجوی اعزامی برای اولین بار از بین ۱۴۰ نفر داوطلب از طریق کنکور انتخاب و ۵ نفر آنها از بین دانشجویان مشغول به تحصیل در اروپا انتخاب گردیدند.

از بین ۳۰ نفر دانشجوی اعزامی در سال ۱۳۲۹ هجری قمری در زمان سلطنت احمد شاه قاجار اسامی و رشته تحصیلی ۱۵ نفر از آنها بشرح زیر مشخص میگردد: [1]

۱- اشرف میرزا	تعلیم و تربیت
۲- حبیب الله خان صمیمی	تعلیم و تربیت
۳- عبدالله خان پیرزاده	تعلیم و تربیت
۴- علی اکبر سیاسی	تعلیم و تربیت
۵- عیسی صدیق	تعلیم و تربیت
۶- محمد عالی خان جمال زاده	دانشسرای علی
۷- محمود خان مرشد زاده	دانشسرای عالی
۸- ابوالقاسم خان ذوالریاستین	کشاورزی
۹- محمد میرزا تنکابنی	مهندسی کشاورزی
۱۰- احمد خان اردشیر	زبان فرانسه
۱۱- محمود میرزا والا	فنون نظامی
۱۲- جعفرخان حکیمی	فنون نظامی
۱۳- علی ریاضی	مدرسه نظام

[1]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه، تألیف دکتر احمد ایرج هاشمیان ص ۴۶۷ و ص ۴۶

۱۴- علی حکیمی	فنون نظامی
۱۵- غلامعلی نصر	فنون نظامی

هـ . رشته تحصیلی دانشجویان اعزامی از زمان محمد شاه تا ا حمد شاه قاجار ۱۲۵۰ تا ۱۳۲۹ هجری قمری

چنانکه در صفحه ۸ این بررسی مذکور است از ابتدای اعزام دانشجو تا ۲ سال پس از به سلطنت رسیدن احمد شاه جمعاً یکهزار نفر دانشجو جهت ادامه تحصیل بخارج از کشور اعزام گردیدند از این تعداد رشته های تحصیلی ۳۵۰ دانشجو بشرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

رشته های تحصیلی ۲۷۴ نفر از کل دانشجویان اعزامی در زمان قاجاریه:*

علوم انسانی : دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته علوم انسانی، شامل رشته حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی، علوم اداری، علوم اجتماعی، زبان و ادبیات فارسی و عربی، امور مالی و جغرافیا جمعاً ۷۷ نفر

رشته های نظامی: شامل رشته مهندسی، پیاده و سوار نظام، مهندسی نظام، توپخانه و فرماندهی جمعاً ۶۳ نفر

رشته طب و داروسازی جمعاً ۵۵ نفر

رشته حرفه و فن : شامل عینک سازی، عدسی و دوربین، چدن ریزی، قالب گیری، چینی سازی و زرگری، شیشه و بلور سازی، دباغی و قفل و کلید سازی،عکاسی و فیلم برداری و ق ندسازی و شکرصاف کنی، بخاری و قابلمه سا زی جمعاً ۳۵ نفر

معلمی و آموزش (تربیت معلم) جمعاً ۱۳ نفر

مهندسی و برق، معدن، نجوم و معماری ۱۳ نفر

ریاضی و علوم ۸ نفر

کشاورزی ۵ نفر، نقاشی ۳ نفر و موسیقی ۲ نفر

---

* ماخذ اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه تألیف دکتر غلامعلی سرمد، چاپ اول ۱۳۷۲ صفحات ۲۲۷ تا ۴۸۳

۱۷ نفر در بیش از یک رشته آموزش عالی تحصیل کرده اند، رشته های نامشخص ۶۸ نفر و جمع کل دانشجویان بورسیه ۳۵۰ نفر ،دانشجویان اعزامی در رشته طب پس از بازگشت به ایران اغلب جانشین استادان خارجی گردید، و با همت عدهٔ از آنان در اوایل سال ۱۳۲۹ هـ. ق (۱۹۰۹ میلادی، ۱۲۸۸ شمسی) قانون طبابت تهیه و تنظیم و تصویب گردید.

محل تحصیلات عالی ۲۳۴ نفر از ۳۵۰ دانشجوی اعزامی به تفکیک کشورهای مختلف بشرح زیر مشخص گردیده است:

در فرانسه ۱۰۶ نفر، در تهران ۲۷ نفر، روسیه ۱۵ نفر، انگلیس ۱۶ نفر، آلمان ۱۴ نفر، سویس ۱۱ نفر، در کشور عثمانی، بیروت ۸ نفر، اتریش ۲ نفر، آمریکا ۳ نفر سایر کشورهای اروپائی ۱۸ نفر، هندوستان ۲ نفر، بغداد ۲ نفر و جمع کل ۲۳۴ نفر.

با احتساب تعداد کل دانشجویان غیربورسیه (۶۵۰ نفر) تعداد کل دانشجویان اعزامی در ۱۱۲ سال ۱۳۳۹- ۱۲۲۷ قمری . جمعاً یک هزار نفر بوده است:

توزیع سنواتی دانشجویان اعزامی در ۱۱۲ سال مورد بررسی بشرح زیر خلاصه میشود:

۱- دانشجویان اعزامی قبل از ناصرالدین شاه	۲۱ نفر
۲- دانشجویان اعزامی در زمان ناصرالدین شاه	۹۳ نفر
۳- دانشجویان اعزامی پس از ناصرالدین شاه	۲۳۶ نفر
۴- دانشجویان غیر بورسیه (آزاد)	۶۵۰ نفر
جمع کل دانشجویان اعزامی دوره قاجاریه	یکهزار نفر

و- اعزام محصل از طرف وزارت فواید عامه در سالهای ۱۳۰۵- ۱۳۰۲ شمسی

پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی و روی کارآمدن رضا شاه پهلوی برای اولین بار از طرف وزارت فواید عامه در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ شمسی جمعاً ۲۰ نفر دانشجو برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام گردیدند. از این تعداد ۱۴ چهارده نفر آنها به اتفاق آقای میرزا حسن خان شقاقی مهندس از مرکز عازم اروپا گردیده و بقیه که ۶ نفر میباشند، نظر به اینکه از قبل در اروپا مشغول به تحصیل بوده و بواسطه عدم استطاعت مالی قادر به ادامه تحصیل نبوده و افراد لایقی بودند، هزینه

تحصیلی آنان نیز از طرف دولت ایران بعهده گرفته شد. میزان تقریبی هزینه تحصیلی ۲۰ نفر فوق الذکر در سال بالغ بر ۲۳۹۰ لیره بوده است.

فهرست ۲۰ نفر دانشجوی مذکور در رشته و محل تحصیل آنان بشرح زیر مندرج در سند شماره ۵۳۰۰۱- ۱۸۵۰ به شرح زیر ارائه میشود:

۱- رضاخان مشایخی	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۲- رضا خان صدری	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۳-محمد علی خان بصیری	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۴- ا احمد خان زرافشان	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۵- علی اصغرخان دهخدا	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۶- علی اصغرخان دریائی	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۷- عباس خان مولائی	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۸- خسروخان هدایت	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۹- حسین علی خان صدری	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۱۰- محمد خان بهجت	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۱۱- صادق خان هدایت	مهندسی طرق در بلژیک اکتبر ۱۹۲۶ به سرپرستی پور والی
۱۲- نصرت الله دولت داد	سال سوم دانشگاه شارل روا هفتم مهر ۱۳۰۵
۱۳- محمد هادی حسام ضیاء	سال سوم دانشگاه شارل روا هفتم مهر ۱۳۰۵
۱۴- صادق خان عظیمی	سال اول پاریس فرانسه
۱۵- علی خان زاهدی	مهندسی معدن، فرانسه سرپرست شاگردان
۱۶- یدالله خان اسفندیاری	پاریس، فرانسه به سرپرستی زاهدی
۱۷- محمود ملایری	پاریس فرانسه به سرپرستی زاهدی
۱۸- عبدالله دشتی	بلواً در بلژیک به سرپرستی زاهدی
۱۹- رضا کاویانی	آلمان سرپرستی زاهدی
۲۰- علاء الدین وکیلی	آمریکا، سرپرستی زاهدی

*ماخذ-دانشجویان ایرانی در اروپا-دکتر عبدالحسین نوائی سند شماره ۵۳۰۰۱ -۱۸۵۰ ص۴

نمره ترتیب	اسامی	نام پدر	نام خانوادگی	سن	میزان تحصیلاتی که قبل از عزیمت به اروپا کرده‌اند	رشته تحصیلاتی که در خارجه تعقیب می‌کنند	اسم مدرسه و شهر و مملکتی که در آن تحصیل می‌کنند			تاریخ دخول در مدرسه		مدت تحصیلات	اسامی سرپرستان	مخارج محصلین در ماه	ملاحظات
							اسم مدرسه	اسم شهر	اسم مملکت	ایام	ماه و سال				
۱	رضا خان	میرزا عبدالحسین	مشایخی	۲۱	۶ ساله متوسطه	مهندسی طرق	اونیورسیته	گان	بلژیک	۱	اکتبر ۱۹۲۶	۳ سال	پوروالی شارژه افرسفارت ایران	۸½لیره در	
۲	رضا خان	میرزا محمد	صدری	۲۱			گان	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۳	محمد	میرزا علی	بصیری	۲۱	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۴	احمدخان	میرزا محمد	زرافشان	۲۳	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۵	علي	آقا میرزا	دهخدا	۲۱	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۶	علي	مخبرالوزراء	دریایی	۲۳	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۷	عباس	میرزا رحیم	مولایی	۲۰	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۸	خسروخان	غلامرضا خان مخبرالدوله	هدایت	۲۰	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۹	حسین قلی خان	آقای حاجی خان	صدری	۲۲	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۱۰	محمد خان	شیخ محمدعلی	بهجت	۲۱	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۱۱	صادق خان	هدایت قلی خان اعتضاء	هدایت	۲۳	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۱۲	نصرت الله میرزا	ضیاء الواعظین	دولت داد		" " " "	سال سوم اونیورسیته شارل روا	شال روا	شارل روا	"	۷	مهر ۱۳۰۵	"	" " " "	۸½لیره	این شخص به دلیل عدم استطاعت پیشنهاد
۱۳	سید	محمد حسن	حسام		شارل روا			شارل	"	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۱۴	صادق خان		عظیمی	۱۹		سال اول clu trervarre		پاری	فراذ	"	" "	"	" " " "	۸½لیره	
۱۵	میرزاعلی خان زاهدی		زاهدی			مهندسی معدن Naclonale		"	"	"	" "	"	سرپرست شاگردان	۱۰ لیره	
۱۶	یدالله خان		اسفندیاری			Specale		"	"	"	" "	"	میرزا علی خان	۸½لیره	
۱۷	محمود خان		ملایری			Callige saint Barbe	"	"	"	"	" "	"		۷ لیره	

۱۸	عبداله خان		دشتی			Belait Calleige	"	بلوا	بلژیک	"	" "	"	" " " "	۸$\frac{۱}{۲}$لیره	
۱۹	رضا خان	کاویانی	کاویانی						آلمان	"	" "	"	" " " "	۸$\frac{۱}{۲}$لیره	
۲۰	علاء الدین	وکیلی (جلال الملک سابق)	وکیلی						آمریکا	"	" "	"	" " " "	۸$\frac{۱}{۲}$لیره	

ن – توزیع سنواتی دانشجویان اعزامی در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۶ شمسی بشرح زیر خلاصه میشود:[1]

سال ۱۳۰۲– ۱۳۰۵	۲۰ نفر
سال ۱۳۰۷	۱۱۰ نفر
سال ۱۳۰۸	۱۰۰ نفر
سال ۱۳۰۹	۹۵ نفر
سال ۱۳۱۰	۸۰ نفر
سال ۱۳۱۱	۵۲ نفر
سال ۱۳۱۲	۱۰۰ نفر
سال ۱۳۱۳	۲۵ نفر
سال ۱۳۱۶	۱۴ نفر هزینه شرکت نفت

*۱ – در سال ۱۳۱۰ شمسی جمع کل دانشجویان بورسیه ۵۶۲ نفر بوده است.

*۲– در سال ۱۳۱۳ تعداد کل دانشجویان اعزامی شاغل به تحصیل در فرانسه ۲۹۳ نفر بوده است.

*۳– صورت اسامی محصلین اعزامی از طرف وزارت معارف در سالهای۱۳۱۰– ۱۳۰۷ به تفکیک برای ۵۳۰ نفر کاملاً مشخص و در کتاب مرجع این تحقیق به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی چاپ گردیده است. سند شماره (۱۸۴۵– ۵۳۰۰۱).

ح – نحوه اعزام محصلین به خارج از کشور و روند تکمیل پرونده متقاضیان اعزام در سال ۱۳۰۷ و بعد از آن

۱- تقاضای ثبت نام داوطلب شرکت در مسابقه اعزام دانشجو

۲- گزارش رسمی محل تحصیل متقاضی در دوره دبیرستان

۳- تعهد نامه مخصوص متقاضی برای تحصیل در خارج از کشور پس از بازگشت به ایران.

۴- ضمانت پدر متقاضی

۵- تائید طبی سلامت مزاج متقاضی

---

[1]. حاشیه نمره ۱۹۹ ، اسناد مربوط به قانون اعزام محصل در سالهای ۱۳۱۳ – ۱۳۰۷ شمسی / سند شماره ۲۰۸۹– ۵۳۰۰۲

۶- کارنامه تحصیلی محصل اعزامی به خارج از کشور

با توجه به مفاد مذکور بعنوان نمونه سوابق تحصیلی آقای مهندس مهدی بازرگان را بشرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱۳۰۷/۶/۵

۱ -دفتر محترم ثبت اسامی داوطلبان مسابقه

این جانب مهدی بازرگان فرزند حاج عباس قلی آقا، داوطلب ا متحان مسابقه برای مهندسی برق میباشم خواهشمند است اسم این جانب را ثبت و در امتحان بپذیرید. مهدی بازرگان

حاشیه نمره ۱۹۹ { سند شماره ۲۰۸۹-۵۳۰۰۲ }

خلاصه سجل ولادت:

آقای مهدی بازرگان پسر حاج میرزا عباس قلی آقا و صدیقه خانم در تهران ناحیه ۲ در سنگلج در تاریخ .... تولد یافته است.

خلاصه تصدیق طبی:

آقای مهدی بازرگان در حضور آقای دکتر حمید راجی معاینه طبی شده و تصدیق سلامت مزاج حاصل نموده است.

حاشیه نمره ۱۲۴{ سند شماره ۲۰۸۹-۵۳۰۰۲ }

شیر و خورشید. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.

دفتر محصل نمره ۱۰۲ متعلق به آقای مهدی بازرگان – اعزامی سال ۱۳۰۷ شمسی

{ سند شماره ۲۰۸۹-۵۳۰۰۲ }

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

کارنامه تحصیلی محل الصاق عکس

متعلق به مهدی بازرگان ولد حاج میرزا عباس قلی آقا، اعزامی سال ۱۳۰۷ نمره ورقه هویت ۲۰۶۷۴ تاریخ و نمره تصدیق دوره دوم متوسطه تیرماه ۱۳۰۶ نمره تعهد نامه ۱۰۲ نمره تصدیق ۱۳۳۶۷۱۶۷ رشته تحصیلی، مهندسی برق، معدل نمرات مسابقه ۲۱۸/۸۵.

{ سند شماره ۲۰۸۹-۵۳۰۰۹ }

گزارش رسمی تحصیلات متوسط آقای مهدی بازرگان:

نامبرده از محصلین دارالمعلمین تهران، جوان بسیار باهوش و خیلی حساس است، قابل توجه مخصوص است، چون ممکن است برحسب پیش آمد و مناسباتی که برای او فراهم شود مرد بزرگی شودیا اخلاقاً خراب گردد. اگر خراب شود خیلی محل تأسف خواهد بود.

ابوالحسن فروغی- رئیس دارالمعلمین تهران

تعهد نامه ۱۲۲ حاشیه $\frac{۲۰۸۹}{۲۵}$ش (سند شماره ۲۰۸۹- ۵۳۰۰۲) ص ۹۰

امضا کننده ذیل، مهدی بازرگان پسرحاج میرزا عباس قلی آقا که بر طبق سواد مصدق ورقه سجل احوال نمره ۲۰۶۷۴ که منضم به این ورقه است در تاریخ ۱۲۸۶ شمسی در تهران تولد یافته و اسم مشخص و خانوادگیم مهدی بازرگان است به موجب این ورقه تعهد می کنم که در ممالك و رشته علومی که وزارت معارف معین میکند تحصیلات خود را به پایان رسانیده و در تمام مدت توقف در خارجه کاملاً مطیع تعلیمات سرپرستی که معین میشود بوده و اعمال و رفتار خود را با دستور ایشان وفق دهم و پس از مراجعت به ایران بر طبق قانون مصوب عمل نمایم و درصورت تخلف مبلغی را که دولت ایران برای این جانب صرف کرده است رد نمایم.

محل امضای مهدی بازرگان

این جانب حاج میرزا عباس قلی تبریزی ولی محصل فوق الذکر اجرای تعهد فوق را ضمانت می نمایم.

محل امضای حاج عباسعلی تبریزی (سند شماره ۲۰۸۹- ۵۳۰۰۲)

ز- اعزام محصل در سالهای ۱۳۰۷ ، ۱۳۰۸

۱- در سا ل ۱۳۰۷ شمسی رشته های علوم مورد نظر هیئت وزراء برای اعزام محصلین به خارج از کشور برای همان سال ۱۱۰ نفر و برای سال ۱۳۰۸ یکصدنفر به تفکیک رشته تحصیلی مورد نظر سند شماره ۵۳۰۰۱ – ۱۸۳۸ و ۵۳۰۰۱ – ۱۹۴۰ و سند شماره ۱۱۳۰۰۰۸- ۷۸۹۲ در کشورهای اروپائی پذیرفته شدند و با توجه به قانون ششم تیرماه ۱۳۰۸ با احتساب دانشجویان بی بضاعت

سالهای قبل در سال ۱۳۰۸ شمسی جمعاً ۱۱۳ نفر دانشجوی بی بضاعت بهزینه دولت از بورس تحصیلی استفاده می نمودند.

رشته تحصیلی دانشجویان اعزامی برای سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی بشرح زیر خلاصه میشود:

۲- رشته تحصیلی دانشجویان اعزامی در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸

شماره	رشته تحصیلی	تعداد دانشجویان در	تعداد دانشجویان در
۱	تعلیم و تربیت	۳۸ نفر	۳۵ نفر
۲	طب	۸ نفر	۸ نفر
۳	چشم پزشکی	۴ نفر	۴ نفر
۴	جراحی	۴ نفر	۴ نفر
۵	دندانسازی	۳ نفر	۳ نفر
۶	دامپزشکی	۵ نفر	۳ نفر
۷	مهندسی راه	۸ نفر	۸ نفر
۸	مهندسی کشاورزی	۵ نفر	۵ نفر
۹	مهندسی برق	۵ نفر	۵ نفر
۱۰	مهندسی شیمی	۳ نفر	۳ نفر
۱۱	مهندسی ماشین	۳ نفر	۳ نفر
۱۲	مهندسی معدن	۵ نفر	۵ نفر
۱۳	جنگل	۲ نفر	۲ نفر
۱۴	حقوق	۸ نفر	۳ نفر
۱۵	علوم مالی	۵ نفر	۳ نفر
۱۶	مهندس بندر	۴ نفر	۴ نفر
۱۷	معماری	-	۲ نفر
جمع کل		۱۱۰ نفر	۱۰۰ نفر

۱ -در سال تحصیلی ۱۳۰۷- ۱۳۰۶ در سطح کل کشور برای اولین بار ۴۰ نفر دختر از دبیرستانهای کشور فارغ التحصیل شدند.

۲ -در سال تحصیلی ۱۳۰۸- ۱۳۰۷ در سطح کل کشور جمعاً ۱۳۹ پسر و ۶۶ دختر از دبیرستانهای کشور فارغ التحصیل شدند.

ماخذ- احصائیه سال ۱۳۰۹- ۱۳۰۸ وزارت معارف ص ۱۴۴

۳- از بین ۲۱۰ نفر دانشجویان اعزامی در سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی، به اسامی تعدادی از آنها بشرح زیر اشاره میشود:[1]

شماره	نام دانشجو	ردیف در ۱۳۰۷
۱	دکتر مهدی آذر	۲
۲	مهدی بازرگان	۱۵
۳	مهدی حسابی	۲۹
۴	عزت الله خسروی	۳۲
۵	عبدالله ریاضی	۳۴
۶	رضا رادمنش	۳۶
۷	کریم سنجابی	۴۳
۸	محمود سیاسی	۴۶
۹	محمد حسن شریف امامی	۵۲
۱۰	مسعود کیهان	۶۲
۱۱	عبدالحسین نوشین	۷۱
۱۲	حسین نوائی	۷۲
۱۳	اسداله خان شیبانی	۵۰
۱۴	علی شایگان	۵۱
۱۵	عبدالله شیبانی	۲۶ سال ۱۳۰۸
۱۶	محسن صبا	۲۸ سال ۱۳۰۸
۱۷	عیسی سپهبدی	ردیف ۹ شبانه روزی
۱۸	غلامحسین صدیقی	۱۲ شبانه روزی
۱۹	محمد باقر هوشیار	محصل مقیم آلمان
۲۰	موسی عمید	ردیف ۱۵

[1] ماخذ سند شماره (۵۳۰۰۱- ۱۸۳۸) کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا تألیف دکترعبدالحسین نوائی ص ۱۴۱ و ص ۱۴۲

ماخذ سند شماره (۵۳۰۰۱-۱۸۴۵) کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا تألیف دکتر عبدالحسین نوائی ص ۱۹۱ و ۱۹۲

۴ - در سال ۱۳۰۹شمسی جمعاً ۹۵ نفر دانشجو به کشورهای فرانسه، انگلیس و آلمان اعزام گردیدند از این تعداد ۲۰ نفر دانشجو به هزینه دولت تحصیل میکرده اند. از بین دانشجویان بورسیه به ۳ نفر از آنها بشرح زیر اشاره میشود:

۱ غلامرضا خان شیخ   ردیف ۷۶   محل تحصیل پاریس

۲ مسیح دانشوری   ردیف ۷۹   محل تحصیل پاریس

۳ جمشید اعلم   ردیف ۹۱   لیون فرانسه

(سند شماره ۱۸۴۵– ۵۳۰۰۱)

– نعمت الله خان کیهان و سید مهدی خان حسابی از دانشجویان غیربورسیه بوده اند که در فرانسه تحصیل میکرده اند.

برابر گزارش ۲ اسفند ۱۳۰۹ شمسی نمره ۲۷۵۸۱/۷۰۳۷ ص ۲۶۵ اسناد اعزام دانشجو محصلینی که بخرج اولیاء خود در کشورهای خارجه مشغول به تحصیل بوده اند جمعاً ۱۲۴۶ یکهزار و دویست وچهل و شش نفر بوده اند.

۵- در سال ۱۳۱۰ شمسی هیئت وزرا در تاریخ ۷ اردیبهشت ماه براساس پیشنهاد وزارت معارف رشته تحصیلی ۸۰ نفر از یکصد نفر محصلین اعزامی را (۲۰ نفر بقیه بورسیه بوده اند) بشرح زیر تعیین نمود:

تعلیم و	طب	چشم	جراح	دامپزشک	مهندسی	کشاورزی	پرورش
۲۸	۶	۳	۳	۵	۶	۵	۱
مهندسی	مهندسی	مهندسی	مهندسی	جنگل	حقوق	علوم مالی	مهندسی
۳	۲	۲	۵	۳	۳	۳	۲
جمع کل				۸۰ نفر			

سند شماره ۸۰۰۳ – ۱۱۳۰۰۸

اسامی تعدادی از دانشجویان اعزامی در سال ۱۳۱۰ شمسی شرح زیر بوده است:

۱ احمد خان پارسا

۲ یدالله خان سحابی

۳ حاجی خان فرشاد

۴ علی اکبرخان توسلی

۵ علیرضا خان افضلی پور

۶ غلامعلی خان بنان

دانشجویان اعزامی و شاغل به تحصیل در سال ۱۳۱۱ شمسی

هیئت وزراء در جلسه ۱۳۱۱/۱/۲۴ رشته تحصیلی ۵۲ نفر از محصلین اعزامی در همان سال را تعیین و با احتساب کل محصلین اعزامی در سالهای قبل جمعاً ۵۶۲ نفر از بودجه اعزام محصل استفاده مینمودند از این تعداد ۴۰۰ نفر در فرانسه ۱۲۰ نفر در آمریکا و بقیه در کشورهای انگلیس، آلمان و بلژیک و سوئیس تحصیل مینمودند. از ۵۶۲ نفر دانشجو، ۲۰ درصد از بین محصلین بی بضاعت از بورس و ۳۵ درصد برای رشته تعلیم و تربیت انتخاب گردیده اند. (سند شماره ۸۰۶۶– ۱۱۳۰۰۸)

رشته تحصیلی ۵۲ نفر دانشجوی اعزامی جدید سال ۱۳۱۱ بشرح زیر بوده است:

پزشک	جراح	چشم پزشک	داروساز	کشاورز	دامپروری	مهندسی معدن	رنگرزی
۳	۴	۳	۲	۲	۳	۵	۲
جنگل	صید ماهی	حشره شناسی	مهندسی آب	طرق و شوارح	برق و معماری	مهندسی ماشین	شیمیست
۲	۱	۲	۲	۴	۳	۲	۱
علوم اداری	تجارت						
۶	۵	سند شماره ۱۸۴۵– ۵۳۰۰۱					

اسامی تعدادی از محصلین اعزامی سال ۱۳۱۱ شمسی بشرح زیر است:

۱ -محسن خان هشترودی- ریاضیات عالی ردیف ۳ فهرست

۲ -تقی خان هورفر – ریاضیات عالی ردیف ۵ "

۳ -حسین خان جودت- فیزیک و شیمی عالی- ردیف ۷ "

۴ -یدالله سحابی- شعبه عالی طبیعی – ردیف ۱۳ "

۵ -محمد صفی خان اصفیاء- تجارت- - ردیف ۲۳ "

۶ -مصطفی خان قریب- تعلیم و تربیت – ردیف ۳۳ "

۷ -موسی بروخیم- زبان و ادبیات – ردیف ۷۷ "

۸ -محمود اعتماد زاده – تعلیم و تربیت – ردیف ۳۵ "

۹ غلامرضا کورس – مهندسی – ردیف ۴۵ "

۱۰ -احمد خان مهران – ریاضیات عالی – ردیف ۴ (سند شماره ۱۸۳۶- ۵۳۰۰۱)

بودجه ماهیانه مصوب دانشجویان اعزامی به کشورهای فرانسه، بلژیک و سوئیس بشرح زیر خلاصه میشود:

محصلین مدارس عالی و متوسطه فرانسه برای ۳۵۵ نفر جمعاً ۶۰۸۴۰۰ فرانک

محصلین مدارس عالی بلژیک برای ۱۲ نفر جمعاً ۱۸۰۰۰ فرانک

محصلین مدارس عالی سوئیس ۸ نفر – ۱۶۰۰۰ فرانک – جمع کل ۶۴۲۴۰۰ فرانک

(سند شماره ۱۸۴۳- ۵۳۰۰۱)

۷- محصلین اعزامی در سال ۱۳۱۲ شمسی

هیئت وزرا در جلسه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ ، توجه به پیشنهاد وزارت معارف، رشته تحصیلی ۵۲ نفر از کل یکصد نفر دانشجوی اعزامی را برابر سند شماره (۸۰۶۶ – ۱۱۳۰۰۸) بشرح زیر تعیین نمود:

طب	کشاورزی و صنعت	راه	علوم اداری و مالی	تجارت	مهندسی برق و شهرداری	معماری	جمع کل
۱۱ نفر	۲۶ نفر	۴ نفر	۶ نفر	۲ نفر	۲ نفر	۱ نفر	۵۲ نفر

در سال ۱۳۱۲ برابر گزارش شماره ۱۳۱۲/۷/۶ وزارت معارف، رشته تحصیلی ۵۴۶ نفر (تعداد کل دانشجویان شاغل به تحصیل) دانشجوی اعزامی در کشورهای خارجی به تفکیک زیر مشخص گردید. سند شماره ۵۳۰۰۱– ۱۸۴۸) ص ۴۷۸ و ص ۴۷۹

معلم ریاضی ۴۴ نفر، طب ۱۲۱ نفر، دامپزشکی ۱۲ نفر، حقوق ۳۶ نفر، مهندسی معدن ۲۴ نفر، مهندسی بندر ۷ نفر، پرورش ماهی ۲ نفر، صنایع مستظرفه ۲، حشره شناسی ۲ نفر، مهندسی آب ۲ نفر، حرف و صنایع ۵ نفر، موسیقی ۱ نفر، معماری ۸ نفر، داروسازی ۴ نفر، تجارت ۱۲ نفر، فلاحت ۳۱ نفر، ماشین ۱۷ نفر، فیزیک ۲۱ نفر، مهندسی راه ۲۲ نفر، علوم طبیعی ۱۹ نفر، برق ۲۹ نفر، جنگل ۸ نفر، مالی و اداری ۲۵ نفر، شیمی ۴۳ نفر، زبان و ادبیات ۱۶ نفر، تاریخ و جغرافیا ۱۵ نفر، عتیقه ۳ نفر، دندانسازی ۳ نفر و دامپزشکی ۱۲ نفر، جمع کل ۵۴۶ نفر

در سال ۱۳۱۲ شمسی ارزش تسعیر پهلوی به ریال از قرار هر پهلوی ۱۵۰ ریال و کل کمک هزینه تحصیلی در مرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی ۳۱۲ پهلوی برابر ۴۶۸۰۰ ریال بوده است. از ۲۸ نفر دانشجوی بورسیه به اسامی چند نفر آنها بشرح زیر اشاره میشود:

۱- خانم مه لقا میکده — ۳۰ پهلوی = ۴۵۰۰ ریال در پاریس

۲- هوشنگ خان سمیعی — ۱۱پهلوی = ۳۳۰۰ ریال بروکسل

۳- ایران اعلم — ۱۱ پهلوی= ۳۳۰۰ ریال فرانسه

۴- توران اعلم — ۱۱ پهلوی= ۳۳۰۰ ریال فرانسه

۵- هما عظیمی	۱۰ پهلوی = ۳۰۰۰ریال برلن
۶- هما شیبانی	۹پهلوی ۲۷۰۰ریال لندن
۷- محمد خان فرخ	۸ پهلوی = ۲۴۰۰ ریال پاریس
۸- نصرت الله خان اسفندیاری	۱۵ پهلوی= ۲۲۵۰ ریال بروکسل
۹- محمد خان فرخ	۸ پهلوی = ۲۴۰۰ ریال پاریس

(سند شماره ۱۸۳۵- ۵۳۰۰۱)ص ۵۳۱

۸- محصلین اعزامی در سالهای ۱۳۱۶- ۱۳۱۳ شمسی

الف- در سال تحصیلی ۱۳۱۳ شمسی برابر گزارش ۱۳۱۳/۲/۲۶ وزارت معارف ۲۵ نفر دانشجوی شاغل به تحصیل در کشورهای اروپائی فرانسه، بلژیک، آلمان از کمک هزینه تحصیلی (ماهیانه ۵ تا ۱۷ پهلوی) استفاده مینمودند که با احتساب نرخ هر پهلوی ۱۵۰ ریال جمعاً درهر ماه ۲۴۳ پهلوی یا ۳۶۴۵۰ ریال کمک هزینه تحصیلی آنان تأمین و پرداخت شده است، دانشجویان فوق الذکر در سال ۱۳۱۲ نیز از کمک هزینه تحصیلی استفاده مینمودند.

حسن فریور- رئیس اداره محاسبات وزارت معارف سند شماره ۵۳۰۰۱ – ۱۸۵۱) ص ۵۵۵

در سال ۱۳۱۳ شمسی تعداد کل دانشجویان اعزامی شاغل به تحصیل در فرانسه ۲۹۳ نفر بوده و مشخصات آنان بشرح مندرج در صفحات ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا مندرج است (سند شماره ۵۳۰۰۱- ۱۸۴۳)

ب- در سال ۱۳۱۴ شمسی ۵۳ نفر از محصلین اعزامی پس از پایان تحصیلات خویش به ایران مراجعت و در پستهای مورد نظر مشغول بکار شده اند. توزیع ۵۳ نفر فوق الذکر به تفکیک رشته عبارتست از:

طب ۶ نفر، بیطاری ۲ نفر، حقوق ۸ نفر، فلاحت ۳ نفر، علوم مالی، اداری، و تجارت ۳ نفر، نساجی ۱ نفر، مهندسی ماشین ۵ نفر، مهندسی برق ۶ نفر، مهندسی راه ۳ نفر، دندانساز ۲ نفر، موسیقی ۱ نفر، معلم ریاضیات ۶ نفر، معلم فیزیک ۴ نفر، زبان و ادبیات شیمی و مهندسی شیمی هریک ۱ نفر، در سال ۱۳۱۴ شمسی، ۴۷۳ نفر در کشورهای اروپائی و امریکا بشرح زیر مشغول به تحصیل بوده اند.

فرانسه ۳۵۳ نفر، انگلیس ۶۲ نفر، آلمان ۲۷ نفر، بلژیک ۱۲ نفر، آمریکا ۱۱ نفر و سویس ۸ نفر
ماخذ کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا – ص ۶۳۹ (سند شماره ۲۹۷۰۰۶۱۱۴- ۵۱۳ ث (آپ))
در سال ۱۳۱۶ برابر اطلاعات مندرج در سند شماره (۲۴۰۰۰۱۸۲۷- ۳۲۲ پ ۴ آ) جمعاً ۱۴ نفر از طرف شرکت نفت بصورت بورسیه در دانشگاه بیرمنگام انگلستان در رشته های مختلف صنایع نفت و پزشکی تحصیل میکرده اند و پس از بازگشت به ایران در سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ برابر مقررات مربوط در شرکت نفت مشغول خدمت گردیده اند.

اسامی ۱۴ نفر دانشجوی اعزامی شرکت نفت ایران و انگلیس به دانشگاه بیرمنگام بشرح زیر میباشد:

صورت اسامی دانشجویان اعزامی شرکت نفت به انگلستان در ۱۳۱۶[۱]

شماره	نام دانشجو	تاریخ ورود به انگلستان	رشته تحصیلی در دانشگاه بیرهنگام	ملاحظات و تاریخ مراجعت به ایران
۱	ف نفیسی	اوت ۱۹۲۷	مهندسی و تصفیه نفت	در مارس ۱۹۳۲
۲	ع پرخیده	اوت ۱۹۲۷	مهندسی و تصفیه نفت	سپتامبر ۱۹۳۱
۳	ر- فلاح	ژوئیه ۱۹۲۸	مهندسی و تصفیه نفت	تابستان ۱۹۳۴
۴	ج – راجی	ژوئیه ۱۹۲۸	مهندسی و تصفیه نفت	۱۹۳۳
۵	ق- شیوا	ژوئیه ۱۹۲۹	مهندسی و تصفیه نفت	تابستان ۱۹۳۴
۶	ح- فریدنی	ژوئیه ۱۹۲۹	مهندسی مکانیک	تابستان ۱۹۳۴
۷	ح- طباطبائی	ژوئیه ۱۹۳۰	طب در بیرمنگام	ژوئن ۱۹۳۶
۸	ک – مرندی	ژوئیه ۱۹۳۰	طب در بیرمنگام	ژوئن ۱۹۳۶
۹	ک – عاملی	ژوئیه ۱۹۳۱	طب در بیرمنگام	ژوئن ۱۹۳۷
۱۰	ع ق- بلائی	اوت ۱۹۳۱	مهندسی الکترونیک	ژوئن ۱۹۳۵
۱۱	نیرنوری	ژوئیه ۱۹۳۲	مهندسی الکترونیک	ژوئیه ۱۹۳۶
۱۲	ن.ش- مهندس	ژوئیه ۱۹۳۲	مهندسی و تصفیه نفت	ژوئیه ۱۹۳۶
۱۳	خ خ- طالقانی	اوت ۱۹۳۳	مهندسی مکانیک	ژوئیه ۱۹۳۶
۱۴	ا.م- فرهی	اوت ۱۹۳۳	مهندسی مکانیک	ژوئیه ۱۹۳۶

[۱]. کتاب اسناد دانشجویان ایرانی در اروپا، تألیف دکتر عبدالحسین نوائی (سند شماره ۲۴۰۰۱۸۲۷-۳۲۲ پ ۴ آ) ص ۶۵۲ -۶۵

فصل ششم - بررسی مشاغل عمده تعدادی از فارغ التحصیلان اعزامی پس از بازگشت به ایران ص۱۱۹تا۱۵۳

در دوره حکومت سلاطین قاجار ، بشرح مندرج در فصل پنجم این بررسی و اطلاعات مندرج در کتاب اعزام محصل به خارج از کشور تألیف دکتر غلامعلی سرمد/ چاپ اول ۱۳۷۲ شمسی) مشاغل عمده ۲۵۴ نفر از یکهزار دانشجوی اعزامی مشخص گردیده است. و ۲۰ نفر ازاین فارغ التحصیلان که با مدرک تحصیلی لیسانس به ایران بازگشتند مسئولیت حساس ترین مشاغل اداری، سیاسی و لشگری را عهده دار بوده اند و ۵۷ نفر از آنان پس از بازگشت در رشته خود نخستین بوده اند.

الف- بمنظور جلوگیری از اطاله کلام از یک گزارش ۲۵۶ صفحه ای (صفحات ۲۲۷ لغایت ۴۸۳) به پستهای مورد تصدی ۳۵ نفر از فارغ التحصیلان اعزامی پس از بازگشت به ایران، بشرح زیر اشاره میشود:

۱- نادر آراسته[۱]

متولد ۱۳۱۰ هجری قمری = ۱۲۶۸ شمسی، محل تحصیل مقدماتی وی تبریز و ادامه تحصیل در سن پطرز بورگ روسیه بود و پس از اخذ مدرک تحصیلی لیسانس در سال ۱۲۸۷ شمسی به ایران بازگشت، پستهای مورد تصدی وی بشرح زیر خلاصه میشود:

اشتغال در وزارت خارجه، نماینده سیاسی ایران در ترکمنستان قبل از ۱۲۹۹ شمسی. مستشار سفارت ایران در لندن، سفیر ایران در لهستان در سال ۱۳۱۱ شمسی، اولین سفیر ایران در آرژانتین در سال ۱۳۱۴ شمسی، سفیر ایران در هلند و آلمان تا سال ۱۳۲۰ شمسی.

سفیر ایران در شوروی به مدت ۵ سال در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ بصورت متناوب، وزیر پست و تلگراف در سال ۱۳۲۳ در کابینه مصطفی بیات، وزیر راه در سال ۱۳۲۴ در کابینه محسن صدر.

---

[۱] کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر سرمد، چاپ ۱۳۷۲ ص ۱۷۰، ص ۲۲۷، ص ۲۲۸

۲- محمد حسن خان صنیع الدوله

در سال ۱۲۵۶ هجری قمری در تهران متولد و پس از گذراندن تحصیلات اولیه خود در مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۷۵ قمری به پاریس رفت و پس از تخصص در زبان فرانسه و گذراندن دوره های تاریخ و جغرافیای متداول آن زمان در سن ۲۸ سالگی به ایران بازگشته و با سمت مترجمی دربار ناصرالدین شاه تعیین و ریاست دارالترجمه به وی تفویض گردید و در سال ۱۲۸۸ قمری ملقب به صنیع الدوله و در سال ۱۳۰۰ قمری وزیر انطباعات گردیده و درهمین سال روزنامه دولتی شرف را تأسیس و ۴ سال بعد لقب اعتماد السلطنه به وی اعطا گردید.

محمد حسن خان ، مقدم السفرا و مترجم حضور در شرفیابی سفرای خارجی در دربار ناصرالدین شاه عضو مجلس شورای دولتی، معاون حکومت خوزستان، معاون وزارت عدلیه، وابسته نظامی هیئت اعزامی به اروپا و بقول ادواردبراون، رئیس دژخیمان ناصرالدین شاه بود. در مدت دهسال (۱۳۱۰- ۱۳۰۰ هجری قمری) ۸۷ شماره روزنامه شرف زیر نظر او منتشر گردید. روزنامه شرف بیان کننده شرح حال رجال، سیاستمداران و هنرمندان بزرگ ایرانی و غیرایرانی بوده است.[۱]

پس از فوت ناصرالدین شاه روزنامه شرف به مدت ۳ سال تعطیل و سپس با نام روزنامه شرافت در زمان مظفرالدین شاه انتشار یافت. روزنامه شرافت در مدت ۸ سال ۱۳۱۸ -۱۳۱۰ هجری قمری) جمعاً ۶۶ شماره انتشار یافت.

روزنامه شرف و شرافت جمعاً در ۱۵۳ شماره در مدت ۱۸ سال منتشر و مجموعه آن بصورت یک کتاب منتشر وموجود است. با توجه به فعالیت های علمی و مطبوعاتی محمد حسن خان اعتمادالسلطنه میتوان او را بنیان گزار شیوه تحقیق علمی و انتقادی در ایران دانست.

۳- محمد حسن خان لقمان ادهم (حکیم الدوله)[۲]

پدرش لقمان الممالک طبیب مخصوص شاه بود و تحصیلات متوسطه و عالی محمد حسن خان در رشته طب بهزینه پدرش (سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۵ قمری) در پاریس بوده است. در سال ۱۳۲۵ در

[۱]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تعریف دکتر ایرج هاشمیان ص ۳۹۲

[۲] تاریخ تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه؛ تألیف دکتر احمد ایرج هاشمیان، ص ۴۶۲ و ۴۶۳

رشته طب فارغ التحصیل و تحصیلات تکمیلی او در رشته میکروب شناسی، عملیات جراحی دستگاه گوارش و معده و مطالعه امراض جهاز هاضمه بوده است.
پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۲۶ قمری، رئیس کل اطبای نظام، طبیب خاصه احمد شاه، رئیس مریض خانه دولتی، تدریس مجانی طب به پزشکان، وزیر معارف در کابینه مشیرالدوله در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی و ملازم سفر احمد شاه به اروپا در سال ۱۳۰۲ شمسی، وکیل دوره های ۹ تا ۱۳ مجلس شورای ملی از تهران، رئیس انجمن شهر تهران در سال ۱۳۱۳ ، وزیر بهداری در کابینه اول قوام السلطنه و محمد مصدق در سال ۱۳۳۰ بوده است.
دکتر لقمان ادهم در سال ۱۳۳۳ برای یک اقامت ۱۲ ساله به اروپا مسافرت کرد و از ویژگیهای او معالجه رایگان مستمندان و دریافت نشانهای علمی فراوان از دول خارجی بوده و درسال ۱۳۴۵ هجری شمسی وفات نمود.

۴- عباس لقمان ادهم (اعلم الملک)[۱]

برادر محمد حسن خان لقمان ادهم و فرزند لقمان الممالک طبیب مخصوص شاه بود و د رسال ۱۳۱۸ هجری قمری برای تحصیلات متوسطه و عالی خویش به فرانسه عزیمت و پس از پایان تحصیلات پزشکی خویش در ۱۳۲۵ قمری به ایران بازگشت. نامبرده مثل برادرش محمد حسن خان از پزشکان معروف زمان خود بود و نخستین کسی بود که دانشجویان پزشکی را برای حضور در دروس شفاهی و استفاده از تعلیمات بالینی موظف ساخت.
دکتر لقمان ادهم در سال ۱۳۰۶ شمسی از اعضای هیئت ممتحنه دکترای طب بوده و هم چنین انتخاب اَنترن، معاونین بخش بیمارستان و تعیین پزشک نگهبان از ابتکارهای وی میباشد.[۲]

---

[۱] – دانشجویان ایرانی در اروپا، تألیف دکتر عبدالحسین نوائی ص ۱۱

[۲]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۲۶۲ و ص ۲۶۳

۵- خلیل خان اعلم الدوله ثقفی: [۱]

متولد سال ۱۲۷۵ قمری و در سال ۱۳۰۳ هجری قمری اولین کسی بود که با مدرک تحصیلی دکترای پزشکی از دارالفنون فارغ التحصیل گردید. خلیل خان تا سال ۱۳۱۲ قمری معلم طب دارالفنون بود و برای تکمیل تحصیلات تخصصی خویش در سالهای ۱۶- ۱۳۱۲ هـ ق عازم فرانسه گردید، پس از بازگشت طبیب مخصوص مظفرالدین شاه و مشوق او در امضای قانون اساسی بود. نامبرده نخستین رئیس بلدیه (شهرداری) تهران پس از انقلاب مشروطیت در زمان احمد شاه سرکنسول ایران در سویس، رئیس کل معارف ایران و پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی معاون وزارت فرهنگ و در رشته های مختلف مورد نظر بیش از ۳۰ جلد، تألیفات داشته است.

دکتر خلیل خان پس از فوت مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۴ قمری تسلیم نظریات استبدادی محمد علی شاه نگردیده برای مبارزه با او انجمن سواد اعظم را تأسیس نمود. با افزایش قدرت محمد علی شاه در سال ۱۳۲۵ قمری دکتر با مساعدت وزیر امور خارجه وقت (میرزا حسن خان مشیرالدوله) به اتفاق اعضای خانواده اش راهی پاریس شد و انجمن ایران جوان را تأسیس نمود و با فعالیت های مطبوعاتی و انتشار اعلامیه های مختلف مانع اقدامات محمد علی شاه در فروش اوراق قرضه در اروپا گردید (خلاصه نظرش این بود که فروش اوراق قرضه به اعتبار جواهرات سلطنتی قانونی نیست و هرگونه معامله دراین مورد بایستی ابتدا به تصویب مجلس شورای ملی برسد).

دکتر خلیل خان سرانجام در ۷ فروردین ماه سال ۱۳۲۳ شمسی در سن ۹۰ سالگی در اثر سرطان در تهران درگذشت. از اهم آثار دکتر خلیل خان میتوان از۱- تربیت نامه، ۲- رساله در علم حساب، ۳- شیمی، ۴- مثلثات و لگاریتم، ۵- اسطرلاب، ۶- رساله درتشریح، ۷- پاتولوژی، ۸- فیزیولوژی، ۹- جراحی، ۱۰- لغت نامه طبی و ... نام برد.

[۱] تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۳۲۴ تا ص ۳۲۹

۶- امیرخان امیراعلم

دکتر امیرخان فرزند علی اکبر خان مشیرالدوله پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش در ایران، سوریه و ترکیه برای فراگیری رشته پزشکی به بیروت و سپس عازم فرانسه گردید و با زحمات زیاد در سال ۱۳۲۱ قمری ۱۹۰۳ میلادی در دانشکده لیون فرانسه پذیرفته شد.

دکتر امیرخان پس از بازگشت به ایران با کمک برادرش غلامحسین اعلم بیمارستان احمدیه (بیمارستان سپه بعدی) را با پانصد تختخواب تأسیس نمود، او هم چنین نخستین بیمارستان زنان را در تهران پایه گذاری نمود و پس از جنگ جهانی اول در بخش پزشکی مدرسه دارالفنون به تدریس مشغول گردید وی پس از اشتغال برای نخستین بار برای تصدی شغل پزشکی امتحان برقرار نمود و با کمک مردم نخستین جمعیت شیر و خورشید سرخ را در ایران تأسیس نمود. دکتر امیرخان در چند دوره (چهارم، پنجم، هفتم ، هشتم و نهم) بعنوان نماینده مجلس شورای ملی از مشهد و شاهرود انتخاب و درسال ۱۳۰۰ شمسی در کابینه قوام السلطنه عهده دار وزارت فرهنگ گردید و مدتی هم رئیس دانشکده پزشکی تهران بود.

دکتر امیراعلم متولد سال ۱۲۵۶ و درسن ۸۴ سالگی درسال ۱۳۴۰ شمسی درگذشت و مدت وزارت وی کمتر از یکسال در زمان ا حمد شاه بوده است.

۷- غلامحسین اعلم[۱]

دکتر غلامحسین اعلم متولد ۱۲۹۱ هجری قمری = ۱۲۵۳ شمسی محل تحصیلات وی استانبول و رشته تحصیلی اش نظام و طب بوده است. وی برای نخستین بار بیمارستان نظامی ارتش را تأسیس و تا سال ۱۲۹۹ هجری شمسی رئیس آن بیمارستان بود.

دکتر غلامحسین اعلم در سال ۱۳۰۱ شمسی رئیس بیمارستان پهلوی و سپس رئیس بیمارستان سیصد تختخوابی و درسال ۱۳۲۶ شمسی فوت نمود.

---

[۱] تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۴۶۰ و ص ۴۶۱

۸- میرزا اسمعیل پسیان [1]

میرزا اسماعیل که در اصل برای فراگیری علوم و فنون نظامی در سال ۱۲۷۵ قمری به فرانسه فرستاده شد پس از ورود به آن کشور بهمراه ۱۲ نفر دانشجوی دیگر برای آموختن زبان فرانسه به شهر دیپ و سپس بمدرسه وردو Verdolot در پاریس می رود و پس از پایان تحصیلات خویش در رشته نظام و توپخانه به ایران بازگشت.

میرزا اسماعیل در تهران وارد خدمت نظام گردید و در واقع از نخستین بنیانگزاران مدارس جدید در ایران میباشد و پس از یک عمر فعالیت فرهنگی سرانجام در تبریز درگذشت ولی تاریخ وفات او ذکر نشده است.

۹-ابراهیم پور داوود [2]

ابراهیم پور داود متولد سال ۱۳۰۳ هـ ق برابر ۱۲۶۴ هجری شمسی بود. پس از پایان تحصیلات متوسطه خویش در ایران، هم زمان با وفات مظفرالدین شاه قاجار در ۱۲۸۶ شمسی= ۱۹۰۷ میلادی برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فرانسه و رشته حقوق به فرانسه اعزام و پس از پایان تحصیلات خویش در دانشگاه پاریس در سال ۱۳۰۳ شمسی = ۱۹۱۴ میلادی به ایران بازگشت. بمنظور مطالعه بیشتر در تاریخ ایران باستان به دانشگاه تاگور هندوستان و برلن رفته سپس به تدریس در دانشگاه تهران و دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۱۶ شمسی مشغول گردید. استاد پورداود بنیان گذار بخش علمی و ادبی ایرانیان مقیم پار یس بوده و نخستین کسی است که کتاب اوستا را به فارسی زبانهای دنیا شناساند. نامبره از استادان خیلی خوب دانشگاه تهران بوده و صاحب ۱۷ اثر در مورد ایران باستان و ۱۸ اثر در مورد اوستا میباشد. استاد پور داود پس از یک عمر تحقیقات ملی و باستانی کشورمان در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی وفات نمود.

---

[1] تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص۳۵۱، ۳۶۵

[2] کتاب اعزام محصل به خارج تالیف دکتر غلامعلی سرمد ص۲۶۹وص۲۷۰و ۲۷۱

۱۰- شیخ محمد خان احیاء الملک[1]

شیخ محمد خان متولد ۱۲۴۳ هجری قمری (۱۲۰۶ شمسی)؛ محل تحصیلات متوسطه و عالی وی مدرسه دارالفنون در رشته طب بوده و جهت تکمیل تحصیلات خویش در رشته چشم پزشکی عازم پاریس گردید و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۰۷ هجری قمری با احراز تخصص در چشم پزشکی جزء پزشکان ویژه ناصرالدین شاه درآمد. وی مدت زمانی هم در سال ۱۲۹۵ هجری قمری معلم طب دردارالفنون بود و بعدها پزشک مخصوص میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم گردید پس از به قتل رسیدن امین السلطان در سال ۱۳۲۵ هجری قمری پزشک ویژه سردار اسعد بختیار شد. شیخ محمد خان نخستین طبیبی بود که در مدت ۵۰ سال طبابت از هیچ کس حق المعالجه (ویزیت) نگرفت، نامبرده در دوره های هشتم و نهم مجلس شورای ملی بعنوان نماینده انتخاب شد و چند سال بعد به مقام وزارت بهداری رسید (در سال ۱۳۰۵ هجری قمری). شیخ محمد خان مدتی هم دارای مطب خصوصی بود و به درمان نیازمندان می پرداخت. سرانجام این پزشک با وقار و وظیفه شناس در سن ۷۴ سالگی (۱۲۸۰ شمسی) در تهران درگذشت.[2]

۱۱- حسن ارفع[3]: متولد سال ۱۲۷۴ هجری قمری = ۱۸۵۸ میلادی برابر ۱۲۳۷ هجری شمسی

حسن ارفع در سال ۱۲۷۴ هـ ق در شهر تفلیس متولد و محل تحصیلات نظامی وی در سالهای ۹۳-۱۲۹۱ هجری قمری، دانشکده افسری ترکیه بوده و پس از پایان تحصیلات نظامی خویش و بازگشت به ایران، با سمت وابسته نظامی ایران در لندن منصوب گردید. (۱۳۰۵ شمسی) و در سال ۱۳۰۶ شمسی جهت ادامه تحصیل در دانشگاه جنگ فرانسه عازم پاریس گردید. این دوره تخصصی وی ۲ سال طول کشید و پس از بازگشت در سال ۱۳۰۸ شمسی، تیمسار ارفع در تهران فرمانده دانشکده افسری، رئیس رکن دوم ستاد ارتش، فرمانده لشگر یکم، معاون ستاد ارتش و

---

[1]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف دکتر احمد (ایرج) هاشمیان ص ۱۶۸، ۱۸۶ و ۴۶۳ و ۴۶۴

[2]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف د کتر احمد (ایرج) هاشمیان ص ۳۳۱ تا ص ۳۴۰

[3] کتاب اعزام محصل به خارج ،تالیف دکتر غلامعلی سرمد ص۲۳۹ و ۲۴۰

متناوباً در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ رئیس ستاد ارتش بوده و پنج سال پس از بازنشستگی در کابینه علاء السلطنه وزیر راه و وزیر دادگستری بوده است.
ارفع نخستین کسی است که دستور داد نظامیان حق عضویت در احزاب سیاسی را نداشته باشند.[۱]

۱۲- میرزا ملکم خان [۲]

متولد سال ۱۲۴۹ هجری قمری (پدرش میرزا یعقوب خان ارمنی مترجم دولت روس) در سن ۱۰ سالگی (۱۲۵۹ قمری) برای تحصیلات ابتدائی و متوسطه بهزینه پدرش (سالی ۱۲۰ تومان) عازم فرانسه گردید و در سال ۱۲۶۸ قمری = ۱۲۳۱ شمسی به ایران بازگشت و در مدرسه دارالفنون ابتدا بعنوان مترجم و مؤسس نخستین خط تلگراف بین مدرسه دارالفنون و کاخ گلستان بود، سپس بعنوان معلم در مدرسه دارالفنون حساب و هندسه تدریس مینمود.
میرزا ملکم خان در سال ۱۲۷۳ قمری با سمت مترجم مخصوص سفارت به ترکیه اعزام و در سال بعد پس از بازگشت به کشور در تهران در سال ۱۲۷۴ قمری فراموش خانه را دایر کرد.[۳] در سال ۱۳۷۸ هجری قمری بدستور ناصرالدین شاه انجمن فراماسونری منحل و در سال ۱۲۷۹ قمری میرزا ملکم خان به ترکیه تبعید گردید. (* . با همکاری نزدیک میرزا صالح شیرازی)
در سال ۱۲۸۸ قمری پس از بازگشت از ترکیه، در زمان صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله برای واگذاری امتیاز بانک به بارون دوروتیر، ناصرالدین شاه را ترغیب نمود ولیکن این امتیاز در سال ۱۲۹۰ قمری لغو گردید. در سالهای ۱۲۸۹تا ۱۳۰۷ قمری سفیر و وزیر مختار ایران در لندن بود. در این دوره از مأموریت خویش سوء استفاده های زیادی نمود و بالاخره در سال ۱۳۰۷ توسط ناصرالدین شاه از مقام سفارت عزل و تا پایان حیات ناصرالدین شاه دیگر کاری به او ارجاع نگردید. میرزا ملکم خان در سال ۱۲۹۶ قمری نماینده ایران در کنگره برلین و تا سال ۱۳۰۶ قمری سفیر ایران در برلین بود. پس از به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ قمری، از سال ۱۳۱۶ بمدت دهسال (پایان سلطنت مظفرالدین شاه) بفرمان شاه قاجار سفیر ایران در رُم بوده است.

---

[۱] . کتاب اعزام محصل به خارج دکتر سرمد ص ۲۳۹ و ۲۴۰

[۲] تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تألیف دکتر احمد (ایرج) هاشمیان ص ۳۳۱ تا ص ۳۴۰

[۳] . ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۳ قمری توسط میرزا رضای کرمانی در حرم حضرت عبدالعظیم شهرری بقتل رسید.

ویژگیهای میرزا ملکم خان بشرح زیر خلاصه میشود:
دلال استعمارگران در زندگی سیاسی، طرفدار اصلاحات اساسی در زمینه امور مالی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، طرفدار سیستم پارلمانی (مجلس شورای ملی وسنا)، زیرک، زبان دان و مطلع زمان خود، از داناترین رجال ایران و مؤثر در پاشیدن بذر نهضت انقلاب، خواستار تربیت عالی تر برای زنان ایرانی، وی برای بیان نظرات خود در لندن روزنامه قانون را تا ۴۱ شماره منتشر نمود.
میرزا ملکم خان در سال ۱۳۲۶ قمری = ۱۹۰۸ میلادی / ۱۲۸۷ شمسی) در سویس فوت نمود.

۱۳- حسین پیرنیا [۱](موتمن الملک) متولد ۱۲۵۴ هجری قمری - فوت ۱۳۲۶ هجری شمسی

حسین پیرنیا فرزند میرزا نصرالله خان میباشد که در سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴ قمری وزیرخارجه بوده و مظفرالدین شاه او را به صدراعظمی برگزید. پس از به پایان رساندن تحصیلات خود در پطرزبورگ و مسکو جهت ادامه تحصیل به دانشکده پلی تکنیک پاریس و دانشکده حقوق لندن رفت و پس از ۳ سال تحصیل در رشته حقوق در سال ۱۳۱۷ قمری به ایران بازگشت. وی از بنیان گزاران مدرسه علوم سیاسی به منظور تربیت کادر سیاسی مورد نیاز کشور و در سالهای ۲۵- ۱۳۲۲ شمسی رئیس مدرسه علوم سیاسی و همچنین استاد دانشگاه تهران و دارالمعلمین عالی تهران بوده است. مرحوم پیرنیا تا اواخر دوره قاجار وکیل و رئیس مجلس شورای ملی بوده و یکی دو دوره وزیر تجارت و علوم بود.

۱۴- حسن پیرنیا[۲] (مشیرالدوله) متولد ۱۲۵۰ هجری قمری- فوت ۱۳۱۴ هجری شمسی

پس از طی تحصیلات خود در رشته های علوم نظامی و حقوق در پطرزبورگ و مسکو به ایران بازگشت و عهده دار پست های مهمی بشرح زیر گردید:

---

[۱]. تحولات فرهنگی ایران د ر دوره قاجاریه ص ۴۰۹ و ۴۱۰

[۲]. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاری ص ۴۰۹ و ۴۱۰

مثل برادرش از بنیان گزاران مدرسه علوم سیاسی تهران، وزیر امور خارجه، وزیر دادگستری، وزیر فرهنگ، وزیر جنگ در سال ۱۲۹۶ هجری قمری، جمعاً در ۴ کابینه و هم چنین ۲۰ روز وزیر جنگ و نخست وزیر بوده است. در سال ۱۳۰۲ شمسی که محمد مصدق نخست وزیر بود حسن پیرنیا با سمت وزیر امور خارجه با وی همکاری نمود. (در سال ۱۲۹۹ شمسی به مدت ۴۰ روز نخست وزیر و دکترمصدق وزیر خارجه او بود) از فعالیت های علمی مشیرالدوله، تألیف کتاب تاریخ ایران باستان و تهیه و تنظیم برنامه های د رسی مدرسه علوم سیاسی تهران میباشد و سرانجام در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی فوت نمود.

۱۵- مسعود کیهان (۱۲۷۲- ۱۳۴۶ شمسی) [1]

مسعود کیهان معروف به ماژور مسعود خان متولد ۱۲۷۲ شمسی است و د رسن ۱۳ سالگی پدرش او را برای تحصیل به فرانسه فرستاد. تحصیلات ابتدائی وی در شهر پونتارلیه Ponterlier بود و درسن ۲۴ سالگی همراه با مهاجرین ایرانی صدر مشروطیت به ایران بازمی‌گردد و در کودتای ۱۲۹۹ شمسی همراه رضا خان نقش مهمی را ایفا میکند و از سال ۱۳۰۳ در مدرسه درالفنون به تدریس جغرافیا و سپس زبان فرانسه پرداخت. چهار سال بعد در دارالمعلمین عالی بعوان اولین معلم جغرافیا مشغول تدریس گردید و تا زمان بازنشستگی خویش در سن ۷۰ سالگی کارعلمی خود را ادامه داد.

نتیجه زحمات وی انتشار ۳ جلد جغرافیای طبیعی، اقتصادی و سیاسی ایران میباشد و در کابینه علی منصور چندماهی پست وزرات فرهنگ را عهده دار بوده است، سرانجام وی به عنوان یکی از پیش کسوتان جغرافیا در ایران در سال ۱۳۴۶ چشم از جهان فروبست.

---

[1]. تحولات فرهنگکی ایران در دوره قاجاریه ص ۴۳۶

۱۶- استاد عباس سحاب[1]

استاد عباس سحاب در سال ۱۳۰۰ شمسی در تفرش متولد و در اثر تعلیمات و تشویقات پدرش (ابوالقاسم سحاب) به پیشرفت فراوانی در زمینه تهیه نقشه (کارتوگرافی) و دانش جغرافیا نائل آمد و برای پیاده نمودن برنامه های مورد نظر خویش در سال ۱۳۱۵ شمسی مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب را بنیان گذارد. این مرکز به عنوان نخستین موسسه خصوصی (غیردولتی) در زمینه جغرافیا در ایران می باشد که تاکنون با مدیریت استاد و فرزندانش اداره میگردد.

استاد عباس سحاب نخستین تولید کننده کره جغرافیائی در ایران، بنیان گذار چاپ نقشه و مؤلف صدها جلد اطلس جغرافیائی و کتب پژوهشی است و بعبارت دیگر پدر دانش جغرافیا و کارتوگرافی در ایران است. در حقیقت استاد سحاب بهترین شاگرد مسعود کیهان و ادامه دهنده فعالیتهای ثبت و مفید وی در زمینه جغرافیا و کارتوگرافی می باشد.

۱۷- دکتر محمد مصدق[2]

متولد ۱۲۵۸ هجری شمسی، پدرش وزیر دفتر و از بستگان مظفرالدین شاه بود. تحصیلات مقدماتی وی در تهران و درسال ۱۲۷۸ شمسی برای ادامه تحصیلات به پاریس و سویس رفت، رشته تحصیلی وی حقوق و علوم سیاسی بود و پس از بازگشت در وزارت مالیه مشغول خدمت گردید. در دوره اول مجلس شورای ملی وکیل و سپس به معاونت وزارت مالیه منصوب گردید. پس از دیکتاتوری محمد علیشاه به اروپا تبعید گردید. مصدق از این موقعیت حُسن استفاده را نموده و تا سال ۱۲۹۸ شمسی به تحصیلات خویش ادامه داده و مدرک دکترای حقوق گرفت. مشاغل عمده وی پس از بازگشت بشرح زیر خلاصه میشود:

۱ -والی فارس تا کودتای ۱۲۹۹ رضا خان

۲ -وزیر مالیه (دارائی) در سال ۱۳۰۰ و در این سمت نخستین بودجه متوازن در تاریخ ایران را تنظیم نمود.

۳ -وزیر امور خارجه و دادگستری در سال ۱۳۰۲ در کابینه حسن پیرنیا (مشیرالدوله)

---

[1] تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه ص ۴۳۷

[2]. کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲ ص ۴۳۴ و ص ۴۳۵ و ص ٤٣٦

۴ -عضو شورای عالی معارف در سال ۱۳۰۴، در این سمت انتشار کتب اختصاصی معارف را وجهه همت خود قرار داد.
۵ -درسالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ وکیل دوره های پنجم و ششم مجلس شورای ملی از تهران، مخالفت با تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی و سرانجام تبعید به بیرجند و سپس احمد آباد کرج و تا سال ۱۳۲۰ فاقد شغل و تحت نظر بود.
۶ -در سال ۱۳۲۰ شمسی پس ازتبعید رضا شاه وزیر مالیه و امور خارجه و درسالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ شمسی برای دوره های ۱۴ و ۱۶ وکیل مجلس شورای ملی بود.
۷ -در سال ۳۰-۱۳۲۹ با انتخاب مجلس شورای ملی نخست وزیر گردید و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در این سمت انجام وظیفه می نمود و در نخستین سال نخست وزیری قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب مجلس رساند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، دو سال زندانی و سپس تا پایان عمر خانه نشین و تحت نظر بود و درسال ۱۳۴۶ شمسی در احمد آباد کرج فوت نمود. از ویژگیهای دکتر محمد مصدق:
۱ -انسانی متواضع و آزاد منش ۲- مدافع قانون اساسی و مشروطیت و طرفدار اینکه شاه سلطنت کند نه حکومت ۳- بنیان گذار جبهه ملی ایران طرفدار استقرار حاکمیت ملی و طرد استعمار ۴- بنیان گذار سیاست موازنه منفی در تاریخ ایران ۵- مخالف اصلاحات عمیق و اساسی چون خودش اشراف زاده بود. ۶- دارای مزاجی ضعیف و اراده ای قوی و پولادین.

۱۸- میرزا محمد خان کمال الملک غفاری[۱]

در سال ۱۲۶۴ هجری قمری = ۱۲۲۷ شمسی (سال به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه) در کاشان متولد گردید، تحصیلات ابتدائی او در کاشان و تحصیلات متوسطه وی در مدرسه دارالفنون بود، ۳ سال بعد به لقب نقاش باشی و درسال ۱۲۷۲ شمسی مُلقب به کمال الملک گردید (۱۳۱۰ هجری

---

[۱] تحولات فرهنگی ایران د ر دوره قاجاریه ص ۳۸۳ تا ص ۳۸۶
کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمد ص ۳۹۸، ۳۹۹ و ص ۴۰۰

قمری). کمال الملک در سال ۱۳۱۴ قمری برای تکمیل تحصیلات خویش به فرانسه و ایتالیا اعزام و در سال ۱۳۱۹ قمری به ایران بازگشت.

به دلیل دوستی با ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) و اشتراک فراماسونری با وی در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ قمری به تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه اقدام کرده و با تصویب مجلس دوره دوم، معاون مادام العمر وزارت صنایع مستظرفه بود. کمال الملک پس از ۱۵ سال تعلیم نقاشی و ریاست مدرسه صنایع مستظرفه در سال ۱۳۰۷ به دلیل مخالفت با رضا شاه به نیشابور عزیمت کرد. تابلوهای برجسته استاد و سال آفرینش آنها عبارتند از:

تابلوی تالار آئینه (که اتمام آن حدود پنج سال ۱۳۱۵ -۱۳۱۰ طول کشید) – دور نمای عمارت گلستان ۱۳۰۳ قمری - تابلوی یهودی فالگیر، ۱۳۰۹ قمری – آبشار پس قلعه ۱۳۰۲ قمری ، منظره سرخه حصار ۱۳۰۳ قمری، کربلای معلا ۱۳۱۹ قمری – زرگر بغدادی و شاگردش ۱۳۱۹ قمری – تابلوی دهکده‌ای در شمال دماوند ۱۳۳۳ قمری – دورنمای توچال ۱۳۴۱ قمری و تعداد زیادی تابلوهای نفیس دیگر به سبک تابلوهای موزه‌های فرانسه و ایتالیا از وی بجا مانده است.

تاریخ وفات استاد کمال الملک غفاری ۱۳۵۹ هجری قمری برابر ۱۳۱۹ هجری شمسی میباشد.

۱۹- میرزا صالح شیرازی[۱]

پدرش از سرداران سپاه عباس میرزای ولیعهد بنام باقرخان کازرونی بود و با استفاده از بورسیه کامل بهزینه دولت ایران در سال ۱۲۳۰ هجری قمری بخارج اعزام گردید. وی در هنگام اعزام بیش از ۲۰ سال داشته است.

رشته تحصیلی وی: زبان فرانسه، انگلیسی و لاتین و حکمت طبیعی و به انتخاب خودش صنعت چاپ را نیز آموخت و در سال ۳۵- ۱۲۳۴ هجری قمری به ایران بازگشت. فعالیتها و مشاغل وی پس از بازگشت به شرح زیر بوده است:

- مترجم و مستشار عباس میرزا
- تشکیل نخستین تشکیلات فراماسونری در ایران در سال ۱۲۳۴ قمری

[۱]. ماخذ کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲، ص ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹

-نماینده سیاسی ایران در لندن در سالهای ۱۲۳۷ تا ۱۲۴۱
-مأموریت سیاسی در روسیه همراه خسرو میرزا در سال ۱۲۴۵
-انتشار نخستین روزنامه به زبان فارسی بنام کاغذ اخبار در سال ۱۲۵۳ هجری قمری
-بنیان گزار چاپخانه و روزنامه ایران
-مطلع در چگونگی تهیه مرکب چاپ برای اولین بار و تهیه حروف مقطعه و حکاکی

میرزا صالح وابسته به دربار، از هوشمندترین دانشجویان ایرانی مامور به تحصیل در انگلیس، مبلغ غرب گرائی و سرمایه گذاری خارجیان در ایران، در امور سیاسی مطلع و میزان اطلاع وی از زبان انگلیسی و فرانسه خوب بوده است.

* ماخذ- کتاب اعزام محصل به خارج از کشور تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲ ص ۳۳۸ و ص ۳۳۹

۲۰- علی اکبر سیاسی[1]

پدرش حاج محمد حسین، متولد ۱۲۶۳ شمسی، محل تحصیلات ابتدائی او تهران، دبستان خرد و سلطانی و محل تحصیلات متوسطه وی مدرسه علوم سیاسی (۳ سال اول در سطح متوسطه و ۲ سال آخر آن در سطح عالی بود). در سال ۱۲۹۰ شمسی از طریق امتحان ورودی بهزینه دولت به پاریس رفت و درسال ۱۲۹۵ شمسی بعلت شروع جنگ جهانی اول به تهران بازگشت. او سال ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۸ به مدت ۳ سال در مدرسه دارالفنون بتدریس زبان فرانسه، علوم طبیعی، فلسفه و تاریخ شرق پرداخت. در سال ۱۳۰۷ شمسی مجدداً به پاریس اعزام و درشته روان شناسی موفق به اخذ درجه دکتری گردید و د رسال ۱۳۱۱ به تهران بازگشت.

از پستهای مهم دکتر سیاسی بترتیب رئیس تعلیمات عالیه وزرات فرهنگ در سالهای ۱۴-۱۳۱۲ ، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی، از سال ۱۳۲۱ شمسی عضو فرهنگستان ایران و از سال ۱۳۱۷ رئیس دانشگاه تهران، در سالهای ۳۳-۱۳۲۱ عضو شورای عالی فرهنگ و دهها شغل علمی دیگر، دکتر سیاسی دوبار از قبول پست وزارت خودداری نمود و رئیس دانشگاه تهران باقی ماند.

[1] ماخذ کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲، ص ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹

دکتر سیاسی نخستین کسی است که ریاست دانشگاه تهران را از حالت انتسابی به انتخابی تبدیل کرد و برای اولین بار خودش به این سمت انتخاب شد. از کارهای عمده وی تألیف بیش از ۲۰ کتاب در زمینه تعلیم و تربیت و روانشناسی به زبانهای فرانسه و فارسی میباشد. (۹ کتاب به زبان فرانسه و ۱۳ کتاب به زبان فارسی و انتشار مجله ایران جوان).

دکتر علی اکبر سیاسی که از چهره‌های فرهنگی – سیاسی ماندگار ایران است در مدت ۱۲ سال ریاست خویش بر دانشگاه تهران، توجه زیادی در زمینه ساخت خوابگاه امیرآباد برای دانشجویان شهرستانی بشرح زیر نموده:[۱]

از روزی که به ریاست دانشگاه تهران انتخاب شدم یکی از آرزوهای قلبی‌ام ایجاد یک شهرک دانشگاهی نظیر پاریس بود تا دانشجویان شهرستانی فارغ از مشکل مسکن و خوابگاه با آسایش خاطر به آموزش برنامه‌های درسی خویش اشتغال ورزند: آرزوهای خویش را در همان هفته‌های اول سلطنت محمد رضا شاه با وی درمیان گذاشتم (اوایل سلطنت خویش جوانی بی آزار و گشاده دست بود) او که محبت و مرحمت مخصوصی به من داشت دستور داد از محل چهل میلیون تومانی که پدرش برای او به ارث گذاشته بود زمین های واقع در مغرب دانشگاه را بخرند (مجموع این قطعات که بتدریج خریداری شد بیش از ۱۸ هزار متر مربع بود). در بهمن ماه ۱۳۲۳ شمسی دوازده سند مربوط به مالکیت اراضی غربی دانشگاه تهران از طرف شکوه الممالک رئیس دفتر مخصوص دربار به من داده شد ولیکن پس از تفکر کافی پی بردم که ایجاد یک شهرک دانشگاهی؛ ۱۸ هزار متر مربع غیرممکن است در همین حال از وجود امیرآباد در شمال غربی دانشگاه که مساحت آن چند میلیون متر مربع بود آگاهی داشتم و میدانستم که این زمین ها متعلق به وزارت جنگ است و موقتاً برای مدت جنگ جهانی دوم در اختیار ارتش امریکا گذاشته شده است و در آن محل تأسیساتی بنا نموده اند پس از جشن ۱۵ بهمن بار دیگر مسئله واگذاری زمین های امیرآباد را با شاه درمیان گذاشتم و او سرانجام قول داد پس از رفتن آمریکائیها و پایان جنگ، امیرآباد را در اختیار دانشگاه تهران قرار دهد. چندی بعد در مراسم جشن سالروز استقلال آمریکا

---

[۱]* ماخذ- کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمدت چاپ ۱۳۷۲، ص ۳۲۸ و ۳۲۹

** گزارش زندگی دکتر علی اکبر سیاسی-نشر اختران چاپ ۱۳۸۶

در اواخر جنگ جهانی دوم با فرمانده پادگان امریکائی آشنا شده و از او تقاضا کردم پس از پایان جنگ و تخلیه امیرآباد، مؤسسات و تجهیزاتی را که در آنجا ایجاد کرده اند به دانشگاه تهران اهدا نمایند، نامبرده با نظر مثبت مراتب را به وزارت جنگ امریکا اعلام نمود. پس از جنگ بنده که عضو هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو بودم با کمک محمد شایسته وزیر مختار ایران در یک میهمانی با حضور شخصیت های وزارت جنگ و وزارت خارجه آمریکا و با توجه به توصیه فرمانده پادگان آمریکائی ها در ایران، مقدمات لازم برای اهدای کلیه تأسیسات و تجهیزات آنجا به دانشگاه تهران فراهم گردید. *

* ماخذ- گزارش زندگی دکتر علی اکبر سیاسی- نشر اختران، چاپ سال ۱۳۸۶

۲۱- ابوالحسن ابتهاج[۱]

متولد سال ۱۲۷۷ شمسی در رشت، فرزند ابتهاج الملک، محل تحصیلات عالی وی پاریس و کالج آمریکائی بیروت بوده است. فعالیت ها و مشاغل وی پس از بازگشت به ایران بشرح زیر خلاصه میشود:

- اشتغال در بانک شاهنشاهی در سال ۱۲۹۹ شمسی
- بازرس دولت در بانک کشاورزی سال ۱۳۱۵ شمسی و انتقال به وزارت دارائی
- معاون بانک ملی ایران در سال ۱۳۱۶ و رئیس هیئت مدیره بانک رهنی ایران در سال ۱۳۱۹ شمسی
- مدیر کل بانک ملی ایران در سال ۱۳۲۱ و حفظ این سمت تا سال ۱۳۲۹ شمسی
- سفیر کبیر ایران در کشور فرانسه و مدیر عامل سازمان برنامه و بودجه به مدت ۱۰ سال از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۹ شمسی
- سفیر کبیر ایران در کشورهای اسپانیا و پرتقال
- عضویت در چندین انجمن و باشگاه ایرانی و خارجی نظیر انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی

[۱] - کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمد ص ۲۳۱ وص ۲۳۲ چاپ ۱۳۷۲

۲۲- میرزا حسین خان آزاد (حکیم باشی)[1]

وی فرزند میرزا یوسف خان مستشار الدوله و برای ادامه تحصیل در رشته طب به لندن اعزام گردید و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۰۰ هجری قمری بعنوان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه انجام وظیفه می‌نمود و مدتی بعد با ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه به ا صفهان رفت و تا سال ۱۳۱۷ قمری بعنوان پزشک مخصوص او در اصفهان اقامت نمود.

علاوه بر فعالیت های پزشکی برای اولین بار مثنوی را به زبان فرانسه ترجمه نمود.

از ویژگیهای او، پروفسور در علوم جدید، بیزار از تملق و چاپلوسی، ریاکاری، دوروئی و رشوه خواری، مردی فاضل و کتابدوست و مُتنفر از ایرانیان وابسته به خارجیان و در سال ۱۳۱۷ هجری قمری مجدداً به اروپا مهاجرت و تا پایان عمرش در سال ۱۳۵۵ هجری قمری (در نتیجه تصادف با اتومبیل) در پاریس اقامت داشت.

۲۳- مصطفی عدل منصورالسلطنه فرزند حاج ابراهیم خلیل [2]

متولد سال ۱۲۹۶ هجری قمری = ۱۲۵۸ شمسی، محل تولد و تحصیلات ابتدائی وی تبریز، محل تحصیلات متوسط وی مصر و سویس و برای تحصیلات عالی در رشته حقوق عازم پاریس گردید.

پس از اخذ لیسانس در رشته حقوق و بازگشت به ایران پستهای مهم وی بشرح زیر خلاصه میشود:

۱۳۱۵- نایب دوم کنسولگری ایران در مصر. ۱۳۱۸ قمری نایب دوم کنسولگری ایران در تفلیس.

۱۲۸۷ هـ ش مشاور حقوقی وزارت امور خارجه. رئیس کابینه معارف و اوقاف در سال ۱۲۹۰

۱۲۹۹- کفیل وزارت عدلیه در کابینه سید ضیاء (کابینه کودتا)

۱۳۰۱- تدریس اصول محاکمات و حقوق مدنی در مدرسه علوم سیاسی با حقوق ۳۵ تومان در ماه- معاون وزارت عدلیه تا ۱۳۰۲ شمسی

۱۳۰۴- وزیر امور خارجه در کابینه فروغی- ۱۳۱۶ – رئیس مجمع عمومی سازمان ملل

۱۳۲۰- رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، ۱۳۲۰- وزیر فرهنگ در کابینه فروغی و علی سهیلی

---

[1]. کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲، ص ۲۲۸ و ص ۲۲۹.

[2]. کتاب اعزام محصل به خارج، تألیف دکتر غلامحسین سرمد، چاپ ۱۳۷۲ ص ۳۵۵ و ص ۳۵۶

۱۳۲۴- وزیر مشاور و رئیس هیئت نمایندگی ایران در آمریکا
در سالهای ۲۷-۱۳۲۶ شمسی وزیر مشاور در کابینه های قوام السلطنه و ابراهیم حکیمی، هژیر و محمد ساعد
۱۳۲۸- وزیر دادگستری
از مهم ترین تألیفات وی، کتاب حقوق مدنی ایران، کتاب حقوق بین الملل عمومی، ترجمه کتاب خسرو و شیرین بزبان فرانسه. میزان اطلاع وی از زبانهای خارجی، فرانسه، عربی و ترکی عثمانی خوب، انگلیسی و روسی در حد آشنائی ، تاریخ وفات ۱۳۲۹ شمسی

۲۴- حاج محمد میرزا کاشف السلطنه چایکار:[1]**

حاج محمد میرزا در سال ۱۲۷۹ هجری قمری متولد و پدرش محمد حسن میرزا، پسر عباس میرزای ولیعهد بوده است. تحصیلات مقدماتی وی در تهران و رشته تحصیلات عالی او علوم سیاسی و اقتصادی در پاریس بود و همزمان کارمند سفارت ایران در پاریس و سمت نیابت کنسول را داشت. پس از بازگشت به ایران علیه استبداد ناصرالدین شاه فعالیت میکرد. در نیشابور مخفی و سپس به روسیه و اسلامبول فرار کرد.
در سفر سوم ناصرالدین شاه مجدداً به ایران بازگشت. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری، نخستین شهردار تهران بود که برای اولین بار خیابانهای تهران را سنگ فرش و برای نظافت و رساندن آب سالم تر به اهالی تهران اقدام نمود.
حاج محمد میرزا در سال ۱۳۱۴ قمری در سن ۳۵ سالگی به سمت سرکنسول ایران در هندوستان انتخاب گردید. در این سفر وی طرز چایکاری را فراگرفت و در هنگام بازگشت تعدادی نهال چای و چند چایکار با خود به ایران آورد و در باغ خودش در لاهیجان به صنعت چایکاری پرداخت و در سال ۱۳۴۴ قمری برای تکمیل برنامه‌هایش به هند و چین مسافرت و برای استخدام کارشناس چای و تکمیل معلومات خویش اقدام نمود. نامبرده در سال ۱۳۰۱ هـ ق مجله ای هم با عنوان حیات و ممات منتشر نمود.حاج محمد میرزا سر انجام در سال ۱۲۱۸ شمسی در یک حادثه

[1]. کتاب اعزام محصل به خارج تألیف دکتر غلامحسین سرمد، چاپ ۱۳۷۳، ص ۳۹۳ و ص ۳۹۴

رانندگی در راه بوشهر به شیراز کشته شدوجسدش را در باغ چای خودش در لاهیجان بخاک سپردند.[1]

۲۵- عیسی خان صدیق اعلم :

متولد سال ۱۳۱۱ هجری قمری و پدرش معین التجار بود. تحصیلات ابتدائی وی در مدرسه ادب و کمالیه تهران و تحصیلات متوسطه اش در مدرسه دارالفنون بوده است. در سال ۱۳۲۹ قمری از طریق مسابقه بهزینه دولت به پاریس اعزام گردید.

رشته تحصیلی وی در پاریس، نجوم، ستاره شناسی و مکانیک(لیسانس) واجازه معلمی بود و در سال ۱۳۳۶ قمری = ۱۲۹۷ هجری شمسی به ایران بازگشت و در سال بعد ۱۲۹۸ شمسی رئیس معارف گیلان بود و با همت خویش ۲ دبیرستان در رشت و بندر انزلی، هفت دبستان در رشت، انزلی، لاهیجان، رودسر و فومن تأسیس کرد و در سال ۱۳۰۰ شمسی ملقب به صدیق اعلم گردید.

در سال ۱۳۰۱ شمسی رئیس دبیرستان سیروس، ادامه تدریس در دارالفنون (با ماهی ۱۴۰ تومان حقوق تومان)

در سال ۱۳۰۲ شمسی تقسیم دوره دبیرستان به ۲ شعبه ادبی و علمی، در سال ۱۳۰۳ شمسی معلم دارالمعلمین مرکزی و مدرسه عالی حقوق

در سال ۱۳۰۴ رئیس دفتر علی اکبر داور وزیر فرهنگ و معارف

در سال ۱۳۰۵ معاون اداره کل معارف و ادامه معلمی

در سال ۱۳۰۶ تأسیس یک مدرسه در لویزان ، در سال ۱۳۰۷ رئیس تعلیمات عمومی وزارت معارف

در سال ۱۳۰۹ شمسی، ریاست دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی بمدت ۹ سال

از سال ۱۳۲۰ شمسی به بعد، شش بار وزیر فرهنگ و اوقاف، یک مرتبه رئیس دانشگاه تهران (همواره استاد دانشگاه بود)

---

[1] تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه تالیف دکتر احمد هاشمیان ص۴۴۷

در سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۶ شمسی سناتور انتخابی تهران و در سال ۱۳۵۰ شمسی استاد ممتاز دانشگاه تهران.
صدیق اعلم با مدرک لیسانس از اروپا بازگشت و ۱۲ سال بعد در سال ۱۳۰۹ شمسی پس از اعزام به آمریکا موفق به دریافت دکتری علوم تربیتی گردید وی ۱۷ جلد کتاب در زمینه تعلیم و تربیت تألیف نموده که برخی از آنها مانند تاریخ فرهنگ ایران بارها چاپ شده است.
صدیق اعلم متأسفانه متملق شاه و دربار بوده و با کثرت روزنامه های منتشره نیز موافق نبود.

۲۶- دکتر غلامحسین صدیقی[۱] : بنیان گذار مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

دکتر صدیقی در شوال ۱۳۲۳ هجری قمری = آذرماه ۱۲۸۴ شمسی در تهران متولد گردید (هم زمان با گشایش اولین مجلس شورای ملی در زمان مظفرالدین شاه) تحصیلات ابتدائی و قسمتی از تحصیلات متوسطه وی در مدرسه اقدسیه و در مدرسه آلیانس فرانسوی به تحصیل زبان فرانسه و دروس سالهای چهار و پنج متوسطه را در شعبه علمی دارالفنون به پایان رساند و در شهریور ماه سال ۱۳۰۸ شمسی در جمع محصلین دوره دوم از طرف وزارت فرهنگ به فرانسه ا عزام گردید. در سال ۱۳۱۴ از دانشسرای عالی سن کلو دیپلم تخصصی و در اسفند ماه سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه دکتری در رشته فسلفه و جامعه شناسی از دانشگاه پاریس گردید.
در فروردین ماه ۱۳۱۷ شمسی پس از بازگشت به سمت دانشیاری در دانشگاه تهران مشغول خدمت گردید و در فروردین ماه سال ۱۳۲۲ به رتبه استادی دانشگاه تهران ارتقاء یافت.
در سال ۱۳۳۷ شمسی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سطح فوق لیسانس تأسیس ریاست این موسسه و مسئولیت تدریس درس جامعه شناسی بعهده آقای دکتر صدیقی واگذار گردید (محقق این بررسی افتخار شاگردی ایشان را در این موسسه داشتم و چندین تحقیق اجتماعی را زیر نظر ایشان انجام دادم که از مهمترین آنها، نظری به وضع سواد و فرهنگ در کشور

---
[۱]. دانشجویان ایرانی در اروپا- تألیف دکتر عبدالحسین نوائی ص ۶۹۳

ایران، میادین تهران و تغییرات قیمت از تولید تا مصرف، میزان اشتغال به تحصیل به تفکیک گروههای سنی را میتوان نام برد.[1]

در سال ۱۳۵۱ شمسی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به دانشکده علوم اجتماعی تبدیل شد در سال ۱۳۵۲ در چهلمین سال تأسیس دانشگاه تهران، دکتر صدیقی به مقام استاد ممتاز دانشگاه تهران ارتقاء یافت.

دکتر صدیقی علاوه بر فعالیت های آموزشی در موسسه مطالعات و تحقیقات ا جتماعی، در کار ملی کردن صنعت نفت با دکتر محمد مصدق همکاری نزدیک داشته و در کابینه اول دکتر مصدق وزیر پست و تلگراف در کابینه دوم دکتر مصدق وزیر کشور بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی دکتر صدیقی را به هفت سال زندان محکوم کردند ولی چون نتوانستند اتهامات واهی علیه او را ثابت نماینده پس از ۱۰ ماه و نیم در خرداد ماه ۱۳۳۳ از زندان آزاد گردید.

دکتر صدیقی در مهرماه ۱۳۵۲ با عنوان استاد ممتاز به افتخار بازنشستگی نائل و تا سال ۱۳۵۸ بتدریس در دانشکده علوم اجتماعی و علوم تربیتی ا شتغال داشت.

دکتر غلامحسین صدیقی، سیاست مدار و جامعه شناس بزرگ ایرانی در سن ۸۳ سالگی در نیمه اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ در تهران درگذشت.

مهم ترین تألیفات استاد صدیقی بشرح زیر میباشد:

۱ -رساله دکترای وی به زبان فرانسه با عنوان جنبش های دینی در قرن دوم و سوم هجری (اسفند ماه ۱۳۱۶ شمسی)

۲- کتاب تاریخ فلسفه یونان به زبان فارسی با عنوان (از طالس تا سقراط) چاپ دانشگاه تهران.

۳- تاریخ فلسفه یونان از سقراط تا ارسطو.

۴- جامعه شناسی

۵- شرح احوال و تألیفات ابوریحان بیرونی

۶- شرح حال و تألیفات ابن سینا

[1] – سه نشریه فوق الذکر از طرف موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سالهای ۴۱-۱۳۴۰ چاپ و نشر گردیده است.

دکتر صدیقی چند سال هم ریاست انجمن آثار ملی را داشت و مدتی هم با استاد دهخدا در تألیف لغت نامه همکاری نمود.[۱]

۲۷- غلامرضا خان مین باشیان [۲]

محل تحصیلات مقدماتی وی مدرسه موزیک نظام در تهران بود و برای ادامه تحصیلات خویش در رشته موزیک توسط ارتش به روسیه اعزام گردید و سپس پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۹۲ هجری شمسی به پیشنهاد او در مدرسه دارالفنون کلاس موسیقی تشکیل و سرپرستی آن کلاس به غلامرضا مین باشیان سپرده شد.

در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی کلاس موسیقی دارالفنون به مدرسه موزیک تبدیل و ریاست آن به مین باشیان واگذار گردید. نامبرده در این سمت با رتبه افتخاری خدمت مینمود و استادان این مدرسه فقط ۲ نفر بودند. غلامرضا مین باشیان و پسرش نصرالله مین باشیان مدرسه موزیک در سال تحصیلی ۱۳-۱۳۱۲ شمسی به هنرستان عالی موسیقی تغییر نام داد و دوره تحصیلی در این هنرستان ده سال تعیین گردید. (۶ سال در سطح دوره متوسطه و چهار سال در سطح آموزش عالی) مین باشیان یکی از بانیان موسیقی ایران و فرنگی به شیوه اصلی و علمی میباشد او که نوازنده پیانو بود با همکاری مزین الدوله کتاب هم آهنگی، ساز سازی ، ارکستر شناسی و موسیقی نظامی را توجیه کرد و از این استاد برجسته موسیقی، سرودهای نظامی برجای مانده است. تاریخ وفات استاد مین باشیان سال ۱۳۱۴ شمسی است.

۲۸- استاد علی نقی وزیری[۳] (تولد ۱۲۶ و فوت ۱۳۵۸ شمسی)

در سال ۱۲۶۶ شمسی در تهران متولد و پس از گذراندن تحصیلات خویش در رشته موسیقی برای ادامه تحصیل بفرانسه رفت و مدت ۳ سال در مدرسه عالی موسیقی آن کشور به فراگیری این رشته

---

۱. دانشجویان ایرانی در اروپا تألیف دکتر عبدالحسین نوائی ص ۶۹۳.

۲. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تألیف دکتر احمد (ایرج) هاشمیان، ص ۲۲۰ و ص ۲۲۱ مؤدب سحاب ۱۳۷۹

۳. تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه، تألیف دکتر احمد هاشمیان چاپ ۱۳۷۲، ص ۲۲۱ و ص ۲۲۲

پرداخت و سپس به مدت ۲ سال در برلین به مطالعات خود در رشته موسیقی ادامه داده و پس از پنج سال تحصیل در رشته موسیقی در فرانسه و آلمان به ایران بازگشت.
استاد وزیری برای اولین بار در اسفندماه سال ۱۳۰۲ شمسی مدرسه عالی موسیقی را تأسیس نمود و برای اولین بار در تاریخ فرهنگ ایران آموزش سرود و موسیقی را در دبستانهای کشور آغاز نمود. وی کتابی با عنوان سرودهای مدارس نوشت و اشعار آن را از شاهنامه فردوسی و سعدی برگزید و در تابستان سال ۱۳۰۷ شمسی ریاست مدرسه موزیک به طور رسمی به او واگذار شد. نام مدرسه موزیک ابتدا به مدرسه موسیقی دولتی و سرانجام در سال ۱۳۱۳ به هنرستان عالی موسیقی تغییر نام داد.
استاد علی نقی وزیری پس از یک عمر طولانی و حیات پرثمر هنری در ۱۸ شهریور ماه ۱۳۵۸ شمسی در سن ۹۲ سالگی درگذشت. از شاگردان برجسته وی میتوان از استاد ابوالحسن صبا، روح الله خالقی، جواد معروفی و عبدالعلی وزیری و حشمت سنجری و ... را نام برد.

۲۹- دکتر عبدالله شیبانی[۱]

فرزند میرزا محمد خان متولد ۱۲۸۳ شمسی ناحیه ۲ تهران. پس از پایان تحصیلات متوسطه خویش در مدرسه دارالفنون و قبولی در امتحانات اعزام دانش جویان بخارج از کشور در سال ۱۳۰۸ شمسی بفرانسه رفته و پس از پایان تحصیلات خویش در رشته زیست شناسی و فیزیولوژی حیوانی در دانشکده علوم و دانشکده طب دانشگاه تهران بخدمت اشتغال ورزیده و با هزینه شخصی آزمایشگاه فیزیولوژی و تشریح دانشکده علوم را تأسیس نمود.[۲]
نامبرده استاد برجسته و ممتاز دانشگاه تهران بود و مراحل مختلف دانشگاهی را یکی پس از دیگری گذرانده و به سمت معاونت و بعد ریاست دانشگاه تهران رسید. دکتر شیبانی آخرین رئیس دانشگاه تهران پیش از جمهوری اسلامی بود و در طول عمر خویش همیشه با اراده و تقوی بود. همسر وی فرانسوی بنام خانم ژان بود و چند سال قبل از او درگذشت.

[۱]. دانشجویان ایرانی در اروپا ص ۶۰۳ (سند شماره ۵۳۰۰۱ – ۱۸۴۳)
[۲] محقق این بررسی افتخار شاگردی استاد شیبانی را در دانشکده علوم داشته و خلاصه ای از اظهارات او را نقل کرده است.

دکتر شیبانی سرانجام پس از یک عمر زندگی مفید و ثمربخش و خدمت به فرهنگ ایران در تیرماه ۱۳۷۹ درگذشت.

۳۰- یدالله سحابی [1]

فرزند نایب علی خان، متولد سال ۱۲۸۴ شمسی در ناحیه ۵ تهران در سال ۱۳۰۷ شمسی با افتتاح دارالمعلمین عالی که با همت یحیی خان قراگوزلو صورت گرفت در رشته علوم طبیعی مشغول به تحصیل گردید و پس از اخذ لیسانس در سال ۱۳۱۱ شمسی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از ۴ سال تحصیل موفق به اخذ درجه دکتری در رشته زمین شناسی گردید و پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۱۵ شمسی و انجام خدمت وظیفه در فروردین ماه سال ۱۳۱۷ شمسی با سمت دانشیاری به تدریس زمین شناسی در دانشکده علوم دانشگاه تهران پرداخت و پس از پنج سال درجه استادی گرفت. دکتر سحابی در مدت ۲۵ سال در این سمت انجام وظیفه نمود و در سال ۱۳۴۱ شمسی به علت اشتغال در امور سیاسی و مخالفت با دولت(در این تاریخ دکتر پرویز ناتل خانلری وزیر فرهنگ در کابینه اسدالله علم بوده است) به زندان افتاد. *

از ا قدامات فرهنگی وی تأسیس مدرسه ای در نارمک با شعار (تحکیم دین از راه ترویج علم) بود.

از آثار تحقیقاتی وی سدلار از نظر زمین شناسی و بهره بری را میتوان نام برد.

دکتر سحابی یکی از بهترین اساتید متدین و وظیفه شناس و بسیار جدی و در سال ۱۳۸۰ شمسی درگذشت.

۳۱- سید علی شایگان [2]

فرزند سید هاشم متولد ۱۲۸۱ شمسی در شیراز، پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش در شیراز به تهران آمد و در مدرسه سیاسی مشغول به تحصیل گردید و در سال ۱۳۰۷ شمسی برای

---

[1]. ماخذ کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا تألیف دکتر عبدالحسین نوائی ص ۴۲۱ و ص ۴۸۶

[2] -. دانشجویان ایرانی در اروپا تألیف دکتر عبدالحسین نوای ص ۶۸۸ و ص ۶۸۹

تحصیل در رشته حقوق به اروپا اعزام گردید و پس از اخذ درجه دکترای حقوق به تهران بازگشت و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر شایگان علاوه بر استادی در دانشکده حقوق به مقام معاونت دانشکده حقوق و نمایندگی مجلس شورای ملی نیز انتخاب و پس از ملی شدن صنعت نفت در کنار محمد مصدق به فعالیت سیاسی پرداخت و بهمین جهت بعداز کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ شمسی مدتی به زندان افتاد و پس از رهائی به آمریکا رفت در دانشگاه های امریکا مشغول تدریس گردید. از مهم ترین آثار وی، « مقدمه حقوق مدنی ایران» و ترجمه کتابی از برتراندراسل (با عنوان اسیدهای نو) است و در سال ۱۳۶۰ شمسی درگذشت.

۳۲- محمد حسن گنجی

محمد حسن گنجی در سال ۱۲۹۱ شمسی در بیرجند متولد گردید، تحصیلات دوره ابتدائی خویش را در سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۳ شمسی در مدرسه شوکتیه و تحصیلات متوسطه خویش را در سالهای ۱۳۰۹-۱۳۰۳ در دبیرستان شوکتیه به پایان رساند سپس به تهران عازم و دردارالمعلمین عالی در رشته تاریخ و جغرافیا پذیرفته شد.در سال ۱۳۱۲ شمسی پس از موفقیت در کنکور اعزام محصل به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در همان رشته در سطح کارشناسی فوق لیسانس به انگلستان اعزام گردید.[1]

پس از پایان تحصیلات خویش در سال ۱۳۱۷ شمسی و بازگشت به ایران بعنوان استاد دانشگاه تهران که تازه تأسیس شده بود مشغول خدمت گردید. نامبرده به مدت ۱۲ سال (۱۳۳۰- ۱۳۱۸) بعنوان استاد جغرافیا در دانشگاه تهران تدریس و برای اخذ دکترای جغرافیا با استفاده از بورسیه بنیاد فورد در سال ۱۳۳۱ شمسی عازم آمریکا گردید و در دانشگاه کلارک در شهر ورسته، در دانشکده علوم جغرافیا (دوره دکتری جغرافیا) ثبت نام و پس از ۲ سال تحصیل و تحقیق در ژوئن ۱۹۵۴ (خرداد ماه ۱۳۳۳) موفق به اخذ دکترای جغرافیا گردید.[2]

[1]. اسناد اعزام دانشجو تألیف دکتر عبدالحسین نوائی، گروه اعزامی سال ۱۳۱۲ ص ۴۱۸ به بعد

[2]. کتاب زندگی دکتر محمد حسن گنجی ص ۱۵۶ و ص ۱۵۷

دکتر گنجی علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت زیادی برای توسعه اداره کل هواشناسی و سازمان هوشناسی کشور نمود و بخاطر همین فعالیت های مستمر او را پدر هواشناسی کشور نامیده اند.

در سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۰ شمسی) از طرف سازمان هواشناسی جهان بعنوان مردسال هواشناسی و برنده جایزه سال برگزیده شد.

دکتر گنجی در کنفرانس جهانی و تاریخی خلیج فارس که در سال ۱۳۸۹ برگزار گردید نقش فعالی داشت.

دکتر گنجی هم اکنون در سن صد سالگی از سلامتی کامل برخوردار و در موارد لازم در کنفرانس های مربوط به جغرافیای تاریخی شرکت و شاگردان خویش را با اشتیاق کامل ارشاد مینماید.[۱]

۳۳- احمد متین دفتری[۲]

متولد سال ۱۲۷۵ هجری شمسی، تحصیلات مقدماتی و متوسطه وی در شهر تهران و برای ادامه تحصیلات عالی خویش در رشته حقوق عازم پاریس و سویس گردید. پس از بازگشت در وزارت امور خارجه شروع به خدمت نمود و در زمان وزارت علی اکبر داور به وزارت دادگستری منتقل گردید. (شروع خدمت وی در وزارت امور خارجه سال ۱۲۹۳ هجری شمسی).

دکتر متین دفتری در سال ۱۳۰۲ شمسی در مدرسه نظام و مدارس عالی در رشته حقوق تدریس و در سال ۱۳۰۶ شمسی با سمت قاضی در دادگستری خدمت مینموده است. در سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ شمسی برای تکمیل مطالعات قضائی خویش مجدداً به اروپا سفر می‌نماید. پس از بازگشت از اروپا در سالهای ۱۵-۱۳۱۰ بترتیب مدیر کل دادگستری، معاون و کفیل وزارت دادگستری و در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ شمسی وزیر دادگستری و درسالهای ۱۹-۱۳۱۸ شمسی نخست وزیر بوده است.

---

[۱] - کتاب مرد جهانی از بیرجند، خاطرات ایام تحصیل دکتر محمد حسن گنجی و مرد سال هواشناسی در سال ۲۰۰۱ میلادی

[۲]. اعزام محصل به خارج از کشور تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲ ص ۴۱۲ و ۴۱۳، ناشر چاپ و نشر بنیاد

دکتر متین دفتری علاوه بر سمت های فوق الذکر در سال ۱۳۱۲ شمسی عضو فرهنگستان ایران، استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دادرس دیوان داوری لاهه بمدت ۶ سال و استاد آکادمی حقوق دیوان لاهه به مدت یکسال بوده است (۳۸- ۱۹۳۷ میلادی). دکتر متین دفتری در رشته تخصصی خویش (حقوق قضائی)، چندین کتاب تألیف نموده است. *

۳۴- منوچهر وارسته[۱]

فرزند عبدالحسین خان متولد سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تهران، دانشجوی اعزامی به اروپا در سال ۱۳۱۰ شمسی، پس از بازگشت از اروپا به سمت استاد زبان های خارجی در دانشگاه تهران استخدام و بتدریس اشتغال ورزید.

نامبرده با عنوان پروفسور وارسته شهرت داشت و مدعی بود که با روش خاص خود میتواند زبان های خارجی را خیلی ساده به دیگران بیاموزد.

۳۵- علی نقی وحدتی

فرزند آقا جواد متولد ۱۲۹۰ هجری شمسی در تهران، دانشجوی اعزامی سال ۱۳۱۱ شمسی به اروپا، تحصیلات عالی آقای وحدتی در رشته ریاضیات بود و با دکتر هشترودی همکاری نزدیک داشت و درهمین رشته در دانشگاه تهران تدریس می نمود.

خدمات عمده وی با کمک دکتر هشترودی:

راه اندازی دوره فوق لیسانس ریاضی، ایجاد مرکز ژئوفیزیک، تأسیس موسسه آمار که بعداً از دانشکده فنی جدا شده و بمرکز آمار ایران پیوست.

---

[۱] – دانشجویان ایرانی در اروپا – اسناد مربوط به قانون اعزام محصل در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ شمسی ص ۳۳۲ (سند شماره ۵۳۰۰۱ – ۱۸۴۵)

۳۶- عبدالحسین نوائی:[۱]

متولد ۱۳۰۲ شمسی در تهران، تحصیلات ابتدائی خویش را در مدرسه تمدن و ابن سینا و دوره متوسطه را در دبیرستان شرف و تحصیلات عالی خویش را در دانشسرای عالی تهران گذرانده و از سال ۱۳۲۴ شمسی بعنوان دبیر لیسانس در رشته ادبیات استخدام و پس از تأسیس دبیرستان عظیمیه در شهر ری (از سال ۱۳۲۶ شمسی) تدریس تاریخ و جغرافیا در دوره د وم دبیرستان بعهده ایشان محول گردید.

آقای دکتر نوائی دوره دکتری خویش را در دانشگاه سوربن فرانسه به پایان رسانده و از سال ۱۳۲۷ شمسی با مجله اطلاعات ماهیانه همکاری نزدیک داشته است. دکتر نوائی در طول زندگی فرهنگی خویش بیش از ۳۰ جلد کتاب تاریخی و علمی تدوین نموده که فهرست آنان موجود است و آخرین سمت وی در وزارت آموزش و پرورش ریاست سازمان کتابهای درسی بوده است. از مهم ترین کتابهای چاپ شده وی عبارتند از:

۱ -اسناد مربوط به قانون اعزام محصل به اروپا در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ شمسی که ا ز طرف سازمان اسناد و کتابخانه ملی در ۱۳۸۲ چاپ شده است.

۲ -تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه.

۳ -اسناد مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل صفوی چاپ ۱۳۴۱ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴ -کریم خان زند نشر فرانکلین ۴ بار چاپ شده است چاپ چهارم ۱۳۷۶.

۵ -اسناد مکاتبات سیاسی ایران در سالهای ۱۰۳۸ تا ۱۱۳۵ هـ ق پژوهشگاه علوم انسانی چاپ اول ۱۳۶۳ شمسی

۶ -مرآت البلدان، انتشارات دانشگاه تهران در ۴ جلد چاپ ۱۳۶۷ شمسی

۷ -تاریخ ایران و جهان، تهران، نشر هما، جلد اول ۱۳۶۴ و جلد دوم ۱۳۶۸ و جلد سوم ۱۳۷۶.

استاد نوائی پس از یک عمر تلاش و کوشش در زمینه تحقیقات فرهنگی – اجتماعی د ر ۱۸ مرداد ۱۳۸۳ شمسی دار فانی را وداع گفت.

---

[۱]. خلاصه‌ای از زندگی نامه استاد دکتر عبدالحسین نوائی که با کمک خانم عزیزی کتابدار مؤسسه برنامه ریزی آموزشی از طریق اینترنت تهیه گردیده است.

۳۷- غلامعلی خان بنان

متولد سال ۱۲۹۱ شمسی در شهر اصفهان پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش در سال ۱۳۱۰ شمسی در امتحانات اعزامی دانشجو به خارج از کشور قبول و جهت ادامه تحصیل در رشته موسیقی به اروپا اعزام گردید.

نام آقای بنان فرزند میرزا جواد خان در ردیف ۷۲ دانشجویان اعزامی بشرح مندرج در ص ۳۳۶ (۵۳۰۰۱-۱۸۴۵) کتاب اعزام دانشجویان ایرانی در اروپا مندرج است.

بررسی فهرست ۵۶ نفر از دانشجویان ا عزامی که درشته خود نخستین بوده اند:

۱ -میرزا حسین خان حکیم باشی: نخستین ایرانی که در فرانسه دکترای دولتی در رشته طب گرفت و اولین پروفسور علوم جدید پزشکی است.

۲ -اسماعیل امین الملک مرزبان: بنیان گذار انجمن مبارزه با الکل و تریاک.

۳ -سید حسین مترجم نظام مدنی: نخستین محصل ایرانی د ر آمریکا.

۴ -عبدالحسین تیمورتاش: نخستین شخصی از محترمین که اتومبیل خرید و پشت فرمان آن نشست.

۵ -عبدالحمید خان ثقفی: بنیان گذار انجمن سعادت در مشهد.

۶ -سید محمد علی جمال زاده: بنیان گذار ساده نویسی در داستان نویسی به زبان فارسی.

۷ -نصرت الله میرزا جهانبانی، از بنیاد گزاران اصول تشکیلات اداری برای ترکیب و تحکیم پایه های نظامی و کادر در درجات نظامی.

۸ -استاد محمد علی چخماق ساز، نخستین محصل اعزامی که در لندن ازدواج کرد و همسرش را به ایران آورد.

۹ -میرزا علی نقی حکیم الممالک: نخستین مقاله نویس به زبان فارسی درباره اسکی.

۱۰ -ابراهیم حکیمی، نخستین ایرانی که به ایجاد مدرسه برای احیاء و ترویج صنایع ظریفه همت گماشت.

۱۱ -سید محمد خان ملک ساسانی: نخستین ایرانی که در سویس مدرک دکتری علوم اجتماعی گرفت.

۱۲ -محمد کا ظم: نخستین محصل ایرانی که درسال ۱۲۲۶ قمری برای تحصیل در رشته نقاشی و عکاسی به انگلیس اعزام و درسال ۱۲۲۸ قمری بر اثر ابتلا به بیماری سل در لندن درگذشت.

۱۳ -میرزا حسین خان سپهسالار: بانی مجلس صحیه (وزارت بهداشت بعدی) در تاریخ پزشکی ایران و بنیان گزار نخستین روزنامه، دوزبانه (فارسی و فرانسه) در ایران .

۱۴ -میرزا جواد خان سعدالدوله: بنیان گذار کالسکه رانی در ایران.

۱۵ -هادی خان شقاقی، پایه گذار سواره نظام ارتش نوین ایران.

۱۶ - مرتضی قلیخان صنیع الدوله، بانی یکی از نخستین کارخانه‌های نخ ریسی در تهران و د ر واقع مُبتکر صنعتی کردن ایران و نخستین کسی که پیشنهاد کرد در ایران راه آهن ایجاد شود.

۱۷ - ابوطالب طالبوف تبریزی، نخستین کسی که ایرانیان را به تألیف رمان علمی، ترجمه و نمایش نویسی ترغیب نمود.

۱۸ -- قاسم غنی: بانی نخستین بیمارستان در زادگاهش سبزوار به کمک مردم، کاشت و ترویج درخت کاج و نخستین مترجم آثار آناتول فرانس به زبان فارسی.

۱۹ - عبدالله قاجار- پدر عکاسی در ایران

۲۰ - حبیب عدل، پدر یا بنیادگذار رادیولوژی در ایران

۲۱ - میرزا رضا کاشانی، مترجم نخستین رمان به زبان فارسی

۲۲ - میرزا علی قلی کاشی، در سال ۱۲۷۵ بفرانسه اعزام (برای تحصیل در رشته قالب گیری) ولیکن پس از بازگشت بیشتر از اطلاعات قوی او در زبان فرانسه استفاده میشد و عضو دارالترجمه دولتی در زمان ناصرالدین شاه قاجار بوده است.

۲۳ - میرزا آقا خان کرمانی- متولد سال ۱۲۷۰ هجری قمری تنها محصل ایرانی است که پس از بازگشت از اروپا در سن ۳۰ سالگی برای آموزش زبان فرانسه به اصفهان رفت. نامبرده بزودی شهرت زیادی بهم زد و چندین کتاب در زمینه تاریخ احوال قاجاریه، کتاب نامه در زندان طرابوزان ترکیه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری و کتاب هفتاد و دو ملت را تألیف و در سال ۱۳۱۴ هـ ق بدستور محمد علی میرزای ولیعهد او را سر بریدند و پوستش را پر از کاه کردند.

۲۴ - میرزا محمد کفری کرمانشاهی، نخستین کسی است که پس از اعزام به اروپا و اخذ دکترای پزشکی، طب پاستور را به ایران آورد و با آوردن میکروسکوپ به ایران از آن برای تدریس استفاده کرد. چاقوی جراحی در دست گرفت و کالبد شکافی کرد.

۲۵ -حسنعلی کمال هدایت، نخستین وکیل مجلس شورای ملی است که در تاریخ ایران د ولت را در مجلس استیضاح کرد.

۲۶ - میرزا احمد گروسی، تنها محصل ایرانی است که زرگری آموخت ولی در ایران با نسخه نویسی زیردست پدرش طبیب شد.

۲۷ - نیکلا سیمنو (ذالفقار خان مباشر الملک) بنیان گذار حمام دوش در ایران بوده است.

۲۸ - میرزا کاظم محلاتی، از نخستین مترجمان زبان فرانسه علمی به فارسی و مبین تعداد زیادی از لغات و اصطلاحات زبان فارسی برای معادل های فرانسوی آن لغات.

۲۹ - میرزا علی اکبر مزین الدوله: بنیان گذار تئاتر جدید در ایران بنام تماشاخانه، نامبرده نخستین کسی است که موسیقی را با نُت در ایران تدریس و مؤلف کتاب موسیقی به سبک جدید د ر ایران میباشد.

۳۰ - صادق مستشار الدوله: دخترش از نخستین محصلان دانشسرای عالی تهران بود.

۳۱ - میرزا سید جعفر مشیرالدوله: بانی اولین مهندس خا نه در تبریز برای تعلیم مهندسی و توپخانه.

۳۲ - میرزا محمود خان قمی: تنها دانشجوی اعزامی است که قبل از سال ۱۲۹۹ هجری شمسی ضمن تحصیل در فرانسه موفق به کشف یک ستاره گردید.

۳۳ - خان بابا معتضدی، نخستین فیلم بردار ایرانی است که در تهران فیلم ساخت.

۳۴ - حاج بابا افشار، نخستین طبیب ایرانی فارغ التحصیل خارج از کشور است که سردسته اطبای مخالف طب سنتی قدیم در ایران بود.

۳۵ - علی اکبر سیاسی: نخستین دکترای روانشناسی و نخستین کسی که ریاست دانشگاه تهران را از انتصابی به انتخابی تبدیل کرد.

۳۶ - علیخان ناظم العلوم: از بنیان گذاران فرهنگ نوین ایران میباشد.

۳۷ - احمد وثوق، بانی جمعیت امید ایران در آلمان برای نزدیک کردن ایرانیان با هم. نخستین ایرانی که فن خلبانی با هواپیماهای جت را فرا گرفت.

۳۸ - مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) نخستین ایرانی فارغ التحصیل از آلمان، نخستین کلیشه ساز ایرانی.

۳۹ - نظر آقا یمین السلطنه: فراهم کننده مقدمات قرارداد واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به انگلیسیها.

۴۰ - علی اکبر داور- بنیاد گذار مدرسه عالی تجارت در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی.

۴۱ - میرزا حسن (سید حسن) رشدیه، مؤسس نخستین دبستان برای عامه مردم ابتدا در ایروان بعد تبریز. مشهد و نهایتاً در تهران بدون چشم داشت مادی

۴۲ - ابراهیم پور داود: نخستین کسی که اوستا را به فارسی زبان ها شناساند و بنیان گذار انجمن ادبی- علمی ایرانیان مقیم پاریس.

۴۳ - حسین پیرنیا و حسن پیرنیا. از بنیان گذاران مدرسه علوم سیاسی به منظور تربیت کادر سیاسی.

۴۴ - اسماعیل مرآت، نخستین سازمان دهنده نظام آموزش و پرورش ایران به سبک فرانسه.

۴۵ - ابوالقاسم نجم آبادی، متولد ۱۲۸۴ شمسی در سال ۱۳۰۸ بفرانسه اعزام و پس از فراغت از تحصیل در رشته طب و جراحی به تهران بازگشت و در دانشگاه تهران سال ها تدریس قسمت آناتومی (تشریح) را بعهده داشت و در سال ۱۳۵۰ شمسی درگذشت.

۴۶ - دکتر محمد مصدق، بنیان گذار جبهه ملی در ایران

۴۷ - سعید نفیسی، از بنیان گذاران فرهنگستان ایران

۴۸ - میرزا صالح شیرازی: بنیاد گزار نخستین تشکیلات فراماسونری در ایران، بنیان گذار چاپخانه و روزنامه در ایران.

۴۹ - میرزا اسماعیل پسیان،از بنیان گذاران نخستین مدارس جدید در ایران

۵۰ - امیر خان امیراعلم، برای نخستین بار برای تصدی شغل پزشکی امتحان برقرار کرد.

۵۱ - خلیل خان ثقفی اعلم الدوله، نخستین رئیس بلدیه (شهرداری) تهران پس از انقلاب مشروطیت

۵۲ - غلام حسین اعلم، رئیس نخستین بیمارستان نظامی ایران تا سال ۱۲۹۹ هجری شمسی

۵۳ - رضا زاده شفق، نخستین بنیاد گزار روزنامه (روزنامه شفق در سن ۱۳ سالگی)

۵۴ - خانم صفیه یزدی، نخستین مدیر مؤسس مدرسه دخترانه عفتیه د ر تهران در سال ۱۳۱۵ هجری قمری

۵۵ - عباس اعلم الملک (لقمان ادهم) برای نخستین بار دانشجویان پزشکی را برای حضور در دروس شفاهی و استفاده از تعلیمات بالینی موظف ساخت. انتخاب انترن و معاونین بخش بیمارستانها و تعیین پزشک نگهبان از ابتکارهای اوست.

۵۶ - حسن رازی، نخستین موسس و بنیان گزار دبستان عظیمیه شهرری در سال ۱۲۸۲ شمسی (۱۳۲۴ قمری) با هزینه شخصی خودش در ۱۰۸ سال قبل.[۱]

ج- موقعیت اجتماعی پدران محصلین اعزامی[۲]

با بررسی موقعیت اجتماعی پدران محصلین اعزامی ملاحظه میشود که از ۳۵۰ نفر جامعه مورد بررسی، موقعیت اجتماعی ۱۵۵ نفر از پدران آنها نامشخص و ۱۸۸ نفر با ۵۳/۷ درصد از جامعه آماری فوق به خانواده های مرفه تعلق داشته اند.

موقعیت اجتماعی پدران محصلین اعزامی بشرح زیر خلاصه میشود:

الدوله والملک	صاحب	طبیب	اشراف	شاهزاده	ارتشی	روحانی
۶۳ نفر	۳۴ نفر	۲۵ نفر	۲۰ نفر	۱۶ نفر	۱۲ نفر	۹ نفر
تاجر	مهندس	روزنامه	باغبان	نامرفه	نامشخص	جمع کل
۴ نفر	۳ نفر	۳	۱ نفر	۸ نفر	۱۵۵ نفر	۳۵۰ نفر

پس از بازگشت محصلین اعزامی ۱۱۷ نفر از آنها صاحب عناوین مختلف: الدوله، الملک، سردار، سردار همایون، جناب اشرف و ... شده اند.

[۱] ماخذ-کتاب اعزام محصل به خارج از کشور تالیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ۱۳۷۲ ص ۱۷۰ تاص ۱۷۴

[۲]. کتاب اعزام محصل به خارج از کشور تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲، ص ۱۶۲.

۸۶ نفر از آنها پست نخست وزیری، معاونت، وزارت و کفالت وزارت داشته اند.
۵۴ نفر از آنها وکیل مجلس شورای ملی، سناتور، وکیل مجلس موسسان و عده ای از آنان بارها دارای دوسمت بوده اند.
۸۴ نفر از جامعه آماری مورد بررسی به شغل معلمی، تدریس در دانشگاه و ریاست دانشگاه منصوب گردیده اند. درصورتیکه فقط ۱۳ نفر ا ز دانشجویان اعزامی انحصاراً برای رشته تعلیم و تربیت اعزام شده و بخاطر پرستیژ معلمی یا نبودن شغل مناسب دیگر عده زیادی از فارغ التحصیلان جذب رشته های معلمی گردیده اند.

د- توزیع مشاغل عمده فارغ التحصیلان خارج از کشور[1]

مشاغل عمده ۶۰۰ ششصد نفر از فارغ التحصیلان خارج از کشور پس از بازگشت بشرح زیر خلاصه میشود:

شغل	تعداد
۱- نخست وزیری و وزارت	۸۶ نفر
۲- کار مطبوعاتی	۸۵ نفر
۳- آموزش و معلمی	۸۴ نفر
۴- سفارت و کارداری	۶۵ نفر
۵- مترجمی	۶۱ نفر
۶- نظامی گری	۵۵ نفر
۷- نماینده مجلس شورا و سنا	۵۴ نفر
۸- استانداری	۳۸ نفر
۹- پستهای اداری	۳۰ نفر
۱۰- مشاغل عمرانی	۲۱ نفر
۱۱- شغل نامتناسب با رشته تحصیلی	۲۱ نفر
جمع کل	۶۰۰ نفر

[1]. کتاب اعزام محصل به خارج از کشور، تألیف دکتر غلامعلی سرمد ص ۱۶۸

میزان اطلاع فارغ التحصیلان خارج از کشور از زبانهای خارجی[1]**:** از ۶۰۰ ششصد نفر دانشجویان بازگشته از خارج از کشور شاغل در پستهای فوق الذکر، یکصدنفر از آنان به زبانهای خارجی به شرح زیر تسلط کامل داشته اند:

فرانسه	انگلیسی	روسی	ترکی عثمانی	آلمانی	عربی	ارمنی	گرجی	اردو	لاتین
۳۵	۲۱	۱۲	۹	۸	۵	۴	۲	۱	۱

چند زبان خارجی دیگر

۲

[1]. کتاب اعزام محصل به خارج از کشور، تألیف دکتر غلامعلی سرمد ص ۱۶۹.

فصل هفتم- نظر اجمالی به تحول فرهنگ نوین شهری از سال ۱۲۸۲ تا سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی و ۵۸ سال بعد ص۱۵۴تا۱۶۷

۱- حسن رازی، بنیان گذار دبستان عظیمیه شهری[1]

حسن رازی در سال ۱۲۵۲ شمسی در شهری متولد گردید. روشن فکری خانواده و آشنائی آنها با فرهنگ جدید، درایت و نبوغ نامبرده در برخورد با مشکلات اجتماعی موجب گردید که وی در سال ۱۲۸۲ شمسی/۱۳۲۳ هجری قمری ؛ با پشتکاری عجیب و با هزینه شخصی خویش در سن ۳۰ سالگی اولین دبستان پسرانه شهری بنام دبستان عظیمیه را تأسیس نماید.

در چنین تاریخی، مسئولیت وزارت فرهنگ و معارف کشور با میرزا محمود خان علاء الملك (۲۵- ۱۳۲۳ هجری قمری) بود کادر آموزشی دبستان عظیمیه شهری در هنگام تأسیس با توجه به امکانات محدود آموزشی بشرح زیر بوده است.

مدیر مدرسه	آقای حسن رازی
نظامت مدرسه	آقای امین الکتاب
معلم کلاس اول	مرحوم حسن ناظمی
معلم کلاس دوم	سید ابراهیم
معلم کلاس سوم و چهارم	سید محمد علی کاشی
معلم کلاس پنجم و ششم	میرزا احمد

ضمناً چند نفر از دانشمندان دیگر چون مرحوم پروفسور شهاب زبان فرانسه و علوم دیگر را بطور افتخاری تدریس می‌نمودند.[2]

پروفسور شهاب در بیروت تحصیل کرده و سپس در دانشسرای دیژون فرانسه ادامه تحصیل داد و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۷ شمسی در مدرسه تازه تأسیس شده کمالیه تهران زبان فرانسه تدریس مینمود.

---

[1] ماخذ ص ۶۵ کتاب احصائیه وزارت معارف در سال ۱۳۰۴- ۱۳۰۱ شمسی، تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت

[2]. ماخذ- کتاب اعزام محصل به خارج از کشور تألیف دکتر غلامعلی سرمد چاپ ۱۳۷۲ شمسی ص ۳۳ و ص ۳۴

مرحوم حسن رازی بدون شک یکی از معاریف مشهور است که حقی عظیم به گردن مردم شهرری داشته و بعبارت دیگر باید او را پدر معارف و فرهنگ جدید این شهر نامید. نامبرده علاوه بر فعالیت‌های آموزشی، در نهضت مشروطیت فداکاریهای زیادی نموده و با جمع دیگری از دوستان و هم فکران خود مدتی در زندان محمد علی شاه قاجار بوده است.

مرحوم رازی علاوه بر فعالیتهای آموزشی در دستگاه قضائی کشور نیز خدمات زیادی نموده، ابتدا در دادگاههای تهران به انجام وظایف محوله پرداخته سپس به ریاست دادگاه همدان و مدعی العموم شاهرود، دامغان و سمنان، ریاست دادگستری قوچان و گلستان، بازرسی ثبت اسناد و املاک اصفهان منسوب و در سال ۱۳۲۷ شمسی به تهران مراجعت نمود.

نامبرده پس از ۷۸ سال زندگی ثمربخش در خدمت به فرهنگ شهرری و دستگاه قضائی کشور ایران در آبان ماه ۱۳۳۰ هجری شمسی درگذشت. مرحوم حسن رازی پس از تأسیس دبستان عظیمیه در شهرری به مدت یکسال و نیم شخصاً دبستان عظیمیه را اداره نمود و پس از انتقال به دادگستری تهران، مدیریت دبستان بترتیب به آقای عبدالحسین مرتضوی، آقای جواد جباری و میرزا علیخان خوش نویس واگذار گردید که هریک از آنان بنوبه خود خدمات گرانبهائی به فرهنگ شهرری نمودند.

دبستان عظیمیه سالیانه ۵۰۰ پانصد ریال کمک از آستانه حضرت عبدالعظیم دریافت و از سال ۱۳۰۱ شمسی مبلغ پانصد ریال هم از صندوق دارائی محل برای اداره دبستان دریافت مینموده است.

پس از مدیران فوق الذکر، مرحوم شیخ حسن ناظمی به سمت مدیریت دبستان عظیمیه شهرری منصوب گردید.

آقای حسن ناظمی قبلاً مدیر یک مکتب پسرانه در باغ طوطی شهرری بوده و در سالهای ۱۳۰۴- ۱۳۰۲ هجری شمسی دارای ۸ شاگرد پسر بوده و مخارج سالیانه مکتب او ۷۲۰ قران در سال بوده است.[۱] در سال تحصیلی ۱۳۰۷- ۱۳۰۶ در زمان وزارت آقای تدین کمکهای آستانه به دبستان عظیمیه حذف و تمام هزینه های دبستان توسط وزارت معارف تأمین و دبستان رسماً تحت

[۱] - سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ شمسی، تألیف میرزا علی اصغرخان حکمت ص ۳۴، ردیف ۱۰۵.

نظر وزارت فرهنگ قرار گرفت. در سال تحصیلی ۱۳۰۵- ۱۳۰۴ در کل شهرستان تهران و حومه جمعاً ۱۰۵ مکتب بصورت مختلط پسرانه و دخترانه مشغول فعالیت بوده و در این مکاتب ۵۰۴ دختر و ۱۲۳۸ پسر (جمعاً ۱۷۲۴ نفر) به تحصیل اشتغال داشته اند.

در سال تحصیلی ۱۳۰۹- ۱۳۰۸ شمسی با توسعه بیشتر دبستان عظیمیه، جمع کل شاگردان در ۶ پایه اول تا ششم به ۱۸۱ نفر افزایش یافت. توزیع شاگردان به تفکیک پایه‌های مختلف بشرح زیر بوده است:

پایه اول در ۲ کلاس	۵۳ نفر
پایه دوم در یک کلاس	۳۱ نفر
پایه سوم	۲۹ نفر
پایه چهارم	۲۹ نفر
پایه پنجم	۱۹ نفر
پایه ششم	۲۰ نفر
جمع کل	۱۸۱ نفر

تعداد فارغ التحصیلان در سال تحصیلی فوق ۱۱ نفر، تعداد آموزگاران و مدرسان جمعاً ۷ نفر.[۱]

مرحوم شیخ حسن ناظمی از خدمتگذاران واقعی فرهنگ شهرری بوده و در سال ۱۳۱۷ شمسی به رحمت ایزدی پیوست.

پس از مدیریت آقای حسن ناظمی،آقای مصطفی ضیائی سمت مدیریت و آقای محمد صادق حمیدی سمت نظامت دبستان عظیمیه را عهده دار گردیده و آقایان محمد علی اعتمادی، مصطفی فتوحی، علی حمیدی، صفائی و علی محمد زالی که اغلب از فارغ التحصیلان دانشسرای مقدماتی بودند در کلاسهای مختلف این دبستان مشغول تدریس بوده اند.

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ در کلاسهای اول تا ششم دبستان عظیمیه ۳۳۸ نفر دانش آموز به تحصیل اشتغال داشته اند و از ۵۸ نفر دانش آموز شرکت کننده در امتحانات تهائی ششم ابتدایی دبستان عظیمیه ۵۰ نفر قبول شدند.

---

[۱] – مأخذ، کتاب احصائیه سال ۱۳۰۹– ۱۳۰۸ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ص ۱۲ و ۱۳

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی ساختمان دبستان و دبیرستان عظیمیه شهرری اجاره ای بوده و کل مبلغ اجاره ، ماهیانه ۸۰۰۰ ریال بوده است.

۲- فهرست دبستانهای ۴ و ۵ و ۶ کلاسه شهرری در سال تحصیلی ۲۹-۱۳۲۸

در سال تحصیلی ۲۹-۱۳۲۸ شمسی علاوه بر دبیرستان عظیمیه که چشم وچراغ فرهنگ شهرری بوده است، ۳۱ باب دبستان به فعالیت آموزشی اشتغال داشته اند. با توجه به پراکندگی این مدارس در شهر، مراکز بخش و مناطق روستائی جمعاً ۱۶۱ نفر آموزگار مرد و زن در این مدارس مشغول تدریس بوده و تعداد کل دانش آموزان این مدارس ۳۳۰۰ نفر بوده است. از نظر تراکم کلاسهای درس، ۱۰ باب از مدارس فوق ۶ کلاسه، ۵ باب پنج کلاسه، ۱۶ باب بقیه ۴ کلاسه بوده‌اند. فهرست اسامی مدارس فوق بشرح زیر بوده است:

الف) دبستانهای ۶ کلاسه: عظیمیه پسرانه شهرری، دخترانه عفت، رضائیه فیروزآباد، دخترانه فخررازی در شهرری، ملی طاهریه در شهرری، دبستان فرمانفرمائیان یافت آباد، شهاب فرح آباد، فیض شهرری، دبستان مختلط کهریزک، مختلط احمدی راد.

ب) دبستانهای ۵ کلاسه: مختلط ذوب مس، مختلط زیوان فشانویه، شیرین مراد آباد، مختلط وصفنارد، شاهپور غلامرضای علی آباد

ج) دبستانهای ۴ کلاسه: انیس آباد، مختلط چاله طرخان، خلازیر، ۴ دانگه، گلدسته، فیروز بهرام، آپرین، حسین آباد، جهان آباد، دبستان دهنو، بهرام آباد، دخترانه سیمان، تورغوز آباد، دولت آباد و احمد آباد.

۳- تأسیس دبیرستان عظیمیه شهرستان ری

دبیرستان عظیمیه که در زمان تأسیس در سال ۱۳۲۶ شمسی چشم و چراغ فرهنگ شهرری و فقط با افتتاح کلاس اول در جنب ساختمان دبستان عظیمیه شروع بکار کرد و بتدریج هرسال با یک کلاس بالاتر فعالیت آموزشی داشته است. در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ برای اولین بار دبیرستان عظیمیه دارای پایه های اول تا پنجم بوده (در پایه اول ۲ کلاس داشته است) و ۱۱ نفر دانش آموز در امتحانات نهائی پنجم علمی شرکت نمودند.

توزیع دانش آموزان دبیرستان عظیمیه به تفکیک پایه تحصیلی در سال مورد بررسی بشرح زیر مشخص گردیده است:

توزیع دانش آموزان دبیرستان عظمیه به تفکیک پایه در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ [1]

پایه تحصیلی	تعداد دانش	قبول شدگان	تجدیدی	مردودی
اول دبیرستان	۶۵	۸	۴۰	۱۷
دوم دبیرستان	۳۵	۱۷	۱۷	۱
سوم دبیرستان	۱۸	۵	۱۳	
چهارم	۱۳	۳	۹	۱
پنجم دبیرستان	۱۱	۵	۴	۲
جمع کل	۱۹۲	۳۸	۸۳	۲۱

کادر آموزشی دبیرستان عظیمیه شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ بشرح زیر بوده است:[2]

۱ -آقای عبدالحسین نوائی	لیسانسیه ادبیات	رشته تدریس تاریخ و جغرافیا
۲ -مهندس شمسنیا	مهندس کشاورزی	علوم طبیعی و بهداشت
۳ -حسن روشن	فارغ التحصیل هنر سرایعالی	ریاضیات
۴ -عبدالکریم مرتضوی	لیسانسیه فیزیک	فیزیک
۵ -مهدی سرخوش	دیپلمه زبان انگلیسی	انگلیسی
۶ -غلامحسین هراتی	مهندس شیمی	شیمی
۷ -عباس قربانلو	لیسانسه زبان	زبان خارجه
۸ -علی فرزانه	دیپلمه	رسم و نقاشی
۹ -معین الدین مرجائی	لیسانسه معقول و منقول	تاریخ و جغرافیا
۱۰ -علی ا کبر رزاز	لیسانسه حقوق	ادبیات
۱۱ -عبدالحسین فلاحی	معلومات قدیمه	فقه و عربی
۱۲ -علی محمد زالی	معلومات قدیمه	هنرآموز خط

[1] ماخذ: سالنامه فرهنگ شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ ص ۴۲

[2] ماخذ، سالنامه فرهنگ شهری در سال تحصیلی۳۰- ۱۳۲۹ ص ۴۰ و ص ۴۱

۱۳ -طاهر ناگهی	لیسانسیه حقوق	تاریخ و جغرافیا

۱۴ -آقای عبدالکریم مرتضوی علاوه بر تدریس فیزیک، نظامت دبیرستان را نیز عهده دار بوده است. (هنوز خوشبختانه در قید حیات است. فروردین ۱۳۹۰)

۱۵ -آقای حسینعلی وکیلی علاوه بر ریاست فرهنگ شهرستان ری امور مدیریت دبیرستان را نیز بعهده داشته است.

الف) آقای عبدالحسین نوائی: دبیری بسیار متعهد و در رشته خود تحقیقات و تألیفات زیادی را منتشر و ادامه دهنده بررسی های تاریخی استاد عباس اقبال آشتیانی بود و پس از چندسال موفق به دریافت درجه دکتری در رشته تاریخ و جغرافیای ایران گردید و به مدیریت سازمان کتابهای درسی ارتقاء یافت و بعنوان استاد نمونه از وی تقدیر بعمل آمد و در مرداد ماه سال ۱۳۸۳ شمسی دار فانی را وداع گفت.

(مهدی صفی نژاد مؤلف این بررسی تاریخی از شاگردان و همکاران نزدیک وی بوده است.)

ب) مهندس شمسنیا : نامبرده اولین دانشجوئی است که از شهرری تحصیلات عالی خویش را در دانشکده کشاورزی کرج به پایان رسانده و بعنوان دبیر علوم طبیعی در دبیرستان عظیمیه شهرری تدریس مینمود.

ج) عبدالکریم مرتضوی: اولین دانشجوئی است که از شهرری تحصیلات عالی خویش را در رشته فیزیک به پایان رساند و در کلاسهای مختلف با ورزیدگی کامل تدریس می‌نمود. نامبرده از منسوبین مرحوم عبدالحسین مرتضوی است که پس از آقای حسن رازی مدیریت دبستان عظیمیه شهرری را عهده دار و خدمات گران بهائی به فرهنگ شهرری نموده است.

۴ دبستان ۶ کلاسه دخترانه عفت[۱]

دبستان عفت، دومین مدرسه دخترانه دولتی است که در شهرری در سال ۱۳۲۷ شمسی به مدیریت بانو نرگس دادخواه بصورت چهارکلاسه تأسیس گردید و در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی بعلت افزایش تعداد دانش آموزان ۶ کلاسه گردید و نظامت مدرسه را خانم سلمانپور بعهده داشت. در سال تحصیلی مذکور ۱۰ ده نفر آموزگار زن در این دبستان مشغول تدریس بوده و

[۱]. ماخذ- سالنامه فرهنگ شهرری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی ص ۷۲

تعداد کل دانش آموزان ۱۹۴ نفر بوده است. از این تعداد ۱۰ ده نفر در امتحانات نهائی کلاس ششم ابتدائی شرکت نموده و ۸ نفر قبول و ۲ نفر تجدید شدند. اجاره ماهیانه مدرسه عفت مبلغ ۳۷۵۰ ریال بوده است.

دبستانهای ۶ کلاسه رضائیه فیروز آباد (مختلط) و شادی یافت آباد (مختلط)[1]

الف- دبستان رضائیه فیروز آباد در سال ۱۳۰۶ شمسی بصورت ملی و با هزینه آستانه حضرت عبدالعظیم تأسیس و مدیریت آن با علی حمیدی بود. پس از مدتی دبستان رضائیه منحل و به قریه ده خیر منتقل گردید ولیکن در سال ۱۳۱۳ شمسی با سعی وا هتمام سید رضا فیروزآبادی که همیشه بانی خیر بوده است مجدداً این مدرسه در فیروزآباد دائر و بمناسبت نام ایشان به دبستان رضائیه نامیده شد. دبستان رضائیه تا سال ۱۳۲۰ و ۲۱ بصورت ۴ کلاسه و از آن به بعد بصورت ۶ کلاسه فعالیت آموزشی داشته است.

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ تعداد کل دانش آموزان این دبستان ۱۲۶ نفر بوده است (۱۰۹ نفر پسر و ۱۷ نفر دختر)

در سال تحصیلی مذکور یک نفر دانش آموز در امتحانات نهائی ششم ابتدائی شرکت و قبول شده است (یدالله حسنی).

کادر آموزشی دبستان رضائیه در سال ۲۹-۱۳۲۸ و سال بعد ۴ نفر بوده است.

ب) دبستان شادی یافت آباد[2]. این دبستان در سال ۱۳۱۶ شمسی به نام شادی در یافت آباد تأسیس گردید که درحقیقت یکی از مدارس قدیمی حوزه فرهنگی شهرستان ری میباشد. تعداد دانش آموزان این دبستان در سال اول تأسیس ۶۵ نفر و در سالهای بعد به تدریج افزایش یافته است. از اول آذرماه ۱۳۲۸ شمسی ساختمان دبستان به محل مناسبی که از طرف محمد ولی میرزا فرمانفرئیان واگذار شده بود منتقل و ا سم مدرسه از شادی به فرمانفرمائیان تغییر یافت. در سال

---

[1]. ماخذ سالنامه فرهنگی شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی ص ۴۸ و ص ۴۹

[2]. ماخذ سالنامه فرهنگی شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی ص ۵۰

تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ مدیریت دبستان با آقای محمد جدی و تعداد شاگردان ۱۰۵ نفر(۹۹ نفر پسر و ۶ دختر) بوده است.

تعداد دانش آموزان پایه ششم این دبستان در سال تحصیلی مذکور ۱۴ نفر بود که در امتحانات نهائی شرکت نموده و در نتیجه ۹ نفر قبول و ۴ نفر تجدید و ۱ نفر مردود شدند.

در سال تحصیلی مذکور، کادر آموزشی دبستان یافت آباد جمعاً ۵ نفر (مدیر و ۴ آموزگار) بوده است.

۶- دبستان د خترانه فخر رازی و ملی طاهریه

الف) فخررازی: در شهریور ماه ۱۳۱۶ هجری شمسی دبستان فخر رازی بصورت ۴ کلاسه و مختلط در شهرری تأسیس گردید، تمام مخارج و هزینه های این دبستان تا سال ۱۳۲۰ شمسی از طرف آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم تأمین و پرداخت میگردید و از آن سال به بعد کلیه هزینه های جاری و سرمایه‌ای مورد نیاز دبستان از طرف وزارت فرهنگ تامین و پرداخت شده است ، در سال ۱۳۲۳شمسی این دبستان کاملاً دخترانه شده و در حقیقت اولین مدرسه ایست که بعد از مدرسه ی ملی دوشیزگان در شهر ری به دانش آموزان دختر اختصاص داده شد. مدیریت این دبستان را در سالهای اول تاسیس بانو محترم مهاجر عهده دار بود و پس از وی به ترتیب بانو عزت و عفت نهاوندی و عزت بهینه و بانو خدیجه دادخواه این سمت را عهده دار بودند.

بانو معصومه ی درخشان ناظم این دبستان و بانو اقدس بهشتی، عذرا و ایران ابراهیمی ، اقدس و اکرم ناظمی و فخرالزمان مشتاق از آموزگاران شاغل در این دبستان بودند.

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی، تعداد کل دانش آموزان این دبستان ۲۳۳ نفر و ۱۸ نفر در امتحانات نهایی سال ششم ابتدایی شرکت و ۱۶ نفر از آنان قبول شدند(شاگرد اول فارغ التحصیل این دبستان خانم ایران نصیری با معدل کل ۱۴/۸۸).

ساختمان این دبستان در سال مورد بررسی اجاره ای و ماهیانه مبلغ ۴ هزار ریال اجاره بها پرداخت می گردید.

ب- مدرسه ی ملی طاهریه:

در سال ۱۲۹۲ شمسی مرحوم سید تقی موسوی امتیاز تاسیس مدرسه طاهریه را گرفته و با هزینه شخصی این دبستان را تاسیس نمود (آقای موسوی در سالهای ۱۲۸۹تا۱۲۹۲شمسی آموزگار کلاس اول دبستان عظمیه بود) و تا سال ۱۳۱۶ شمسی به نحو احسن دبستان را اداره نمود و د موقع امتحانات داخلی دبستان اغلب وزراء و وکلاء و معاریف از جمله آقای تدین وزیر معارف، دکتر مصدق و حاج سید رضا فیروز آبادی بنا به دعوت مرحوم موسوی دردبستان حضور می یافتند. در سال تحصیلی ۱۳۰۹-۱۳۰۸ شمسی در مدرسه ی ملی طاهریه ۱۰۹ دانش آموز پسر به شرح زیر به تحصیل اشتغال داشته‌اند و تعداد آموزگاران مرد این مدرسه ۵ نفر بوده است.

کلاس تهیه	۳۰ نفر پسر	کلاس چهارم	۷ نفر پسر
کلاس اول	۲۲ نفر پسر	کلاس پنجم	۶ نفر پسر
کلاس دوم	۲۵ نفر پسر	کلاس ششم	۳ نفر پسر
کلاس سوم	۱۶ نفر پسر	جمع کل	۱۰۹ نفر پسر

۷- دبستان پسرانه فیض شهری[1] (۶ کلاسه)

الف- این دبستان در آبان ماه ۱۳۲۳ شمسی به مدیریت آقای حسین امینی و بصورت ۴ کلاسه با داشتن کلاسهای مکرر اول و دوم تأسیس و ۶ نفر آموزگار در این مدرسه بتدریس ۲۳۷ نفر دانش آموز اشتغال داشته اند، دبستان فیض در سال تحصیلی ۲۵- ۱۳۲۴ پنج کلاسه و در سال بعد ۶ کلاسه گردید (با داشتن ۱۱ نفر آموزگار و ۳۶۱ نفر دانش آموز) آقای حسین امینی از سال ۱۳۱۷ پس از فوت شیخ حسن ناظمی تا سال ۱۳۲۳ مدیر دبستان عظیمیه بوده است.

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ جمعاً ۳۵۱ نفر دانش آموز در کلاسهای اول تا ششم دبستان فیض به تحصیل اشتغال داشته و ۳۶ نفر در امتحانات نهائی شرکت نمودند و ۲۴ نفر از آنها قبول شدند.

در سال تحصیلی مذکور آقای ناصر نفر با معدل ۱۶/۴۳ شاگرد اول این دبستان بود که با سعی و درایت خویش واتمام تحصیلات تخصصی در آمریکا، اولین استاد فیزیک اتمی کشور بوده و هم اکنون بازنشسته ولی هنوز هم به فعالیتهای علمی خویش ادامه میدهد. ساختمان دبستان در سال

---

[1]. سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ هجری شمسی وزارت معارف ص ۶۲ و ص ۶۳

تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی اجاره‌ای و ماهیانه ۷۰۰۰ هفت هزار ریال بابت اجاره پرداخت میشده است.

۷- ب- دبستان ۶ کلاسه مختلط شهاب فرح آباد

این دبستان در شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی به مدیریت آقای تقی علائی تأسیس و ۴۵ نفر دانش آموز در آن مدرسه مشغول تحصیل شدند. در ساال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ تعداد کل دانش آموزان این دبستان ۱۶۴ نفر(۱۲۶ پسر و ۳۸ دختر) بوده است. از این تعداد ۵ نفر در امتحانات نهائی شرکت و ۴ نفر از آنان قبول شدند (شاگرد اول امتحانات نهائی مهدی مهدی با معدل کل ۱۴/۵۶).

۸- دبستان ۶ کلاسه مختلط کهریزک[۱]

این دبستان برای اولین بار در سال ۱۳۱۶ بصورت مکتب خانه دائر و در شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی با مدیریت آقای حبیبی تأسیس و در کلاسهای اول تا چهارم آن جمعاً ۶۰ نفر دانش آموز به تحصیل اشتغال داشته اند.

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی از ۱۰۹ نفر دانش آموز شاغل به تحصیل، ۷۸ نفر پسر و ۳۱ نفر دختر بودند، از این تعداد ۱۱ نفر در کلاس ششم و تمام آنها در امتحانات نهائی خرداد ماه شرکت و قبول شدند.

۹- دبستان ۵ کلاسه پسرانه سیمان[۲]

الف) این دبستان در سال تحصیلی ۲۸-۱۳۲۷ شمسی به مدیریت آقای علی قلی جهانسوز و با ۶۲ نفر دانش آموز تأسیس و در سال تحصیلی بعد، تعداد دانش آموزان این مدرسه به ۱۴۱ نفر افزایش یافت و با کمک رئیس کارخانه سیمان (مهندس سالور) ساختمان بسیار مناسبی بنا و در اختیار دبستان گذاشته شد. در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی جمعاً ۱۹۸ نفر دانش آموز در این مدرسه به تحصیل اشتغال داشته و کلاس ششم نیز بر تعداد کلاسها اضافه شد.

در سال تحصیلی مذکور، تعداد آموزگاران این دبستان ۷ نفر زن و ۳ نفر مرد بوده است

---

[۱]. سالنامه فرهنگ شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ ص ۵۴و ص ۵۵ و ص ۵۶

[۲] - سالنامه احصائیه فرهنگ شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ ص ۷۰ و ۷۱

۹- ب – دبستان ۴ کلاسه دخترانه سیمان

این دبستان در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی پس از تفکیک دانش آموزان دختر و پسر در محل اولیه دبستان مختلط سیمان تأسیس گردید. مدیر دبستان بانو مرتضوی و ۳ نفر آموزگار زن در این دبستان تدریس می‌نمودند.

تعداد دانش آموزان این دبستان در ابتدای سال تحصیلی مذکور ۸۸ نفر بود که پس از تأسیس دبستان مختلط دولت آباد، تعداد دانش آموزان دختر دبستان سیمان به ۶۶ نفر کاهش یافت.

۱۰- دبستان ۶ کلاسه مختلط زیوان[۱]

زیوان یکی از دهات پرجمعیت فشافویه شهرری میباشد و در ۴۵ کیلومتری جنوب تهران قرار دارد و درسال ۱۳۲۳ شمسی از طرف ا هالی زیوان تقاضای تشکیل دبستان شد و پس از یکسال زحمت و فعالیت آقایان حسین امینی و ملک سرحدی دبستان زیوان با مدیریت آقای سرحدی با پذیرش ۴۵ نفر دانش آموز در سال ۱۳۲۴ تأسیس گردید.

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ ، دبستان زیوان ۶ کلاسه و ۹۰ نفر دانش آموز در پایه های مختلف به تحصیل اشتغال داشته اند.

کادر آموزشی د بستان در سال مذکور جمعاً ۳ نفر و ۱۱ نفر در امتحانات ششم ابتدائی شرکت نمودند.

اجاره ماهیانه محل دبستان ۵۰۰ ریال بوده است که از طرف وزارت فرهنگ به مالک ساختمان پرداخت می‌شده است.

۱۱- دبستان های ۴ و۵ کلاسه حومه شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹

توزیع دانش آموزان و کادر آموزشی مدارس حومه شهر ری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ بشرح زیر خلاصه میشود:[۱]

---

[۱] – سالنامه احصائیه فرهنگ شهرری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ ص ۶۰ و ص ۶۱

نام مدارس	تعداد دانش آموزان پسر	تعداد دانش آموزان دختر	تعداد کادر آموزشی	نام مدیر مدرسه
۵ کلاسه مختلط ذوب مس	۹۸	۲۵	۵	امینی
۴ کلاسه مختلط انیس آباد	۳۶	۸	۲	میرفتاح
۵ کلاسه مختلط شیرین مراد	۵۳	۱۰	۲	دهقانپور
۴ کلاسه مختلط چاله طرخان	۲۰	۸	۱	صفاری
۴ کلاسه خلازیر	۴۳	۴	۳	آزاد
۵ کلاسه و صفنارد مختلط	۸۵	۱۳	۴	اصنافی
۴ کلاسه مختلط ۴ دانگه	۵۵	۲۲	۲	میرگلو
۴ کلاسه مختلط گلدسته	۴۹	۱۵	۲	رهگذر
۴ کلاسه مختلط فیروز بهرام	۲۱	۱۳	۲	مکائیلی
۴ کلاسه آپرین	۳۴	۱۰	۱	ساجدی
۵ کلاسه مختلط علی آباد	۷۷	۲۰	۵	سلطانیه
۴ کلاسه پسرانه حسین آباد	۴۵	-	۲	مستوفی
۴ کلاسه مختلط جهان آباد	۴۷	۱۲	۱	صداقت گویان
۴ کلاسه مختلط تورغوز آباد	۴۱	۱۸	۲	عمرانی
۴ کلاسه مختلط دولت آباد	۵۶	۴۸	۴	حافظی
۴ کلاسه مختلط احمد آباد	۸۴	۱۶	۲	مهدوی
۴ کلاسه مختلط دهنو	۲۵	۱۰	۲	کشوری
۴ کلاسه مختلط بهرام آباد	۲۰	۴	۱	صلواتیان

۱۲- الف – توسعه فرهنگی شهرری در ۵۸ سال گذشته (۱۳۸۷- ۱۳۲۹)

[1] – سالنامه ی فرهنگی شهرری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ صفحات ۵۰ لغایت ۷۳

در طول ۵۸ سال تحصیلی گذشته، تعداد مدارس حوزه فرهنگی شهرستان ری از ۳۱ باب دبستان ویک دبیرستان به ۴۱۳ باب در نواحی یک و دو شهری افزایش یافته است. تعداد مدارس منطقه کهریزک و فشافویه که در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ انگشت شمار و منحصر به مدارس ابتدائی در کهریزک، زیوان فشافویه، تورغوز آباد، حسن آباد، احمدی راد و احمد آباد بود اکنون به شرح زیر به ۲۰۳ باب (در سال تحصیلی ۸۸- ۱۳۸۷) افزایش یافته است.

دوره	آماد	دبس	راهنمای	متوسطه و پیش	جمع
شهری	۹۷	۱۰۲	۱۱۱	۱۶۲	۵۱۰
فشافویه	۲	۱۷	۸	۱۱	۳۸
کهریزک	۲۸	۶۰	۳۷	۴۰	۱۶۵

تعداد دانش آموزان دبیرستانی که در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ منحصر به ۱۹۲ نفر دانش آموز در دبیرستان عظیمیه شهری بود پس از ۵۸ سال به ۲۸۹۶۳ نفر در سال تحصیلی ۸۸- ۱۳۸۷ افزایش یافته است.

توزیع دانش آموزان به تفکیک دوره تحصیلی در ۲ ناحیه شهری، فشافویه و کهریزک بشرح جدول زیر خلاصه میشود:

جدول شماره ۲- توزیع دانش آموزان شهرستان ری به تفکیک دوره تحصیلی در سال ۸۸-۱۳۸۷شمسی

دوره تحصیلی	آمادگی	دبستان	راهنمائی	متوسطه وپیش	جمع
ناحیه ۱ شهری	۸۷۳۴	۱۷۴۷۸	۱۰۲۹۱	۱۲۵۶۰	۴۱۲۵۱
ناحیه ۲ شهری	۸۸۷۷	۱۸۷۴۰	۱۲۴۱۲	۱۶۴۰۳	۴۱۷۹۹
جمع شهری	۱۷۶۱۳	۳۶۲۱۸	۲۲۷۰۳	۲۸۹۶۳	۸۳۰۵۰
فشافویه	۲۷	۲۷۷۸	۱۴۰۵	۱۰۰۵	۵۲۱۵
کهریزک	۶۲۸	۱۰۶۴۹	۶۳۹۱	۵۳۸۸	۲۳۰۵۶

رشد و افزایش کادر آموزشی مدارس شهرستان ری در ۵۸ سال گذشته

در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی در ۳۱ باب دبستان شهری جمعاً ۱۶۱ نفر آموزگار مرد وزن مسئولیت تدریس ۳۳۰۰ نفر دانش آموز دبستانی را عهده دار بوده اند. پس از ۵۸ سال تعداد کل

کارکنان آموزش ابتدائی در شهرری به ۱۸۹۲ نفر در سطح شهرستان ری با احتساب کهریزک و فشافویه به ۲۴۴۵ نفر افزایش یافته است.

جمع کل کارکنان آموزشی (در سطوح مختلف تحصیلی) و اداری در مراکز شهری و مناطق روستائی ۹۳۱۳ نفر بوده است.

از این تعداد ۳۰۶۸ نفر در مناطق روستائی و ۶۲۴۵ نفر در مراکز شهری بخدمت اشتغال داشته اند.

کادر آموزش متوسطه شهرستان ری از ۱۸ نفر (۱۴ نفر دبیر و ۴ نفر کادر اداری) در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ به ۲۴۴۳ نفر در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ افزایش یافته است. توزیع کارکنان به تفکیک نواحی ۱ و ۲، فشافویه و کهریزک بشرح زیر خلاصه میشود:

توزیع کل کارکنان آموزش و پرورش شهرستان ری به تفکیک جنس و نواحی در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷شمسی[1]

دوره تحصیلی	آموزش ابتدائی	راهنمائی تحصیلی	متوسطه و پیش دانشگاهی	جمع کل کارکنان	جمع کل در مناطق روستائی
ناحیه ۱ شهرری مرد و زن	۸۸۸	۶۲۱	۷۹۹	۲۵۴۲	۱۰۵۲
ناحیه ۱ شهرری زن	۷۵۶	۴۲۶	۶۰۰	۱۹۱۴	۷۵۴
ناحیه دو شهرری مرد وزن	۹۴۱	۶۷۲	۱۱۳۲	۳۰۵۷	۲۸۱
ناحیه دو شهرری زن	۸۱۶	۴۴۰	۸۱۲	۲۲۳۱	۲۱۰
جمع شهرری- مرد و زن	۱۸۲۹	۱۲۹۳	۱۹۳۲	۵۵۹۹	۱۳۳۳
جمع شهرری زن	۱۵۷۲	۸۶۶	۱۴۱۲	۴۱۴۵	۹۶۴
درصد زنان فرهنگی به کل کارکنان	٪۸۶	٪۶۷	٪۷۴	٪۷۵	٪ ۷۲
فشافویه مرد و زن	۹۰	۶۳	۶۷	۲۷۵	۲۵۴
فشافویه زن	۷۵	۳۸	۳۶	۱۶۶	۱۶۴

[1] ماخذ: آمار آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ شمسی ص ۳۲۸ و ۳۲۹

کهریزک – مرد وزن	۵۲۶	۳۷۰	۴۳۴	۱۴۳۹	۶۸۰
کهریزک – زن	۴۶۳	۲۳۲	۲۸۳	۱۰۲۸	۴۹۰

حکیم ابولقاسم فردوسی (تولد۳۲۹ فوت ۴۱۶ هجری قمری)

فردوسی در سال ۳۲۹ هجری در شهرطوس متولد گردید و پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش، در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد و بااستعداد و ذوق فراوان خویش در تاریخ کشورمان، وقایع تاریخی ایران باستان را در طول ۳۰ سال زحمت و رنج بصورت شاهنامه تدوین و تنظیم نمود و بقول خودش:

بسی رنج بردم در این سال سی — عجم زنده کردم بدین پارسی

فردوسی که همزمان با سلطان محمود غزنوی میزیست سعی می کرد با نصایح فراوان خویش محمود را در جهت مردمی تغییر دهد ودرین مورد چنین اشاره میکند:

ایا شاه محمود کشور گشای — زکس گرنترسی به ترساز خدای

که پیش از توشاهان فراوان بدند — همه تاج داران کیهان بودند

نکردند جز خوبی و راستی — نگشتند گرد کم و کاستی

کتاب تاریخی شاهنامه که پس از یکهزار سال هنوز از نظر ادبی تازه و بی مانند است نتیجه یک عمر زحمات بی شائبه و فوق العاده اوست ولیکن محمود غزنوی در پرداخت حق الزحمه فردوسی تعلل می ورزید و هنگامی دستمزد زحمات او را پرداخت کرد که شاعر تاریخی و بی مانند ما پس از ۸۷ سال زندگی تاریخی و پر افتخار خویش در سال ۴۱۶ هجری در طوس فوت و آرامگاه این شاعر بزرگ در طوس زیارتگاه ایرانیان و ایران شناسان است. جالب توجه اینکه در سال ۱۳۴۴ شمسی که نگارنده این تحقیق در هندوستان بودم، کتاب شاهنامه بصورت کامل و جذاب در شهرستان لگنهوی هندوستان چاپ شده بود.

حکیم غیاث الدین ابوالفتح،عمربن خیام نیشابوری

در تاریخ ولادت این حکیم بزرگ اختلاف زیادی وجود داردو می توان تاریخ ولادت او رادر حدود سالهای ۴۱۷ تا۴۲۵ ذکر نمود.درباره محل تولد وی وحدت نظری بین مورخین نیست وقطب الدین شیرازی محل تولد او را نزدیک شهر مرو ذکر نموده است.

حکیم عمر خیام به شهرهای مختلف خراسان، بلخ، نیشابور، ری، عراق، اصفهان وماورا النهر مسافرت نموده وعلاوه بر رشته پزشکی در رشته فلسفه ،نجوم،ریاضی نیز صاحب نظر بوده است واشعار او بصورت دیوان خیام به زبانهای مختلف انگلیسی، فرانسه، روسی، ایتالیایی، اردو، عربی، و ترکی ترجمه وچاپ شده است. دیوان اشعار خیام به زبان انگلیسی به بهترین نحو توسط یک ایران شناس معروف بنام جرالد فورد Gerald ford چاپ گردیده است.

خیام معاصر ملکشاه سلجوقی وپسرش سنجر بوده ودر سال ۴۶۷ هجری قمری به امر ملکشاه به اتفاق ۷ منجم دیگر به اصلاح تقویم هجری شمسی اقدام و نوروز را که در اواسط برج حمل بود به اول حمل (فروردین) که ابتدای بهار است منتقل وآن را بنام تقویم جلالی (جلال الدین ملکشاه سلجوقی) نامیده اند که برای همیشه معیار زمان ما می باشد.

خیام رصد خانه بزرگی به امر ملکشاه بنا نمود که متاسفانه مبدا با حملات محمود غزنوی و چنگیز خان مغول از بین رفته است. پس از فوت ملکشاه دشمنان خیام بر او چیره شده و اواخر عمر را به سختی گذرانده است و در این زمان کتاب مشهور خویش بنام جبر ومقابله را تالیف واز ابنای روزگار شکایت نموده است.

وفات عمر خیام در سال ۵۱۷ هجری قمری ومدفن او شهرستان نیشابور است.[1]

به همت مولف روبروی مقبره خیام در سال ۱۳۵۲ یک باب دانشسرای مقدماتی دخترانه تاسیس گردید. این شاعر حکیم در اغلب علوم عصر خود مخصوصاً در نجوم و پزشکی مهارت کامل

[1] ماخذ-کتاب زندگی عمر خیام نیشابوری چاپ محمد، چاپخانه محمد علی علمی

داشته و هنگامیکه از حساب نجوم و تحقیق در مسائل پزشکی خسته میشد برای تفریح خاطر و کاهش تاثرات خویش بسرودن رباعیات می پرداخت و افکار خود را بصورت شعر بیان می نمود. در مورد بی خبری بشر در برابر راز آفرینش و معمای جهان هستی میگوید:

در دایره ای که آمدن و رفتن ماست — او را نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می نزند در این معنی راست — کین آمدن از کجا و رفتن به کجاست

از آمدنم نبود گردون را سود — و ز رفتن من جاه و جلالش نفزود
وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشود — کین آمدن و رفتنم از بحر چه بود

ما لعبتکانیم و فلک لعبت باز — از روی حقیقتیم نه ا ز روی مجاز
بازیچه همی کنیم بر نطع وجود — افتیم بصندوق عدم یک یک باز

وفات او بقول عروضی سمرقندی چند سال قبل از ۵۳۰ هجری بوده است.

*ماخذ تاریخ ادبیات ایران، تالیف عباس اقبال آشتیانی، ص۱۶۲ تا ۱۶۶ چاپخانه دانش تهران

شیخ الرئیس .ابو علی سینا

سال تولد او بر مبنای اطلاعات ابن خلکان و تاریخ بیهقی سوم ماه صفر سال ۳۷۰ هجری قمری و در سن ۲۲ سالگی پدرش فوت نمود.و او نا گزیر وارد خدمت دولتی گردید، پدرش اسماعیلی مذهب ورساله اخوان الصفا را مطالعه مینمود.

کتاب مورد علاقه شیخ در جوانی ((اغراض کتاب ما بعدالطبیعه)) به قلم ابن نصر فارابی است که پس از ارسطو او را معلم ثانی نامیده اند. در سال ۳۸۷ هجری او در بخارا نوح بن منصور سامانی را معالجه کرد و پس از فوت نوح بن منصور، بو علی از بخارا به نیسا (نزدیک سرخس)، باورد،طوس، سنگان، وجاجرم و سر انجام به گرگان، به خدمت قابوس بن وشمگیر رفت. (چند سال قبل از حمله محمود غزنوی به خوارزم)، این عزیمت قبل از سال ۴۰۳ هجری قمری بوده است.

پس از مدتی اقامت در گرگان به ری نزد سیده خاتون وپسرش مجدالدوله رفت و او را که به مرض مالیخولیا مبتلا شده بود نجات دادوسپس به همدان نزد شمس الدوله دیلمی رفته و در سالهای ۴۰۵ تا۴۱۲ هجری دو بار به وزارت شمس الدوله رسید.

پس از مدتی اقامت در همدان، بو علی سینا به اصفهان رفته ودر این شهر به اتمام کتاب شفا پرداخت وپس از آن کتاب الانصاف را تالیف نمود.

بو علی سینا در تمام زمان حیات خویش وپس از خودش مورد احترام تمام طبقات بخصوص حکما و علما بودوتنها کسی است که به لقب شیخ الرئیس وحجت الحق ملقب شده است.
نویسندگان دائره المعارف بریتانیا درباره او چنین گفته اند:

این یک حقیقت است که بو علی سینا از قرن ۱۲ تا۱۷ میلادی راهنمای علم طب بوده وکتب او در دانشگاههای اروپا تدریس می شده است.کتاب قانون او ۳۵ بار در قرن ۱۵ و۱۶ میلادی به زبان لاتین ترجمه وچاپ شده است و در سال ۱۹۳۰ قسمتهائی از این کتاب به زبان انگلیسی ترجمه شده است. دکتر عبداله شیبانی استاد فیزیولوژی و تشریح، دانشکده طب وعلوم در سالهای ۳۲ تا ۳۵ شمسی، نسخه فارسی این کتاب را جهت اطلاع دانشجویان به کلاس درس می آورد[1]

علاوه بر کتاب قانون، شیخ الرئیس بیش از ۱۳۰ جلد کتب علمی وفلسفی تالیف نموده است که فهرست آنها در کتاب حجت الحق ابو علی سینا تالیف دکتر صادق گوهرین در صفحات ۶۲۰ تا ۶۳۹ مندرج است ودر اینجا به ذکر تعدادی از آنها اشاره میشود.

۱- شفا
۲- آثارالباقیه
۳- القولنج
۴- دانش نامه
۵- نجات
۶- ادویه قلبیه
۷- حواشی قانون
۸- مختصری از نبض
۹- رساله کاسنی
۱۰-دستور طبی
۱۱- قصیده ای از طب که به لاتین ترجمه شده است.[2]
۱۲-دانش نامه اعلائی (جهت مطالعه شخصی علاالدوله)
۱۳-کتاب الحدود (در هند و مصر بطبع رسیده است)
۱۴- فی علم الاخلاق
۱۵- رساله فی العشق
۱۶-رساله فی الموسیقی در هند چاپ شده است.
۱۷- فی علم النفس ،نسخ خطی آن در کتابخانه های اکسفورد ولیدن موجود است
۱۸- رساله فی مسائل طبیعی
۱۹- رساله فی اصول النفس
۲۰- منطق فارسی
۲۱- اربع مسائل فی المعاد

چو بو علی می ناب ار خوری حکیمانه بحق حق که وجودت بحق شود ملحق

[1] مولف در سال ۳۲ تا۳۵ افتخار شاگردی استاد شیبانی را داشته است

[2] ماخذ-کتاب حجت الحق ابو علی سینا تالیف دکتر صادق گوهرین چاپ ۱۳۴۷ ،محمد علی علمی

منابع تحقیق در مورد پیش کسوتان فرهنگی ما

۱ -سالنامه احصائیه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در ۱۳۰۴ هجری شمسی تألیف علی اصغرخان حکمت رئیس تفتیش وزارت معارف در ۹۲ صفحه.

۲ -سالنامه احصائیه وزارت معارف و اوقاف در سال ۱۳۰۹- ۱۳۰۸ شمسی در ۱۵۳ صفحه مطبعه روشنائی

۳ -سالنامه فرهنگ شهری در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ شمسی در ۸۸ صفحه، شرکت سهامی چاپ

۴ -تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، تألیف حسین سلطانزاده ۱۳۶۴، انتشارات آگاه.

۵ -جغرافیای تاریخی ری- طهران تألیف سرتیپ میرحسین یکزیگان، چاپ دانشکده افسری در ۱۳۳۲ شمسی

۶ -اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه تألیف دکتر غلامعلی سرمد ۱۳۷۲ چاپ دیانت

۷ -اسناد مربوط به قانون اعزام محصل (از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳) تألیف دکتر عبدالحسین نوائی و الهام ملک زاده تهران ۱۳۸۲ شمسی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۸ -تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون تألیف احمد (ایرج) هاشمیان چاپ اول ۱۳۷۹ سحاب

۹ -کتاب ایران در عهد صفوی تألیف راجر سبوری R.M.savory ترجمه کامبیز عزیزی چاپ ۱۳۷۰

۱۰ -تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا سال ۱۳۸۰ شمسی، تألیف امان الله صفوی. ۱۳۸۳ چاپ رشد

۱۱ -زندگی نامه مرد جهانی از بیرجند (دکتر محمد حسن گنجی) از انتشارات مؤسسه سحاب چاپ ۱۳۸۹.

۱۲ -زندگی نامه دکتر عبدالحسین نوائی به کوشش الهام ملک زاده از ویکی پدیا

۱۳ -کتاب فیلسوف ری محمد بن زکریای رازی تألیف دکتر مهدی محقق چاپ تهران ۱۳۴۹ توسط انجمن آثار ملی شماره ۷۳.

۱۴ -گزارش زندگی دکتر علی اکبر سیاسی، نشر اختران چاپ ۱۳۸۶.

راهنمای مطالعه شرح حال مختصر پیش کسوتان در این بررسی

ردیف	شرح	صفحه	ردیف	شرح	صفحه
۱	آذر دکتر مهدی	۶۷	۲۳	بنان غلامعلی خان	۱۴۷
۲	آراسته نادر	۱۱۹	۲۴	پسیان میرزا اسماعیل	۱۲۴
۳	آزاد میرزا حسین خان	۱۳۵	۲۵	پور داوود ابراهیم	۱۲۴
۴	ابن باویه، شیخ صدوق	۲۹	۲۶	جامی غیاث الدین	۳۹
۵	ابومسلم خراسانی	۱۶	۲۷	حافظ	۳۵
۶	ابتهاج ابوالحسن	۱۳۴	۲۸	حکمت علی اصغر	۶۴
۷	ابن عمید	۲۳	۲۹	حسابی محمود	۶۶
۸	ابوعلی سینا	۱۷۰	۳۰	حسین و حسن پیرنیا	۱۲۷
۹	احیاء الملک شیخ محمد	۱۲۵	۳۱	خیام	۱۶۹
۱۰	ادیب الدوله محمد حسن	۴۹	۳۲	درخشش محمد	۶۸
۱۱	ادیب الدوله محمد حسین	۴۹	۳۳	رازی حسن	۵۳و۸۰
۱۲	ارفع حسن	۱۲۵	۳۴	رازی محمد ذکریا	۱۷
۱۳	اساتید دارالفنون در زمان	۴۷	۳۵	رازی فرخ خان	۱۵
۱۴	اعلم الدوله خلیل خان	۱۲۲	۳۶	رازی شمس الدین قیس	۳۷
۱۵	اعلم غلامحسین	۱۲۳	۳۷	رجائی محمد علی	۷۱
۱۶	اعتضاد السلطنه علی قلی	۵۴	۳۸	زاکانی عبید	۳۵
۱۷	امیر کبیر	۴۲	۳۹	سحاب عباس	۱۲۹
۱۸	امیراعلم امیرخان	۱۲۳	۴۰	سحابی یدالله	۱۴۲
۱۹	اولین اساتید دارالفنون	۴۳	۴۱	سعدی	۳۴
۲۰	اولین اساتید طب دارالفنون	۴۵	۴۲	سندباد نیشابوری	۱۶
۲۱	باهنر محمد	۷۲	۴۳	سیاسی علی اکبر	۱۳۲
۲۲	بهزاد استاد	۳۹	۴۴	سلجوقی طغرل	۲۴

راهنمای مطالعه شرح حال مختصر پیش کسوتان در این بررسی

A historical research on educational pioneers in iran

By mehdi safinejad
With the assistance of
Bahman safinejad
July,۲۰۱۱ Tir ۱۳۹۰

متمم فصل اول: از جنگ قادسیه تا انقراض بنی امیه

۱. اشاره مختصری به موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران در اواخر دوره ساسانیان

عوامل خارجی سقوط و فروپاشی ساسانیان

۲. جنگ های عرب ها با سپاه ایران:

A جنگ قادسیه

B جنگ جلولا

C جنگ شوش

D جنگ نهاوند

۳. مقاومت های محلی ایرانیان پس از سقوط نهاوند

۴. قتل عمر در سال ۲۵ هجری

۵. قیام فرخ خان رازی در سال ۶۴ هجری

۶. بیداری و شورش های ایرانیان جنگ زاب در سال ۱۳۲ هجری

۷. روابط ایرانیان با خلفای عباسی پس از سقوط بنی امیه

۸. نخستین شعر به زبان فارسی در شهر ختلان خراسان در سال ۱۱۹ هجری

۹. قیام ابومسلم خراسانی در سال ۱۲۹ هجری

۱۰. قیام سندباد گبر نیشابوری در سال ۱۳۲ هجری

" اشاره مختصری به موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران در اواخر دوره ساسانیان"

در زمان انوشیروان ولایت حیره (عراق کنونی) تحت حمایت تیسفون قرار داشت و سرزمین یمن نیز تابع دستورات دولت ساسانی بود، در مکه، طائف و یثرب، عرب ها و جهودان به امور کشاورزی و بازرگانی مشغول و دولتمردان ساسانی را از آن ها دغدغه و تشویشی نبود. در پایان سلطنت انوشیروان، موقعیت سیاسی و نظامی کشور به شدت متزلزل گردیده، سران سپاه، یاغی و روحانیت نیز غرق در فساد و خودکامگی بود. منشاء این فساد، قدرت و اعمال نفوذ بیش از حد موبدان زرتشتی، تشتت و اختلاف نظر در عقاید آنان بود بعبارت دیگر موبدان در ریا و تعصب، دروغ و رشوه غرق بودند. این عوامل موجب گردید که برزویه حکیم (سلمان فارسی) از آن ها به شدت متنفر گردیده ابتدا آیین ترسا گزید و چون خرسندی نیافت سرانجام به نزد محمد رسول الله رفته و مسلمان گردید.

مزدک و مانی برای اینکه تحول مثبتی در اوضاع اجتماعی و دینی به وجود آورند کوشش زیادی کردند ولیکن متأسفانه کوشش های آنان با مقاومت شدید روحانیون زرتشتی و مخالفت سران سپاه مواجه گردید. این تشتت آراء و ملوک الطوایفی پس از انوشیروان و خسروپرویز شدت بیشتری یافته و سرانجام موجبات تباهی وسقوط سلسله ساسانیان فراهم گردید.

عوامل خارجی سقوط و فروپاشی ساسانیان:

در صدر اسلام، خلفا و فرمانروایان عرب بر خلاف ساسانیان و امرای آن ها که دارای زندگی پر زرق و برق و غرق در فساد اداری و اجتماعی بودند، خیلی ساده زندگی نموده و حتی زندگی

خلیفه در مدینه بسیار ساده و عاری از هرگونه تجمل بود، حتی سلمان فارسی که تازه مسلمان بود و بعدها از جانب عمر به حکومت مدائن رسید بسیار ساده می زیست و جامه ای پشمین داشت. این زندگی ساده و زاهدانه از نظر ایرانی ها بسیار شگفت انگیز بود زیرا ایرانیان که تا به حال با رنج زیاد مالیات های مختلف را پرداخت نموده و شاهان را تا درجه خدایی می پرستیدند ملاحظه کردند که عرب های ساده و بادیه نشین با خلیفه یا پیغمبر خویش به سادگی نشست و برخاست نموده و در هنگام سخنرانی وی در مسجد می توانستند سخن وی را قطع کرده و اظهار نظر نمایند. فرمانروایان عرب سپاهیان خویش را نوید می دادند که اگر در جنگ پیروز شوید بر غنائم زیادی دست یافته و اگر کشته شوید به بهشت موعود خواهید رفت. پس از پیروزی در هر جنگی عده زیادی از زنان جوان و دختران را به عنوان غنیمت جنگی اسیر و تصرف می کردند. (به عنوان کنیز). هنوز هم این رسم غیر انسانی ادامه دارد و نمونه بارز آن برخورد شرطه های عربستان با زوار زن ایرانی پس از انقلاب اسلامی است که یک بار حدود ۳۰۰ نفر از زنان جوان ایرانی را شرطه ها به غنیمت گرفته و به کنیزی بردند (این نقل قول یک زوج ایرانی است که از شهر ری به زیارت مکه رفته بودند).

سپاهیان عرب پس از تصرف هر شهر به مردم می گفتند مسلمان شوید و یا باید به صاحب خویش هر روز جزیه دهید. میزان این مالیات روزانه برای افراد متغیر و حداقل ۲ درهم بود.

جنگ های عرب ها با سپاه ایران

جنگ قادسیه

وقتی عمر به خلافت رسید یزدگرد پادشاه ساسانی در مدائن و عرب ها در منطقه حیره (عراق کنونی) با سپاهیان خویش مستقر بودند، یزدگرد، رستم فرخ هرمزد را که سپهبد خراسان بود فراخوانده و از او خواست برای گوشمالی اعراب اقدام نماید. فرماندهی سپاهیان عرب در این جنگ با ابوعبید بن مسعود ثقفی بود که با سپاهیان ایران در منطقه فرات درگیر شدند. در هنگام نبرد، پیلی از سپاه ایران ابوعبیده را با خرطوم ربوده به زیر پا افکند و سپاهیان عرب فرار را برقرار ترجیح دادند و بگریختند. ابوعبیده با زحمات زیاد از زیر دست و پای پیلان جنگی خود را نجات داده به نزد عمر در مدینه رفت و تقاضای کمک و سپاهیان مجهز بیشتری نمود. پس از ۴ ماه بار دیگر مجدداً جنگ سختی بین دو سپاه درگرفت. در روز چهارم جنگ طوفان بسیار شدیدی به طرف لشگر ایران وزید و هوا تیره و تار گردید. این موقعیت موجب گردید که پیلان جنگی سپاه ،غیر قابل کنترل گردیده به طرف نیروهای خودی برگشت نموده و نظم سپاه ایران کاملاً بهم خورد و رستم فرخ هرمزد به دست عربی به نام هلال بن علقمه کشته شد و درفش کاویانی و خزائن لشگر به دست سعد وقاص افتاد.

پس از جنگ قادسیه عرب ها راه مدائن را پیش گرفتند و چندین ماه شهر را محاصره نمودند که منجر به قحطی در داخل شهر گردید. یزدگرد برادر رستم را به سپهسالاری لشگر برگزیده و برای جمع آوری سپاه عازم شهر حلوان گردید.

پس از تسلیم مدائن سعد وقاص عازم تیسفون گردید که مرکز آثار تاریخی ایران و بناهای عظیم و گنجینه های با ارزش بود و در کهن دژ آن قصر ابیض قرار داشت که شاهان اشکانی آن را ساخته بودند و ایوان کسری نیز در این قصر قرار داشت که ساخته شاپور اول بود. متأسفانه پس از سقوط تیسفون بیشتر این آثار گران بهای باستانی توسط مهاجمین عرب ویران گردید.

جنگ جِلولا

پس از تسلیم مدائن، سران سپاه و بزرگان کشور ایران از مناطق مختلف در جلولا حضور یافته و آماده مبارزه با عرب ها گردیدند و اطراف لشگر خندق کندند. سعد وقاص فرمانده لشگریان عرب نیز با کمک عمر در پشت خندق شهر خیمه زده و پس از جنگ بسیار سخت و طولانی، سپاهیان عرب پیروز گردیده، شهر سقوط کرده و غنائم زیادی به دست عرب ها افتاد، سپاهیان عرب ، زنان و دختران زیادی را به عنوان غنیمت جنگی اسیر کرده و با خود بردند. از ملاحظه این اسرای زن، عمر می گفت از فرزندان این زنان باید به خدا پناه بریم. در جنگ جلولا که آخرین مبارزه متمرکز سپاه ایران در برابر هجوم عرب ها بود بیش از یکصد هزار نفر کشته شدند.

جنگ شوش

پس از جنگ جلولا یکی از سرداران ایرانی به نام هرمزان، با موافقت یزدگرد برای جلوگیری از هجوم اعراب عازم شوشتر و شوش گردیده و با ایجاد حصار مستحکم آماده دفاع در برابر عرب ها گشت، سپاهیان عرب به فرماندهی ابوموسی اشعری شهر شوش را محاصره کرده ولی قادر به

تصرف شهر نبودند. متأسفانه یکی از بزرگان شهر به نام "سنیه" با خیانت خویش و با یک نقشه دقیق با ابوموسی تماس گرفته و با گرفتن امان برای ۶۰ نفر از منسوبین خویش برای تصرف شهر توسط سپاه دشمن کمک نمود (از طریق آشنایی دشمن با یک راه محرمانه و مخفی به داخل شهر). سپاهیان عرب پس از تصرف شهر، هرمزان را در داخل شهر اسیر نموده، و او را جهت تعیین تکلیف به نزد عمر فرستادند. ابوموسی به ۶۰ نفر مذکور امان داده ولی طراح نقشه را که برای خودش امان نخواسته بود ،کشت. هنگامیکه هرمزان را به نزد عمر بردند او در مسجد خفته بود و شمشیری زیر سر داشت. هرمزان چون تشنه بود آب خواست و پس از گرفتن ظرف آب دست او می لرزید، عمر گفت تا آب را نیاشامی کشته نخواهی شد او هم آب را به زمین ریخت و عمر ناگزیر از کشتن او صرف نظر نمود.

جنگ نهاوند در سال ۲۱ هجری قمری

پس از جنگ جلولا ، یزدگرد ساسانی از تمام مردان سپاه در مناطق مختلف کشور (از کرانه های خزر تا جیحون و فارس) کمک خواست تا بتواند جلوی هجوم عرب ها بگیرد. پس از جمع آوری نیروهای امدادی، فرماندهی این سپاه که نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر بود با فیروزان و محل استقرار آنان نزدیک نهاوند بود. دو سپاه ایرانی و عرب رو به روی هم قرار گرفته ولی جنگ را شروع نکردند زیرا تقویت و افزونی سپاه ایران موجب ترس و هراس سپاه عرب گردیده و پس از مدتی سران سپاه عرب با حیله ای خاص اعلام کردند که خلیفه عرب (عمر بن خطاب) در مدینه فوت نموده و سپاه عرب باید از جبهه جنگ عقب نشینی نموده و به مراکز مورد نظر خویش بازگردند.

سپاهیان ایران فریب حیله جنگی عرب ها را خورده و آن ها را دنبال و تعقیب نمودند. سپاهیان عرب ناگهان برگشته و جنگی سخت بین آنان درگرفت. پس از چند روز سپاهیان ایران شکست خورده و نهاوند نیز به دست عرب ها سقوط کرد. جنگ نهاوند آخرین نبرد منظم سپاهیان ایران در برابر عرب ها بود که در سال ۲۱ هجری قمری اتفاق افتاد و عرب ها جنگ نهاوند را فتح الفتوح نامیدند.[۱]

بدیهی است که هر شکستی می تواند منشاء تجربه جدید و مقدمه یک پیروزی باشد و شکست نهاوند را ایرانیان در سال ۱۳۲ هجری در منطقه زاب از توابع موصل جبران کرده و موجبات سقوط بنی امیه و پیروزی ایرانیان بر عرب ها را فراهم نمودند که در صفحات بعد بدان اشاره خواهد شد.

مقاومت های محلی ایرانیان پس از سقوط نهاوند و شورش های اهالی ری تا قیام فرخ خان رازی

پس از سقوط نهاوند در سال ۲۱ هجری در زمان خلافت عمربن خطاب، عمربن زیدالخیل طائی فرمانده سپاه اعراب به ری لشکر کشید و آن جا را تصرف نمود، اهالی ری چندین بار با فاتحان عرب صلح کرده و هر چندگاه که امیر عرب تغییر می یافت مجدداً شورش می نمودند. در سال ۲۲ هجری نعیم بن مقرن مجدداً به فرمان عمر در محلی به نام واجود به جنگ مردم ری رفته و پس از

[۱] دو قرن سکوت تالیف دکتر عبدالحسین زرین کوب ص ۲۹۹،۳۰۰،۳۲۳،۳۲٤

شکست مردم ری زینبی پدر فرخان از ری بیرون آمده و پس از مذاکره با نعیم، طالب صلح و مسالمت گردید ولیکن سیاوخش بن مهران سردار ایرانی با نظر نعیم و زینبی مخالفت نموده و برای مبارزه با آن ها از سایر مناطق کشور بخصوص از دماوند، جرجان و تبرستان و مصمغان (مرکز روحانیت زرتشتی) که در رینه دماوند مستقر بودند تقاضای کمک نمود. نیروهای امدادی به خاطر ترس از تسلط اعراب، برای تقویت و کمک به سیاوخش عازم ری گردیده و در بالای کوهستان در شمال شرقی ری (کوه بی بی شهربانو) مستقر و با سپاهیان نعیم و زینبی شروع به جنگ نمودند. سپاهیان امدادی از حیث نفرات به مراتب بیشتر ولیکن زینبی با شیوه جنگی خویش بدون آگاهی سیاوخش سواران نعیم را به شهر وارد نمود و نعیم به سپاهیان امدادی شبیخون زده و پس از این شکست نعیم موافقت نمود که کماکان مرزبانی ری با زینبی باشد و با مصمغان نیز مصالحه کرد و فتح نامه را همراه با خمس اموال تصرفی به نزد عمر فرستاد.[۱]

سرانجام در زمان حکومت ابوموسی اشعری بر کوفه وضع ری آرام گردید و ابوموسی عازم قم و اصفهان گردید و مسلمانی بر مردم عرضه کرد، نپذیرفتند. از آن ها جزیه خواست قبول کردند ولیکن روز بعد مجدداً با سپاهیان ابوموسی به جنگ برخاستند.

در سال ۲۸ و ۳۰ هجری مردم استخر فارس با رشادت و گستاخی در برابر عبداله بن عامر شورش کرده و عامل وی را که حاکم استخر بود کشتند. عبداله نیز متقابلاً با بی رحمی زیاد خون همگان

[۱] تاریخ ری- تهران تالیف سرتیپ میرحسین یکرنگیان ص ۷و۸ چاپ ۱۳۳۲

را مباح نموده و هزاران نفر از مردم بی گناه استخر را بکشت.[1] در سال سی ام هجری مردم خراسان نیز که دین اسلام را پذیرفته بودند مرتد شدند و عثمان عبداله عامر و سعید بن عاص را برای سرکوبی آن ها فرستاد. پس از این سرکوبی، منطقه سیستان نیز به دست اعراب افتاد ولیکن پس از قتل عثمان مردم سیستان نیز سر به شورش برداشته و حاکم عرب را از آن شهر بیرون کردند. در زمان خلافت عمر مرزبانان آذربایجان که در اردبیل مستقر بودند با عرب ها سخت مبارزه نمودند و سرانجام با فرمانده اعزامی عمر به نام خدیقه بن الیمان با پرداخت ۸۰۰ هزار درهم صلح کرد ولی پس از تعویض او مجدداً مردم آذربایجان شورش نمودند. این شورش ها و مقاومت ها برای بازگشت دولت ساسانیان نبود، برای آن بود که تسلیم امرای عرب نگردیده و جزیه سنگینی را که بر آن ها تحمیل می شد نپردازند.

قتل عمر در سال ۲۵ هجری[2]

ابو لوءلوء فیروز اهل نهاوند بود و پس از سقوط نهاوند به دست مسلمانان اسیر گردید، صاحب وی عربی بود به نام مغیرهٔ بن شعبه و فیروز ناگزیر از پرداخت ۲ درهم جزیه روزانه به وی بود. شغل فیروز درودگری و پرداخت این مقدار جزیه روزانه برایش مشکل بود و پس از مدتی ناگزیر به عمر شکایت کرد ولیکن این شکایت برای او سودی نداشت (عمر به وی گفت که این جزیه حداقل است و تو باید روزانه ۴ درهم جزیه بدهی). در ماه ذی الحجه سال ۲۵ هجری، هنگامیکه

[1] دو قرن سکوت تالیف دکتر عبدالحسین زرین کوب ص۸۵ و ۸٦
[2] همان ص ۸۵ و ۹٦

عمر برای ادای نماز صبح به مسجد رفته بود ابو لوءلوء فیروز که در صف اول نمازگزاران نشسته بود قبل از اینکه عمر برای شروع نماز در جلوی صف قرار گیرد به سوی او حمله نمود و او را با ۶ ضربه کارد بکشت (ضربۀ زیر ناف از همه ضربه ها موثرتر بود). در این قتل فیروز را هرمزان و چند نفر دیگر همراهی کردند و بدین ترتیب کینه شکست و ضربتی را که از دست عمر در جنگ های قادسیه، جلولا و نهاوند دیده بودند در شهر مدینه تلافی کردند.

قیام فرخ خان رازی در سال ۶۴ هجری[۱]

در سال ۶۴ هجری پس از مرگ یزید بن معاویه، مردم ری برای اولین بار علیه خلفای بنی امیه قیام نموده و سردار آن ها به نام فرخ خان رازی آغاز خلافت نمود. در این زمان امیرالعراقین کوفه عامر بن مسعود بود، وی محمد بن عطار دیلمی را به جنگ فرخ خان رازی فرستاد که در اولین برخورد نظامی مردم ری او را گریزاندند. پس از عامربن مسعود، در هنگام ولایت مصعب بن زیاد بر کوفه،خوارج به ری گریختند .مردم ری آن ها را یاری نموده و یزیدبن شیبانی والی خود را بکشتند. این عمل برای مصعب قابل قبول نبوده و در سال ۶۸ هجری به منظور سرکوب قیام مردم ری ، و گوشمالی فرخ خان رازی ، عتاب بن ورقای ریاحی حاکم اصفهان را مجدداً مأمور اجرای این برنامه نمود .

[۱] تاریخ ری-تهران تالیف سرتیپ میرحسین یکرنگیان چاپ دانشکده افسری ص ۸ سال ۱۳۳۲ شمسی

در این جنگ که بین سپاهیان عتاب و فرخ خان روی داد، فرخ خان رازی کشته و یارانش گریختند. پس از این جنگ، حجاج والی کوفه ابتدا عدی بن زیاد را به حکومت ری فرستاد و پس از حجاج یزید بن مهلب والی شهرستان ری گردید.

بیداری و شورش های ایرانیان – جنگ زاب

در زمان هشام بن عبدالملک اموی[1]، یکی از شعرای ایرانی به نام اسماعیل بن یسار، در حضور خلیفه شعری خواند که در آن عظمت نژاد و تبار ایرانی را ستود و گفت کیست که مثل شاپور و هرمزان در خور فخر و تعظیم باشد و این اشعار موجب آشفتگی خاطر و پرخاش خلیفه گردید و به اسماعیل گفت که تو بر من فخر می فروشی و در برابر من قوم خویشتن را می ستائی، دستور داد تا او را بزدند و در برکه ای انداختند.

پس از مرگ یزید بن معاویه در سال ۶۴ هجری، ایرانیان پیکار عظیمی را علیه فاتحان آغاز نمودند . (ابتدا فرخ خان رازی از شهرستان ری، پس از او ابومسلم خراسانی، سند باد نیشابوری، بابک در آذربایجان، سپهبد خورشید و مازیار در طبرستان) سرانجام در زمان خلافت مروان بن محّمد یا مروان حار جنگ سرنوشت سازی بین سپاهیان خلیفه اموی و سپاهیان ایرانی به فرماندهی ابومسلم

---

[1] دو قرن سکوت عبدالحسن زرین کوب ص ۲۹۹ و ۳۰۰

که از خاندان بنی عباس حمایت می کرد، در منطقه زاب (از توابع موصل) در گرفت. در این جنگ ابومسلم پیروز و مروان پس از شکست به طرف دمشق و مصر رفته و کشته شد.

این جنگ که در سال ۱۳۲ هجری قمری اتفاق افتاد، موجب سقوط سلسله بنی امیه و پیروزی ایرانیان بر عرب ها گردید و به عبارت دیگر، ایرانیان شکست قادسیه را با پیروزی در جنگ زاب جبران نمودند .

پس از این جنگ ایرانیان مجدداً امتیازات کهن خویش را به نحو دیگری به دست آوردند و سرانجام قدرت حکومت به دست طاهریان و صفاریان افتاد و آنچه را که در آغاز یک طوفان (طوفان در روز چهارم جنگ قادسیه) بر باد رفته بود، مجدداً با دست توانای یعقوب لیث صفاری به ملت ایران بازگشت[۱] و زبان فارسی، زبان رسمی کشور ایران گردید.

روابط ایرانیان با خلفای عباسی پس از سقوط بنی امیه و سرنوشت ابن مقفع

پس از سقوط بنی امیه در سال ۱۳۲ هجری با کمک ابو مسلم و ایرانیان، بنی عباس جانشین بنی امیه گردید ولیکن در عمل خلفای عباسی به خاطر جلب رضایت اعراب ایرانیان را در حد خاصی نگه داشته و به هنگام ضرورت آن ها را کنار نهاده حتی ترتیب مصادره اموال و قتل آنان را می دادند. (سرنوشت خاندان برامکه، یحیی و فضل) بد تر از قتل، رفتار فجیع منصور خلیفه عباسی و سفیان بن معاویه (امیر بصره) با عبداله بن مقفع نویسنده و مترجم ایرانی است که کتاب کلیله و دمنه را از زبان پهلوی به عربی ترجمه نموده و باب برزویه را نیز بدان اضافه نموده است. ابن مقفع بیش از هر

[۱] دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین کوب ص ۳۲۳ و ۳۲٤

چیز قربانی رشک و حسد و کینه دشمنان خویش گردید و پس از بازداشت توسط سفیان بن معاویه به دستور وی، اندام های بدن مقفع را یک یک بریده و در پیش چشم سفیان در آتش سوزاندند.[1]

در دوره خلفای عباسی تدریجاً ایرانیان پست های بالاتر حکومت را در دست گرفتند و به نحوی که مأمون خلیفه عباسی (مادرش ایرانی بود) با اتکاء و حمایت ایرانیان با عرب ها قطع رابطه کرده، در خراسان و ری مستقر گردید ولیکن دوباره از بیم ایرانیان به بغداد برگشته و علی بن موسی الرضا ولیعهد خویش را با برنامه خاص از میان برداشت و سپس طاهر بن الحسین قاتل برادرش امین را برای آرام سازی خراسان اعزام نمود. طاهر پس از استقرار در خراسان داعیه استقلال یافت و مأمون هم فرمانروایی طاهریان را بر خراسان تصدیق و تأیید نمود و بدین ترتیب ایرانیان توانستند در قسمت مهمی از کشور با استقلال فرمانروایی نمایند.[2]

نخستین شعر به زبان فارسی[3]

در سال ۱۱۹ هجری در شمال خراسان اهالی شهر ختلان علیه امرای عرب سر به شورش برداشته و سردار عرب، اسدالله بن عبدالله قسری از خراسان عازم سرکوبی شورشیان ختلان گردید ولیکن بواسطه مقاومت شدید مردم، سپاه عبدالله قسری در این جنگ موفق نگردید و پس از رنج های

[1] دو قرن سکوت ص ۲۸۵
[2] همان کتاب ص ۲۰٤ تا ۲۰٦
[3] قدیمی ترین شعر فارسی است که از بیست مقاله قزوینی نقل شده است

فراوان با سرشکستگی و ناکامی به بلخ بازگشت و مردم و کودکان بلخ بدین مناسبت سرود طعنه آمیزی به شرح زیر برای وی سرودند:

از ختلان آمدیه   برو تباه آمدیه

آباره باز آمدیه   خشک و نزار آمدیه

پس از این تاریخ تا قیام یعقوب لیث صفاری در سال ۲۴۷ هجری، زبان عامیانه مردم، فارسی دری بود و کتاب های کلاسی و دینی به زبان پهلوی نوشته می شد ولیکن به طور رسمی اشعاری به زبان فارسی دری سروده نگردید.

ابومسلم و سیاه جامگان[1]، جنگ سرنوشت ساز زاب

نهضت سیاه جامگان از خشم و نفرت مردم خراسان نسبت به مروانیان (که جامه سیاه می پوشیدند) و عرب ها مایه می گرفت و آل عباس که از اواخر دوران بنی امیه آرزوی خلافت در سر داشتند، از این حس کینه توزی خراسانی ها نسبت به عرب ها استفاده کرده و آن ها را بر ضد خلافت مروانیان بنی امیه تحریک می نمودند و هدف ابومسلم و یاران او نیز برانداختن مروان اموی و گرفتن انتقام از عرب ها و احیای حکومت مستقل ایران بود.

در سال ۱۲۹ هجری ابومسلم دعوت خویش را آشکار و تمام دشمنان بنی امیه به او پیوستند و در زمانی کوتاه مردم از هرات، مرو، طالقان، سرخس، نیشابور، بلخ، ختلان و طخارستان به سپاه او

[1] تاریخ بلعمی، نسخه خطی

پیوستند. ابومسلم از یاران خویش خواست تا برخلاف امویان، لباس سیاه پوشیده و چوبدستی سیاه که آن را کافر کوب می گفتند، به دست گیرند. سپاه ابومسلم ابتدا به مرو آمده سپس راه عراق را پیش گرفتن و شهر کوفه نیز تسلیم آن ها شد. سرانجام جنگ سختی بین سپاه ابومسلم و سپاه یکصد هزار نفری مروان در محل زاب (از توابع موصل) در گرفت. سپاه مروان پس از شکست پا به فرار نهادند. مروان نیز به طرف دمشق و سپس به مصر رفت و آنجا کشته شد.

بدین ترتیب در سال ۱۳۲ هجری خلافت امویان در کنار زاب سقوط نمود[۱]. پس از جنگ زاب قدرت و عظمت ابومسلم در خراسان هر روز بیشتر می شد و خلافت بنی عباس در شهر کوفه بر روی خرابه های دولت اموی بنا گردید ولیکن نخستین خلیفه عباسی به نام ابوالعباس سفاح و برادرش منصور از ابومسلم و قدرت فزاینده او خیلی ترسیده و با خدعه و تزویر او را به دربار خویش دعوت و با اجرای توطئه خاص او را به قتل رسانیدند.

قیام سندباد گبر نیشابوری[۲] در سال ۱۳۲ هجری

سندباد یکی از بزرگان نیشابور و دوست ابومسلم خراسانی بود که در یکی از قراء نیشابور به نام آهن ساکن و دارای ثروت فراوانی بود. مثل ابومسلم جامه سیاه پوشیده و چوبدست سیاه همراهش داشت و از مبارزات ابومسلم با کمال قدرت حمایت می کرد. هنگامیکه ابومسلم در روزهای آخر عمرش به نزد منصور می رفت سندباد را به نیابت خویش برگماشته و او را با خزانه و اموالش به

[۱] دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین کوب ص ۱۳۷
[۲] دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین کوب ص ۱٤٦، ۱۵۲

ری فرستاد. پس از قتل ابومسلم سندباد هم، گبران مناطق ری تا نیشابور را به خونخواهی ابومسلم دعوت و به زودی با سپاهی از هواداران خویش عازم قزوین گردید ولیکن حاکم قزوین با شبیخون سپاه او را درهم شکست. پس از این جنگ منصور خلیفه عباسی فرمانده سپاه خویش جمهور بن مرارالعَجَلی را با ۱۰ هزار سپاهی برای مقابله و کشتن سندباد اعزام و دو سپاه بین ری و همدان به هم رسیده و در این جنگ نیز سرانجام سندباد شکست خورده به طبرستان گریخت. شاهزاده طبرستان به نام اَسپهبد خورشید پسر عَم خود به نام طوس را به استقبال سندباد فرستاد. متأسفانه برخورد آنها با هم مناسب نبود و سندباد به دست وی کشته شد. سپهبد خورشید از این حادثه بسیار پشیمان و طوس را نفرین کرد.

قیام سندباد جز یک طغیان تند بر ضد خلیفه تازی و جز یک حس انتقام جویی از آدمکشان عرب نبوده گرچه قیام و سرکوبی وی بیش از ۷۰ روز طول نکشید ولی برای کسانی که پس از او بر ضد ستمکاران عرب قیام کردند سرمشق تازه و زنده ای بود.

نمره ترتیب	اسامی	نام پدر	نام خانوادگی	سن	میزان تحصیلاتی که قبل از عزیمت به اروپا کرده‌اند	رشته تحصیلاتی که در خارجه تعقیب می‌کنند	اسم مدرسه و شهر و مملکتی که در آن تحصیل می‌کنند			تاریخ دخول در مدرسه		مدت تحصیلات	اسامی سرپرستان	مخارج محصلین در ماه	ملاحظات
							اسم مدرسه	اسم شهر	اسم مملکت	ایام	ماه و سال				
۱	رضا خان	میرزا عبدالحسین خان	مشایخی	۲۱	۶ ساله متوسطه دارالفنون	مهندسی طرق	اونیورسیته	گان	بلژیک	۱	اکتبر ۱۹۲۶	۳ سال	پوروالی شارژه افرسفارت ایران	۸ ۱/۲ لیره در بروکسل	
۲	رضا خان	میرزا محمد علی خان	صدری	۲۱			گان	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۳	محمد علی خان	میرزا علی اکبرخان	بصیری	۲۱	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۴	احمدخان	میرزا محمد خان	زرافشان	۲۳	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۵	علی اصغرخان	آقا میرزا غلامعلی خان	دهخدا	۲۱	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۶	علی اصغرخان	مخبرالوزراء	دریایی	۲۳	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۷	عباس خان	میرزا رحیم خان	مولایی	۲۰	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۸	خسروخان	غلامرضا خان مخبرالدوله	هدایت	۲۰	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۹	حسین قلی خان	آقای حاجی خان	صدری	۲۲	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۱۰	محمد خان	شیخ محمدعلی بهجت العلماء	بهجت	۲۱	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۱۱	صادق خان	هدایت قلی خان اعتضاء الملک	هدایت	۲۳	" " " "	"	"	"	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۱۲	نصرت الله میرزا	ضیاء الواعظین	دولت داد		" " " "	سال سوم اونیورسیته شارل روا	شال روا	شارل روا	"	۷	مهر ۱۳۰۵	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	این شخص به دلیل عدم استطاعت پیشنهاد آقای شقاقی برای اتمام تحصیلاتش از بلژیک قبول گردید
۱۳	سید محمد هادی	محمد حسن خان	حسام ضیاء		شارل روا			شارل روا	"	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۱۴	صادق خان		عظیمی	۱۹		سال اول **clu trervarre pablices**		پاریس	فرانسه	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۱۵	میرزاعلی خان زاهدی		زاهدی			مهندسی معدن **Naclonale supeiere**		"	"	"	" "	"	سرپرست شاگردان در پاریس	۱۰ لیره	
۱۶	یدالله خان		اسفندیاری			**Specale cles bravouxpublics**		"	"	"	" "	"	میرزا علی خان زاهدی	۸ ۱/۲ لیره	
۱۷	محمود خان		ملایری			**Callige saint Barbe**	"	"	"	"	" "	"		۷ لیره	
۱۸	عبداله خان		دشتی			**Belait Calleige**	"	بلوا	بلژیک	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۱۹	رضا خان	کاویانی	کاویانی						آلمان	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	
۲۰	علاء الدین	وکیلی (جلال الملک سابق)	وکیلی						آمریکا	"	" "	"	" " " "	۸ ۱/۲ لیره	

عکس شماره ۱
درب ورودی صحن حضرت عبدالعظیم





عکس شماره ۲

درب ورودی آرامگاه شیخ صدوق (ابن بابویه)



عکس شماره ۳

بازدید صفی نژاد از دانشسرای راهنمایی تحصیلی مشهد

آقایان حسین نیا – صدیق – صفی نژاد سال ۱۳۵۳ شمسی



عکس شماره ۴

نمایندگان کشور های مختلف در انسیتو برنامه ریزی دهلی نو در سال ۱۹۶۵ میلادی

از سمت چپ عکس صفی نژاد نفر چهارم



عکس شماره ۵

نمایندگان کشور های مختلف در دانشگاه ردینگ انگلستان

و کادر آموزشی در سال تحصیلی ۷۱-۱۹۷۰

صفی نژاد ردیف دوم در سمت چپ نفر دوم